

R.B. ①

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 6 - 1981
CONT. COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271400

۱۹۸۱



Ketabton.com



د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند مرکزی کمیته د عمومی منشی، د انقلابی شورا د رئیس او صدراعظم ببرک کارمل له مخی څخه دوسله وال پوځ د قواؤ د قطعاتو د تیریدلو د پریست یوه منظره .

اختصار وقایع مهمه

د ثور په ۷ نیټه څه د پاسه سل زرو تنو چی د گوند دوسله وال پوځ د ټولنیزو سازمانونو غړی او د کابل نور زیار ایستونکی پکی وو د ثور انقلاب د آزادی دغه جشن او زموږ د هیواد په تاریخ کی د حرکت د ټکی د دریمی کالیزی د نمانځنی له امله په ستر پرتمین او دشمن سوزوونکی مارش کی گډون وکړ او د ژوندی دی وی انقلاب اودغه نسوی بشپړتیا یی پراو هر دی وی امیرالیزم او ارتجاع په نارو سره یی یوځل بیا د هیولا او انقلاب په ساتنه که خپل تړون نوی کړ او د وطن او د ثور دپه شانسه تلونکی انقلاب د ملاتړ او ساتنی په لاره کی یی په سر بندنه کی دخپلی ټینگی ارادی اوسپنیز خنجر وښود .

د ثور د پرتمین انقلاب د بری دریمه کالیزه د ثور په ۷ نیټه د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د میرنی وسله وال پوځ د ځمکنیو او هوایی قواوو څارندوی د قطعاتو په پریست اود کارگرو او بزگرو او د هیواد د دموکراتیکو گوندی پر گنیزو ټولنیزو او ملی قشرونو د سازمانونو په سترواوبی سار ومارشونو او زموږ د سلونو زرو زیار ایستونکو هیوادوالو له خوشی او خوشحالی نه په ډکه فضا کی په کابل او د هیواد په ولایتونو کی ونمانځله شوه د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل د آزاد او خپلواک افغانستان ددی ستړی ورځی د جشن دخوښی د نمانځلو په مراسمو کی گډون وکړ .

په پیشواز سومین سالگرد انقلاب رهایی بخش ثور جلسه فوق العاده شورای انقلابی تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم بعد از ظهر شش ثور ۱۳۶۰ در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی دایر گردید .

جشن ورزشی بمناسبت سومین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور روز ۸ ثور باشکوه و زیبایی خاصی در استادیوم ملی ورزشی کابل بر گزار گردید .

نستان ضمن محفلی در تالار کابل ننداری ازین روز تاریخی و پرافتخار تجلیل بعمل آورد .
حضرت علی کرم الله وجهه دروضی مبارکه جنبه د هزار شریف دگل سرخ دلرغونی میلی له پای ته رسیدو وروسته د ثور ۱۱ نیټه دمهولو مراسمو په ترڅ کی د هزار شریف اود بلخ ولایت د مربوطاتو د زر گونو ښاریانو په تودو احساساتو سره گران هیواد افغا نستان د ترقی او لوړتیا په دعا سره راکښته کړی شوه .

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند مرکزی کمیته غړی د گوند مرکزی کمیته د عدل اودفاع د څانگی مسوول او د انقلابی شورا دریسسه هیات غړی تورن جنرال عبدالقادر د گوند مرکزی

۱۱ ثور روز اول ماه می روز همبستگی بین المللی کارگران جهان بودو شورای مرکزی اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغا- غړی تورن جنرال عبدالقادر د گوند مرکزی



نور احمد نوری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی موقعیکه پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلخ افغانستان رابه مناسبت روز بیسن المللی همبستگی کارگران جهان قرائت می نماید

وزارت ترانسپورت و توریسم جمهوری
 دموکراتیک افغانستان و موسسه پروم ماش -
 اکیسپورت اتحاد جماهیر شوروی روز ۸ نور
 در وزارت ترانسپورت و توریسم عقد گردید .
 قرارداد اشیرجان مزدور یار وزیر ترانسپورت
 و توریسم و چوگونوف مستشار اقتصادی سفارت
 برای اتحاد جماهیر شوروی در کابل امضاء

داکتر فقیر محمد یعقوبی له خوا دښوونی او
 روزنی په مطبعه کی دپتی په پری کولو او
 دکمی په وهلو سره په کار واچول شول .

کارگران جهان لصبه کارگران و کارمندان
 فابریکه خانه سازی قبل از ظهر روز پنجشنبه
 باقطع نوار توسط دستگیر پنجشیری عضو
 بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
 خلق افغانستان و عضو شورای انقلابی افتتاح
 شد .

• • •

• • •

قرار داد خریداری اسکلیت های آهنی

په الکترونیکی توگه دفاتولو دوهمانیو نه



دکتور صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی، منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی
 هنگام ایراد بیانیه در میتنگی که از طرف کارگران و کارمندان فابریکه خانه سازی ترتیب شده بود .

و اسناد آنرا مبادله کردند .

• • •

تصدیق نامه های اولین دوره فارغان کورس
 یکساله فاکولته زورنالیزم انستیتوت علوم
 اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
 افغانستان عصر روز ۱۵ نور ضمن محفلی
 توسط فدا محمد دهنشین عضو کمیته مرکزی
 مسوول شعبه تبلیغ ترویج و آموزش کمیته
 مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عضو
 شورای انقلابی در انستیتوت پوتی تخنیک
 توزیع گردید .

• • •

دچکوسلواکیا دخپلواکی دشیر دیرشمی
 کالیزی درانژدی کیدوله امله دچکوسلواکیا
 دحرفوی او مخکښو عکاسانو دعکاسی آتارو
 نندارتون چی دهغه هیواد دپرمختگونو اونوی
 تهلنی خرگندوی دی د کابل بساروالی په
 سالون کی دتور ۱۴ نیټه پرانیستل شو .

چی هریویی په یوه ساعت کی پنځلس زره
 شپاړس مخیزی فورمی قاتوی دتور ۱۲ نیټه
 دښوونی او روزنی دوزارت دسرپرست پوهندوی
 میلیون و سه صدویست و چهار هزار دالر بیز
 ساختمان ورکشاپ های دوموسسه ترانسپورتی
 در کابل و بندر حیرتان په ارزش بیش از دو

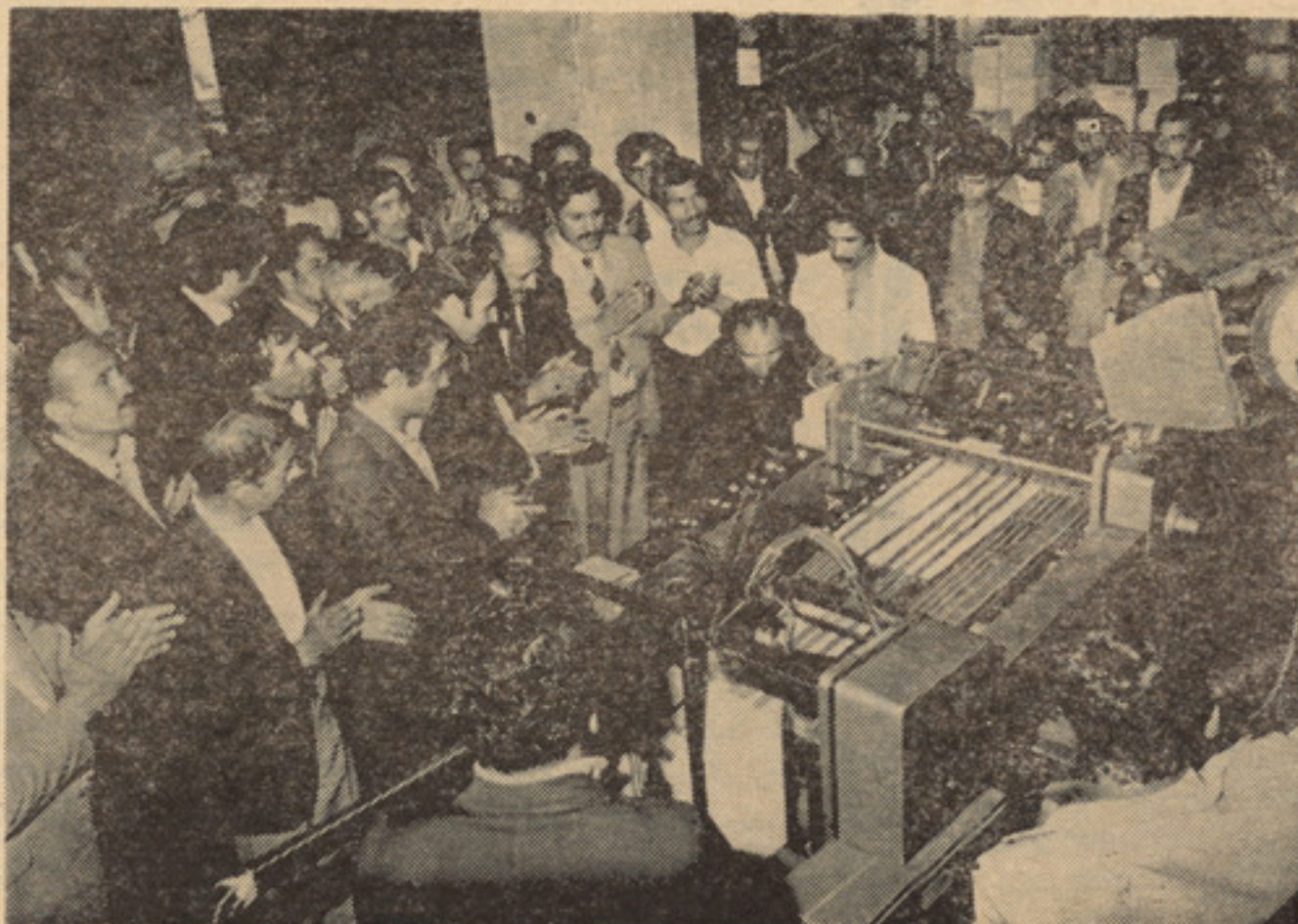
دکانو او صنایعو وزیر دیپلوم انجینیر
 محمد اسمعیل دانش په هاوانا کی دپرمختیایی
 هیوادو د اقتصاد پوهانو دپولتی په دویمه کنفره
 کی له برخی اخیستونه وروسته دتور ۱۴
 نیټه له گرمی وروسته له کیوبا ته هیواد ته
 راغی .

• • •

استادان و محصلان پوهنتون کابل روز ۱۳
 نور طی یک گرد همایی وسیع اعمال خایانه و
 بیشرمانه دشمنان انقلاب رامحکوم نموده انزجار
 و نفرت عمیق شانرا نسبت به نوکران امپریالیزم
 و ارتجاع که با انفجاریک بدر پوهنخی انجبری
 پوهنتون کابل باعث جراثت یکتن از استادان
 و یکتفر از محصلان بیگناه آنجا شده اند ابراز
 داشتند .

• • •

په پیشواز جشن بین المللی همبستگی



دښوونی اوروزنی په مطبعه کی په الکترونیکی توگه دفاتولو دماشین دپه کاراچولو دمراسمویوه منظره .

حزب مانقش اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان را در امر ساختمان زندگی نوین در کشور ما بسیار پر ارزش تلقی نموده و در آینده نیز به نیروی بزرگ اتحادیه های صنفی این دستیار مطمئن خود در مبارزه به خاطر نیل باارمان های انقلاب تور ساختمان جامعه نوین اتکاء خواهد کرد .

«بیرک کارمل»

شنبه ۱۹ ثور ۱۳۶۰ - ۹ می ۱۹۸۱

اول می، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان

روز اول می مصادف به ۱۱ ثور روزین- المللی همبستگی کارگران سر اسر جهان بوده، و همه ساله ازین روز در تمام کشور های جهان تجلیل بعمل میاید . کارگران ، این طبقه دوران ساز که با نیروی بازوی خود با صرف انرژی جسمی و دماغی خود بزرگترین چرخهای ماشین های غولپیکر را بداخل کار گاهها - فابریکه ها و غیره موسسات تولیدی بحرکت آورده و بسرای هموعان خود نعمات مادی را تولید مینمایند مگر خود در شرایط نامساعد اجتماعی (درنظام های استعماری) مورد ستم و استثمار صاحبان وسایل تولید قرار گرفته و حاصل کار و زحمت آنها بحیب سرمایه داران سود پرست و صاحبان فابریکه و کار خانه می رود . و با گرفتن مزد ناچیز و بغور نمیری در حالیکه انرژی و نیروی کار شانرا در معرض فروش شرار میدهند زندگی فلاکتباری را بسر میبرند این شرایط غیر عادلانه کارو استفاده نا برابر از بهره کار و توزیع نامساوی فرآورده های تولیدی باعث بوجود آمدن يك تناقض اجتماعی و تضاد بین طبقه استثمار گر (صاحبان وسایل تولید) از یکطرف و طبقه استثمار شونده (کارگران) از جانب دیگر شده و بارشد وسایل تولید و نیروهای مولده این تضاد عمیق تر و مبارزه طبقه کارگر علیه شیوه استعماری و صاحبان سرمایه حاد تر و شدید تر گردید . مطالعه تاریخ مبارزات طبقاتی ما را بیاد حادثة شیکاگو می اندازد که نقطه عطفی در مبارزه طبقاتی کارگران جهان بشمار رفته و موجب اتحاد همبستگی بین المللی کارگران جهان گردید .

درست ۹۵ سال قبل سی و پنج هزار کارگر در شهر شیکا گوی ایالات متحده امریکا بغاطر خواست های صنفی و حقوق کارگری یعنی کم شدن ساعات کارو ازدیاد مزد های شان دست به تظاهرات زدند و علیه ستم سرمایه و استثمار بی رحمانه صاحبان صنایع عصیان

نمودند که توسط پولیس و دستگاه حاکمه سر- کوپ گردیدند و حادثة المناک و ترازیدی شیکاگو بوجود آمد . در آنجایی که جریان و حرکت تاریخ به پیش بوده به حکم دیا لکتیک تاریخ پدیده های نو رشد یابنده است ، باسر کوپ شدن قیام کارگران شیکاگو جنبش پیشرو کارگران توقف نکرد و تنهاضربات متعدد و متشکل و نیرومند کارگران شیکاگو ، کار فرمایان سود پرست را به عقب نشینی مجبور کرد بلکه برای بار اول در تاریخ امریکا روزانه هشت ساعت کار را قبولاند قیام کارگران شیکاگو يك حادثة تصادفی و زود گذر نبود بلکه جرعه یی بود که بعداً شعله های خشم کارگران را در بسا- کانون های کارگری جهان برافروخت و کاخ های سر مایه داران و استثمار گران را بلرزه در آورد زیرا همین حادثة کوچک بود که سبب اتحاد همبستگی هر چه بیشتر کارگران جهان شده و مبارزات و جنبش های کار گری را علیه بیداد سرمایه نظم خاصی بخشید چنانچه روز اول می در سال ۱۸۹۰ توسط انترناسیو- نال دوم که بنام کنگره پاریس نیز معروف است بحیث روز بین المللی همبستگی کارگران جهان به تصویب رسید و یکسال بعد در کشور امری ایالات متحده امریکا - فرانسه - ایتالیا - اسپانیه - بلژیک - آلمان - اتریش - هنگری - سوئیس - دنمارک و روسیه تزاری و یکسلسله کشور های دیگر برای اولین بار تجلیل گردید و از آن به بعد بحیث يك سنت در همه کشور های جهان روز اول ماه می برگزار می شود مگر کیفیت بر گزاری این جشن در کشورهای مختلف از هم متفاوت است. در کشورهای مترقی ورسته از بند استعمار این روز را بانمایش پیروزی های چشمگیر خلقها و همبستگی آنها جشن می گیرند ولی در کشور های که کار گران در آن هنوز در بند زنجیر ستم امپریالیزم هستند طبقه کارگر و همه زحمتکشان روز اول ماه می را باپیش کشیدن مطالبات و با طرح پروگرام

میدارد .

در این شماره



ارتجاع در عمل رسوا و رسواتر میشود .

آنانکه مرگ میافزینند و آنانکه زندگی را فریاد میکنند .

جرقه ایکه از آن شعله برخاست .

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت کارگران ارج می گذارد .

دهزنگ ماتیری .

سینمای پر محتوی ، واقعیت گرا و انسانی .

موسکا .

با اتحادیه نویسندگان آسیا، افریقا آشنا شوید .

دکارگر دورخی لنبه پیژنده .

کارگران جهان روز اول می را باشکوه مندی خاصی تجلیل می نمایند .

اول ماه می یاروز همبستگی کارگران جهان .

مبارزه دوشیزه قهرمان علیه فاشیسم .

۹ می روز غلبه بر فاشیسم .

شرح روی جلد و متن : صحنه های از مراسم رسم گذشت ۷ ثور می باشد که مردم زحمتکش ما آنرا با شکوه مندی خاصی تجلیل کردند .

پنجاه

ارتجاع در عمل رسوا ورسواتر میشود

آوانیکه انقلاب شکوهمند نور به پیروزی رسید و به حاکمیت جنبی دشمنان مردم آوانیکه قرن ها بر مردم ما بیرحمانه حکم می‌راندند خاتمه بخشید و حاکمیت دولتی به مردم و به نمایندگی از آنها به حزب دموکراتیک خلق افغانستان تعلق گرفت همه دشمنان شکست خورده مردم مادریک صف نامقدس علیه این پیروزی شاندار مردم ما قد علم کردند و دست به توطئه و دسیسه زدند . آنها رادریں عمل غیر انسانی امپریالیزم در پیشاپیش آن امپریالیزم انسان دشمن یانکی و شوونیزم عظمت طلب و مرتد چین یاری می‌رسانید و می‌رساند . امپریالیزم به این هم بسنده نشده و علاوه از توطئه و دسیسه از خارج بر حزب و دولت از داخل نیز با گماشتن نوکران خود دست به اعمال خصمانه زد . امپریالیزم با مامور ساختن امین می خواست این توطئه خویش را به هدف برساند ولی مردم دلیر ، سلحشور و شرافتمند افغانستان همانطور یکه اسلاف امپریالیزم امریکا یعنی امپریالیزم انگلیس را درس عبرت داده بودند با قلع و قمع امین و باندش بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ در سمرت خوبی به امپریالیزم دادند و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پایمردی اردوی دلیر و آزادی بخش افغانستان حزب، وطن و انقلاب را از انحراف و تباهی نجات دادند . امپریالیزم و همدستان بین المللی آن چون دیدند که این تیرشان نیز بی هدف رفت به

تلاش های مذبحانه و هستریک برداختند آنها از هر وسیله کثیف برای رسیدن به اهداف کثیف خویش استفاده کرده و می کنند . در زمینه تبلیغات دروغین از گفتن هیچ نوع دروغ و شایع ساختن هیچ نوع تهمت دروغ نمی‌نمایند . آنها دولت انقلابی و خدمت گذار مردم مسلمان و زحمتکش افغانستان را بشیرمانه دشمن اسلام وانمود می نمایند . در حالیکه خود شان و عمال دست پرورده شان با به آتش کشیدن مساجد ، مکاتب و شفاخانه ها ، پل ها و دیگر مراکز حیاتی ، با گشتار دسته جمعی مسلمانان اعم از زن و مرد و پیر و جوان آنچه را بر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تهمت می بندند خود در عمل اجرامی نمایند چه بسا خانواده ها که داغ از دست دادن عزیزان خویش را چه در اثر سلطه جنبی امین این نوکر و جا سوس امپریالیزم و چه در نتیجه رهزنی ها و شبخون زدن های عناصر صادر شده از خارج و تربیه شده در کمپ های ساخته شده و مجهز شده از جانب امپریالیزم ، برد ل دارند . هموطنان ارجمند ما پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب نور شاهدان گویای اعمال غیر انسانی دشمنان مردم هستند . ترور و ایجاد وحشت در هر گوشه کشور که در نتیجه اعمال غیر انسانی ارتجاع سیاه بدستاری سادات ها، فساء ها و بیگین ها براه انداخته شده میشود گوشه ای از فعالیت های ضد انسانی

دشمنان انقلاب افغانستان است . مسموم ساختن دسته جمعی جوانان و نو جوانان دانشجویی ما که طی سال گذشته همه خانواده هارا ناآرام و سر سام ساخت سند گویای دیگر یست مبنی بر محکو میت عناصر سیاهکار ضد انقلاب و ضد مردم افغانستان . اینک ارتجاع و امپریالیزم به سلسله اعمال تبهکارانه خویش دست به عمل شنیع و غیر- انسانی دیگری زدند . چنانچه در این او اخر عناصر فروخته شده و مردم دشمن با کار گذاشتن بمبی در دهلیز پوهنخی انجنیری پوهنتون کابل سبب زخمی شدن و بخون غلطیدن دو انسان یکی استاد و دیگری محصل گردید و محیط آرام دانشجویی و علمی پوهنتون را برهم زده و ناآرامی و وحشت ایجاد نمودند . آیا سند گویای دیگری هم ازین گویا تر- خواهد بود که ارتجاع این دشمنان مردم و انقلاب ما را محکوم سازد ، ما قضاوت می‌کنند .

مسوول دولتی آن کشور خیره سرانه و بشیرمانه ادعا می‌کنند که گویا اردو گاه صلح و ترقی حامیان تروریزم جهانی هستند ؟؟ اینک در عمل به اثبات رسید که این- امپریالیزم و مقدم بر همه امپریالیزم انسان دشمن یانکی این تحریک تشجیع و صادر کننده عناصر ضد انقلاب به خاك مقدس مبین ماعامل و فاعل اصلی تروریزم و دهشت افگنی میباشد . اگر غیر اینست عمل بشیرمانه اعمال امپریالیزم امریکا در پوهنخی انجنیری پوهنتون کابل چیست ؟ آیا غیر انسانی ترین عمل در قبال انسان و انسانیت نیست ؟ مردم ما برای العین می بینند که ارتجاع در آخرین مرحله حیات ننگین خود و برای به هدف رسیدن (که هرگز نخواهد رسید) از کثیف ترین و غیر انسانی ترین اعمال استفاده می‌کنند .

کارگران قهرمان کشور :

درواه تحقق آرمانهای طبقه کارگر در راه تطبیق بر نا مه حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت اعمار یک جامعه پیش-رفته - مترقی - شگوفان و فارغ از هر نوع ستم و استثمار بر زمین .

را به مردم این- حامیان و وطن و انقلاب افغانستان و به بشریت سراسر جهان می‌گذاریم . دیگر ارتجاع و امپریالیزم جرات آنرا نخواهد داشت تا مانند همیشه ادعای دروغین دفاع از اسلام و آزادی را بنماید . علاوه امپریالیزم ایالات متحده و مقامات امپریالیزم ولی درخت تنومند انقلاب ما ، مردم ما چون کوه سنگین ازین باد ها بخود نمی لرزد و در آینده نه چندان دور ما شاهد نابودی و محو کامل ضد انقلاب این جانیان و آدم کشان خواهیم بود . زنده باد مردم ما . سرنگ بر ارتجاع و

پیروز باد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان سراسر جهان که در راه صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی برضد استثمار جورانه می‌زنند



برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی هنگامیکه به سوالات خبرنگار ژوندون پاسخ میدهد .

از : ر . در یا

آنان که مرگ میآفرینند و آنانکه زندگی را فریاد میکند

قسمت دوم

گفت و شنودی کاملاً اختصاصی با برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی که در نوع خود بیسابقه است و به تمامی پرسش‌های شما در زمینه‌های جلب و احضار نحوه عمل و کار برد و مسایل مربوط به جبهات جنگ و تسهیلات و دشواری‌ها در این مساله و چگونگی تاکتیک‌ها و نتایج آن ، پاسخ میدهد .

• • •

شما در شماره پیش خواندید چه انگیزه‌هایی در مجموع موجب گردید که عوامل ضد انقلاب بگویند از بالندگی انقلاب و رشد و باروری دست آورد‌ها پیش در مرحله‌نوین تکاملی آن جلوگیری شوند و چگونه در این اهداف شوم خودناکام ماندند و دسته‌های بزرگ و تربیت دیده‌نظامی انسان به گروه‌های کوچک تبدیل شدند که قدرت مبارزه رو یارویی را با پاسداران انقلاب ندارند و اینک دنباله این گفت و شنود جالب - به صورت فشرده یک نظر کلی دیگر در مورد نحوه عمل کرد قوای مسلح و دیگر قوای امنیتی در مبارزه برای سرکوبی دشمن در تمام جبهات و با الخصوص در

مرحله نوین تکاملی انقلاب صدق میکند و قابل تأیید است ، در آن دوره پر از اختناق، ترور و وحشت که هرگز نه مردم مضرح بودند و نه منافع مردم و نه هم‌جنسیت و آدمکشی در اندیشه‌آمین و با ندادن او عمل غیر انسانی به حساب می‌آمد و آنچه که به عنوان یک ارزش و ضابطه قطعی وارد پذیرش قرار داشت حفظ منافع شخصی و اجرای دستورات امیر یا لیست‌ها بود بارها اتفاق می‌افتاد و گاه هر روز تکرار می‌گردید که در محلی یک فیر به وسیله اعمال ضد انقلاب صورت می‌گرفت و آن محل بدون در نظر داشت مسکون بودن آن و بی آنکه ذره‌یی حس انسانیت و انسان دوستی و با احترام به اساسات حقوق بشر مضرح باشد به توپ بسته می‌شد ، تانک‌ها آتش می‌گشودند و حتی بمباردمان‌ها آن محل را به ویرانه‌ای بدل می‌کردند که همه این اعمال صرفاً به خاطر بدنام ساختن اندیشه پیشرو و منحرف ساختن مسیر انقلاب از جهت اصلی آن و در نهایت گسستن پیوند‌های میان حزب و مردم صورت میگرفت ، امام‌سوولانه بشما می‌گویم بعد از تحول شش‌جدا ۵۸ و مرحله نجات مردم و انقلاب حتی یک مورد هم وجود ندارد که در برخورد‌های قوای امنیتی با دشمنان انقلاب صدقه‌هایی به مردم بیگانه و عذاب‌کشیده و بلا دیده وارد آمده باشد و به ندرت می‌توان واقعه‌یی را نشان داد که در آن به صورت اشتباهی و اجتناب ناپذیر یک یا دو نفر زخمی و یا معدوم شده باشند چه مرحله نوین تکاملی انقلاب به همان پیمانها که در برخورد‌های خود با ضد انقلاب جدی و آشتی ناپذیر است در حفظ منافع مردم و پیوند‌های شان با حزب ، دولت ، انقلاب و رفع بیداد و مظلومیت از زندگی شان نیز ثابت قدم می‌باشد .

مناطق مسکونی ده و شهر این است که تعدادی از وابسته‌گان ضد انقلاب در پس دیوارها ، بام‌ها و جاهای دیگر از این مانند سنگر می‌گیرند و در فرصت مناسب به جنایت دست می‌زنند . آیا از نظر شما امکان ندارد تجاوزی سزوی گرفته شود که در این گونه موارد و برخورد‌ها مردم آسیب نبینند و فقط دشمنان انقلاب و مردم دستگیر و یا سرکوب گردند ؟

این نظر در مجموع خود در پیش از

به عنوان مثال از حادثه دوم و سوم حوت سال ۵۸ در شهر کابل یاد آور می‌گردم اتحاد نامقدس دشمنان انقلاب به گونه‌یی در آن روزها پلان‌های خود را به طرح آورده بودند که با استفاده از اعتقاد راستین و قابل احترام مردم و مسخ واقعیت‌ها و القای مفاهیم دروغین در ذهن‌شان شورش بزرگ را به عمل پیاده کنند و در کابل در بای خون برآندازند که رهبری عالمانه و دایهانه حزب ، هو شیاری و واقع

پروژه سیاست خارجی صلح جویانه افغانستان انقلابی

وگاه از گاه کوه می سازند ، اما مسئله این است که چه ضرورتی این هیات ها را وادار میکند در خانواده ها تشویش ایجاد کنند و باجرا به صورت مستند مقامات امنیتی و قوای مسلح با دلایل مشخص آنها را در این گونه مسایل حل نمی کنند ؟

قانون گذشته مکلفیت عسکری که سال ها پیش در شرایط استیلای ضوابط غیر مترقی وضع شده بود به صورت قطع جوا بگوی نیاز مندی های شرایط انقلابی نمی توانست باشد و بر همین اساس بود که طرحی تازه برای یک قانون مترقی و متوافق با روحیه انقلاب تهیه و به وسیله وزارت دفاع ملی به مقامات مسئول حزب و دولت پیشنهاد گردید که بعد از چندین دوره بحث و مطالعه روی آن و یک نظرخواهی همه جانبه از هیات های حقو قدا نان بر جسته کشور و نظرداشت تمام مسایل مربوط به و جایب انقلابی افراد ، دفاع از دست آورد های انقلاب ، حفظ تمام حقوق و پرنسب های عسکری بر اساس میتود های مترقی و ضرورت ها و نیاز مندی های شرایط انقلاب مسرود تصویب منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان قرا گرفت .

در این قانون بدون شك علاوه از درک نیاز مندی های خاص شرایط انقلابی کشور تمام پرابلم ها و مشکلات خانواده ها هم به پیمانه بسیار وسیع و گسترده در نظر گرفته شده است ، چنانکه تسهیلات فراوان برای فامیل ها ، محصلان ، استادان ، متعلمین و دیگر اقشار و گروه های ملیت های افغان در آن انعکاس دارد ، اما با توجه به اینکه ضد انقلاب با استفاده از انواع توطئه ها ، دسایس ، دروغ پراکنی ، مسخ واقعیت ها و وارونه جلوه دادن حقایق سعی می کند به وسیله وسایل ارتباط جمعی کشور های امپریالیستی و ارتجاع داخلی و منطقه ذهن خانواده هارا مشوش گرداند و اردوی قهرمان ما را از جوانان آگاه و مستعد به خدمت سر بازی تپه گر داند و در این راه تلاش فراوان نیز به عمل می آورد تدابیری گرفته شد که در پهلوی جلب و احضار عادی به صورت جبری نیز به احضار کسانی نیز مبادرت گردد که نظر به دلایل بازگو شده از خدمت مقدس عسکری خود را کنار می کشند .

حتمی می انگاشتنند ، اما آنان مثل همیشه در این مورد هم نادان و ناتوانا بودند چه قوای امنیتی کشور کاملاً بیدار ، هوشیار و آگاه بود یک پارچگی و وحدت شکست ناپذیر داشت و تدابیری را به عمل آورد که هر روز ساحة عمل برای دشمن تنگ و تنگ تر گردید ، باز هم مثالی می آورم دشمنان انقلاب پیش بینی های فراوانی داشتند که در دوم و سوم حوت سال ۱۳۵۹ به اصطلاح سالگرد حوادث حوت سال ۵۸ را برگزار کنند ، یعنی حادثه بیافزینند ، آرامش را بر هم بزنند ، امنیت را مختل گردانند و در نهایت شرایطی را به وجود آورند که عده بی را فریب دهند و به دنبال خود بکشانند و ظاهراً چنین جلوه دهند که پیوند حزب و دولت با مردم پیوندی عمیق نمی باشد که با تدابیری که هیات رهبری حزب به عمل آورد حتی امکان پیاپی شدن یکی از این اعمال شیطانی هم بعمل برای شان میسر نشد و در تمام ولایات کشور هم وضع بر همین منوال اداره گشت ، معنی همه این حرف ها این است که قوای مسلح در شرایط مرحله نوین انقلاب مرحله نجات انقلاب و مردم با قبول همه مشکلات فداکارانه و جانبازانه در خدمت مردم است و به هیچ قیمتی اجازه نمی دهند آرامش و آسایش توده ها سلب گردد .

تعدادی از خانواده ها ادعا های بی دارند در این زمینه که گو یا خلاف قانون جدید مکلفیت عسکری که در آن سن شمول به خدمت مقدس سر بازی به صراحت روشن گردیده است ، هیات های موظف و وزارت دفاع ملی از نقاط مختلف شهر و مراکز ازدحام مردم به جبر جوانانی را جلب می کنند که به سن قانونی شمول عسکری نرسیده اند ، از آن گذشته بعد از جلب این جوانان ما مدت ها خانواده های آنان از سرنوشت فرزندان خود بی خبر می مانند ، در این شکی نیست که وسایل ارتباط جمعی کشور های دشمن انقلاب افغانستان در این زمینه ها دروغ پردازی های فراوان دارند

در نظر داشته باشیم که تمام انقلاب های ملی و مترقی تا مدتی مورد تخریش ، تجاوز ، توطئه و دسایس دشمنان ضد آزادی انسان به مقبوم و وسیع و گسترده آن قرار می گیرند که انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان و بالخصوص مرحله نوین تکاملی آن که در حله نجات انقلاب و مردم می باشد هم نمونه بی است از این مانده ، به این سوال توجه کنیم که دشمنان انقلاب کی ها می باشند ، چه می خواهند و چه آینده ای را برای مردم بلادیده ما در نظر دارند ؟ آنها در مجموع تسلط همان شرایط و ضوابطی را آرزو دارند که در جریان دهه ها و سده ها در این کشور حاکم بوده و گرسنگی ، فقر ، بیماری ، بیسوادی ، استثمار های گوناگون و استثمار را در قالب های نوین و کهنه به مردم هدیه داده و اوضاعی را مورد حمایت قرار داده بوده است که در جامعه همیشه یک اکثریت بزرگ تمام حاصل کار و تولید خود را در اختیار طبقات زور مند قرار دهند و در یک کلام گروهی از گرسنگی بهیرند تا فردی بتواند از سیری بترسد ، انقلاب مسرود مانند هر انقلاب ملی و مترقی بر همه این مظاهر و پدیده های غریب و گراسته خط بطلان کشید ، خیلی طبیعی به نظر می آید که همه آثانی که امتیازات غیر انسانی شان مورد تهدید قرار گرفته با حمایت کشور های داری روجیه امپریالیستی در برابر ضوابط تازه و شرایط نوین اسلحه بدست گیرند و داخل ستیز گردند ، اگر این گونه تخریش ها در مراحل اولی تحول شش جندی افزایش یافته باشد فقط یک سبب دارد و آنهم اینکه دشمنان انقلاب دریافته اند که این دولت مردمی است هدفی جز حمایت کامل از رنجبران و توده های وسیع زحمتکش کشور ندارد و با هزاران رشته ناگسستگی خود را با مردم پیوند می دهد ، بنا برین آنان آخرین تلاش های افتضاح آمیز خود را به عمل آوردند ، آنان در این تصور خام بودند که از دوی ما همان اردوی از هم پاشیده دوره امین است و به همین دلیل و قیقت خود را

بینی قوای امنیتی در مجموع موجب گردید که بی هیچ تلفات قابل توجهی مردم خود را واقعیت ها را درک کنند و نقاب ها از رخ دشمنان مردم و انقلاب کنار رود در حالیکه اگر در این حادثه مردم و منافع مردم و درک این مسئله که خیلی از شهریان فقط بغاظر ارضای حس کنجکاوی خود با افراد ضد انقلاب درجاده های شهر براه افتاده بودند مورد نظر نمی بود و قوای مسلح از بردباری و حوصله کار نمی گرفت شما خود میتوانید درک کنید که چه امکانات و وسیعی برای تلف شدن یک عده بیگناه وجود می داشت ، قوای مسلح در آن روزها تا آخرین لحظاتی که از نظر حفظ امنیت جان و مال مردم امکان داشت حتی به فیر یک مرمی اقدام نکرد و آگاه هم که این امکان از میان رفت فیر فقط در مقابل کسانی میشد که اسلحه بودند و از اسلحه خود عملاً استفاده می بردند و نه کسانی که در صفوف ضد انقلاب موقف تماشاگرانه داشته و کنجکاوی آنان را به جاده ها کشانده بود .

در خیلی از ولایات ، شهر ها و روستا ها افراد وابسته به گروه های گوناگون ضد انقلاب با زور و جبر و تهدید از تاجران و دکانداران پول های هنگفت می گیرند و با وادار شان می سازند که با اعتصاب گونه هایی در کان های خود را مسدود سازند که اگر این دستورات به وسیله مردم بعمل پیاده نگردد بعدا جان و مالشان به خطر می افتد ، دکان ها و خانه های شان به آتش کشیده میشود و تامین خانواده گی و اجتماعی شان مورد تهدید قرار می گیرد و اما اگر به اجبار وادار به پذیرفتن و به کار بستن این دستورات شوند مورد تحقیق و بازخواست مقامات امنیتی قرار می گیرند و مدت ها می گذرد تا بیگناهی شان ثابت گردد ، شما در این زمینه چه نظری دارید و از دیدگاه شما چگونه می تواند این امکان به وجود آید که مردم بتوانند از گزند دشمن در این گونه موارد در امان باشند و بی اعتنا به دستور های دشمنان انقلاب بتوانند بکار و کسب خود دوام دهند ؟

این نکته را در این بررسی باید

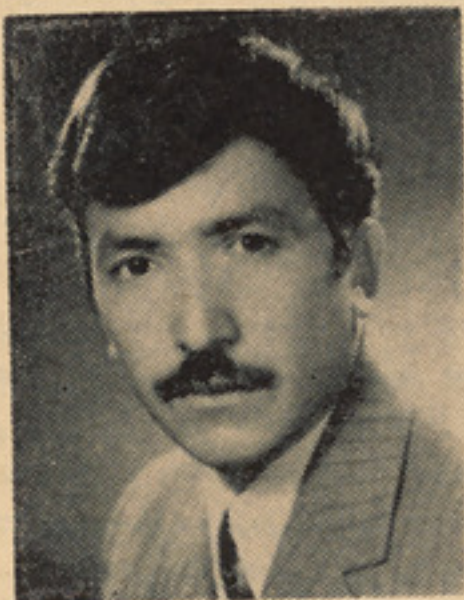
کارگران مهین! صفوف تا ترا بخاطر اعمار جامعه نوین فشرده تر سازید

به مناسبت روز اول می

از: س. ر. هاشمیار

ادامه کار و پیکار تا:

تحقق کامل آرمان‌های والای انقلاب



احمدالدین رئیس اتحادیه عکاس های
شهر کابل

است و از مجموع آن چند نفر عضو اتحادیه
میشوند، میگوید:

«مادر کابل سیصدوپنجاه عکاس داریم
که از این جمله دوصدویست نفر انسان
تاکنون عضویت اتحادیه را پذیرفته اند.»
او که یک سفر ۱۸ روزه نیز به تاشکند داشته
است در این مورد که از نظر او چه علتی
وجود دارد که از شمار ششصد نفر سلمانی
صرف هشتاد نفر عضو اتحادیه میشوند اما
اکثریت عکاسان در عضویت اتحادیه خود
در آمده اند، میگوید:

«ما به هیچوجه اصناف را وادار نمی‌کنیم
که به جبر واکراه عضویت اتحادیه را قبول
کنند، بلکه صرف آنان را تشویق به این

کار می‌کنیم و منافع عضویت داشتن را بیان
میداریم به این سبب فیصدی عضویت در هر
صنف به تناسب تعداد کاسبان آن فسر ق
میکند ولی مایقین داریم در مدت اندک تمام
کسبه شهرطور داوطلبانه به عضویت اتحادیه
ها در خواهند آمد، چه آنان می‌بینند که
اتحادیه هیچ باری را به دوش شان نمیگذارد
بلکه در پی آن است که مشکلات شان در
ساحه کار رفع گردد و صاحب پیشش و اندیشه
و آگاهی سالم نیز بگردند.

رئیس اتحادیه عکاس ها در پاسخ به
پرسش دیگر در این زمینه که از نظر او تجلیل
از روز جهانی کارگر چرا صورت میگیرد،
میگوید:

«اگر کار نباشد زندگی نیست، پس جای
دارد روزی را به ارج کار و کارگر اختصاص
دهیم و مقام والای آنرا بشناسیم و بشناسانیم،

برنا که رئیس اتحادیه صنفی صنایع
چرمگری است و خود نیز حرفه اش همین

تشکل خود را در عمل پیاده کنند، میگوید:
«در شرایط انقلابی وجود اتحادیه ها برای
جلوگیری از تأثیر سوء دروغ‌پردازی های کشور
های امپریالیستی یک ضرورت مبرم است،
چه از این طریق مامیتوانیم آگاهی لازم را در
اختیار اعضای اتحادیه ها قرار دهیم، به آنها
آموزش سیاسی دهیم تا با چشم باز و ذهن روشن
فضایا را تحلیل کرده بتوانند از سوی دیگر
نیز وجود اتحادیه ها موجب میگردد که مشکلات

کارگران رزمنده و قهرمان افغانستان! تحکیم دوستی تان با کار
گران و زحمتکشان کشور های سوسیالیستی در راس اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی ضامن پیروزی انقلاب شما است.

عمومی در یک زمینه خاص علما مورد تحلیل
قرار گیرد و عوامل به وجود آورنده آن از میان
برداشته شود در حالیکه به صورت انفرادی
ممکن نیست چنین عمل کردی داشت، به صورت
خلاصه عرض کنیم که اتحادیه ها خواه در محدوده
یک صنف و خواه در مسایل مربوط به دهقانی
و یا کارگری چون میتوانند ضامن منافع عمومی
باشند و نقش آگاهی دهنده نیز دارند و وجود
شان در پیشبرد امور مربوط، جلوگیری از
اشتباهات و به وجود آوری یک نظم در کار
بسیار مفید و با ارزش است.»

به قول رئیس اتحادیه سلمانی های شهر
کابل فعلا ششصد سلمانی در کابل فعالیت
دارد که از این شمار بیش از هشتاد آن
عضو اتحادیه میشوند.

احمدالدین رئیس اتحادیه عکاس های شهر
کابل دومین کسی است که در این بحث با
اوبه گفت و شنود می‌نشینیم، او در پاسخ
این پرسش که تعداد عکاسان شهر کابل چند

به گفتن عاید اکتفا کرد و از تاریکی بسوی
روشنی و از شب به سوی صبح گام برداشت.
مادر این صفحات باگفت و شنود های کوتاه
و فشرده ای که باجندن از رؤسای اتحادیه های
صنفی داریم میکوشیم به پیشواز روز جهانی
کارگر نظرات شانرا پیرامون مسایل مربوط به
اتحادیه ها، کار و ضرورت آن در این روند و
نقش اتحادیه ها در زمینه های اجتماعی انعکاس
دهیم.



عبدالحفیظ رئیس اتحادیه سلمانی های
شهر کابل

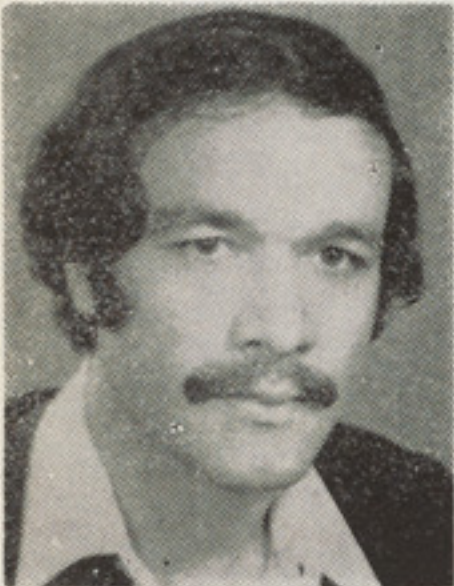
عبدالحفیظ رئیس اتحادیه سلمانی های
شهر کابل که در این اواخر سفر چهل و پنج
روزه بی نیز به کشور بلغاریا داشته است
وقتی در برابر این پرسش قرار میگیرد که از
نظر او اتحادیه های صنفی و کارگری چه
مفیدی دارند و چگونه میتوانند اهداف اصلی

اری برای یک جامعه تازه ازبند های گوناگون
استثمار های طبقاتی رسته، که سالار منشی
حاکم در آن، سده های فراوان از رشد همه
پدیده های فرهنگی و اقتصادی در میان رنجبران
وزحمت کشان میلیونی آن مانع گشته است
باید کار کرد و به پیکار ادامه داد، کار تا آنجا
که منجر به بالاروی سطح تولید و عاید ملی در
حد نیازمندی های انسانی یک جامعه بسوی
انکشاف سریع روان شده بتواند و پیکار تا آن
مرحله و مقطع زمانی که تولید و توزیع عادلانه
ونفی ارزش های استثماری و استعماری همه آن
شرایط را در خود بشوید که نمره کار رنجبر و
زحمت کش غارت نگردد و پول نان و لباس و
ادویه میلیونی ها انسانی که بام تا شام کار
میکند و عرق میریزند اما جز فقر و بیماری و
گرسنگی و بیسوادی و برهنگی ندارند صرف
عیاشی ها و شب زنده دارها و هوسرانی های
گروه اندکی گردد که زیر نام طبقه ممتاز همه
امتیازات را برای خود میخواهند و باداری و
سالاری را حق آسمانی خود تلقی میکنند.

جامعه ما اکنون چنین ارزش های غیر عادلانه
و غیر انسانی را به دور ریخته است و با امید
به شگوفایی آینده، آینده که رفاه همگانی را
بدون امتیاز های طبقاتی تضمین میکند به پیش
روان است و در این مرحله از زندگی ملی است
که مایش از هر زمان دیگر به دست و بازوی
توانای کارگر خوددوبه هم بستگی شکست -
ناپذیر خود نیاز داریم تا دست جهانخواران
را از منافع حیاتی ملی خود کوتاه سازیم،
اسارت هارا و استثمار هارا از میان برداریم،
استعمار را باجنگ و دندان خونین آن درسی
دهیم که دهه هایش از این داده بودیم و بعد
به روشنایی و سبیدی سلام گویم و آنرا و ارزش
های آنرا در جامعه خود جاودانه سازیم. این
است نیاز ما و این است پیام مادر شرایطی که

همگانی را ندارد و به همین جهت ازدل و جان زحمت کش کشور ما این را نیک میدانند که دولت مردمی ما هدفی جز آسودگی و رفاه آنرا یاری میدهد و حمایت میکند .

مادر شانزده سینمای شهر کابل چهارصد و دوازده تن کار گرداریم که همه عضو اتحادیه میباشند و به عضویت خود مباحثات میکنند . حکیم رحیم رئیس اتحادیه سینماهای شهر کابل بعد از ابراز مطلب بالا اضافه میکند : - به اجازه شما در مورد روز جهانی کارگر و چگونگی تجلیل آن در گذشته و در حال یک مطلب رابه گفته های رفقا اضافه میکنم و آن اینکه در گذشته تجلیل از این روز نیز مانند همه کار های دیگر شعاری و تبلیغاتی بود -



حکیم (رحیم) رئیس اتحادیه سینما های شهر کابل

یعنی اینکه در عمل هیچ گونه اقدامی برای رفاه و آسوده حالی کارگران صورت نمیگرفت اما در گفتار شعار پشت شعار داده میشد و دروغ پشت دروغ قطار میگردد در حالیکه اکنون این طور نیست مسایلی به گفتن بسنده نمیگردد بلکه بیشتر گوشش این است که کم گفته شود و زیاد عمل گردد چنانکه ما دیدیم که در مدت اندکی که از پیروزی انقلاب و بالخصوص مرحله نوین تکاملی آن میگردد ده ها پروژه و برنامه به نفع کارگران در عمل پیاده شده در مجموع رفاه کارگران رابه پیمان وسیع تامین کرد اما حتی يك صدم دوره های گذشته نیز در این زمینه ها شعار داده نشد و همین است که اعتماد مردم هر روز بیشتر به حزب - دولت و انقلاب جلب میگردد و همه ازدل و جان از آن حمایت میکنند .

غلام ربانی فورمولی معاون اتحادیه پسرده سرروشان شهر کابل است و یکبار موفق شده برای مدت پانزده روز از طرف اتحادیه عازم تاشکند ، سمرقند و چند شهر دیگر اتحاد شوروی گردد - سفرهای غیر رسمی فراوانی نیز به هند - پاکستان ایران و عراق داشته است .

بقیه در صفحه ۵۵

کارگران و زحمتکشان افغانستان ! صفوف رز منده خویش را همه جا نبه گسترش دهید، فعالیت تولیدی و اجتماعی خود را به نفع مردم افزایش بخشید. زنده باد اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان .



حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل

حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل است و به قول او از سیصد و پنجاه زرگر تاکنون دو صد و نفر آنان به عضویت اتحادیه در آمده اند نیز پیرامون مسایلی مربوط به کارسازگری و کار فرما روز جهانی کارگر گفتنی هایی دارد، او عقیده اش را اینطور ابراز میدارد که :

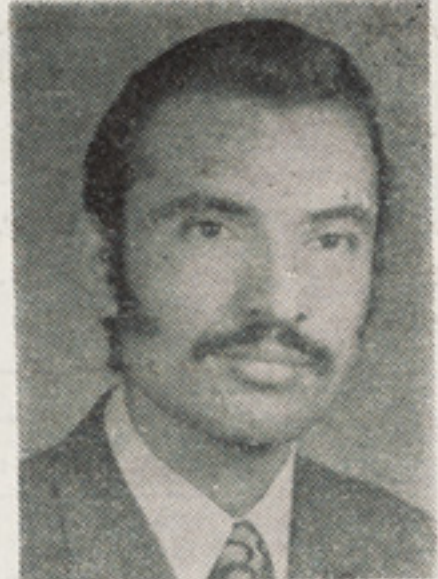
- در پیش از انقلاب نور علاوه از اینکه کارگران در بدترین شرایط ممکن زندگی داشتند باز هم باتوجه به اینکه وطن و مردم وطن نیازمند کار آنان است میکوشیدند با قبول هرگونه رنج و زحمت و ظایف خود را به انجام آورند اما آنجا که در آن دوره ها نظام های حاکم هرگز آرزو نداشتند که کشور ما از نظر تولید متکی به خود گردد نه تنها برای امور مربوط به کاروکارگر تسهیلاتی بوجود نمی آوردند بلکه به نحوه های مختلف نیز میکوشیدند که مانع رشد و انکشاف صنایع ماگردند ، از همه اینها که بگذریم باید در روابط میان کارگر و کارفرما در آن زمان نظری بیندازیم چه کار فرمایان در دوران استبدادی گذشته خود را مالک جان و زندگی کارگر میبنداشتند و رویهشان در برابر این رنجبران اهانت آمیز و برافز تحقیر بود که بسه همین علت نیز روحیه کارگر ضعیف میگردد و مقدار زیادی از توانایی کار را از دست میداد . او علاوه میکند : اکنون کارگر ، رنجبر و

وفتی عبدالوکیل با این سوال روبرو میشود که چه تفاوتی در موقف کارگر و نحوه کار تولیدی در پیش از انقلاب با زمان بعد از پیروزی انقلاب وجود دارد، جواب میدهد : - «در آن زمان کارگران ماهیچ نوع تامین در محیط کار خود نداشتند ، حق شان تلف میگردد و در بدل کار فراوان دستمزد اندک به آنان داده میشد، محیط کار نیز از نظر صحتی خوب نبود، در حالیکه اکنون ما شاهدیم که گام های مثبت فراوان در جهت تامین زندگی کارگران برداشته شده است ، حقوق شان افزایش قابل ملاحظه یافته و همچنین امتیاز هایی که سابقا میان آنان و ماموران وجود داشت از میان رفته است که به همه این دلایل اکنون کارگران ماباکار بیشتر و صادقانه تر خود میکوشند هر روز سطح تولید خود را بلندتر ببرند و از این راه برای مردم



عبدالوکیل رئیس اتحادیه صنفی حکاکان و حجاران شهر کابل

خود مصدر خدمت بیشتر گردند و در مجموع سطح عاید ملی را افزایش دهند . عبدالوکیل ضمن اینکه روز جهانی کارگر رابه همه کارگران و رنجبران سراسر جهان و کشور ما تبریک میگوید در آرزوی این است روزی برسد که ما بتوانیم نیازمندی های جامعه خود را با تولید داخلی کاملا رفع سازیم و ضرورت توریید فرآورده های خارجی کاملا از میان برود ، اوبه هموطنان توصیه میکند بکوشند تاجای ممکن تولیدات داخلی را مورد حمایت خود قرار دهند تا فابریکه های ما بپا ایستاده شوند و این امکان به وجود آید که مقدار تولید و همچنین کیفیت تولیدی خود را هر سال بیشتر و بهتر از سال پیش بسازند.



برار رئیس اتحادیه صنفی صنایع چرمی

است در مورد روز جهانی کارگر و ضرورت تجلیل از آن در یک سطح جهانی میگوید : - این کار در پهلوی اینکه نشاندهنده ارج گذاری جوامع انسانی به مقام کاروکارگر است و میتواند همگان رابه کار بیشتر، تولید بیشتر و خدمت بیشتر به مردم تشویق کند باتوجه به اینکه روزنامه ها، مجلات و رادیو ها نیز در همه جا پیرامون رابطه میان کارگر و کارفرما بحث میکنند به حقوق و وجایب خود بیشتر آگاه میگردد و همین موجب میگردد که در بر انداختن شرایط و انگیزه های استثماراری پیشگام باشند و از منافع اکثریت رنجبر و زحمت کش در جامعه خود دفاع کنند. برنا در جای دیگر از سخن خود این طور ابراز عقیده میکند که حتی باید در کشور ما هفته کار و کارگر اعلام گردد و در آن از مردم دعوت شود که با کار دست جیبی و داوطلبانه خود در امر بازسازی کشور سهیم ارزنده تر گیرند و کارگران نیز در این هفته خاص نمایشگاه هایی از نحوه کار و تاثیر آن در امر تولید بیشتر دایر سازند .

ما فعلا در شهر کابل نود و هفت نفر حکاک و حجار داریم که خوشبختانه همه آنان عضو اتحادیه صنفی حکاکان و حجاران میباشند و با آگاهی تمام وجایب و وظایف خود را به انجام می آورند . این گفته ها از عبدالوکیل رئیس اتحادیه صنفی حکاکان شهر کابل است که خود نیز در این فن هنری مصروفیت دارد .

نیکرغه دی وی دی د لومړی نیتی دکارگرانو د بین المللی پوښتون جشن!

بمناسبت اول ماه می :

جرقه ایکه از آن

شعله بر خاست

اسمعیل محشور

وزمندگان اتحادیه های صنعتی جمهوری دموکراتیک افغانستان! در راه تطبیق تصامیم او لیس کنگره خویش مجدانه پیکار نمائید. ابزار تولید را بصورت شایسته و موثر بکاربرید - باکار بیگیر و سازنده سطح تولید را افزایش بخشید در راه بهبود شرایط کار مساعی بخرج دهید. زنده باد اتحادیه های صنعتی جمهوری دموکراتیک افغانستان.

در دوران سرمایه داری چون طبقه کارگر بماند لوگو موتیف جامعه و طبقه تحت ستم ر استثمار است روحیه رزمندگی و تشکل این طبقه تحت رهبری پیش آهنگ سیاسی آن منتج به بیان آمدن رژیم میشود که در آن استثمار انسان از انسان وجود ندارد.

اولین جرقه های مبارزه طبقه کارگر علیه نظم ظالمانه سرمایه داری از مبارزات اقتصادی طبقه کارگر علیه سرمایه دارو بخصوص برای محدودیت مدت کار روزانه آغاز یافت (مدت کار روزانه یعنی ساعات کار یکروزه کارگر) سرمایه داران برای مبارزه علیه این خواست بر حق کارگران علاوه از اجبار اقتصادی از قوت دولتی که در کشور های سرمایه داری بدست سرمایه داران است نیز استفاده کرده و می کنند.

بقیه در صفحه ۱۹

سازندگان واقعی انقلاب نو رو هر حله توبین آن شما نید! بیاید بخاطر تحقق آرمانهای آنها در صفوف رزمنده های جبهه ملی پدر و وطن متحد شویم!

فرخنده باد جشن اول ماه می - روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان.

تا روز در صدد آنست تا برای ارضای حرص و آرزو منفعت خویش هر چه بیشتر و با ابعاد گسترده تر کارگران را استثمار نمایند و درین زمینه از دیاد مدت کار روزانه می توان این هدف سرمایه داران را بهتر تامین نماید، یعنی با طول ساختن مدت کار روزانه و محدود ساختن مقدار مزد به نفع خویش می افزایند و اگر بشوایند اندکترین توجیهی به خواست های روحی و اجتماعی کارگران هم نمی کند ولی طبقه مبارز و رزمنده کارگر در نتیجه تشکل و اتحاد خویش به این حرص و آزبایی بایسان صاحبان سرمایه لگام می زنند و با برآوردن مبارزات خویش مانع آن میشوند تا سرمایه دار بتواند همه امیال خویش را بر آنها تحمیل نماید.

مبارزه طبقه کارگر کیفیت و رجحان خاصی نسبت به مبارزات طبقات تحت استثمار قبل سرمایه داریست به این معنی که مبارزات برده ها علیه برده داران بانهم که منتج ب بیان آمدن رژیم پیشرفته تر نسبت به بردگی یعنی فئودالیزم شد و با مبارزات طبقه دهقان و سرفها منتج به بیان آمدن رژیم سرمایه داری شد که استثمار جزء لاینفک آن رژیم ها بود ولی

طبقه و عکدا متشکل ترین طبقه جامعه بحساب می روند و در مقیاس ملی و بین المللی از نظر کمیت و کیفیت نقش بس بزرگی در نهفت جهانی مبارزه علیه ستم سرمایه و در راه اعاده و حفاظت صلح دارند. اتحاد طبقه کارگر با دیگر زحمتکشان یعنی با دیگر طبقات و اقشار تحت استثمار تنها برای تامین منافع صرفا اقتصادی صورت نمی گیرد بلکه این طبقات بسرگردگی طبقه دورانساز کارگر تحت رهبری حزب پیش آهنگ در پروسه مبارزه طاقت فرسای خویش و در فرجام آن می خواهند به استثمار فرد از فرد خاتمه بخشند و جامعه شگوفان و بدون استثمار را آباد نمایند. این مقوله که در آن گفته میشود: طبقه کارگر با آزاد ساختن خویش در عین زمان تمام جامعه را از همه اشکال ستم طبقاتی نجات می دهد، اینک دیگر در عمل به اثبات رسیده است.

اگر امروز تقریباً نصف کره زمین احزاب پیش آهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان به نمایندگی از طبقه کارگر حکومت را در دست دارند، اگر امروز ابتکار صلح و فعالیت های انسانی در ساحة بین المللی در دست کارگران و زحمتکشان و به نمایندگی از آنها بدست دست های مترقی و صلح دوست میسازند، همه و همه نتیجه کار و پیکار انقلابی طبقه رزمنده و نجات بخش کارگر است که با دستیاری و اتحاد دیگر طبقات و اقشار دموکراتیک و زحمتکش این همه را برای بشریت به ارمغان

دست خو نین امریالیزم امریکسا و وکران جنایتکار آن از افغانستان انقلابی

گوتاه!

روی همین دلیل است پیش آهنگی طبقه کارگر در جوامع سرمایه داری و دیگر جوامع از طرف دیگر طبقات و اقشار برای رسیدن به اهداف انسانی خویش که همانا براندازی استثمار و ستم است، پذیرفته شده است.

در جوامع سرمایه داری صاحبان سرمایه که در عین حال قدرت حاکمه دولتی را نیز بدست دارد بحکم ماهیت طبقاتی خویش روز

آورده است. در عمل به اثبات رسیده است که طبقه دورانساز و تاریخ ساز کارگر در پروسه نجات خویش از ستم سرمایه مانند لوگو - موتیف دیگر طبقات و اقشار زحمتکش را به پشت خویش می کشاند و با خود یکجا آنها را نیز از ستم استثمار و بهره دهی نجات می بخشد در طول تاریخ بشری طبقه دورانساز کارگر متحمل شدید ترین شکل استثمار و ستم است عکدا در نتیجه آبدیده شدن و تماس با بدیده های پیشرفته عصر و رنسج مشترک آگاه ترین

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت

کارگران ارج می گذارد

هدف از زنده‌گی کار و عمل است

پیش از پیروزی انقلاب نورماکارگران مورد استثمار قرار میگیر فتمیم .

دولت برای بهبود حیات ما، معاش کارگران و اجیران را افزایش بخشیده است.



مستری فیض محمد یکی از کارگران سابقه دار مطبعه دولتی

تقدیری هم نمی شدیم و دولت های فرسوده آنوقت ما را در کار های خویش تشویق و ترغیب نمی کردند و لی بعد از پیروزی انقلاب دو رانساز نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن دولت انقلابی ما علاوه بر آنکه بهبود وضع زنده گی ما را از نظر دور نمی دارد ، ما را در کار های ر و زمره مان تشویق زیاد می نماید چنانچه اعطای تعایف گرانمایه امروزی از طرف شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان برای ما شاهد خوبی بر این مدعا است .

وی میگوید : من افتخار اخذ این تعفه گرانقدر را از طرف شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان منحصر بخود نمی دانم بلکه این افتخاری است که نصیب همه کارگران زحمتکش مطابع دولتی می گردد ، زیرا ما کارگران امروز همه با هم یکی هستیم از لحاظ کار ، اندیشه و بسا جهات دیگر پیوند های محکمی را دارا می باشیم . میگویم : اگر پیامی به زحمتکشان کارگر افغانستان داشته باشید .

میگوید : هدف از زندگی کار و عمل است . و من کار و عمل را بسیار دوست دارم ، بنابر این از همه کارگران دو رانساز افغانستان توقع دارم تا در راه خدمت به همین مردم و انقلاب و ایجاد جامعه عادلانه نسوین فارغ از ستم و استثمار کار و پیکار انقلابی نمایند .

انجنیر محمد عظیم را جع به سفرهای خارجی خویش چنین میگوید :

تاکنون به کشورهای ایران ، آلمان-دموکراتیک ، جاپان ، اتحاد شوروی، انگلستان و آفریقای شمالی مسافرت نموده ام و در رشته مونوتایپ در بریتانیا در رشته آفسیت ، در جاپان در رشته کار عمومی مطبعه ، در آلمان دموکراتیک تحصیل نموده ام و در سال ۱۳۵۵ بزیارت بیت الله شریف نیز مشرف شده ام . مستری فیض محمد کارگر شعبه صحافی مطبعه دولتی نیز یکی از کارگران سابقه دار است که اخیرا از طرف اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان به اخذ جایزه نایل آمده است .

میگوید : در طول این مدت بیش از یکصد نفر را در رشته لیتوتایپ تربیه و تقدیم جامعه خود نموده ام ، چنانچه لعل محمدیکی از شاگردان ممتاز من می باشد که همین اکنون نیز دوش به دوش من در شعبه لیتوتایپ کار می کند . می پرسم : چقدر معاش دارید و تعداد فامیل شما را چند نفر تشکیل میدهد ؟



انجنیر حاجی محمد عظیم : من کار و عمل را بسیار دوست دارم .

می گوید : فعلا بعیث اجیر فوق رتبه کار میکنم و معاش ماهانه ام رامبلغ (۵۳۶۰) افغانی تشکیل میدهد و صاحب هفت اولاد قدونیم قد بوده بزرگترین اولادم شاگرد صنف دهم یکی از مکاتب شهر کابل می باشد . نامبرده بجواب این سوال که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند نور در شرایط کار شما کارگران چه تحولاتی بمیان آمده است ، چنین اظهار می دارد :

در دوره های ظلمت بار قبل از پیروزی انقلاب آزادی بخش نور ما کارگران کشور با وصف آنکه بسیار کار می نمودیم اندکترین

به استقبال از روز اول می یاروز عیبستکی بین المللی کارگران جهان بعد از ظهر روز پنجشنبه ده نور محفل شکوهمندی در صحن ریاست عمومی مطابع دولتی به اشتراک صدعا تن از کارگران زحمتکش اعم از زن و مرد ، پیرو جوان دایر گردیده طی آن از این روز تاریخی تجلیل بعمل آمد و در ختم این محفل کارگری تعایفی از طرف شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان به چندتن از کارگران ممتاز و بان تجربه آن فابریکه اهداء گردید مابه ارتباط روز تاریخی بین المللی کارگران جهان و تدویر این محفل شکوهمند کارگری با آن عده از کارگران ریاست عمومی مطابع دولتی که در اثر زحمات شبانروزی و توجه دولت انقلابی خویش بر اخذ جوایز نایل آمده اند گفت و شنودی ترتیب داده ایم که اینک تقدیم شما خواننده گان ارجمند می داریم :

انجنیر حاجی محمد عظیم یکی از کارگران ورزیده بی است که از مدت تقریبا بیست سال بدین طرف در شعبه لیتوتایپ کار می کند و بقول خودش موصوف اولین کسی است که ماشین لیتوتایپ را در ریاست عمومی مطابع دولتی بکار انداخته است .

وی میگوید : بیست سال قبل در این مطبعه ماشین لیتوتایپ وجود نداشت بعد از آنکه ریاست مطابع دولتی دویا به ماشین لیتوتایپ را از کشور هندوستان خریداری نمود و من یکی از لیسانسه های پولیتخنیک شهر گلکنده در رشته انجنیری لیتوتایپ بودم از طرف کمپنی مذکور برای بسته نمودن ماشین های فوق الذکر توظیف گردیدم یعنی اولین شخصیکه در افغانستان ماشین لیتوتایپ را بکار انداخته است من میباشم . از انجنیر محمد عظیم می پرسم : در طول مدت کار خود به چه تعداد شاگردانی را در رشته لیتوتایپ تربیه کرده اید ؟

او که از مدت پنجاه و سه سال بدینطرف در مطبعه دولتی کار می کند و به قول خودش (۷۵) بهار زندگی را پشت سر گذارده است ، اکنون پدر چهار فرزند می باشد . مستری فیض محمد میگوید ! در طول مدت کار خویش برای سه بار به اخذ جوایز نقدی و جنسی نایل آمده ام که اعطای یک پایه رادیو تحفه اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان جایزه اخیر مرا تشکیل می دهد .

موصوف راجع به اقدام نیک و دست انقلابی خویش مبنی بر افزودی معاش کارگران و اجیران دولت چنین اظهار می دارد : در دوران های تاریک قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند نور دولت های مستبد گذشته نه تنها بالای حیات اقتصادی ما کارگران و زحمتکشان فکر نمی کردند بلکه بارها بار برای افزودی معاشات خویش عرایض و درخواست ها می دادیم که در مقابل هر یک از آن ها جواب منفی حاصل می نمودیم ، و لی از برکت پیروزی انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن دولت انقلابی ما با درک عمیقی که از وضع زنده گی ما کارگران و سایرری زحمتکشان افغانستان دارد بدون درخواست و یا پیشنهاد ما به امر از دیاد معاشات و امکانات دولت همت گماشت و از این طریق خدمت بزرگی را به فامیل های کارگران و زحمتکشان افغانستان انجام داده است .

این امر ما را بدان وامی دارد که به حقانیت

دهمزنگ ماتیپری

هغه ریاستیکه کیسه چی د نور انقلاب څخه دمخه دظالمو سرداری نظامو ظالمانه او فرعونی بڼه نښی دکیسی اصلی محتوی جوړوی خودنور انقلاب زمونږ بارکښی اوس او پراخی پرکښی ددغو فرعونی او طاغوتی ظلمونو څخه خلاصه کړه او دیوه روښانه راتلونکی لوری ته یی سیخ کړل .

زړه یی دخوښی او اضطراب له گډوډ احساس څخه ډک وو، ټوله لاریی ، مخکی ته کتل او دتصور په تال کی دکورپرخواهی سوی وو .

که څه هم له مسجد څخه دده تر کوره پوری فاصله زیاته نه وه خو په دغه لنډ وخت کی یی دترڅو او خوږ و خیالونو په پراخ جهان کی

دو مړه اوږده واټنونه ووهل او دو مړه تیرو وختونو ته ولاړ چی د تیرو ډیر شو کالو تر څه یادونه یی دراتلونکی ژوند د نا معلوم

سر نوشت سره یو ځای په خپل تصور کی راغونډ کړه او داوسنی هیجان دپاره یی په فال نیول . خو بیله دی چی دخپل مشکل

له پاره روښانه حل پکی پیدا کړی او بیله دی چی پردغه ناآرامه حالت باندی چی نزیی له سهار څخه دده په زړه کی ځای نیولی دی،

دغم یا خوښی نوم کښیږدی وخیلی کوڅی ته نږدی شو . شریف په ډیر احتیاط سره خپل زړه ته خوښی ورکوله خو کله چی به ددغی (خوښی)

واقعی برخی په جرت کی سو ، بیابه یی زړه دنامعلوم غم په منگولوکی ښکیل سواو دبدبختی دیب (دیو) یی خپلو سترگو ته مخامخ دحملی

په حال کی لید . ځکه پوهیده چی غریب او بدبخت انسان هیڅکله خوښی نسلی لرای، که یوه بیښه په ظاهر کی دخوښی په شکل وی .

خو هغه ته یی نتیجه بیاهم رنځ او غم دی . مثلاًکه همدانن شپه دشریف ماندینه د اولاد دزیرینو له وژونکی در دڅخه سلامت خلاصه

شی او یو ښکلی اولاد دنیا ته راوړی بیاهم باید شریف وی ځکه چی برسیره پردی پرخپل ځان ، خوچی ژوندی وی دخپل او لاد بدبختیو لوری ناروغی اونورو معرو میتونو جبری تماشا په کوی .

چاره څهوه ؟ شریف کورته ورسیدی ،

مخکی له دی چی خپلی خوښی ته یعنی هلته چی دده ماندینه د ولادت له دردڅخه چیغی وهی ورسیری درحیم موربی مخی ته ورغله اووی ویل :

هله شریفه ژرولاسه ، اجانی بی بی راوله ، ښځه دی ډیره په عذاب دی، که اجانی بی بی په کورکی نه وه، ښارته به دو ایسی ولاړ سه که نن شپه دوا او دارو راونه

رسیری خدای خبر چی دابه ... درحیم مور خپله خبره پوره نکړای شوه، ستونی یی له غریبه ډک سواو دخوښی وخواهه یی و خفستله .

شریف هم درنگ ونکړ او مخامخ داجانی بی بی دکور پرخوا په خفستاسو، دکلی طبیبه په کورکی نه وه ، او شریف چی بی هر خومره پوښتنه یی وکړه پیدایی نکړه، په داسی

حال کی چی خفگان او وارخطایی یی وار په وار زیاتیده دښارپر خوایی په خفستلو شروع وکړه خوددداکتر څخه د مربوطه ناروغی په هکله

معلومات واخلی . شریف په ښارکی پوره بلدنه وو، اوس چی شپی خپل تورخادرووه ولی وواو بازاروته

او سرکونه تقریبا خالی معلومیدل نو پریشانی لازياته سوه او په تلوار دیوه ډاکتر دکتخی

دیدای کولو له پاره یوی اوبلی خواته وگرزیده شریف چی یویسواده بزگروو اوسرلوحی یی نسوی لو ستلای توبه یی له هر جا څخه پوښتنه

کوله : سووره ډاکتر ځای جبری دی ؟ چا به دلاس په اشاره یو لیری ځسای وربښود او چا به بیله دی چی دده وخبری ته

غون ونیسی خپله لاره وهله . شپه پوره تاریکه شوه، دډاکتر انو کتخی تړل سوی وو خو شریف په داسی حال کی چی دماندینی داحتمالی مرگ ترڅو تصوراتوی

ذهن ډک کړی وو، لالهانده غونډی دسرکونو له یوی خوا څخه وبللی خواته تیریده او په زړه کی یی برهغو ښاریانو باندی بډویل چی له ده

سره یی دډاکتر په پیدا کولو کی مرسته نه کوله یا یی دده پوښتنی ته سم خواب نه وایه . دښار په مرکزی برخه کی دیوی ښکلی ماڼی

وسخ ته یومعتبر ځوان چی عینکی یی پرسترگووی اودډاکتر انو غونډی بکس یی په لاس کی وو له موټر څخه کښته سو او هغه ښکلی

تعمیرته ننوت . شریف پرهغه باندی دډاکتر گومان وکړ او دهغه خواته یی هڅه وکړه چه دخپلی ښځی

دعلاج له پاره له هغه څخه مرسته و غواړی . خو داوږده موټر هیبت ، د سړی فیشن اودتعمیر شان او شوکت چی حتی دروازه

یی هم له هند ار و څخه جوړه سو یوه او دهغه په ټولو کړکیو کی ښکلی گلان پراته وه، دخو شیبو له پاره له شریف څخه جرئت سلب

کړ او په خپلو څړو څړو کالواو سپره خبره یی وهغه ته نژدی کیدل مناسب ونه بلل ، نویو کړی پراخی ودریده بیایی د خپل جب

پیسې اندازه کړی او په احتیاط دتعمیر ددرواڼی خواته رهی سوڅو مخکی له دی چی هغی ته ورسیری دتعمیر له دننه څخه یی دنارینه واو

پښغود کپ کپ خنداگانو او د موسیقی دنغمو آوازونه واوریدل ، د یوی پایی وختک ته غلی سواو په احتیاط یی دیوی کړکی دپردی له

جولی څخه دسالون ودننه وکتل : هلته تکی سری عالی غوریدلی وی چی رنگارنگ بضملی سیتونه یی پرشاو خواباندی

کتار وه ، دښکلو میزوبرسرونو باندی ډول ډول میوی او راز راز کبابونه په ترتیب سره پراته وه ، دسالون په دننه کی ښایسته منظری

اودلځو ښځو داسی عکسونه او تابلو گانې څریدلی وی چی شریف به له ډیری حیاخته مخ خنی واپاوه . دسالون په یوه برخه کی

پرستیج باندی چی دسرو غالیو ، رنگ په رنگ پردو ، دگلانو دگیدو او حیرانو نکو منظرو او تابلو گانو او قیمتی شیانو له هنرمندانه

ډیکور څخه عبارت وو، یوه ناز نینه پیغله چی په ښایسته او سینگار ، کی یی سازی ته درلود د موسیقی له څپو سره په داسی کړشمو ر ښایسته چی له شریف څخه یی دخو لعظو

له پاره خپل غم هیر کړ . ځوانی ښځی او مستو پیغلو دسالون په منځ کی دپه په خندا گانواوجان جان ویلو سره کله دیوه میز اوکله دبل

میز خواته تللی ، ځینو به دخوند ورو خورواو میوو غابونه یاد شرابو جامونه پرخوانانو باندی ویشل اوختی چی ترنو رو به هوسبازی وی له خوانانو سره په عاشقانه مرکو بوختی وی .

بیابه یی خپلی معشوقی د موسیقی دخپو سره مناسب پیغلو غبروکی دقصولی او خنوبه

دشرابو جامونه په خولوکی ورځالی کړه . په تیره بیاعفه ځوان چی شریف دډاکتر گومان

پری کړی وو دهوسبازیو په سمندرکی داسی لاهوسوی وو چی جامونه یی سرپر سر پورته کول .

دشریف له سره سرو لار، حیران غونډی یی دسالون ودننه ته کتل ، سره له دی چی کلیوالی ذهن یی له بی حیایی سره مجادله کولو

خود معطل دآسمانی مستیو په څپوکی داسی ډوب سوی وه چه د ځوانانو په تیره بیابه هغه معتبر ځوان سره چسپه دډاکتر

گومان پری کړی وو دبله مستیو خیالی مسابقه کوله کله یی دخوند ورو خورواو غابونه تشول اوکله یی له پیغلو سره عشقبازی

کولی . په هغه حساسه لحظه کی چی دمعطل دډیری ښکلی او گلالی پیغلی لاس یی د

ډاکتر له غاړی څخه ایسته کاوه او هغه یی خپلی غبري ته نژدی کوله ، دشاير خوا باندی کش سو او خوبی آهنگه دغونوی دمعطل دخون

وخیالونو نڅاگانی له ذهن څخه وشړلی . دشاير تخته ولویدمنگ غونډی سترگی ولغوولی اوخپل سر ته یی خو پوليسان ولیدل ، په داسی حال

کی چی له خوگی څخه یی نری نری زگیرووی ونی په زحمت له مخکی څخه راپورته سواو دپولیسو له قهره ډکو سوالونو ته یی داسی ځواب

ووايه : صاحب ډاکتر صاحب مریه کاردی . کم ډاکتر صاحب ؟

هغه ډاکتر صاحب چی دلته ننوتی اوپه هغه اوږده موټر کی راغی د څارندوی

مامور چی دوزیر ... دشخصی موټر وخواهه دشریف اشاره ولیدل

سمدستی یی دهغه په تلاشی کولو شروع وکړه او نورو څارندویانو ته یی خنی داسی

جملی وویلی چی دشریف برسیایی جرم یی دلالت کاوه . دشریف په جب کی یی یو چالو پیداکړ

اویایی بل څارندوی ته امر وکړی چی دهغه لاسونه شاته واړوی . خو شریف چی هر څه غدر او زاری وکړی هیڅ فایده ونکړه اما

اويو څارندوی ته یې اشاره وکړه چې «مجرم»
وړندوی کړی .
خه خبره ده ؟
ډیولیسوماور په مود بانه اما جدی لېجه
ووېل :

صاحب دغه سړی دلته منظور وو چې تاسی
دباندي تشریف راوړی اویا
وزیر کونښی کاوه چې دڅارندوی په مخ
دخپلی نیشی تاثیرات پټ کړی نویی په نیولی
اواز پوښتنه وکړه :

اویا خه شی ؟
صاحب موزدی تلاشی کړ، دغه چاقوورسره
وو البته سوء قصدی درلود .

دسوء قصد د کلمی داوردلو سره دوزیر
قیافه پوره جدی شوه ، دشریف قواره یې له
سر څخه تړپښو پوری به امانت سره تر نظر
تیره کړه اویا په داسی حال کی چې په سترگواو
خبره کسی یې فرعونی غرور ښکاره
وو دڅارندوی مامورته امر وکړ: محبس ته یې بوزه .
شریف که خه هم دسوء قصد په مانانه
پوهیده خودو مره ورته معلومه شوه چی
رانلوتکی یې خرابه ده ځکه یې نو په ټوله لارکی
په قسمونو اوزاریو سره نابتول چی ماندینه یې
ناچوپه ده او فقط له دغه ډاکتر څخه ددوا
داخستلو له پاره دلته راغلی وو خوچایی پر
خبره باندي غور ونه نیواو په وهلو وهلو یې
محبس ته ورساوه .

یوه هفته وروسته کله چی شریف دزندان
په نمناکه کوټه کی وډیوال ته تکیه کړ یوه
اودلاس له زخم څخه یې دزولانی کړی ایسته
کولی ، دروازه خلاصه شوه او رحیم دخو
څارندوی په منځ کی گوټی ته داخل شو .
رحیم چی دشریف همسایه او انډیوال وو
دغه له لیدو څخه حیران سو ، پر ځای
باندي حک پک ودریدخوده تر یوه غمگین روغپ
وروسته دکوټی په بل کونج کی کښیناست اوله
شریف څخه یې پوښتنه وکړه :

شریف ته دلته یې ولې پرځه باندي
بندی شوی ؟
شریف چی ډیولیسو تر وهلو لاندی یې ټول
بدن زخم سوی وو، په زحمت یې دابل اړخ
ډیوال ته ولگاوه او وی ویل :

ته خو یوو ارکښنه وروړه زه به بیا خپله
قصه درته وکم ، خوچی څارندوی مویه خبروونه
وینی ته ووايه پرځه یې راوستلی ؟
رحیم تر یوه اوږده او اوږد اسویلی ترايستلو
وروسته ووېل : زه خو سردار خان دما ما می
زوی دقتل په تور حکومت ته په لاس ورکړم .
ښه هغسی یې دیکارکسات درڅخه واخسته ؟
په شریفه وروړه یوازی دیکار څېره هم
نوه ، زما دخور خبره هم وه .

شریف پس له خوشیومکت څخه ووېل :
ښه بله داراته ووايه چی زموږ په گورکی
خه حال وو، خه پښه وه ؟
شریف درحیم دلیدوله اولی شیبی څخه

امید درلودچی ده ته به دده دماندینی دسلامتیا
اودیوه ښکلی ځوی دزیریرویری ورکړی .
خورحیم زړغونی غوندی سوسری کښته وا-
چاوه او خه یې ونه ویل ، شریف په چیغوجیغو
ووېل : ووايه خه پښه ده، زما ښځه څنگه
سوه ؟

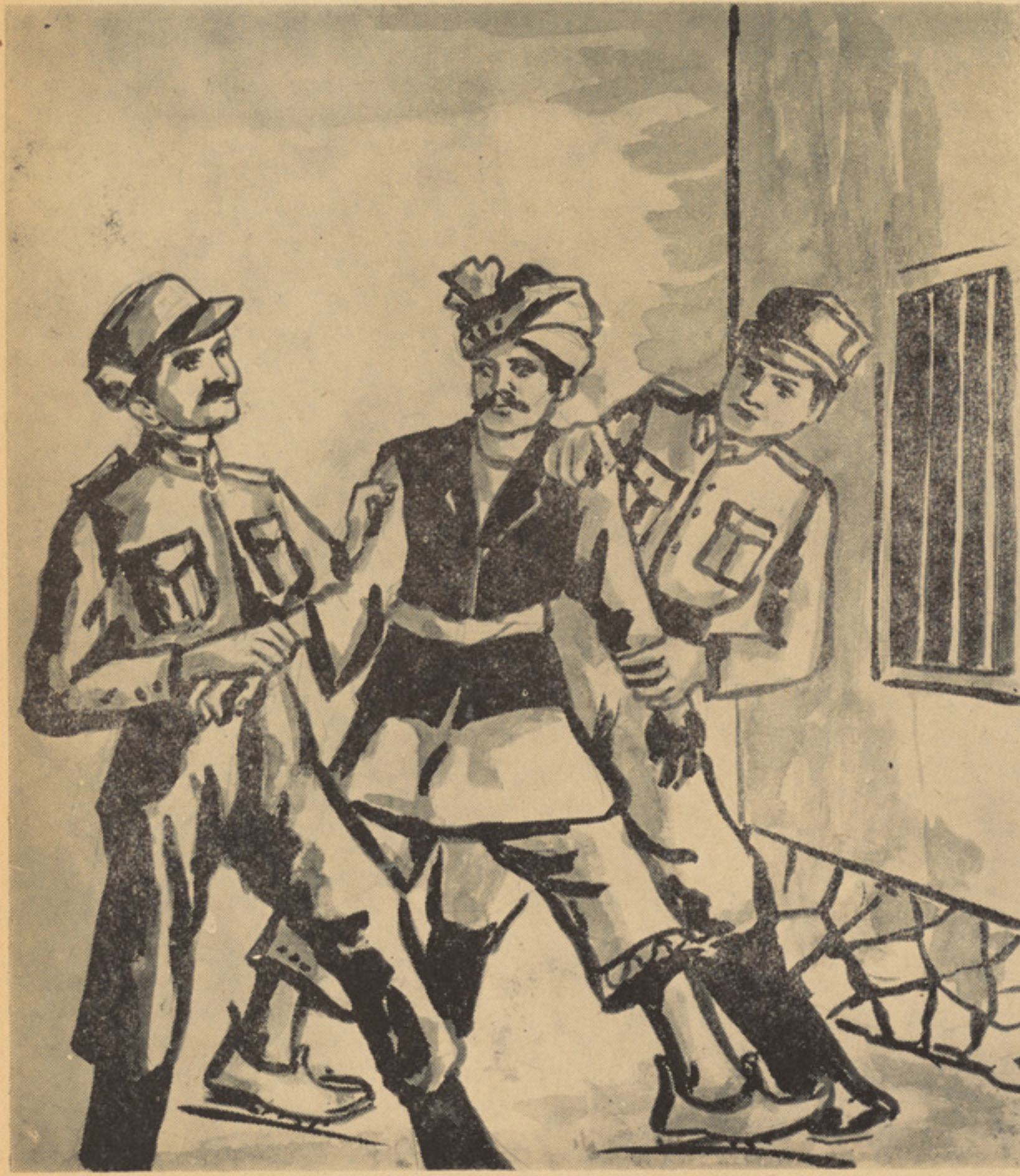
رحیم سررا پورته کړ کله چی یې له خپلو
سترگو څخه او ښکی پاکولی وی ویل:
وروره مرگ حقه بیاله ده، خدای دیو وبخښی
ښځه دی پنځه ورځی تر مخه مړه شوه، تاته
خدای زوی درکړ او اوس زموږ گره دی .

دشریف پرتوره ژیره باندي اویسکی لاری
لاری وپیدلی . انالله وانا الیه راجعون یې
ووايه اوله رحیم څخه یې پوښتنه وکړه :
گورو کفن یې څنگه شو ؟

هغه کارونه ټول ما او عمر جان وکړه .
خدای دی خیردرکی ، خلکو ، به ویل چی
شریف چیری دی ؟
خلکو به ویل یانه ویل خوسر دارخان داسی
آوازه اچولی وه چی شریف دخپلی ښځی دکورو
کفنی له تاوان څخه تښتیدلی دی .

شریف ددی خبری په اوږدوسره نیشی غوندی
کباب سو ، مخ یې سوراوشین واوښت اودپخی
خوانی غرور یې و خروښیدی خوځکه چې له
سردار خان او هغه (ډاکتر) څخه دانتقام
اخستلو آتښین احساسی یې په زولتوکی بندوو
نوله ډیره درده یې خپلی گوټی تر هغه وخته
پوری په غاښو کیو چیچلی خوچی وینی ترینه
توی شوی او بیا رحیم په زوره دهغه لاسی
له خولی څخه لیری کړ .

اودهغه لاسی له خولی څخه سړی کس-
دبندیغانی په اوږدو شیو اوورځوکی شریف
دکلی دخان (سردار خان) دزوراو ظلم بیانونه او
همدهغه نازولی سړی دناخوانی قصه چی ده
د (ډاکتر) گومان پرکړی وو او دهغه په امر
په دغه مصیبت اخته شو، هر چاته کول او
هر وخت به یې دیوه ساپه اسویلی سره یو
ځای دا خبره تکرار ول چی : له هیچا نیکی
مه غواړه په تیر بیاله اویانو څخه نورو بندیان
چی اکثره وخت به پرده باندي راگزیدلی وه او
دزړه خواله به یې کوله ، له هغه څخه به یې
دهغه (ډاکتر) دنامه او چوکی پوښتنه کول
خو شریف به په افسوسی سره ویل: نوم می یې
نهدی زده خو څارندو یانو به صاحب صاحب
ورته ویل اما خه فایده که می یې نوم زدهوی
یازه نه وی ، خه په کولای شو ؟
پاتی په ۶۳ مخ کی



از يك سينماي بد آموز شكلي روان به سوي:

سينماي پر محتوای، واقعیت

گراوانسانی

القاء میکند ، ما در فستیوال های کشورهای
مترقی جهان شرکت جسته ایم و در این کشور
ها هرگز پایه بر رسی و ارزش گذاری
به يك اثر هنری سینمایی را تکنیک کار قرار
نمیدهند ، چه ممکن است کشوری غریب باشد
اما فلم انسانی بسازد و عکس آن ، خصوصیت
عمده فلم هایی که بعد از انقلاب و بخصوص
مرحله تکاملی آن در کشور ما تهیه شده است
این بوده که همه یاز تابی از واقعیت های
درونی کشور ما محسوب شده و در واقع
توانسته است دید ریالستیک و مترقی را در
هنر هفتم ما راه دهد که یقین داریم در آینده
باتوجهی که به هنر و فرهنگ مبدول می -
گردد فلم های بهتر و ارزنده تر نیز در کشور
ما تولید خواهد شد .

• در این اواخر شما همراه با يك هیات
سینمایی سفری به اتحاد شوروی داشتید ،
می توانید بگویید ره آورد سفری شما چیست
و آیا در این سفر عقد نامه های هنری ایکنه
بتواند شگوفایی سینمای ما را تسریع کنند
نیز به عمل آمده است یاخیر ؟

... هدف عمده از این سفر که به ریاست
حکیم خلیق رئیس بخش سینما توگراسی
اتحادیه هنرندان و معاون افغان فلم و هم
چنین عضویت محمود نوری مدیر فلمبرداری
صورت گرفت بیشتر آشنایی با استودیوهای
ازبك فلم و تاجیک فلم اتحاد شوروی و مطالعه
امکانات دوبله فلم های هنری به زبان
دري و پشتو و هم چنین انتخاب چند بر نامه
فلم هنری برای نمایش در سینماهای افغانستان
بود و شاید برای شما جالب باشد اگر بگویم
که به انگیزه دوستی دیرینه ، پایدار و مثبت
میان دو کشور پذیرایی از هیات افغانی در
تمام مراحل آن چنان گرم ، صمیمانه و بسی
آلایش بود که تقریباً گام های اولی در جهت
برآوردن خواست هایی که هدف سفر را تشکیل
میداد بر داشته شد و از این جهت ما با
شکلی رو برو نشدیم .

• چند بر نامه فلم برای نمایش در سینماهای
کشور ما به انتخاب گرفتید ؟

• مادر مجموع ۲۴ فلم را تماشا کردیم و از
آن شمار یازده بر نامه آنرا که بیشتر برای
تماشاگر ما سود مند و جالب می نمود
انتخاب کردیم که به اساس موافق هر دو
واحد قرار داد این فلم ها بعد از دو بله به
یکی از زبان های دری ، پشتو و پاتاجیکی
به وسیله نمایندگی سوفاکسپورت فلم به
افغان فلم تسلیم داده خواهد شد .

• مادر گذشته بسیار کم و به ندرت شاهد
تورید های سینمایی خوب در کشور خود بوده ایم
اغلب فلم های تورید شده جنبه تجاری رسی
داشتند تا آموزش و در مجموع اگر از نظر
تکنیک کار هنری محسوب می شدند در محتوی
خود یا چیزی برای گفتن نداشتند ، یا
داشتند و بر اساس هدف معین به تخریب
ویا فریب ذهن تماشاگر می پرداختند و یا به

جوایزی را بر باید یا خیر ؟

• بعد از پیروزی انقلاب سترگ شور
بخصوص مرحله نوین تکاملی آن فلسفه
داگومتری « انقلاب در روند تکامل » دو
فستیوال « کارلی وال » کشور چکوسلواکیا
شرکت داده شد که جایزه دیپلوم را بر بود
و برخی از کشورهای مترقی نیز خواستار
کابی های آن برای به نمایش گذاشتن در
تلویزیون های خود گردیدند ، « نیکوکاری
بجامی ندارد » دو مین محصول نیمه هنری
افغان فلم بود که توانست در فستیوال
پوتیند در میان ساخته های بیش از چهل
کشور جایزه در چه دوم گردد و در با بسته
مدال نقره که موفقیت بود چشم گیر و بسا
ارزش .

• و بالآخر « تجاوز متوقف » سو مین محصول
بود از کشور ما که به فستیوال نیز يك
شرکت جست و مورد توجه بسیار قرار
گرفت .

• بدون شك ساخته های سینمایی کشور ما
از نظر فورم ، ارائه و تکنیک کار نسواً فص
فراوان دارد که تازه پابودن و عدم تجربه
تأسی بر سونل و موجود نبودن و سایر
کافی از عمده علل آن به شمار می آید و به
همین دلیل هیچ يك از محصولات سینمای ما
شاید نتواند در يك استندرد جهانی به رقابت
بر خیزد ، در این صورت این جوان یز بسر
اساس چگونه ارزش گذاری ها و معیار ها و
ضوابطی به فلم هایی که شما از آن نام بردید
داده شده است ؟

• این نظر کاملاً وارد است که فلم های ما
در تکنیک سینمایی ضعیف ارائه می گردد و
دلیل آن هم معنود یتی است که ما از نظر
وسایل و لوازم يك استندرد یوی مدرن هنری
با آن رو برو می باشیم و لی تکنیک با ید در
خدمت محتوی باشد و آنچه به آن روشنگرانه
می شود اتکا گردد این است که فلم چه را
تصویر میکند ، چقدر با واقعیت وفق دارد ،
بیامش چیست و در مجموع چه رابه بیننده

آشنا شویم
وکیل واحدی تحصیلات خود را در رشته اقتصاد تولید فلم های هنری سینمایی و
تلویزیونی به در چه ماستری در اتحاد شوروی به پایان رسانیده و مدت ۹ سال می گذرد
که در امور پرو دگشن فلم های مستند و هنری افغان فلم عملاً فعالیت دارد .
انگیزه این گفت و شنود باوی که خواننده را در جریان امور تولید و توزیع فلم در
کشور قرار داده و موقف هنر هفتم را در گذشته و حال می شناساند با دید و اندیشه
می باشد واحدی اکنون به سمت مدیر تولید در ریاست افغان فلم مصروف خدمت است
و در این روزها پرو دگشن متیجر فلم هنری اختر مسخره نیز می باشد که ستار یسوی
آن از رهنورد زیبای و کارگر دان فلم انجیر لطیف میباشد ، اختر مسخره نخستین
محصول مشترک افغان فلم و تلویزیون است که به منظور شرکت در يك فستیوال جهانی
تهیه می گردد و از این روی امور پرو دگشن آن نیز کاری است مشکل که با اتکاب تجارب
واحدی این مشکل به عهده وی گذاشته شده است .

• با اعمار استودیوی جدید افغان فلم که به کمک اقتصادی و فنی کشور دوست
اتحاد شوروی صورت می گیرد تمام مشکلات فعلی سینمای تولیدی ما رفع می گردد .

• بعد از مرحله تکاملی انقلاب شکوهمند شور سه فلم داگومتری و نیمه هنری
افغانی توانسته است در فستیوال های جهانی شرکت و امتیازاتی را کسب کند .

سینما باشد به مشکل قبول میکند و آنگاه
هم که می پذیرد شرط می گذارد که مدت
مصاحبه کوتاه باشد ، طرح سوالات و پرسش
ها کم و قضاوت در مسایل نیز آزاد و بی پرده
که برای جلوگیری از فرار وی به عنوان
اجتناب به پاسخگو یی ، می پردازم به طرح
نخستین پرسش از وی به این گونه :

• باتوجه به اینکه در شرایط سیاه گذشته
هیچ روزن امید بخشی در امور هنری موجود
نبود بحث خود را روی مسایل تولید فلم در
کشور و ارزش گزاری با آن در يك استندرد
جهانی از سال ۱۳۵۷ به آغاز می گیریم
آیا در مدت نزدیک به سه سالی که
از پیروزی انقلاب شور می گذرد فلم های
تولید شده در افغانستان که به فستیوال
جهانی شرکت داده شده است توانسته است

واحدی مردی صمیمی ، آگاه و پر تلاش
است که تمام تنبلی را که به خاطر لکننت
زبان در سخن گفتن دارد ، میکوشد در عمل
جبران کند و از این روی فعالیت گسترده
دارد و چند تربوز را به يك دست بر میدارد ،

یعنی هم امور اداری بخشی بزرگ از مسایل
تولید سینمایی را پیش می برد و هم توانایی
و کار دانی اش را به عنوان يك پرو دگشن
متیجر خوب که در واقع مدیر تهیه فلم است

به اثبات رساند او در این روزها و حتی
شب ها مصروف امور پرو دگشن فلم
« اختر مسخره » است و از این روی فرصتی
کمتر از همیشه دارد و به همین دلیل وقتی
از او می خواهم نشستنی با هم داشته باشیم
و گفت و شنودی که در بر گیر مطالبی پیرامون

افغان فلم در امور مربوط به فلم های شان گراتر از آن است که در کشور های دیگر با آنها معامله میگردد، نظر شما در این مورد چیست؟

نظر شخصی من در این زمینه این است که این مؤسسات باید تشویق شوند مؤسسه افغان فلم نیز همین آرزو را دارد و بر همین اساس در مقرره جدیدی که مراحل نهایی آن طی میگردد قیمت اجرت سا مان و لوازم تخنکی و هم چنان حق الزحمه پرسو نل مسلکی خود را پائین آورده است تا فلم های پرود کشن های شخصی ارزان تر تمام شود، اما در این مورد که این پرود کشن ها تاجه حد میتوانند پلان های خود را در زمینه کار های سینمایی مو ففانه به انجام آورند مربوط است به اینکه دوره فلم برداری خود را چگونه پلان نمایند، این پرود کشن ها در حال حاضر کمبود وسایل تخنکی است، مساله دیگری که در مورد چگو نگي کار پرود کشن های شخصی چه در داخل و یا خارج مطرح میباشد این است که این گروه مؤسسات چنانکه در برخی از کشور های دیگر مانند آلمان غرب، فرانسه و ایتالیا نیز ۱۰۰۰ دارد هنر و تخنیک را از هم جدا می کنند، مثلا از ساختن دیكور ها منصرف میشوند و از منازل استفاده می کنند که در تجربه چنین روشی در رشد هنر سینما تو گرافي مؤثر نمیشاند.



صحنه بی از بخش شب جمعه نخستین محصول مستقل هنری فلم روزگاران افغان فلم

کند، این است برنسیبی که ما از آن بیروی می کنیم.

• باتوجه به اینکه استودیوی موجود افغان فلم بیش از آنکه یک استودیوی هنری باشد استودیوی بیی است که و سایل آن برای پرودکشن های مستند و خبری است و اینکه پلان سال ۱۳۵۹ نیز به مقایسه گذشته و سیعتر در نظر گرفته شده بود آیا شما توانستید پلان تولیدی خود را در عمل پیاده کنید؟

... بلی، خوشبختانه افغان فلم در سال گذشته فعالیت بیشتری از آنچه داشت که در پلان کار پیش بینی شده بوده عنوان مثال مبه جای یک فلم هنری که در پلان داشتیم دو فلم هنری مربوط به پرود کشن های شخصی یعنی «چاینگاران» و «خانه ۵۵۵» را تکمیل نمودیم، ما باید دوازده برنامه فلم داکومنتری و نیمه هنری تولید می کردیم که تعداد آنها به چهارده برنامه رساندیم و هم چنین به جای ۲۴ فلم اخباری سی و یک برنامه را تکمیل کردیم.

• در حال حاضر پرود کشن های شخصی و بالخصوص دو مؤسسه آریانا فلم و شفق فلم به مقایسه افغان فلم بیشتر فلم های هنری را تولید میکنند که این می تواند در به یا ایستاده کردن سینمای ملی افغانستان قدمی مثبت تلقی گردد، اما شنیده میشود که این مؤسسات کمتر مورد حمایت قرار می گیرند و یا اینکه قیمت خدمات تخنکی

• بعد از این سینمای افغانستان سینمای خواهد بود انسانی، واقعیت گر او با محتوی در سطح بازتابی زندگی جامعه ما.

• اتحادیه هنر مندا نوبالخصوص بخش سینماتو گرافي آن تمام زمینه های رشد و باروری هنر سینما را در کشور مافرا هم آورده است.

• پلان عملیاتی سال ۱۳۵۹ تا اندازه ای زیاد بیشتر از سطح پیش بینی شده آن، به عمل پیاده گردید.

ذهنیت گرابی بیمارگونه و شکل های متنوع فاقد ارزش را ستین هنری در همه ابعاد خود حمایت می گردید، اما از هنر مردمی خبری نبود و سینما هم جز این نمیتوانست سرنوشتی داشته باشد، به همین جهت آنچه روی پرده های سینما کشیده می شد جز نماد هایی به خواست و فایده طبقات استثمار کننده نبود، اما بعد از پیروزی انقلاب و بالخصوص مرحله نوین آن این وضع نمی توانست ثابت بماند و نماند، اکنون چه در هنر سینما و چه در هنر های دیگر خواه تورییدی باشد و خواه تولیدی فقط یک نکته بیش از هر چیز دیگر مطرح است و به کار بسته می شود و آن اینکه باید محتوی هنر دمی باشد، پیام انسانی داشته باشد و تماشاگر را به سطح خود آگاهی رهنمون

خاطر مسخ و اقیعت های عینی به نوعی خاص از رومانسیزم سینمایی پناه جو بی میگردد که در شرایط ما برای جوانان بد آموز بود، اکنون شما در انتخاب های خود چه معیار هایی دارید و ضوابطی و با توجه به اینکه بیننده بد آموز شده و علاقمند به فلم های عاشقانه و رویایی به زودی رغبت تماشای این گونه فلم ها را از دست نمیدهد و تلویزیون نیز انواع گونه گونه آنها به نمایش می گذارد چگونه می خواهید رابطه میان تماشاگر و سینما را به نحوی سود مند حفظ کنید؟

• در گذشته نه تنها هنر سینما، بلکه در مجموع همه هنر ها در یک جهت تا سود مند و حتی به پیمانه وسیع مضر در کشور ما کشانیده میشد، هنر بورژوازی با جلوه های از

اما ما نه تنها با موجودیت پرود کشن های شخصی هیچ مخالفتی ندا ریم بلکه آن ها را بازوی توانای خود در اکتشاف این هنر همگانی میدانیم، چه بهتر که در پهلوی ارمان های دو تلی سینمایی کشور یک تعداد دیگر از هموطنان شریف ما که هدف شان رشد و باروری هنر سینما در کشور است با تولید فلم های هنری با محتوی سطح تولید را در این زمینه بلند ببرند و به مردم ما آگاهی و باروری ذهنی دهند.

در شرایط کنونی افغان فلم به نسبت کمبود و سایل از یکسو و وظایف دشوار انقلابی که در امور تهیه فلم های داکو متری، اخباری و در نهایت هنری دارد از سوی دیگر کمتر از آرزوی خود میتواند به ایستادن پرودکشن ها کمک کند چه این مؤسسات فاقد وسایل و ابزار مورد نیاز در پرو سة تولید میباشد و رفع این نیاز مندی را نیز افغان فلم به عهده دارد در حالیکه در کشور های دیگر پرودکشن های شخصی پیش از دست زدن به کار تولید فلم اقدام به تهیه کمره، لایت، مواد خام، تیپ ریکاردر های پروفشنل ثبت آواز و دیگر ضرورت ها می کنند و بعد به کمک یک لابراتوار که در آن براسس، چاپ، ادیت، دبنگ و در نهایت ریلیز فلم امکان پذیر میگردد به تولید فلم شروع می کنند که متأسفانه نه پرودکشن

بقیه در صفحه ۶۱



در جوامع مترقی مردان و زنان از حقوق خوب تقاعد برخوردار بوده و دولت بخوبی از افراد از هنگام جوانی تأییری و ارسسی می کنند.

تازه و فرصت های بی سابقه برای زنان کشور بدون در نظر داشت هر گونه تبعیض جهت سهمگیری در عمران مجدد ملی فراهم گردیده و نقش زنان در این مقطع حساس زمانی که انقلاب ملی و دموکراتیک ما وارد مرحله حساس خویش گردیده بیش از هر وقت دیگر کسب اهمیت نموده است . آری این مادران و زنان اند که در پهلوی سایر اقشار زحمتکش مسئولیت بزرگ و خطیر در تربیه نسل آینده و دفاع از دست آورد های انقلاب درین مرحله مهم تاریخ بعهده دارند .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان طی اولین اقدامات انقلابی خویش با صدور فرامین انقلابی و تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تأمین تساوی حقوق زنان را با مردان تأیید کرده است . اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که از دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب

ها در کسب تعلیم و تربیه رفیع حوائج ضروری اجتماعی در نظر گرفته است .

در اثر منشی انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان است که زنان افغانستان نقش سازنده و رادار اعمار جامعه نوین فاقد اهداف سترگ دولت انقلابی ما است ایفا می کنند و دولت شرابط لازم را برای آنها میسر کرده . به طوریکه مادران صاحب نسل نیز بتوانند کار را با وظیفه مادر ترکیب و هر دو را طور موفق آمیز پیش ببرند . بادر نظر داشت همین غایب است که تحت رژیم های مترقی کمک های مالی متعددی به زنان در پیشبرد وظایف محوله چه به حیث کار و چه به حیث مادر ضرورت گرفته و تا سیستمات متعدد تعلیمی و تربیوی مراکز حمایتی به طفل و مادر ، ششیر خوار گاه ها و کودکستان ها به منظور ایجاد تسهیلات برای زنان تاسیس گردیده است .

در جمهوری دموکراتیک افغانستان همه مساعی جدی و بیگیری برای توسعه شرکت فعالانه زنان در امور جامعه بعمل آمده و تسهیلات بی سابقه برای زنان در پیشبرد وظایف گوناگون اجتماعی فراهم شده است .

ببراک کارامل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورا عالی انقلابی اوصدرا اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان طی بیانیسه در زشمنند او انقلابی شان در کنفرانس سرتا سرتا زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان در سال گذشته در مورد نقش زنان در اعمار جامعه نوین چنین گفتند : ((ما در حالیکه با بیگیری و جدیت تمام به کار اعمار جامعه نوین در سر زمین باستانی خود پرداخته ایم ، عقیده داریم که زنان زحمتکش کشور نیز نقش شایسته خویش را در امر تحقق بخشیدن تحولات عمیق و بنیادی اجتماعی و اقتصادی ایفا خواهند کرد)) ایشان افزودند :

در گام اولی مستأله جلب هر چه وسیعتر زنان در روند تولید اجتماعی و در وجود آنان افزایش قوای بشری مطرح است . زیرا از یکطرف موازی بار شد و تکامل صنایع و وزارت ضرورت به نیروی

زنان بحیث یک قوه فعال در پیشرفت جوامع

رسول : یوسفزی

در کشور های سوسیالیستی و رژیم های مترقی تساوی حقوق زن با مرد به حیث شرط اساسی برای تأمین عدالت اجتماعی محسوب میگردد .

با انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن زمینه شرکت وسیع زنان افغانی در عمران مجدد جامعه فراهم شده است .

بخطر همین است که در تحت رژیم های سوسیالیستی و مترقی پیش از هر وقت دیگر بر تائین تساوی عملی زنان با مردان و شرکت فعالانه آنها در امور تولیدی و اجتماعی تأکید خاص بعمل می آید . در کشور عزیز ما جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و مخصوصاً مرحله تکاملی نوین آن افق های

این اکنون نزد همگان روشن شده است که نمیتوان مساوی بیچیده جهان کنونی را بدون کمک و سهمگیری فعالانه نیم نفوس بشریت حل کرد . آری شرکت فعالانه زنان در امور مختلف اجتماع یک شرط لازمی برای نیل بهرگونه پیشرفت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری محسوب می شود در قبال این حقیقت است که تأمین تساوی حقوق زن با مرد نه تنها در کشور های دارای رژیم های سوسیالیستی و مترقی به حیث امر مهم در تحقق عدالت اجتماعی بشمار میرود بلکه به حیث یک ضرورت مبرم اجتماعی نیز تلقی می شود . تجارب نشان داده است که تأمین شرایط برای شرکت وسیع زنان در امور مختلف اجتماعی دریک جامعه میتواند به حیث نخستین گام در جهت گذار از تساوی دی زور و قانونی زن با مرد به تساوی دیفکتو و عملی زنان با مردان محسوب گردد . البته این امر نه تنها یکی از شرایط مهم برای استقلال اقتصادی زنان تلقی می گردد بلکه همچنان عامل عمده در تساوی کامل زن با مرد در جمیع مساحات زندگی توسعه دید جهانی و انکشاف زنان به حیث افراد نیز شمرده میشود .

انسانی بیشتر خواهد گردید و از جانب دیگر، کار متمرکز و تولیدی نخستین واسا سی ترین شرط تامین عملی برابری زن با مرد به شمار میرود. تنها از این طریق میتوان بود به وابستگی اقتصادی زنان پایان بخشید، برابری کامل آنانرا بامردان در همه عرصه ها نامیس نمود و زمینه شکوفایی استعداد های شانرا فراهم ساخت. منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن اشاره به اهمیتی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نقش زنان افغانی در دفاع از دست

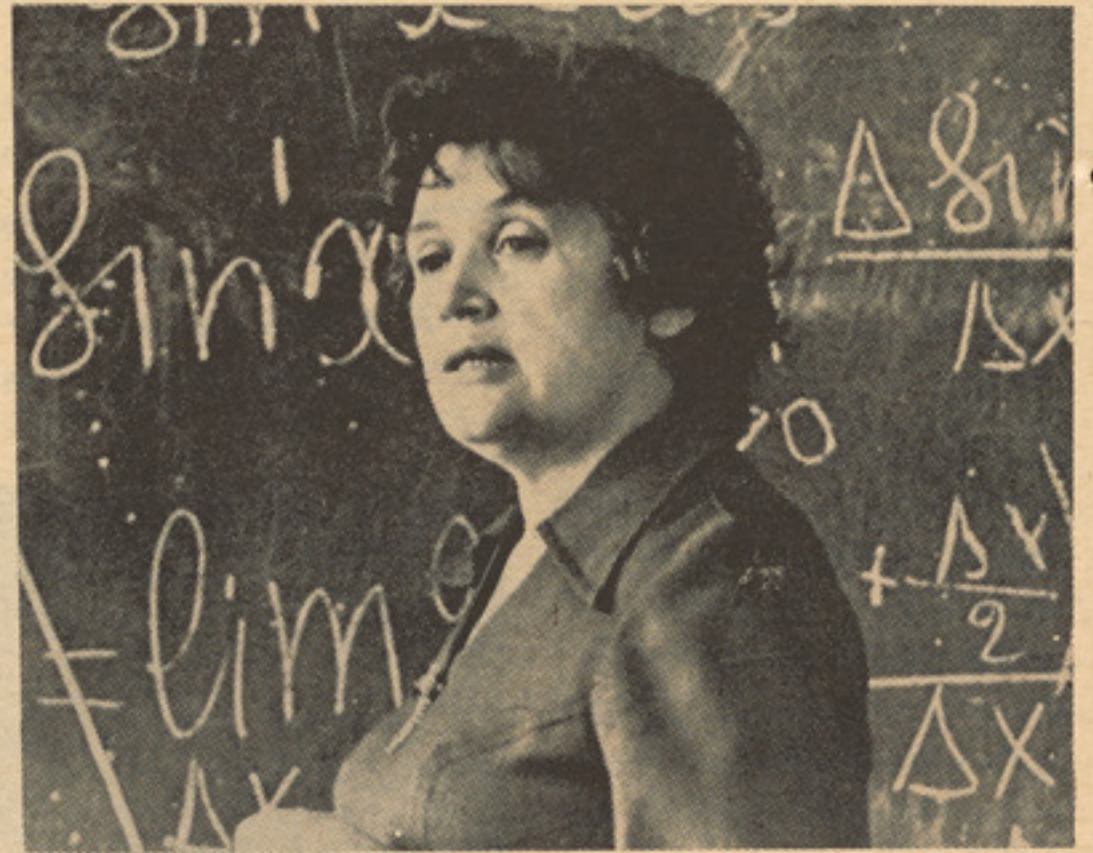
حیات اجتماعی افراد این کشور همراه است و دولت مرد می ما بر مواظبت های خاصی به منظور بهبود شرایط کار زنان صاحب شغل و مادران شیرده تا کید دارد و با اقدامات لازم درجهت حمایت از طفل و مادر و تقویت جنبش دموکراتیک زنان در کشور دست زده است، که تشکیل کنفرانس سر تا سری زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان و تنظیم روز افزون زنان را در اتحادیه ها و سازمان های مختلف اجتماعی، فرهنگی و کاری گری ثمره این اقدامات می توان شمرد.

درین جهت مبارزه می کند. **نظری به وقف زنان در بلقاریا** کشور های دیگر. زنان در کشور های سوسیالیستی از حقوق مساوی با مردان برخوردار اند و تسهیلات متعددی برای آن ها در عرصه های مختلف حیات اجتماعی فراهم میباشند. طور مثال در جمهوری مردم بلقاریا که تساوی کامل زن با مرد طی نخستین اسناد مهم حکومتی در (۱۹۴۵) اعلام گردید زنان از تسهیلات و مزیت های خوبی در مساحت مختلف حیات برخوردار اند. آنها بادر یافتن مزد مساوی بامزد مردان برای عین کار رخصتی های سالانه با معاش دارند و هم دولت رخصتی های قبل و بعد از وضع حمل را برای مادران منظور کرده است. زنان هنگام عدم قابلیت موقتی برای پیشبرد وظیفه محوله که نتیجه مریضی، تصادم و یا علت دیگر باشد از کمک های مادی مستفید اند. زنان در بلقاریا نه تنها از حقوق مساوی بامردان برخوردارند بلکه از شرایط بهتر برای تقاعد نیز منفعت می برند. باین معنی که آنها می توانند دریک سن جوانتر و مدت کار کمتر با عین معاش مردان تقاعد کنند. بدون شک استخدام و شمع زنان بلقاریا در جمیع سکتور های اقتصاد ملی این کشور و شرکت همه جانبه شان در کار، مستقیما

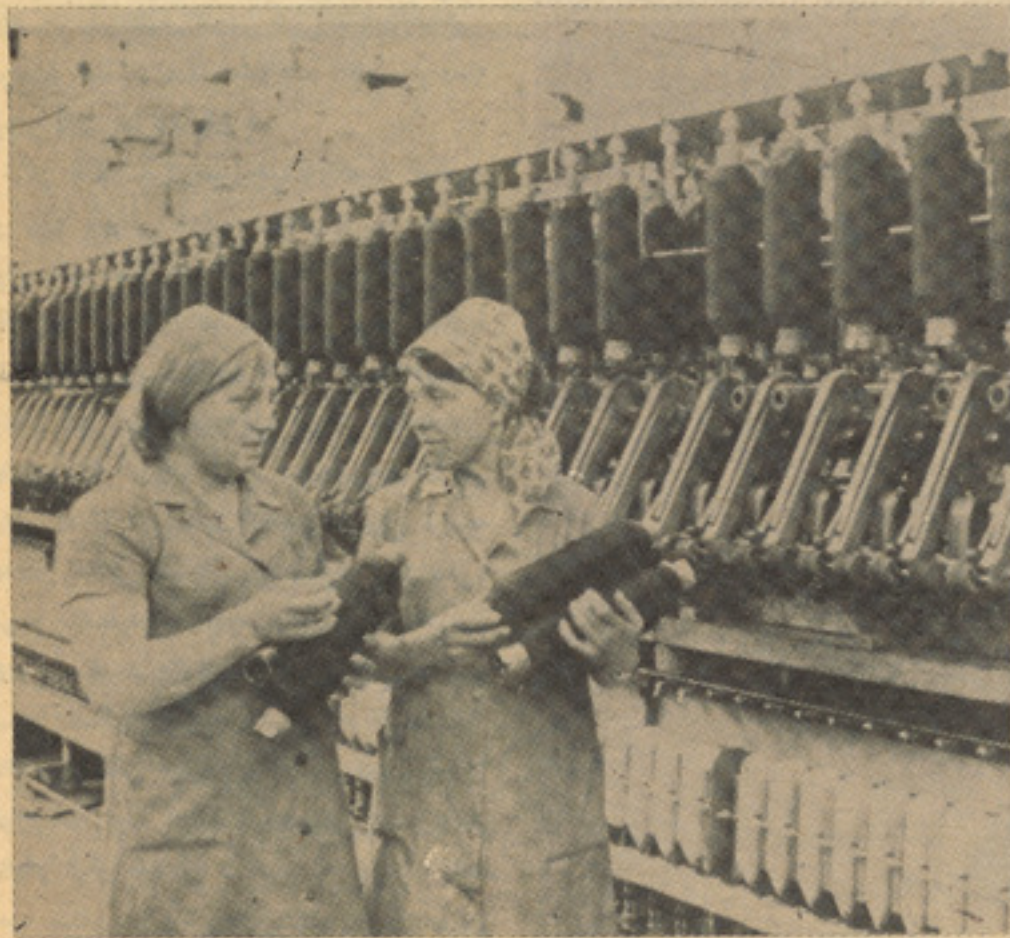
مربوط به فرصت شغلی برای کسب تعلیم و تربیه حرفه ای است که از این رهگذر هیچگونه تبعیضی در برابر زنان در بلقاریا موجود نبوده و تعلیم و تربیه مجانی برای همه اتباع این کشور مسیر است. نودون فیصد زنان واجد شرایط رای دهمی طور فعال در انتخابات ایالتی و محلی شرکت می کنند. سیاست این کشور در مورد کثانیدن زنان در مساحت منجمنت و اداره نیز دوام دارد.

سیستم سوسیالیستی در بلقاریا یک تاثیر مثبت بر خانواده ها نیز گذاشته و (نودون پنچ) فیصد زنان شوهر دار کار و معاش دارند. در هشتاد و شش فیصد خانواده ها، زنان و شوهران عواید خانواده را با رضایت هم تنظیم می کنند که بادر نظر داشت این امر زنان در بلقاریا نه تنها از لحاظ قانونی مساوی با مردان شده بلکه در عمل نیز شریک مساوی آنها گردیده است.

کذا در اتحاد شوروی کوشش های فراوان برای شرکت روز افزون زنان در امور ملی و بین المللی صورت می گیرد. یکی از تسهیلات خوب برای مادران صاحب شغل در اتحاد شوروی موجودیت بیش (۱۲۰۰۰۰) شیرخوار گاه و کیدکستان است که جمعا (چار ده) میلیون طفل و کودک را برای مدت های طولانی در روز که مادران



۷۵ درصد دختران و معلمان تعلیم و تربیه را در اتحاد شوروی زنان تشکیل میدهند. این زن معلم یک مکتب است



در کشور های سوسیالیستی و مترقی زنان در امور تولیدی سهم بزرگ دارند

کذا الغای مناسبات فرسودگی و فیدائی و ماقبل فیدائی و روابط منحن اجتماعی که قبل از انقلاب ثور در جامعه ما حکمفرما بود و یکسری به نفع برتری مرد و اسارت زن در قید مرد و رسوم نا درست اجتماعی می چرخید و زنان در بدل پول خرید و فروش می شدند، از زمره اقدامات نهایت سود مندی است که دولت انقلابی ما به منظور بهبود موقف زن در جامعه و تامین تساوی حقوق آن ها با مردان به حیث شمرگای مساوی به عمل آورده است و سلسله این اقدامات هم چنان برای تجهیز مزید نیروی زنان در امور تولیدی و اجتماعی در میهن ماجریان دارد و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان طور بیکر

آورد های انقلاب ثور و مرحله نوین آن قابل است در کنفرانس سر تا سری زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان خطاب به زنان فرمودند ((حزب به نقش شما زنان نجیب در دفاع از دست آورد های انقلابی مردم ما ارج و ارزشی بزرگ قایل است. امروز پدران، برادران فرزندان و شوهران شما از آرمان های مقدس خود دفاع میکنند و حماسه می آفرینند. امادر پشت سر همه این قهرمانان و حماسه آفرینان زنان و مادران قهرمان این حاملین اندیشه ها و ارمان های انسانی و نجیبانه قرار دارند.))
تامین موقف مساوی یا نه زن بامرد در جامعه جدید افغانی با انجام تحولات بنیادی در مساحت مختلف

اضطراب

او هيجان

د پورتنۍ کابوې خارجي غدود يو قسمت فعاليت ډير بنسټ مومي ، تپهوس غده کوچني کپړي او ... دغه بدن عکس العملونه يوعوموي حالت لري .

په خاصو مواردو کې يوازي دانطباق د جريان شدت دی چې په عکس العملونو کې دا اختلاف سبب گرزي . کله چې دانطباق نظامونه په عادي توگه عمل کوي دغه شدت د عدم تعادل سره متناسب دی ، کولی شو چې دغه پديدې دهغه چا دلاس د حرکت سره مقايسه کړو چې د ياد د جريان په مقابل کې د بېرې ځمخې وهلي ، هر غومره چې بايد د بېرې تگ لاری ته تغير ورکړي هغو سره بايد ځمخې وهونکي د بېرې دسم تگ لپاره هلي ځلي وکړي .

دغه پديدې په لمرې سر کې متضادي ښکاري اما په واقعيت سره بايد ومانو چه دانطباق جريانونه د غريزي عکس العملونو له خوا برابريږي . (د مثال په توگه د زړه منظم حرکت د عضلاتي او عروقي دستگاو عادي انقباض) شريك اساس لري .

سر بېره د حرارتي انرژي څخه له کا تاليزوري څخه هم استفاده کيږي چې هماغه (انطباقی سوخت) دی . ددغه «سوخت» عادل تراوسه پوري ندی پيژندل شوی .

لاکن څنگه کولای شو چې دغه واقعيت توضیح کړو چه «رواني محض هيجانونه» په بدن کې يوشيمعایي عکس العملونه مينځ ته راوړي چې ده لريکي، پديدې که تنکسونه سره (ساره، دخواپه گهوالی ، دتوان څخه وتلي کارونه) يوشان دی مخکې مو وويل چې د هر فرد اجتماعي انطباقی نظام د ژوند يو لړ قواعد پخپل فکر کې ساتي که له دی جملې څخه يو مروچي فرضيه دداخلی حافظې په باره کې ومنو نو اټکل کولی .

شوچي اضطراب او هيجان عکس العملونه پر بدن تحميلوي او د ماليکولي مقياس تيځي هم له ځانه سره لري . ځکه چې دداخلی حافظې پر نظريه ولاړی دی ژوندي موجودات نوی اطلاعات داتمونو او پروتيني ماليکو لرونو دوضعی د تغير له لاری له ځانه سره ساتي په واقعيت کې دهغه نه حليدونکی بحث څخه چې د خارجي نړی سره کيږي يوازي دحل لاره داده چه ذهن له «آينه ال» څخه پاک

همدغسې د انطباقی سوخت، مقدار په مختلفو هم وضعی نظامونو کې تفسيری او هغوی ته دا امکان ورکوي چې د بدن لازم «بيا جوړيدل» ترسره کړي او دوزنی ژوند چنجالونه سره حل کړي ، پدی حال کې زمونږ وجود لکه يو ماشين دايم داماده باش په حال کې وی ، د انطباقی سوخت، مصرف لږوی او د هغه زيرمی د يو عادی ژوند لپاره کفایت نکوي . اما زمونږ ژوند عوماددغی آينه ال طرح په مخالف قطب کې واقع کيږي له دی کبله زمونږ انطباقی نظام خان د عدم تعادل سره مخامخ وي او زمونږ دانطباقی سوخت زيرمی د بېرته عادی کيدلو وضعی دپاره کفایت نه کوي . پدی حال کې د يو «خطر دښمن» په وجود کې

خان نيسی، اول دانطباقی سوخت زيرمی د بحرانی تکتی خواته ځي ، دغه عومومي بسج انسان ته دا امکان ورکوي ترڅو چې خارق العاده کارونه سرته ورسوي او د يوې ناڅاپی پيښی د تښتيدو لپاره گرچي سپورت يی نه وی کړی کولی نيسی . مگر وای مگر وای ځایونه ژوب واچوي، يو هيجان وهونکی پوه هم ځيني بيچلی مسئلی په عمده شان سره حلوی .



متناسفانه ټول تغيرات چې په بدن کې راځي له ځانه ځيني نيسي نښانی پاتی کوي، ټول انطباقی انرژي په ضرور سیدلی ځای کې مصرفيږي ، اما په نورو ځایو کې نيسي بر عکس انطباقی انرژي به کندي سره عمل کوي دغه کار بدن زړوی او عادی کار قطع کوي د مثال په توگه فکري ستوماتنيا کولی شي چې عصبی اختلالات په قلبی عضلو کې پيدا کړي چې په ځپل وار سره يوشيمعایي تغيرات مينځ ته راوړي چه دغه تغيرات د ويني په تنظيم کې ځيني تغيرات مينځ ته راوړي ، بېرته پاتی کوم شي ندی خودقلب د جريان زېږښت سبب کيږي ، داکتران ځيني لوی لوی سوخي سدل واقعات ويني چې وروسته ددهدی او کولمې د زخم سبب گرزي .

ددغی پديدې اوتباط دانطباقی سوخت له لږ والی سره چې دهم وضعی نظام دعادی کار يعنی هغه نظام چې دکوراش دستگاه تنظيموي (لکه چې ټول انطباقی انرژي د سوخي سدلې ځای پرشد بسج شوی وی) منفي ندی .

ټول ضرورونه بدن ته تاوان رسوي، شديد ضرورونه (چه پرو فيسوسلېه هغه ته بېرته پاتېولی وای) دردونه او گراونه له ځانه سره راوړي او کله کله د شوك سبب گرزي پدې حالت کې بدن نيسي کولای چې له ټول انطباقی انرژي سره سره د عدم تعادل مخه ونيسي، هغه تاوانونه چې شدت يی لږ او عمر يی ډيروی يوموجود له ټاکلی هودی نه مخکې زړوی اوله مينځه يی وړي .

صحيح دی چې دوخت د تيريدوسره د فردی حیاتی انرژي چې له سخته ناروغتيا سره مخامخ دی يا شوك يی ليدلی دی بيا جوړ کيږي مگر بدن هميشه ددغه اثر ځان سره ساتي .

د ويني فشارونه ، ددهدی زخونه ، د اندر ناروغتيا هريو په ځپل وار سره د زخم ځایونه حسابيږي چې (بېرته والی) پيدا کوي او تر څو پوري چې بدن ژوندي وی دهغه اثر له ځانه سره لري .

اما ځيني نور موارد هم شته دی چې خطرناک ترين تيځي هم مينځ ته راوړي پدی معنی سره چه که يوه وجود په بحرانی وضعی کې واقع وی کولی شي چه د ډير کوشش له امله «انطباقی سوخت» توليد او ډير کړي .

دی نتیجی ته رسيدو چې دعوات په توگه ډيري حیاتی انرژي به زمونږ په اختيار کس وی مگر طبيعت نشو غولولی ، اوکی «انطباقی سوخت» مخلوق دی له دی کبله له اندازی نه زیات مصرف يی خطرناک دی .

اومونږ د تپيدونو له لمرنی نښانو سره مخامخ یو چې عبارت دی له «هومي اووسج» انطباقی ناروغیو سره اودهغه پراختيا په ټوله نړی کې

نور بيا ژوندون

جرقه ایکه از آن شعله ...

ازین رو قوانین نافله در دولت هی سرمایه داری ابتدا در جهت طولانی ساختن هر چه اقتصادی برای وادار نمودن کارگران برای بیشتر مدت کار روزانه و ایجاد اجبار غیر اقتصادی برای وادار نمودن کارگران، برای کار هر چه بیشتر، تقیل ترو مولد ترندوین می شد در انگلستان در سال ۱۳۴۹ میلادی در اولین قانون کار برای کارگران زراعتی، مدت کار روزانه از پنج صبح الی هفت شام تعیین شده بود (در قرن چهاردهم انگلستان پیشرفته ترین کشور بود) باید متذکر شد که در آن هنگام سرمایه داری تازه به حیات

پیروز باد جشن اول ماه می - جشن رزم و پیکار طبقه کارگر بین المللی بخانه صلح، آزادی و ترقی اجتماعی.

آغاز و حتی می توان گفت ته در چنین بود لذا پیشه وران شهری که تا آنوقت امکانات کار در کارگاهها رابه صورت مستقل داشتند به آسانی زیر بار این قیدبه اصطلاح قانونی نمی رفتند ولی پس از آنکه نظام اقتصادی- اجتماعی سرمایه داری گسترش و انکشاف یافت امکان کارمستقل از کارگران و پیشه وران نیز سلب گردید و مجبور بودند مطابق میل دولت و صاحبان سرمایه عمل نمایند یعنی با انکشاف هر چه بیشتر رژیم سرمایه داری زنجیر های بردگی و قیود بدست و پای کارگران محکم تر گردید و فقر و مسکنت گریبانگیرشان شده و هر چه بیشتر وابسته به ماشین و برده سرمایه دار می شدند.

کارگران در پهلوی تحمل دشواری های مشقات دیگر که از ماهیت و اصول نظام سرمایه داری ناشی میشود از روی مجبوریت بین خود هم رقابت بر سر بدست آوردن کار را براه می انداختند زیرا کارگران در صورت بیکار ماندن باید تن به نیستی کامل بدهند (در آن هنگام سدیکاها و اتحادیه های کارگری برای دفاع از منافع کارگران یا وجود نداشت و یا اینکه بسیار ضعیف بودند) موجودیت رقابت میان کارگران به سرمایه دار ایسن امکان را می داد تا بتواند مقدار کار روزانه را هر چه بیشتر با لا ببرند باز هم باید متذکر شد که سرمایه داران برای ارضای امیال حریصانه خویش از همه امکانات برای بسط هر چه بیشتر سود خویش استفاده کرده و تا رژیم سرمایه داری در جهان موجود است این رسم ظالمانه هم موجود خواهد بود. درین زمینه می توان از کار طاقت فرسای کودکان و زنان که سرمایه دار آنها را برای بدست

عده ای از کارگران، قهرمان و زحمتکش شده وعده ای دیگر شانرا نیز به زندان ها روانه ساختند. بعد ها در سال ۱۸۸۹ در یک کانگرس انترناسیو نال دوم که در پاریس مرکز کشور فرانسه دایر شده بود طی فیصله ای مدت کار روزانه به هشت ساعت تقلیل داده شد. هکذا در همین کانگرس فیصله بعمل آمد تا جهت ارج گذاری به روحیه رزمندگی کارگران قهرمان و مبارز شهر شیکاگو و یا دبود از رزمندگی شان روزاول می هر سال را بمنابیه جشن همبستگی وروز بین المللی طبقه کارگر جهانی با جشن ها و تظاهرات تجلیل گردد. از همان سال به بعد روز اول می هر سال بمنابیه روزه همبستگی بین المللی کارگران جهان در هر گوشه و کنار جهان بر گزار می گردد. درین روز علاوه از یاد بود از اعمان قهرمانانه کارگران شیکاگو و دیگر قهرمانان راه نجات انسان برای تأمین شکل و وحدت طبقه کارگر نیز عمل میشود.

باید متذکر شد که مبارزات قهرمانانه کارگران شیکاگو و هکذا دیگر مبارزین راه نجات زحمتکشان هرگز به نتیجه قطعی یعنی ریشه کن ساختن استثمار و ستم طبقاتی منتج نشد مگر بعد از آنکه کارگران و کلیه زحمتکشان گردان پیش آهنگ خویش یعنی حزب طبقه کارگر را تشکیل کردند و تحت رهبری آن با براه انداختن مبارزات متشکل، علمی و انقلابی برای براندازی نظام فرتوت و ظالمانه سرمایه داری و نظام های ماقبل سرمایه داری عمل نمودند. طلیعه پیروزی قاطع کار بر سرمایه همانا پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میباشد که تحت رهبری حزب قهرمان بلشویک در روسیه تزاری در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید. ایدیا لوزی پیشرو عصر ما با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بمنابیه مشعل رهنا در

فراز راه کارگران و دیگر زحمتکشان جهان نور افشانی نموده و سبب شده که سیستم استعماری سرمایه داری در هم شکند و مردمان جهان یکی پس از دیگری استقلال سیاسی و اقتصادی خویش را بدست آورند.

هکذا در تحت تاثیر انقلاب کبیر اکتوبر مبارزات بی امان طبقه کارگر سرمایه داری مجبور به پذیرفتن خواست های بر حسق طبقه کارگر منجمله محدود شدن مدت کار روزانه در کشور هائیکه رژیم سرمایه داری حاکم است، گردید. در سال ۱۹۲۲ در نتیجه کار و پیکار انقلابی زحمتکشان جهان و موجودیت کشور قدرتمند کارگران و دهقانان جهان یعنی اتحاد شوروی، محافل بورژوازی عده ای از کشور های جهان با فضای موافقت نامه ای بین خویش که بنام «موافقت نامه واشنگتون» یاد می شود، مدت کار روزانه را هشت ساعت متقبل شدند.

در کشور محبوب و مرد خیز ما با پیروزی انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن که قدرت حاکمه از دست طبقات استثمارگر به طبقات زحمتکش و اقشار دموکراتیک انتقال یافت، ستم سرمایه و ملاکیت نیز برای همیشه رخت بر بسته و طبقه کارگر جوان کشور امکانات همه جانبه برای کار و پیکار انقلابی و اعمار جامعه نوین و بهبود دارند جشن اول ماه می روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر را در کشور محبوب و قهرمان ما حالا باشکوه و جلال خاص در تحت درفش جمهوری دموکراتیک افغانستان بشکل واقعی آن برگزار می شود.

پیروزیاد مرحله نوین انقلاب نور، این مرحله نجات مردم، انقلاب و وطن، شکوهمند باد اول می روز همبستگی بین المللی کارگران جهان.

زندگی ساز

ای کارگر! ای بزرگرم

ای افتخار جاودان!

ای زندگی ساز جهان!

نیروی تو بالنده است

بازوی تو سازنده است

هرگز نمیگردد زوال

این قدرت بازوی تو

نیروی تو نیروی تو

• • •

ای کارگر! ای بزرگرم!

ای افتخار بحرو بر!

ای خار چشم دشمنان!

برخیز دباتو این جهان

گردد بهشت جاودان

• • •

بیتو جهان ویران شود

این زندگی زندان شود

آن دشمن دیرینه ات

آن بای و خان

آن غاصبان

آن دیوانه استثمار تو

آن مایه آزار تو

گریبان، گریبان شود

• • •

بر خیز بانبروی کار

باضر بت پتک گران

بایبل و داس

اند رنبرد دشمنان

سر سبز گن این میهن

این مادر جان و تنت

ای کارگر! ای بزرگرم!

ارزشگفتی های رنگی و جفت

استفاده از نسخه های ابن سینا

در طب معاصر



ابوعلی ابن سینا

آیا طب معاصر می تواند از نسخه ای یک ده قرن قبل توسط ابن سینای بزرگ نوشته شده است استفاده کند؟ البته نسخه مذکور بر روی پوست حیوانات نوشته شده که اکنون کمیوتر هر يك از ترکیبات درون نسخه و بعد تمام ترکیب را بدقت مورد آزمایش قرار داده و جواب می دهد. اگر چه این نسخه یکپنجاه سال قبل نوشته شده اما نمی توان آنرا کهنه بحساب آورد.

دانشمندان لابر اتوار فار مکو لسوزی استیتوت خواص طبی نباتات تیرا که تاجکستان از نگاه داشتن آن خیلی غنی می باشد مورد پژوهش خود قرار داده اند. به نظر ابو علی سینا ازین نباتات می توان در امور طبی استفاده خیلی وسیع نمود. در ترکیب ۱۵۸ نسخه ای که بمطالعه کمیوتر قرار داده شد در حدود ۲۰۰ نباتات طبی شامل بوده و ماشین توانست اهمیت طبی اکثر این نباتات را واضح سازد.

به اساس توصیه ابو علی سینا از جمله ۲۵ جزء مرکب یکی از نسخه های امراض قلبی فقط سه تای آن معالج مرض بسوده و متابقی آن مرکبات مسکن و انتی تاکسید می باشند. اصل موضوع در آن است که از دیدگاه طب امروزی ادویه تاریخی در ذخیره خود باندستن و سایر تمر بخش وجود خود انسان را بکمک می گرفتند. از وجود مریض پس از جذب دوا در بدن مواد مضره خارج شده و تمام نیروهای و درجهت بیرون راندن مرض بسیج می شدند. فار ما گای جالب دیگر ابن سینا در تکرار

مرکباتی می باشد که تاثیرات مشابه را دارا بودند. به این ترتیب اگر بدن در مقابل تاثیرات یکی ازین مرکبات بی تفاوت می بود جزء مرکب دوم یا سوم حتما تاثیر خود را بالای بدن وارد می کرد لهذا مرکباتی که به اساس پر نیسیب فوق ساخته می شد برای اکثر ارگانیزم ها تاثیر مشترک داشتند.

قسمتی از نسخه های طبی باستانی همین اکنون توسط طبیبان معاصر مورد استعمال قرار دارد. تحقیقات نه تنها در استیتوت کیمیا بلکه در استیتوت کاسترا-نتولوژی استیتوت طبی تاجکستان که بنام ابو علی ابن سینا مسمی شده است نیز ادامه دارد.

يك حيوان بی نظیر

ازین حیوان عظیم الجثه فلم گیری کرده ر درباره علت ازین رفتن این حیوانات از روی زمین مباحثاتی را به راه می نوازند مثلا بعضی از دانشمندان عقیده دارند که مامونت ها تا آخرین عدد دو تله هم مگیر مانده و از بین رفته اند دیگران می گویند این حیوانات در نتیجه سرد شدن قسمت های از زمین مرده اند و غیره. ولی اکثر این تعبیرات هیچگونه اساس علمی نداشته و از واقعیت دور می باشد.

اخیرا در ایالت ما کاداسک (شمال شرق شوروی) چوچه هفت ماهه حیوانی باستانی بنام مامونت کشف گردیده که در بین هر می از بیخ به شکل اولیه خود باقی مانده بود.

دلچسپی به زندگی این حیوانات تنها در اتحاد شوروی بلکه در کشورهای دیگر نیز درین اواخر افزایش یافته است. جاپانی ها، انگلیسی ها، فرانسوی ها پروگرام سیاحت های خاصی را ترتیب داده

در ازترین انسان قرن بیستم

باستکتبال دستم از همه بالا تر می رسد و گول های زیادی می زنم دو-چرخه آواز لوله های طیاره ساخته شده است زینش از زمین ۱۵۳ سانتی متر بالاتر است دختر مورد علاقه او باید حد اقل ۱۸۵ سانتی قد داشته باشد.

دخترها به او می گویند هی مرد بین آن بالاها برف می بارد یا نه وقتی به سینمایی نشینند تاسه ردیف عقب آن به داد و فریادی شوند!

«گریستو فرگرینر» جوان بلندی قامت انگلیسی يك جفت کفش می خواهد که نمره اش از پنجاه بیشتر باشد و برای گرفتن اندازه های آن او دو نفر خیاط قلمدوش می شوند، بازهم یا لباسش تنگ می آید یا بکلی کوتاه.

گریس - ۳۱ سال دارد طول قدش ۲ متر و ۲۸ سانتی و یازده میلیمتر است او هیچ وقت کفش پاشنه بلند نمی پوشد او می گوید هنگام بازی

وزین ترین انسان قرن ۲۰

این مرد ۲۴۲ کیلو بی روزی یک دفعه بیشتر غذای خورد مگر سالی شصت کیلو به وزنش اضافه می شود!

جورج مک آری روز بروز هم سنگین تر می شود جورج در هنگام جنگ جهانی دوم وقتی به نیروی هوایی انگلیس پیوست جوانی لاغر اندام، بلند قد و استخوانی بود وزن

او ۶۵ کیلو بود، حالا جورج ۵۲ سال دارد و به رژیم غذایی اعتقاد ندارد وی سالها است که در حالت ایستاده پاهاش را ندیده است دور کمر او ۱۸۰ سانتی است جورج عاشق سینه چاک فوتبال است.

و در میدان فوتبال چو کسی مخصوص به او گذاشته اند.

واقعیت های تاریخی

روز نامه یاد آور می شود این موضوع برای هیچکس پوشیده نیست کسی. آی. ای جنایات زیادی را مرتکب شده است تا بتواند آزادی خلق ها، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی حکومت را در هم بشکند. مثال های جلی، ایران، کانگو و انگولا فراموش ناشدنی است.

روزنامه خاطر نشان می سازد در موزه بیک که جاسوسان سی. آی. ای با نژاد پرستان بریتوریا رابطه نزدیک داشت بسد نیبال از پا در آوردن رژیم مترقی و دموکراتیک و از هم گسستن دست آورد های انقلابی که راه سوسیالیستی را بر گزیده اند، تلاش های زیادی کرده اند.

تاریخ سازمان مرکزی جاسوس ایالات متحده امریکا، تاریخ کودتا ها، مناخات مسلحانه و قتل های سیاسی است. این مطلب را مقاله جریده ((ناتی سیاس)) درباره فعالیت های خرابکارانه اداره جاسوسی امریکا در کشور های مختلف جهان واز آن جمله افریقا عنوان ساخته است.

روز نامه خاطر نشان می سازد که سازمان مرکزی جاسوسی امریکا یکی از و سایل عمده سیاست تجاوز گرانه امپریالیستی ایالات متحده می باشد. این سازمان در راه سقوط دادن رژیم های که به ذوق ایالات متحده برابر نمی باشد بهر وسیله ممکن و منجمله به کشتار انسان ها دست می زند.

یک عدد عجیب

یک نفر از معلمین پوهنتون شبر آن پایتخت یونان عددی را پیدا نموده که خصایصی عجیبی دارد. آن عدد «۱۴۲۸۵۷» است که اگر در دو ضرب کنیم «۲۸۵۷۱۴» را میدهد یعنی دو رقم اولش از دست راست همان دورقم عدد اولی است. اگر آنرا در سه ضرب کنیم «۴۲۸۵۷۱» میشود یعنی دارای همان ارقام عدد اولی است و رقم اولین رقم آخرین شده است. حال اگر آنرا به چهار ضرب کنیم «۵۷۱۴۲۸» میشود یعنی دو رقم آخرین عدد اصلی در عوض کرده اند. اگر در هفت ضرب کنیم ۹۹۹۹۹۹ را میدهد که خود عدد عجیبی است.

میشود یعنی دو رقم آخرین عدد اصلی در اول آمده است. اگر آنرا در پنج ضرب کنیم «۷۱۴۲۸۵» را میدهد باز رقم اول در آخر آمده است. اگر آنرا در شش ضرب کنیم «۸۵۷۱۴۲» میشود یعنی سه رقم اولی و سه رقم دوم عدد اصلی جای شان را عوض کرده اند. اگر در هفت ضرب کنیم ۹۹۹۹۹۹ را میدهد که خود عدد عجیبی است.

عشق چیست

یک گزارش علمی جدید در باره کشش های عاشقانه

بدون اغراق هشتاد در صد اشعار و ادبیات جهان در باره عشق است که البته همه اینها درباره عشق بین زن و مرد نیستند و لسی طیفاتی نظیر رومنووژولیت یوسف وزلیخا، شیرین و فرهاد، و امق و عدرا و... از ناب ترین نوشته ها و اشعاری هستند که در ادبیات جهان راجع به عشق بین زن و مرد سروده شده و یا نوشته شده اند. با این ترتیب باید گفت که عشق یکی از قدیمی ترین و در عین حال زیباترین را بطنه های است که ممکن است بین یک زن و مرد بوجود بیاید و نکته خیلی عجیب در باره آن اینست که تا همین اواخر هیچکس سعی نکرده بود برده از راز ما هیت این احساس پرشکوه بردارد و به فهمد که چطور می شود که دو نفر عاشق می شود و دل به هم میبازند.

و علل روانی و شیمیایی عشق چیست؟ محققین در سال های اخیر توجه خاصی نسبت به این مسئله نشان دادند و مخصوصا انستیتوت روانشناسی لندن طی بیست سال گذشته در زمینه بررسی روانی عشق مشغول تحقیق بوده است و نتایج این تحقیق بزودی در یک گزارش چهار صد صفحه ای منتشر خواهد شد.

این تحقیقات از همان ابتدائی امر ز پس نظریک زن و شوهر که خود به خود با هم عاشق یکدیگرند و هر دو داکتر روانشناسی می باشند شروع شد. این زن و شوهر (کن و دیوید ویلسون) نام دارند در گفتگوی که با این زن و شوهر صورت گرفت این طور بیان داشتند.

اولین قدمی که به سوی عشق و عاشقی برداشته می شود ((کشش)) است و حرکات چشم و طرز نگاه صورت (اشاره ها) اولین رابطه را بین یک زن و مرد به وجود می آورد مردمک چشم ما وقتی با شخصی جالب توجهی مواجه می شویم اتساع پیدا میکند. بزاق بیشتری پیدا می کند ذهن انسان در این لحظات با هوش تر می شود و یک حالت بی غمی و شادی که نمره با ارزش شیرین زبانی کردن است به انسان دست می دهد. در چشم ها حالتی ایجاد می شود که بدون اینکه خود متوجه باشیم از سوی شخص مورد نگاه علام جنسی از خود آشکار می کند و این امواج فرستنده نا مرئی بدون کمک کلمه ها می تواند به طرف بفرماند که از او خوش ما آمده است پس از آنکه رابطه او لیه بین یک پسر و دختر از طریق نگاه بر قرار گردید زن شروع به از زیبا

مرد می کند و برای این کار از ضوابط و معیار ها ئی که به طور طبیعی در نهادش وجود دارد استفاده می نماید و اگر او را واجد شرایطی که برای شوهر آینه اش معین کرده است تشخیص داد قدم بعدی را بر می دارد و باجرات بیشتری خود را به طوفان عشق می زند. البته نباید تصور کنید از زیبایی دختر مدتها وقت می گیرد. او این ارزیابی را فقط در عرض چند ثانیه پس از آن که نگاه معنی دار بین او و پسری رد و بدل شد انجام میدهد به هر حال اگر نتیجه ارزیابی مثبت بود قدم بعدی که آشنائی بیشتر است خود به خود بر داشته می شود. بررسی نشان داده است که اعمال غریزی انسان در این مرحله همیشه به نوعی استدل منطقی است (منطقی از نظر خودش) و این ارزش یابی وقتی مورد تأیید قرار می گیرد و نهاد دختر قرار می گیرد که لا اقل (۶۰) در صد از شرایط پسر مورد نظر را با امکانات روانی و امیال خود قابل تطبیق تشخیص دهد تجربه ثابت کرده است که نگاه همدستین جانب احتیاط در ابراز علاقه ای که در نهاد شخص پیدا شده است موجب می گردد که این عشق پخته و کامل بشود و سالیان متمادی دوام بیاورد به این ترتیب به دختر ها و پسر ها واقعا توصیه میشود که در جاده عشق با تمام شکوه و جلالتی که دارد خیلی تند نرانند و هم چنان به عشق های نوجوانی تن در نه دهند و بهتر است برای «ارزش یابی» عشق در نگاه اول کمی صبر و حوصله بفرج دهند تا می او لاین فکر و اولین احساس بهترین فکر و احساس نیست.

اهمیت عشق برای مرد ها خیلی بیشتر از زن ها است. در یک مصاحبه که با گروهی از دختران انجام شد وقتی از دختر ها پرسیده شد که اگر مردی واجد ویژگی های مالی و فیزیکی مورد نظر شما باشد و لسی شما او را دوست نداشته باشید آیا حاضر هستید با او ازدواج کنید یا نه. دو سه نفر آنها گفتند. و قتی شرایط مالی و فیزیکی دارا بود ممکن است کم کم عاشق بشوم. در حالیکه وقتی همین سوال از پسر ها به عمل آمد جواب دو سه نفر از ایشان منفی بود و گفتند. ((اول عشق و بعد شرایط مالی و فیزیکی)).

بار توك بلا د مجارستان يو موسيقي پوه



بار توك بلا په ۱۹۴۳ كال كې

مو سيقی له معيار ونو سره برا بړه كړی او داسی یی وروزی او تلطف یی كړی چی دخپل ولس او جهان دمو سيقی د گنجینی د شتمنی سبب شی .

هو ، دا كار بار توك بلا وكړ او په ډیره شایستگی سره یسی وكړ . هغه بار توك بلا چی نه یواخی یی دمجارستان ولس سلمه كا لیزه نماخی ، بلکه بشریت دهغه انسانی او هنری مقام ته سر ټیټوی او ډرنای یی كوی او په روان كال كی دنړی په سو یه د كنسر تونو په ترتیبولو ، او د موسیقي د پرو گرا مو نو په اجراء كولو سره دهغه شخصیت او خلاق كار نماخل كیری .

په برخه کی رښتینگی لری . همدا و چه ده چی دارو پادیرو سترو مو سيقی پوهانو، لود ویک فون بتهو فن . شوبرت ، شومان ، چایکو فسکی ، شوپن، لیزت ، کور- ساکوف ، بورو دین ، او در ژاک د خپلو خپلو و لسو نو د فو لکلور پر بنسټ ډیر عظیم شا هکار ونه او جاویدانه آثار منځ ته راوړی دی او له خانه یی په یاد گار پرینسی دی اوداسم هغه کار دی چی د مجارستان ستر مو سيقی پوه بار توك بلا هم سر ته رسو لی دی . یدی معنی چی بار توك هڅه و كړه چی دمجارستان موسیقي دارو پا د

« ای وطنه ، كه نن ونه پاخیدی ، نو یواخی به دو مره مجال پیداكړی چی دخپل قبر شناخته و لیکی ... » (شاندر پتوفی) .

دا د شاندر پتو فی آواز دی دهغه خوانیمر گك شاعر آواز چی خپل له شوره ډك سر یی دخپل سپیخلی وطن، په خاطر په میرانه وښنده او دزړه ورو او انسان پالونكو خوا نیمر گو شاعرا نو لكه پوشكین، لرمنتو ف، گار سیا لور كا ، بتوف او با یرون په لیکو کی یی خپل نوم دا بدي ویاړ ، د بشریت د عظیمی اونه فنا كیدونکی كورنی په لړ کی و لیکه هو ، د شاندر پتو فی آواز ، دهغه شاعر آواز چی انسان ور باندي گران ؤ ، دانسان اسیرول و رته ننگ ایسیده، خپل خان، خپل شعر، خپل سر ، خپل روان ، او خپله وینه یی دخپل مجارستان او بشریت د آزادی او عدالت په خاطر و ښندل او څه په میرانه یی وښندل .

كه شا ندر پتو فی دشعر جرس او دحماسی ترانو ناقوس د آزادی د كاروان مخی ته ډطلا یی په توگه و شر نگاهه ، نو دا آواز، دمجارستان د زړه و ولس یوستر انسان پالونکی موسیقي پوه او آزادی غوښتونکی مبارز ، بار توك بلا دخپلو آهنگونو، خپلو سمفونیو او خپلو له شوره ډكو كنسر تو نو سره لا او چت او رسا كړی اود پتو فی دشعر توره یی لا بسی وځلوله . وایی چی دنړی ستر هنری او ادبی شا هکار ونه تل دولسو نو له فو لکلور او دخلكو د فرهنگ له سر چینی څخه خړو بیړی او دغه خبره په تیره بیا د لویدیځی كلا- سیکي او نه فنا كیدونکی موسیقي



بار توك بلا دپیا نو غږ و لو په حال کی

بار توك بلا دخپل هنری فعالیت له پیل څخه دمجارستان د خلکو د فو لکلور نا پایه سر چینی ته متوجه شو او له همدی كبله یی د همدغه شتمن فولکلور پر بنسټ دمجارستان د موسیقي د بشپړ ولو په كار پیل وكړ . هغه دخپل یوه بل ملگری زولتان كو دالی په ملگر تیا په مجارستان کی یو لړ سفرونه و كړل او دخپل هیواد له فو لکلور یكسی موسیقي سره آشنا شو . او بیایی د همدغه ملگری په مرسته دخلكو مو سيقی او فولکلور یكه مو سيقی ثبت كړه . زولتان كو دالی نه یواخی د فولکلور یكی مو سيقی په برخه کی له بار توك سره مرسته وكړه . بلکه له هغه سره یسی دكمپو زیشین دستو نرو په حل کی مرسته و كړه .

بار توك دسلو واك او رومانیا دمو سيقی تر پیژند لو وروسته یدی حقیقت پوه شو چی ددانیوب دناوی اوسیدو نکی گډه از خونه لری او فرهنگ یی تر ډیره حده سره گډدی .

به مناسبت صد مین سالگرد

انا پاولوا

قوی جاودان

ترجمه مهدی شفا

دبار توک بلاله هنری خلاقیت خخه
دک کار ، هغه وروسته تر لومړی
جهانی جگړې په پراخه پیماننه شهرت
ته ورساوه .

وروسته بیا بار توک بلاد
دیر شو کلو نو لپاره دبودا بست
دمو سیقی په اکا دیمی کی دپیانو
استاد پاتی شو . هغه دروانی پیری
په سر کی یو زیات شمیر آهنگونه
د زیار ابستو نکو لپاره جوړ کړل .
خو د عمر تر پایه پوری دخلک—
فرسنگ او فولکلور یکی مو سیقی
ته و فا دار پاتی شو او خپله مینه
او علاقه یی ورسره وینود له . هغه
دمجارستان داصلی او فولکلوریکي

مو سیقی دربینو دموند لو او پیرندلو
لپاره پراخی هلی خلی وکړی او
وروسته بیا یی د گاونډیو هیوادو
دافریقی د شما لی هیوادو او ترکی
دمو سیقی په زده کړه او پیرندنه
پیل وکړ . هغه گاونډیو هیوادو ته
سفرونه و کړل . هغه درومانییا په
غرنیو سیمو و گرځید او دسلوواک
کلی او باندی یی و لیدی اودتر کی
قبایلو له غرنیو خلکو او کوچیانو
سره آشنا شو .

د « لرگیو د شا زاده » ، « خلاق
منورین » ، « داوبو درایش مانی » او
داسی نور آثار یی خورا زیات شهرت
لری .

دبار توک موسیقی پوه ملگری
زولتان کودا لی دهغه د آثارو په باب
لیکلی دی چی نه د موسیقی او ر
یدونکی اونه منتقدین ، بار توک
دداسی مانی په څیر نه پیژنی چی اوه
درواری لری خو دا دروازی دی قلفی
کړی شوی وی « د کودا لی دخبرو
مقصد دادی چی دبار توک دمو سیقی
په آثارو ټول خلک په ډیره سادگی
سره پوهیدل .

او اما نړیوال د بار توک بلادوه
څیری پیژنی : بار توک دیوه هنرمنه
او مو سیقی پوه په توگه : بار توک
دیوه مبارز شخصیت ، انسان پا—
لونکی اودعدالت او آزادی د لاری
د جنگیالی انسان په توگه .

لویدیځی پانگولی او دامپریا
لیزم مستعمراتی سیستم زموږ
سیاره دوه ځله له عظیم مصیبت او
فاجعی سره مخا مخ کړه او دوه ځله
یی په نړی کی داسی اورو لگاوه چی
مقصد یی زموږ د سیاری په اور او
وینو کی لمبول و .

پاتی په ۶۰ مخکی

شماره ۷-۶

که جوان بود ولی به آزادی هنری
اشتیاق داشته بین کسانیکه رهبری
آرتیستان بالت را به عهده داشتند
درینمورد تقاضای زیادی تقدیم

نمودند و بعد از شکست انقلاب اول
روس پاولوا مانند فو کین و دیگران
به صحنه تیاتر محبوب شان برنگشته
مدت زیادی در خارج سفر نمودند .
آغاز جنگ جهانی اول بکلی اورا از
وطن جدا ساخت .

زندگی اناپاولوا در سفر های
دور و درازی سپری شد . اوافتخار
جهانی را حاصل نمود ولی برای
بالیرین از پرو پاگند هنر عالی بالت
روسی مهمتر چیزی نبود . در هر
جائیکه بود در اروپا و امریکا ، جاپان
و چین ، برما و هند ، مصر و استرلیا
همه جا دلچسپی به رقص کلاسیک
پیدا کرد .

بعد از مسافرتش در بسیاری
جاها ستود یو ها ، مکاتب و گروه های
بالت زیادی بوجود آمده پاولوا در
کوچکترین شهر ها و قرا به هنر
رقص مصرف شده می خواست تا با
هنرش اکثر مردم آشنا شوند .
بالیرین میگفت « میخوام برای همه
برقصم ... »

او را بر رسی می کردند نه تنها
کمال تخنیک رقص او را بلکه خارق—
العادگی نقش . اوج الهام سحر آسای
سبک واستعداد او را در ترسیم
پلاستیک پانتو میم د را ما تیکسی
ستایش می نمودند .

البته به دارندگان بسیاری ازین
خواص رقا صان آنوقته بودند که
واقعیت زیباشناسی را در طول
قرن نوزدهم دارا بودند ، ولی بیایه
جهان بینی روانی و هنری اناپاولوا
نمی رسیدند . در تیوری او ایدیال
رومانتیک ترسیم شده و در روماننیزم
او شور روانی نهفته بود .

بالیرین تراژیدی شخصیت را به
سرعت احساس نموده بطور جبران
ناپذیر آهنگ را بصورت دلخراش
باتضاد های اجتماع احساس مینمود .
روش بالیرین بیشتر بموضوعات
هنری اکثرس دراموی ویرا کمیسار
ژفسکایا هموائی داشت .

استعداد هنر مند بر جسته مانند
اناپاولوا در چهار چوب کهنه—
پرستان موافق نبود ، در سال ۱۹۰۵

انا پاولوا ملاحظت سحر آمیز این
نام همدریف هنر عالی قرار گرفته
در طول زمان اهمیت خود را از دست
نمی دهد . حرکات خارق العاده در
رقص پاولوا برای معاصرین داستان
های بیشماری در باره رمز هنر او
بوجود می آورد .

زمانیکه از بالیرین سوال شد
شهرت آفا قیش را در چه می بیند
به سادگی پاسخ داد که « درصمیمیت
به هنرش » . واقعا احساس واقعی
و عمق پر معنی هنر او نشانه آن
پدیده هنری کلتور میهنی بود که
لازم می افتد از تعیین پوشکین ذکر
کنیم « روح در حال پرواز است » .

مریی آموزشگاه تیاتری پیتربورگ
اناپاولوا از کودکی سعی می ورزید
تاسنت های پر افتخار مکتب رقص
کلاسیک روسی را جذب نموده تهادب
پیشین را در صحنه های معا صر
تطبیق کند . زمانیکه این بالیرین
در صحنه تیاتر ماریین می رقصید
همه غنای رقص کلاسیک را در ک
کرد . منقدین آوا نیکه هنر رقص

بقیه در صفحه ۶۰



تو ری غتی غتی خما ری سترگی
 بی زما تو جه جلبوی . ور نژ دی
 کیرم . بنه ور ته گورم . نه اشتباه
 می نده کپی . سره نینتی تو ری
 گپی ور وخی ، بی دی . جگه نری
 پوزه چی چار گل بی بی تو مبلی .
 غنم وزمی گرد مخ او هسکه غاره ،
 سری چاودی شونبی . له پیکه نه بی
 آیک خو پند دی او توری اوژ دی
 کوخی بی دمتو په اوژدوکی د مجنون
 بید په خیر راخوری دی . دتور کمیس
 گریوان بی شکیدلی دی او زما نظر
 لاپسی خپلو تر کمیسه لاندی بنکلا
 وو ته ور کاژی .
 په داسی حال کی چی موسکی ده
 خو دمو سکیو شونبو د پاسه بی
 زه دیوی ترخی خندا سیوری و ینم .
 دهفی شا ته لری ، یوه توره زره
 کیردی ده . یو اوین هلته لری
 دکیردی کین ا پخ ته په گونبو دی
 او ظاهرا شو خندو هی ، یوه بو دی
 پر توری تبی بانندی دو دی پخوی او
 دکیردی بنی ا پخ ته خو وزی گرخی
 او لکه چی دو زو خوا ته د ولاړ غت
 او لنوی سپی نیت هغوی ته بنه
 نه وی .

هو ، دا کوچی ده . زما خپله
 کوچی ، زما دخپل وطن کوچی ، لکه
 چی په چو کات کی بی زره تنگ
 شوی وی . بیا هم ما ته گوری اولکه
 چی ست غوازی . زه ست ور ته کوم
 چی را وو خه چی را ووخه خبری
 سره و کرو . زما هم زره دلته تنگ
 دی . زه هم ستایو و طنوال پردیس
 یم . راته وایی :

ته دلته خه کوی ؟
 خواب ور کوم :
 - نه پوهیرم . دنیا لو په ده ،
 زه هم ستا په شان لا لهانده گرخم .
 بیا هم ترخه موسکا . داریری ،
 یا خو شر میبری چی راووخی . له گنه
 گونی خخه داریری . بنایی هم
 دسا لون له گنه گونی خخه داریری .
 او بنایی هم دسا لون تودو خه ،
 دسیگار د لو گیو او دو یسکی تند
 بوی ، د بنخو او نارینه و له خو لو
 سره د عطرونو د گپوشویو دوزو
 احساس ور ته گران دی او طبیعت
 بی ور خرابوی .

دلوی سالون د چلچرا غو نو
 تیره ر نا بی سترگی ور برینبوی
 هره خوا د بنخو د پیرو قیمتی جامو
 خندی دی چی د هر وار تاییدو او
 نازو نخرو سره خچی وهی . د دغو
 بنخو په ستر گو کی دافناع شو و
 هوسونو او شپوا تو نینی له وراه

بنکاری . هروار چی دخپلو شرابو
 له جا مونو خخه غپونه و کپی نو
 خپلی سری او له شپو ته د کپی
 شونبی په ډیر ظرافت سره په
 سینو در سمالو پاکی کپی . زه
 دکو چی لالهانده سترگی و ینم چی
 په تلوسه ، هغه کاغذی پاسه
 دوسمالو نه خاری ، چی دغه بنخی
 بی وروسته دخپلو شونبو تر پاکولو
 هیسته په یوه پوکری کی غورخوی .
 زه هما غسی و لاپیم او دکو چی
 ستر گو ته گورم . ورو پوینتنه تری
 کوم :

- نوم دی خه دی ؟
 په موسکا ا وشرم سره خواب
 راگوری :
 - موسکا .
 په سالون کی ټول نا ستاو
 ولاړ میلمانه ، بنخی او نارینه ،
 خوانان او پیغلی اوماشومان په
 بی غمی سره خبری کوی ، یو گورم
 چی دیوی بنکی بنخی چی طلاپی

«آ) ته تقدیمیری . الف . الف

وینی نو ژر تر ینه نینتی او شپونکی
 تر شونبو لاندی زمزمه کوی :
 - د گودر هربو تی دارو دی .
 چی بی لکیری د جنکیو پلونه ...
 او په موسکا پسی مننه اخلی .
 وینم چی دموسکا شونبی ر پیری او
 لکه چی له خو به پا خید لی وی
 ژر ژر خپلی سترگی رپوی . ددی
 اوژده فکر مزی بی په سالون کی
 دیوی مستی پیغلی کت کت او سند .
 ریزه خندا ور پریکوی چی دیوه خوان
 په کومی خندنی خبره ، بانندی داسی
 بی دریغه خاندی .

موسکا ما ته گوری . لکه چی
 پوینتنه کوی :
 - خه چل دی ؟
 زه هم نه پوهیرم . خه خواب
 ور ته نلرم . یو خل بیا ست ور ته
 کوم :
 - راوخه کنه !
 دا وار لکه چی زره وره شوی
 وی ، په شرم شرم سره ورووو

پوینتنی . . .

موسکا

راژر دی کیری . خپل چاودی او
 خیرن لاسونه تر ټیکری لاندی پتوی .
 له لا سونو خخه بی دغو شیو سوړ
 بوی لکیری . چی هره خواستر گسی
 غروی وینی چی دټولو بنخو نارینه
 و خوانانو او پیغلو لاسونه تک
 سپین ، پاک او عطر جن دی . له خپلو
 خیرنو لاسونو خخه سخته شر -
 میبری .
 هره خوا چی سترگی غر وی
 وینی چی دټولو په لاسونو کپی
 دوپسکی جا مونه دی . ورو را ته
 وایی :

- دلته به خوک یو جام او به
 رانکپی ، تری یمه !
 او به ور ته راو یم . شا اړوی
 په سر بانندی لاس ږدی ، او به خنپی
 او بیا شکر کاژی . په خیرن لستونی
 بانندی خپلی شو نپی پاکوی او
 ورو پو نینتنه را خخه کوی :
 - دا خوک دی ؟
 شاوخوا ته می گورم چی آیا

وینستان بی دی ، په غاړه کی لاس
 اچوی او خبری ورسره کوی . او
 کله کله بی په انگو بانندی بنکل
 کپی . په زره کی وایم چی کاشکی
 دغه صحنه موسکاونه وینی . خو وینم
 چی دموسکا پر تندی بانندی دشرم
 او حیا خو له خلیبری . بله خوا یوخلمی
 وینم چی دیوی پیغلی په لنه وخرمایی
 خپو کی گو تی تیروی او ورو ورو
 بی په غوز کی دمینی سندی وایی .
 دموسکا خمارو ستر گو ته گورم چی
 په یوه ټکی بانندی نینتی وه او لکه
 چی له خان سره سوچ کوی :
 - منگی بی پر اوژه نیولی دی .
 گودر ته روانه ده . هلته لری
 شپونکی د گودر خوا ته یوی ونی
 ته تکیه کړیده او له سوزه ډکه
 شپیلی غروی . موسکا ورو ورو
 ور نژ دی کیری او خلمی شپونکی
 شپیلی بندوی او په موسکیو شونبو
 ور نژ دی کیری او چی موسکا داحال

دچا را ته پام دی که نه ؟
 خواب درکوم :
 - داخار جیان دی . . .
 نه پوهیری . حق هم لری چی
 ونه پوهیری . دیوه اوژده سفر په
 ترخ کی بی مور د سفر په سوزنده
 د بننه کی ز پړولی ده او ترهغویی
 چی خان پیژند لی دی ، وچ او له
 خوخوانو خخه ډک ډاگو نه ، غرونه او
 کمرونه ، سیندو نه او کز لیچونه
 بی لید لی دی . توری کیر دی اود
 او بنانو کاروانو نه .
 کو نینن کوم چی هغه وپو -
 موم . خوسر بی پدی خبره نه خلا -
 صیری . پوهیرم چی دا «خارجیان»
 هم انسانان دی خو دهغوی لاسونه
 ولی بنکی او پاک دی ، ولی بی جامی
 نوی او پاکی دی ، ولی بی لاسونه
 اومخونه سره او سپین او تنکی دی ،
 ولی بی دماشومانو لاسونه خیرن
 او چاودی ندی ، ولی بی شکید لی
 جامی ندی په غاړه ، ولی سره او
 سپین دی او په سل گونی نوری
 پوینتنی . . .

هر چا ته په ویره ویره گوری .
 دبنخو گا بی چی تر چلچرا غو نو
 لاندی خلیبری او دسپینو غا ږو
 غاړه کی او د بنکلولا سونو د سرو
 زور بنگری بی سترگی و ربرینبوی
 بنخه ذات ده نو . په اول نظر کی بی
 سترگی پر گانو نینلی . خو له بی
 ټولو ته وازه ختلی ده . پوینتم بی :
 - بهر ته نه خی ؟
 ژر موا فقه کوی :
 - دلته می سا بندیری ، درخه

چی ووخو !
 غواړم چی له اتم پور نه بی
 په لغت کی را کبسته کړم . لغت ته
 ور ننو خو . دبد گمانی نینی بی په
 ستر گو کی وینم . خو زه ژر ډاډ
 ورکوم :
 - پدی « ماشین » کسی ژر
 کو ږیرو !
 پوینتنه کوی :
 - دا خه شی دی ؟
 او تر هغو چی زه خواب
 ور کوم لغت مخ په خوړه او کبسته
 بنوئیری . دموسکا له مری نه له
 ویری او تعجب نه د ډک خونده کپیکه
 خیزی . خو زه ور ته وایم :
 - دا لغت دی . په برینسا
 بانندی چا لاپیری .
 بیا هم نه پوهیری . فکر می
 ندی . بنه بی تر پنی لاندی کوم .
 چیغه کپی :
 - ژو بله دی کپمه .
 او چی کبسته گورم کو وینم
 ژوندون

چی بنیبله ده . خیرنه پشه یسی
زما تر پنیسی لاندی چیتنه شویده .
له لفته را وڅو او په بازار
ور گپ پرو . ا ر ت واپ دی چی
موتران سره کتاریو په بل پسی روان
دی . دواپ دواپو غاږو ته دنکی او
بنکلی مانی در ید لی دی اونیونی
لو حی ستر گکو نه وهی . زه هڅه
کوم چی و یی لولم :

د « ستورو رستوران » ،
« د طلا یی چرگ تیا تر » « مولن روز »
« د عیش دنیا » ، « دعلاء الدین خراغ »
« طلا یی باد بان » او ... او ...
موسکا له لاسه ټینک نیولی
یم . چا ریزی چی و رک می کړی .
دهتیو د بنیبنو او هیندارو له شان
د بندڅو تصو یرو نه ستر گکونه وهی .
خراغونه بلیری او ټپیری . رستو-
رانو نه ، خلك دربو لی . سره کړی
چرگان د بنیبنو له شان په لوبنو
کی اینبو دل شویدی . او زه وینم
چی موسکا د ډیری و لری له زور
خیلی لاری تیروی . . . څو گامه
ها خوا : د سکس خونه ...

دلو څو او بر بندو بندڅو
تصویرونه اودمین دلان . هڅه کوم
چی دموسکا ستر گی پرهغو و نه
لگیری . خو بیا یی هم وینی او په
غریزی شرم سره مخ هیسته تری
اړوی او ما ته هم څه نه وایی . بنی
لاسته یوه تیاره کوڅه ده . وینم چی
تر نیمایی پوری لوڅی او بر بند ی
بنڅی ناستی دی کچه خندا و ی
کوی او گپ و لی . داخل موسکا
طاقت نکوی او پو بنستی می :

دوی د لته څه کوی ؟
نه پوهیږم څه خواب ور کړم .
خو دروغ هم ور ته نه شم ویلی .
په لنډیز سره وایم :
د ا بدی بنڅی دی
ور بیا ډیری :
د یو ځل می له آبا سره کښته
په « بنګال » کی ښار ته تللی وم .
دغسی بنڅی یی را ښو دلی وی او
را ته ویلی یی و چی دا بدی بنڅی
دی . آرا مه سا کارم او په زړه کی
وایم :

د خدایه شکر چی له غمه یی
خلاص شوم .
نژ دی ما ښام دی چی د ښار
له مرکز څخه ورو ورو مخ په کلیو
خو خپرو . دسویس طبیعت او په
تیره بیا دلو زان ښار ډیر بنکلی دی
همدا چی له کوچنیو واټونو څخه
تیر شی نو د شنو او په گڼو څنگلونو
پتی غونډی دی نظر جلبوی چی
مار پیچ واټونه پکی ایستل شوی

دی او دغ ونډیو په سرو نو او لمنو
باندی شلی (دلر گیو مانی) پر تی
دی . دغه کلی ډیر بنکلی او زړه
را بنکونکی دی .
پر څنگلو نو او غونډو باندی
نظر غړوم . موسکا می تر مټی نیولی
ده . ددغو کلیو او غونډیو په با ب
خبری ورسره کوم . څاڅکی اوری
اودموسکا په خپل تور ټیکری کسی
خان نغاری او را ته وایی :

د یخ می کیری . . .
زه ډاډ ورکوم چی یوه تاوده
څای ته به و لاړ شو او هلته به
خوراک و کړو . هغه ما پوښتی :
د لته هم نجونی په زوره
و ډیری ؟

د یعنی څه ؟
زه په تعجب سره پوښتنه ور-
څخه کوم .
خواب راکوی :
په موز کو چیانو کی خورادود
دی چی یا به نجونی په وړکتوب کی
ورکوی او یا به یی په زور ودوی .
د عجیبه ده !

د و لی ، تا ته دی خپل ملک
ندی معلوم ؟
زه په بیره موا فقه ور سره
کوم :

د همداسی ده ، خدا پرو . زما
هدو فکر نه و ، همدا اوس زمانجلی
را ته ستر گی په لار ناسته ده .
موسکا را ته وایی :
زه می هم پلار په وړکتوب
کی خپل تربور ته ور کړی یم . .

ښایی په لنډو ور څو کی زمونږ واده
وی ...
زما نظر بیا هم د لرگیو ما ټی ،
خواره واره کلی او په شنو څنگلونو
پتی غونډی ځانته ور کاپی خو
دموسکا په خبره سوچ کوم . داوخت
دلر گیو کورونه او مانی داسی راته
بنکاری لکه چی توری او خوری وری
کیردی وی . . .

د آ لپ له څو کونه یوه سپین
بخنه لږه پردغو کلیو باندی خپره
ده . او ما ته داسی تر نظره را څی چی
دکیر دیو څخه لو گی پور ته وی .
دخپل هیواد د کو چیانو ژوند می
سترگو ته درپری او تصور کوم چی
دا لو گی د هغو اورونو څخه پورته
دی چی تر تبیو لاندی بلیری او ډوی
پخیری . . . په حسادت سره موسکا
پوښتم :

د سړی دی بنکلی دی ؟
تندی تریو کړی او خواب
راکړی :
د ا سی بنکلی لکه د « آدم
درخو » په نکل کی آدم خان .

د سترگو له کنجه می څاری
اوزما حسادت لکه چی خوند ور کوی .
او موسکا دوام ور کوی :
د نکه ونه ، توری څنی ، غټی

غټی ستر گی لیندی او گڼی وروڅی
او خیالی بشره .
ارت ټټر او کاره بریت ...
او زه دغه تصویر خپل ذهن
ته سپارم .
د څه نو میږی ؟

زه موسکا ، په خپه مری او
هیجان سره پوښتم .
خواب راکوی :
د کجیر !

او زه یو ځل بیا په خپل ذهن
کی د کجیر تصویر را ژ ونډی کوم .
خو په همدی وخت کی وینم چی
همدغه کجیر دیوی کیر دی خوا ته
ټوپک په لاس و لاړ دی . او زما
خوا ته نښه نیسی . هیڅ نه پوهیږم
چی څه چل دی ؟ په تعجب سره وینم
چی موسکا زما لاس پریږی دی او د
کیر دیو خوا ته منډه اخلی . نه پو-
هیږم چی څه نکل دی . دموسکا بڼه
په تور ټیکری کی ورو ورو لری او
کوچنی کیری . مخ می ځوان کو چی
ته اړ وم . په همدی وخت کی
کو چی ډز را باندی کوی . د ټوپک له
شپیلی نه څر لو گی پور ته کیری
د ځوان کو چی د ټوپک ډز می را په
سد کوی او چی مخ می بیر ته
سالون ته اړ وم ، وینم چی
دموسکا خیره په چو کاپ کی راته
موسکی موسکی کیری .

د دننه په سالون کی د بندڅواو
نارینه وله شورهدکی او سند ریزی
خنداوی خپری دی .
هلته یو پیشخند مت د شا-
میانی دنوی خلاص شوی بو تل له
مری نه گوټ گوټ شراب تو یوی
چی پر ملمنو یی وویشی ...

برن - ۱۹۷۸۵ مارس
د گوم لیگین کلی .



با اتحادیه نویسندگان

آسیا، افریقا

آشنا شوید



سوسیا لست جهان است .
امروز نویسندگان خیلی جوان
پرکار عضویت افتخار این اتحادیه
را دارد آنها برای امروز و فردا
می نویسند . واز انسان ، انسانیت
صلح پایدار ی گیتی حراست می
نمایند .

گنجینه های ادبیات آسیا و
افریقا پر بها است و به مردمان
سراسر جهان متعلق است . ما
معتقدیم اشتراک مساوی آنها در
ادبیات معا صر آسیا ، افریقا کمک
به سزایی می کند .

آری ادبیات فردای ما غنی تر از
امروز خواهد بود .

نویسندگان مترقی سی و هفت
کشور مترقی جهان درین اتحادیه
سهم دارند :

افغانستان ، الجریا ، اتحاد شوروی
انگولا ، بنگله دیش ، بنین ، کانگو ،
مصر ، ایتوپیا ، گانا ، گینی ، هند
اندونزی ایران ، عراق ، جا پان ،
کینیا ، لبنان ، مدغاسکر ، مالی ،
منگولیا ، مورا کو ، موزنیبیق ،
فلسطین ، جمهوری دموکراتیک یمن
جمهوری مردم کوریا ، سنگال ،
سیرالیون ، افریقای جنوبی ،
سریلانکا ، سودان ، سوریه ، تونس
ترکیه ، ویتنام ، زیمبا ، وزیمبا بوی .

لوتس ارگان نشراتی :

مجله لوتس ارگان نشراتی
نویسندگان آسیا - افریقا در چهار
ماه یکبار توسط بیروی انجمن
موقتی نویسندگان آسیا - افریقا
نشر می شود .

اهداف

۱ - معرفی و آشنا سازی
جهانیان با فرهنگ و ادبیات
آسیا و افریقا .

۲ - نجات دهی کلتور و فرهنگ
آسیا و افریقا از چنگال استعمار
استعمارنو (فرهنگ استعماری)
۳ - بارور سازی ادبیات آسیا
و افریقا و معرفی مهره های اصلی و
با ارزش آن به جهانیان .

۴ - تحکیم پایه های عدالت
اجتماعی ، ترقی ، آزادی و صلح
۵ - مبارزه علیه امپریالیزم ،

تبعیض نژادی که کلتور انسانی را
زیر پا میکند درین مجله بیوگرافی
شعرا و نویسندگان ، بررسی کار
کنگره های ادبی ، شعر ، آثار منشور
داستان های کوتاه ، مطالبی راجع
به نگاره گری (آرت) ، معرفی کتاب
به نشر میرسد .

بقیه در صفحه ۶۳

نویسندگان آسیا - افریقا ابراز
داشتند :

مانو یسندگان آسیا - افریقا
برای این گرد آمده ایم تا در اشاعه
بهترین ایدال های انسانی یکبار
دیگر حرف بزنیم و از موقف انسان
وانسانیت حرف بزنیم و از آن
دفاع نماییم . ما گرد آمده ایم تا
برای تعمیم صلح جهانی بگوئیم
ما با هم هستیم تا نقاب از چهره
امپریالیزم ، صهیونیزم ، راسیسم
کلونیا لیزم و نیو کلونیا لیزم و
آپارتاید بیفکنیم و آنانرا رسوا
نماییم .

ما از تحدید سلاح اتمی باامضای
قرار داد سالت ۲۲ جانبداری می نماییم
امروز هر نویسنده و یا نقاشی به
خواسته های اثری که آنرا خلق کرده
است باید از انسان و محیط اش
هوا داری کند و بداند که انسان
امروزی به یقین به صلح و آرامش
نیاز دارد .

نویسندگان امروز ی بایستی رسالت
هد فمند خویش را که حفاظت انسان
وانسانیت و دفاع از صلح است انجام
بدهند از گفتار بی معنی پیر همیزند
وعاقلانه بیند یشدند و قلم را در
ابراز واقعیت ها به کار بگیرند .
در جریان بیست سال گذشته
از شروع تاسیسین اتحادیه نو-
یسندگان آسیا - افریقا کار ما فوق
العادگی خاصی داشته است و از
جانبی هم دست آوری های ما در
حفظ صلح و شناسایی دزدان صلح
امریکا و دستیارانش پیروزمندان
بوده است .

با افتخار و رضایت میتوانیم
ادعا بکنیم که ادبیات آسیا ، افریقا
خود پر بار است و باید برای بهسازی
آن خیلی کار کرد . و آنرا زنده
نگه داشت ، نویسندگان آسیا -
افریقا بین هم وجهانیان بیگانه
نیستند . کار ما حفاظت از کار و
همکاری با نویسندگان مترقی و

جهان مارا وزندگی فرزندانی آینده
مارا تهدید میکند بایستی با خبر
شوندتا در مقابل این خطرات قد
علم کنند ، پیش از آنکه خیلی دیر
بشود بشریت را از نابودی رها یی
بخشند . این کار را نویسندگان
آسیا ، افریقا بدرستی انجام داده اند
در آثار این نویسندگان رهنمود
های برای رسیدن به صلح جهانی
وهشدار به جهان سرمایه آمده است .

در ششمین کنگره ادبی آسیا -
افریقا ، انتونیو فرانکا عضو بوروی
سیاسی حزب کارگر انگولا ، کامیل
یاشین رئیس کمیته تساندنو -
یسندگان شوروی بانویسندگان
آسیا - افریقا ، انترو ابر یومعاون
رئیس اسامبله عمومی اتحادیه نو
یسندگان انگولا ، مانویسل روی
مانتریو ، ابو سلما شاعر فلسطینی
داکتر بهی شام ساهنی سکر تر
جنرال فدرا سیون نویسندگان
مترقی هند ، ماریا اژنیا نتو شاعر
ونویسنده انگولایی ، البرتو اگو
ستنیو نتو رئیس حزب کارگر (ام
پال - آ) و رئیس جمهور انگولا
الکس لاگوما سکر تر جنرال انجمن
نویسندگان آسیا - افریقا از کار
کنگره و فعالیت اتحادیه نویسندگان
ابراز رضایت کردند و کار ایس
نویسندگان را ستودند .

احزاب کمونستی کشورهای
مترقی ، احزاب سوسیالیستی کشور
های سوسیالیستی چون اتیو پیا
و منگولیا ، سازمان صلح جهانی ،
اتحادیه نویسندگان کمیته
همبستگی نویسندگان آلمان دمو-
کراتیک بانویسندگان آسیا - افریقا
رئیس موسسه . بین المللی کتاب
برای جوانان با فرستادن پیام های
شادباش همبستگی شانرا با اتحادیه
نویسندگان آسیا - افریقا اعلام
کردند .

نویسندگان آسیا - افریقا در
اجلاسیه ششمین کنگره مجمع



کامل باشن دراماتیسست و نویسنده
انسان دوست

انعقاد ششمین کنگره نشانداد
که نویسندگان آسیا - افریقا در
بیداری خلقهای سراسر جهان و
هم در شناسایی فرهنگ و ادب
آسیا و افریقا موفق بوده اند ، آنها
درین جلسه ایمان راسخ داشتند
که در آینده کارشان دلگرم کن
تر خواهد بود و باخوش بینی به
آینده کارهای شانرا دنبال
خواهند نمود .

کار ششمین کنگره اتحادیه
نویسندگان آسیا - افریقا نشان
داد که جهان نیان مترقی تصمیم
دارند باهم باشند . امروز نویسندگان
زیادی از نسلهای پیر وجوان
از آسیا و افریقا گرد هم آمده اند .
ایندو نسل برای حفظ نژاد انسانی
حفظ صلح ، کار می نمایند . تقلا ی
آنها رسیدن به یک صلح عادلانه
در سراسر گیتی است . آنها برضد
زور گویی ها تروریسم ، استعمار
استثمار ، تجاوز جنگ طلبی و نظامی
گری و مسا بقه تسلیحی غرب آماده
هر نوع مبارزه اند تانسلهای آینده
خوشبخت تر از امروز باشند .
بشر امروز ی از خطراتی که

د کارگر

دورخی

لنډه

پيژندنه

زموږ دوخت انسان اوس يو هلی خلصی کورنکی ، پياوړی اومبتکر انسان دی، نو په دی برخه کی ستره ونډه دکارگر انسان اوکارگری خوځښتونو په غاړه دی، ددغه د قدر وړ او جوړوونکی انسان دستر مقام دنمانځنی په ویاړ موردمی دمیاشتی لومړۍ ورځ ته دقدر په سترگو گورو او په لنډوول یی تاریخی یادونه کوو .

دیانگوالو او کارگرو له منځ ته راتلسو وروسته ددوی ترمنځ طبقاتی مبارزه په نه پخلاکیدونکی ډول رامنځ ته شوه، ددغه ستر خوځښت په لومړی سر کی څه ناڅه گهوړی او خپل سری لیدل کیده خو دورځ په ورځ سیاسی پوهی دزیاتوالی او داستثماری منگولو له زور او کړاوڅخه دخلاصون په هیلو سره به کارگری گروپونو دخپلی کرکی په شرکنندولو سره دسرمایه دارانو ماشینونه او فابریکی خرابولی او دزیات استثماری کیدوپه مخ کی یی خنډونه راپیدا کول ، ددغه بهیر په ترڅ کی کارگران په دی بریالی شول چی څه نا څه سره منظم او یوموڼی شی دیانگوالو اوددغوی ددولتونو خونړۍ منگولی له خپلو غوښو څخه وکارې چی ویی کړای شول چی د صنفسی اتحادیو جوړول او خپلی سیاسی غوښتنی پرهغوی باندی په زوره ومنی .

دلومړی ځل له پاره په ۱۸۵۹ کال کی داسترالیا د ساختمانی موسسو کارگرانو پانگوالان دی ته اړکړل چی د ورځنی کسار ساعتونه (۸) ساعتونو ته را کم کړل چی دهمدغه بریالیتوب له مخی یی هر کال داپریل په یوویشتمه دوکتوریاپه ښار کی جشن کاوه، دغه راز دشعالی امریکا کارگرانو به له ۱۸۸۵ کال راپه دیخوا هرکال دسپتامبر د میاشتی لومړۍ دوشنبه جشن نیولو او په دغه ورځ به یی له کارکولو څخه ډډه کوله .

په ۱۸۸۶ کال کی چی په امریکا کی کارگری اعتصابونه او مبارزی سختی روانی وی دی په لومړۍ نیټه یی اعلام وکړ چی تردی وروسته به هیڅکله تر (۸) ساعتو زیات کسار ونکړی . څلور ورځی وروسته امریکایی پولیسانو په شیکاگوکی د کارگری خوځښت په لیکوڅوړنۍ حملی او پرغلونه وکړل کڼ شمیر کارگران یی ووژل څه قبیان شول او ورپسی یی دهغوی لاریوونکی هم ووژل .

دهمدغی ورځسی ددرناوی په خاطر او د کارگرانو دوینو دتولیدلو دیادونی په ویاړ په ۱۸۸۹ کال کی ددوهم انترناسیونال په لومړۍ کنگره کی تصمیم ونیول شو چی تردی وروسته دی هرکال دغه ورځ په ټوله نړۍ کی دکارگری خوځښتونو د پیوستون او ددوی ترمنځ داریکو دټینکتیا په درناوی دمیټنگونو مظاهرو او مارشونو په څیر جشن ونیسول شی .

نو دهمدغو پریکړو او هلوځلو وروسته د ۱۸۹۰ کال څخه راپه دیخوا هرکال دغه ورځ دهغو کارگرانو د یادولو په درناوی د پراخو او هر اړخیزو مراسمو په ترڅ کی نمائشل کیری .

په ټوله نړۍ کی چی اوس کارگری خوځښتونه په کلکوگامونو پرمخ روان دی خپله دغه درنده ورځ نمائشی، دخپلو حقوقو دترلاسه کولو له پاره هلی ځلی کوی استثماری اواستثماری ضد سره توفونه یی پورته کړی اوتل دحاکمه او استثماری ځواکونو پر سر ماتوونکی گوزارونه کوی، دغه خوځښتونه نورته غواړی چی ددوی له ستړیا، خولو اوستوماینو څخه په استثماری ډول کټه واخلي چی په خوشخصی او دمفتخورو په جیبونو کی ولویزی .

دغه تاریخی ورځ تل دنړۍ په هرکوت کی ددغی لاری دتلونکو له خوا په درندهو مراسمو سره نمائشل کیری، په تیره بیاپه هغو هیوادونو کی چی هلته ددولت او لاریوونکی کدرونه یی دکارگری طبقی څخه وی او یا دهغوی په نمایندگی خپل دولتونه رهبری کوی په شلیدونکو او نه ستړی کیدونکو هلو ځلو سره دغه خوځښتونه لاییاوړی کوی او په نړیواله سویه ددغه ډول خوځښتونو سره دمرستی او پرمختللو لاسونه ورکوی .

زموږ په گران هیواد افغانستان کی دغه تاریخی او ځلانده ورځ دثور انقلاب څخه دمخه دملی اودموکراتیکو ځواکونو له خوا که څه هم دترقی ضد دولت او عناصرو به یی دلمانځلو مخه نیوله جشنونه نیول او ددغی تاریخی ورځی یادونه به یی کوله، ښه می په یاددی چی ددواد دستمگری په وروستۍ دوره کی چی په ملی او دموکراتیکو خوځښتونو سخت بندیز لگیدلی و دښاریه بیلو بیلو هوټلونوکی دغه تاریخی ورځ دخونفري گروپونو اوابلاغیو په ویشلو سره ونمائشل شوه .

کله چی دثور دملی او دموکراتیک انقلاب پلوشی زموږ په لرغونی او وروسته پاتی ساتل شوی هیواد کی خبری شوی په تیره بیا دثور انقلاب دتکاملی پراوڅخه وروسته نه داچی داستثماری او استعماری ځواکونو پهر ټول شو کارگران او ټول وطنپالو نکی عناصر داستثماری څخه وژغورل شول، بلکی ددوی ټولو په زوندکی شرکند بدلونونه راغلل او هره ورځ په دغه هکله گټور کارونه سرته رسول کیری .

ددغی تاریخی ورځی دیادولو په ویاړ زموږ ملی اودموکراتیک انقلابی دولت پتیبیله ده چی زموږ ټول کړیدلی او څوړیدلی وکړی وکړای شی ترڅوچی ددغو پرمینو جشنونو په نمائشلو کی گهون وکړی دغه تاریخی ورځ عمومی رخصتی اعلام کړی ترڅو چی زموږ هر انسان دوست او بشر دوست وطنوال ددغی ویاړنی او نمائشنی ونډه وال شی .



محمد عارف «صادق»: اتحاد طبقه کارگر گره‌کشای هر مشکل آن ها است .

کارگران جهان روز اول می‌را باشکوه‌مندی خاصی تجلیل می‌نمایند

تولیدی خود فعالیت زیاد بخرج بدهند بسیار کار کنند و زحمت بکشند تا سر انجام به آرزو- های دیرین خود یعنی ایجاد جامعه عظیم فاسد استثمار انسان از انسان در سطح جهانی نایل آیند .

وی می‌افزاید : در همین روز تاریخی است که در کشور های مرفی جهان از کارگران پر کار و برجسته با اعطای مدال ها و جوایز تقدیر بعمل می‌آید و کارگران موردنوازش و تقدیر قرار می‌گیرند که اینگونه نوازش ها و قدردانی ها باعث آن میشود تا کارگران بکار خود علاقه زیاد بگیرند و با قبول زحمات شباروزی در راه عمران و اعتلای کشور و جامعه خود مصدرخدمات شایانی گردند .

وی می‌افزاید : بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند نور دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قدم های بزرگی را در جهت رفاه کارگران کشور برداشته است ، بطور مثال تاسیس اتحادیه های کارگری ، صندوق های تعاونی کارگری ، تسلوی حقوق ماکولات کارگران و اجیران با ماموران دولت و همچنین اعطای کوپون هشت سیره به کارگران و اجیران عایله دار از جمله خدمت های انکار ناپذیری است که دولت انقلابی ما برای کار- گران زحمتکش کشور انجام داده است، بهمین ترتیب بعد از پیروزی مرحله جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش نور دولت ملی و مرفی ما به وضع حیات فامیل های ماکار گران و اجیران دولت توجه خاصی مبذول داشته معاشات مازایه پیمانه زیادی بالا برد که اجرای این امر می‌تواند بالای حیات اقتصادی ما - کارگران اثرات مثبتی بجا گذارد .

شعبه پر کاری یکی از شعبات دیگر این فابریکه می‌باشد که کارگران زیادی اعم از زنان و مردان در آن بکار اشتغال دارند بعد از آنکه ما به این شعبه داخل می‌شویم و

اسم من محمد عارف و تخلصم صادق می‌باشد و یکی از کارگران شعبه موبل کلاسیک این فابریکه می‌باشم .

می‌پرسم : از چند سال بدین طرف در این فابریکه کار می‌کنید و یاد این رشته تحصیلاتی هم دارید یا خیر ؟

میگوید : از سنه ۱۳۲۲ یعنی از مدت سی و هشت سال بدین طرف در این فابریکه کار می‌کنم و یکی از فارغ التحصلان مکتب صنایع آن وقت می‌باشم .

می‌پرسم : این تابلو بی را که اکنون بکار آن ادامه می‌دهید چیست و از چند روز بدین طرف در آن کار می‌کنید ؟

بدرنگ جواب میدهد : تابلویی را که می‌بینید نشان ملی دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان است که از مدت تقریباً بیست روز بدین طرف بالای آن کار می‌کنم و بطور تخمین کار آن را تا هنوز بیش از هفتاد در صد انجام داده ام .

میگویم : روز اول می‌روز همبستگی بین- المللی کارگران جهان است شما به پیشواز این روز تاریخی کدام پیامی به کارگران کشور و جهان دارید ؟

نخست حلول این روز تاریخی را به همه کارگران جهان و بخصوص پر کارگران آزاده همین خود تبریک میگویم و سپس علاوه می‌کند :

اتحاد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان جهان گره‌کشای هر مشکل اقتصادی سیاسی و اجتماعی آن ها می‌باشد ، من از همه زحمتکشان جهان و بخصوص صنف کارگران جهان می‌خواهم تا وحدت و همبستگی خود را هر چه بیشتر تحکیم بخشند و در کار های

تظاهرات از خاطرۀ تابناک و جاودان روز اول می‌درسراسر جهان تجلیل بعمل آورند و بر اساس همین فیصله تاریخی است که روز اول می «یازده نور» را کارگران کشور های جهان بحدیث روز همبستگی بین المللی خود و سمبول کار ، صلح، آزادی و برادری جشن می‌گیرند و از آن باشکوه‌مندی خاصی تجلیل بعمل می‌آورند .

ما به پیشواز این روز بزرگ تاریخی جهانی یعنی روز همبستگی کارگران سراسر جهان بر آن شدیم تا به بعضی از فابریکه ها و کارخانجات کشور آزاده خویش برویسم و با کارگران دور انساژ همین عزیزان افغان نستان محبوب و دوست داشتنی که آزادی واقعی خویش را با پیروزی انقلاب آزادی بخش نور تحقق بخشیده اند . بیای صحبت ها و گفت و شنود ها بنشینیم و ببینیم که کارگران زحمتکش افغانستان آزادی انقلابی دردیف دیگر کارگران جهان از این روز عظیم تاریخی چگونه استقبال می‌نمایند و به مقدم این روز بین المللی چه پیام ها و گفتنی هایی دارند که بر کارگران کشور خود و کارگران سراسر جهان ابراز می‌دارند .

فابریکه افغان ترکانی تصدی یکی از بزرگترین فابریکات تولیدی کشور بشمار می‌آید که کارگران آن از طریق تولید وسایل و ضروریات موبل و فرنیچر چوبی همیشه در خدمت هموطنان قرار دارند .

ما بعد از آنکه داخل محوطه این فابریکه می‌گردیم به رهنمایی یکی از منسوبین آن فابریکه به شعبه موبل کلاسیک می‌رویم در این دستگاه کارگران زیادی مصروف کار دیده می‌شوند به نزدیکی از این کارگران ورزیده کشور قرار می‌گیریم و بعد از احوال پرسی مقابل از وی تقاضا بعمل می‌آید تا خود را بخواننده گان محترم ما معرفی بدارد میگوید:

نود و پنج سال قبل از امر وزیعنی در سال ۱۸۸۶ میلادی به تعداد سی و پنج هزار کارگر در ایالات متحده امریکا برای بدست آوردن خواسته های بر حق انسانی و کارگری خویش از تحت سلطه سرمایه‌داری استثمارگر و ایجاد شرایط بهتر کار و فعالیت به تظاهرات وسیع و دامنه داری دست زدند و انزجار عمیق خود را نسبت به استثمار بیرحمانه دسترنج خویش علنا ابراز داشتند .

پولیس حماسگیر جهان سودو سرمایه که از آبخشور ننگین سرمایه داران مستبد تغذیه می‌نمود بدون آنکه بر حقانیت این تظاهرات عظیم و بی سابقه کارگران عمیقاً به اندیشد و بادرک حقانیت خواسته های انسانی آن عا در صنف دفاع از کارگران فرادگیرد بسیار بیباکانه و با بی رحمانه ترین شیوه بی بر - کارگران زحمتکش تظاهر گرایالات متحده امریکا یورش برد و بدین ترتیب در روز اول می سال ۱۸۸۶ تراژیدی شیکا گورا بیار آورد .

با وجود آنکه در اثر این حمله بیرحمانه و ضد انسانی پولیس وحشی صفت حمایتگر سرمایه داران خونخوار تعداد زیادی از کار- گران جان شیرین خود را از دست دادند و تلفات زیادی را متحمل گردیده عده زیادی از آن ها به سلول های زندان ها فرو برده شدند برای اولین بار در تاریخ ایالات متحده امریکا در ساعات کارروانه کارگران تقلیل بعمل آمده اوقات کار آن ها روزانه هشت ساعت تثبیت گردید ، این دستاخیز بزرگ کارگران شهر نیکاگو تنها برایالات متحده امریکا منحصر نمانده باعث درک حقایق و بیداری هرچه مزید سائری کارگران سراسر جهان گردید . بالا خره در جولای سال ۱۸۸۹ انترناسیونال دوم منعقده پاریس فیصله بعمل آورد که همه ساله باید از طریق برگزاری نمایشات و

فرخنده باد جشن اول می - جشن همبستگی بین المسلمی کارگران

گران جهان است در این باره چه معلوماتی دارید ؟ میگوید :

روز همبستگی کارگران جهان که برای حمایت و پشتیبانی از مقام والای کارگر در سراسر جهان و کشور محبوب ما بشکوه مندی خاصی برگزار میگردد ما را بیاد آن روزی می افکند که در سال ۱۸۸۶ کارگران شیکاگو برای تقلیل ساعات کار خود و اخراج بعضی از کارگران از کار مظاهرات عظیمی را براه انداختند و در اثر حملات بی رحمانه پولیس آن جا تعداد زیادی از کارگران کشته شدند و تعداد دیگری از آن ها به زندان فرو رفتند و سه روز بعد از این حادثه وقتیکه کارگران شهر شیکاگو میخواستند تلف شده گان خود را بفاک بسپارند بارتانی مورد حمله وحشیانه پولیس واقع گردیدند که در اثر این حمله ددهمشتانه پولیس سه صد نفر از کارگران دوران ساز بجرم حقوق خواهی به قتل رسیدند .

سالی بعد از این حادثه المانک کارگران ایالات متحده امریکاه به اعتصاب دامنه داری دست زدند تا اینکه این روز بنام روز بین المللی همبستگی کارگران جهان مسمی گردید .

وی می گوید : ما کارگران افغان نستان بسیار خوش هستیم که روز بین المللی همبستگی کارگران جهان را به دنبال سومین جشن پیروزی انقلاب شکوهمند نور تجلیل می نماییم با قیادار

شرایط مساعد را در ساحة کارو عمل ما کارگران بوجود آورد تا ما بتوانیم در تحت چنین شرایطی بکار سازنده خود ادامه بدهیم و سرانجام جامعه خود را در قطار ملل رافعه جهان قرار دهیم .

دستگاه پله و چوکات یکی از شعبات دیگر فابریکه افغان ترکانی تصدی را تشکیل می دهد که در آن دو ماشین بزرگ و چندین ماشین کوچک دیگر مصروف کار می باشند .

عبد الشکور یکی از کارگران این دستگاه است و طوری که از چهره او برمی آید شاید در حدود بیش از شصت سال با گرم و سرد روزگار پنجه نرم کرده باشد و بقول خودش سابقه نه سال کار را در این دستگاه داشته صاحب چهار اولاد می باشد .

از وی تقاضا نمودیم تا بزرگترین پیروزی زندگی خود را بحیث یک کارگر ابراز بدارد میگوید :

بزرگترین پیروزی ایراکه در مجموع همه کارگران کشور شده ایم پیروزی انقلاب آزادی بخش نور می باشد که با پیروزی این انقلاب مردمی ما کارگران و زحمتکشان افغان نستان و به نماینده گراز محارب دموکراتیک خلق افغان نستان قدرت سیاسی را از سلطه جباران و ستمگران بدست آورد و زحمتکشان افغان نستان را به سر نوشت خویش مقرر گردانید .

میگویم : روز اول می روز همبستگی کار-

میبین ما هرگونه مشقات روز کار را بردوش داشتند ، شرایط کار آن ها بسیار دشوار و طاقت فرسا بود و کارگران ما به آینده خود اطمینان نداشتند ولی با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک نور در این وضع تغییر قابل ملاحظه ای بمیان آمد و کارگران زحمتکش افغانستان بر بسا آزادی های خود نایل آمدند .

ولی امین این جاسوس سر سپرده سازمان

باتنی چند از کارگران دور و پیش خود احوال پرسیدیم می آوریم بیای صحبت یکی از خواهران ارجمند خود که در این شعبه یکجا با برادران زحمتکش خود مصروف کار می باشد می نشینیم و با هم به تبادل افکار می پردازیم . این خواهر کارگر ما شاه بی بی نام دارد و طوری که خودش اظهار می دارد مادر یک طفل می باشد ، شوهرش نیز جوانی است که در



شاه بی بی : دولت جوان و انقلابی ما واقعا یک دولت کارگری است .

چینمی جاسوسی ایالات متحده امریکا و باند خونریزی با ضدیت دیرینی که با آزادی انسان محنت کش از یوغ استعمار و استبداد در نهاد داشتند خواستند آزادی هایی را که مردم مادر اثر پیروزی انقلاب آزادی بخش نور بدست آورده اند از ایشان بگیرند و لسی از آن جائیکه جریان حرکت تکامل تاریخ به نفع اردوگاه صلح ، دموکراسی و آزادی و به نفع کارگران و زحمتکشان جهان و زبان و زوال ارتجاع استبداد و امپریالیزم سیر می کند امین و چاکرانش به گودال نیستی فرو رفتند و با پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور کارگران زحمتکش مادر فضای آزاد و مضمون راه آبادی و شگوفانی میببین و جامعه خویش را دوباره در پیش گرفتند .

وی افزود: دولت انقلابی ما بعد از پیروزی مرحله جدید و تکاملی انقلاب شکوهمند نور بوضع اقتصاد فامیلی و شرایط کار کارگران زحمتکش کشور توجه جدی مبذول داشته

فابریکه جنگلک کار می کند و این اولین سالی است که این خواهر ما در فابریکه افغان ترکانی تصدی بکار آغاز نموده است . او میگوید : دولت جوان و انقلابی ما واقعا یک دولت کارگری است که به مقام والای کار و کارگر ارج بزرگ می گذارد و بدر نظر داشت همین اصل است که دولت ملی و مترقی ما برای ما زنان کشور موقع آن را مساعد میسازد تا همش برادران خود در کار های تولیدی کشور سهم بگیریم و با کارو عمل سازنده خویش از یک طرف در راه آبادی و شگوفانی کشور آزاده خود سهیم شویم و از جانب دیگر بدریافت اجرت کار خود در تقویه اقتصاد فامیلی خویش مساعدت بعمل آوریم و مردان فامیل خود را در کار و عمل تولیدی شان تنها نگذاریم .

او علاوه می کند : با وجود آنکه قبل از پیروزی انقلاب دوران ساز نور طبقه کارگر در کشور ما محدود بود کارگران عذاب دیده



عبدالشکور: بزرگترین پیروزی ما کارگران پیروزی انقلاب شکوهمند نور است .

اول ماه می یاروزه همبستگی

کارگران جهان

در جبهات جنگ بهیث همکار و تیمار دار
خدمت نموده اند .

اکنون زنان کارگر افغانستان پشتیبانی عام
و تام خویش را از مشی دولت و اصول اساسی
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام میدارند
و صریحا اعتراف داشته و ارج میگذازند به اینکه
حزب دموکراتیک خلق افغانستان یگانه حامی
سعادت، حیثیت، و شرف کارگران افغان -
نستان و نامین کننده تساوی حقوق آنها است
و همچنان حزب دموکراتیک خلق افغانستان
و سازمان دموکراتیک زنان افغان همه
تضمین های اجتماعی را برای پیروزی زنان
در بردارد .

به همین اساس زنان کارگر همه مشی دولت و حزب
دموکراتیک خلق افغانستان را نمایند نموده و پشتیبانی
عمیق و همه جانبه خویش را ابراز مینمایند .

درین زمینه هر گونه فداکاری ، جانبداری
و از خود گذری را بدولت انقلابی خویش وعده
میدهند و در محو و نابودی انفرادی ضد انقلابی
ناسر حد مرگ و پیروزی پیش میروند در
بلند بردن بنیه اقتصادی کشور در امر تولید
و تربیه نسل جوان و سایر مسوولیت های
اجتماعی دو شادوش دولت انقلابی خویش در
یک سنگر قرار گرفته تا آخرین رمق حیات
خواهند رژیم .

زنده باد انقلاب نجات بخش تور و مرحله
تکامل آن .

زنان افغانستان از تولید کارگاه های قالین بافی
کلیه بافی ، دست دوزی ، تربیه اطفال و
غیره مسوولیت ها گرفته تا پشت ماشین مزارع
تولیدی - افتخار آمیز تر از مردان در خدمت
خلق و جامعه بوده اند .

آوردند .
کلمه مادری که به مثابه یک کلاه از طرف
جامعه پدر سالاری زنان را در چار چوب نامیل
محصور میداشت با جدیت مبارزه بیکر زنان
تقدس کلمه مادری به ایشان رسید و هویت
اصلی زن تثبیت شد زنان در امر مبارزه -
تربیه طفل - بالا غره کار های شاقه پشت
ماشین سهم گرفتند ، زنان وقتی توانستند
باسهم گرفتن در تولید کسب هویت و شخصیت
کنند که زمینه آزادی آنها با مبارزات بیکر
ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر مینامد .

ستم های طبقاتی و در این شمار ستم تقوی
مرد بر زن وقتی حل میگردد که تضاد طبقاتی
محو گردد . محو شدن ستم طبقاتی در افغان -
نستان و انتقال قدرت سیاسی از طبقه زور گو
به طبقه رنجبر موجب گردید که زنان نه تنها
بدور سازمان خویش فشرده شدند بلکه در
پشت ماشین پیش از پیش با روحیه انقلابی
شروع بکار نمودند . دولت انقلابی شرایط
کم کردن ساعات کار برای کارگران را مهیا
ساخت و همچنان مساعد ساختن زمینه در
قسمت رخصتی ولادی و دیگر رخصتی هادرمورد
زنان - گرفتن کارهای شاقه از زنان افزودی
معاش و غیره امتیازات همه و همه در اهتزاز
درفش پر افتخار سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان متجلی گردید .

از آنجائیکه کارگران چرخانندگان چرخ تاریخ
اند و از آنجائیکه کارگران سازندگان هستی
آفرین و تعیین کننده اند و همچنان هزاران هزار
از نوابغ ، تاریخ دانان و سیاست مداران
را در آغوش پر مهر خویش می پروراند - لهذا
جادارد که به مناسبت اول ماه می یا روز
همبستگی کارگران جهان سیاس ها و شادباشهای
فراوان را نثار شان سازیم و گل صفا و صمیمت
را در پای شان نشان نمانیم .

میگویند زنان برده شدند قبل از آنکه
جامعه بردگی به میان آید علت این امر در چه
بود ؟ در تولید : زیرا عدم سهم گیری
زنان در امر تولید نقش زن را روز تاروز
حقیر تر جلوه میداد حتی انعکاس این موضوع
در خرید و فروش زنان و استثمار آنها در
جوامع طبقاتی مثال های خوبی از آن است
همچنان مناسبات پدر شاهی چیزی
جز مناسبات فرتوت نا برابری اقتصادی با سهم
نازل زنان در پروسه تولید نبود .

اما جنبش های آزادی بخش و رهایی بخش
و مفکوره های صلح و ترقی اجتماعی زنان را مجال
داد تا از حقوق خویش دفاع نموده و در همه امور
دو شا دوش برادران خویش حقوق شان را بدست

اتحاد و همبستگی

بپذیر به تو تعهد می سپارند ...
تعهد شهادت و ایثار تعهدیکه تضمین خون
های گرم و اراده خلل ناپذیر و شهادت ذاتی
و فطری شان است .

مادر وطن بپذیر! تعهد فرزندان را ، چه
این تعهد را بنا به خواسته های معقول، راستین
و انسانی بسته اند فرزندان شیر پاکت دست
اتحاد و همبستگی به هم داده و در پیشاپیش
توده های محروم و رنجبر به ناموس تو سوگند
یاد کرده اند که پس ازین تا پای جان در تشخیص
و تمیز دشمنانت می کوشند .

به امید قلع و قمع کج روشنان به پیش میروند،
به پیش به سوی افق های روشن .
زیرا اکنون هیولای ظلم و استبداد را گلوه
و گریبانی دریده و دراز آله بیدادگری و نابرابری
کمر همت بسته اند .

سو گندبتو مادر وطن ! زاد گاه دلبران
ممان آریایی های دلیر !

نوید باد ! نوید پیروزی ، نوید آزادی .
تو آزادی ... آزاد از شر اهریمنان ، از
هر گوشه و بیشه ات آوای سرور و شادی و
پیروزی به گوش میرسد .

برج و باره ات، کوهپایه های سر بسه
فلک کشیده ات خاک های پرفیض و جویبار
های خروشان توید میدهند ، نوید پیروزی
و ظفر آفرین !

فرزندان تو ... باز ماندگان سر سپرده
تو ، حالا ندهای خوشی و آزادی از اسارت
و بردگی را بدست امواج می سپارند .
مادر وطن ! سپاس ترا و دوستان ترا،
بپذیر که فرزندان پاک تو به منظور آبادی
و اعتلایت داد مردانگی داده و به خاطر نگهداری
و حراست زادگاه شان چون کوهپایه های
زیبایت ، در تصمیم و اراده خود ها ثابت قدم
اند ،

مبارزه دوشیزه قهرمان علیه فاشیزم

در این او اخر حکومت بلغاریا توانست به کمک يك اخبار آلمانی و هم توسط يك رفیق حزبی آلمانی از کریستالیا اطلاع بدست آورد و این رفیق آلمانی راجع به کریستالیا چنین گفته است وقتیکه کریستالیا را از زندان لذت معید به زندان گلی آوردند من در آنجا بحیث نجات کار میکردم در ۲۲ اکتوبر ۱۹۴۴، ز طرف فاشیست ها به من امر گردید که يك تابوت

درست نمایم و مشخصات این تابوت را چنین گفتند که تابوت را برای يك دختر بلغاریایی که دارای جسد خورد می باشد بسازم. و در همین روز بود که کریستالیا از طرف دژخیم گران فاشیست تیر باران گردید و من دانستم که این تابوت را برای او درست کرده اند و این قبرمان را در یکی از قبرستان های که مخصوص به زندانی ها بود دفن کردند و خاطره تابناک این رفیق شهید و قبرمان همیشه زنده و جاوید است .

وقت کریستالیا با چشم های پراز اشک به فکر کشور خود شد که چه وقت صدای آزادی بلغاریا به گوشش خواهد رسید .

در ۳۱ جنوری کریستالیا ربه مجلس دیگری بردند و بعد ازین روز دیگر آواز کریستالیا به گوش کسی نرسید و هیچ از او خبری بدست نیامد

فاشیستی جمع آوری نماید ولی از اینسکه ارتبا طات بسیار کم بود او نمیتوانست اطلاعات جمع شده رابه آسانی به بلغاریا بفرستد با آنهم توانست که اطلاعات جمع شده را توسط اخباره به بلغاریا انتقال بدهد .

در ۲۲ اپریل ۱۹۴۳ خانه کریستالیا از طرف پولیس آلمان محاصره گردید و از خانه

او اسنادی زیادی راجع به سیاست آلمان فاشیست بدست آمد و کریستالیا را به زندان افکندند. در اناتیکه کریستالیا در آن زندانی بود بروی دیوار آن يك ساعت را رسم کرده بودند که نام این ساعت را مرگ و زندگی گذاشته بودند .

این ساعت در بین خود يك خط سیاه داشت و آفتاب همه روزه به ساعت ۹ بجه از کلکین بالای آن خط سیاه می تابید و کریستالیا با خود می گفت که آیا این روز مرگ است یا زندگی و در این زندان به همراهی وی يك نفر بلجیمی بود که در یاد داشت خود راجع به کریستالیا چنین میگوید :

در ۱۸ جون ۱۹۴۳ با خواهر خوانده بلغاریایی خود که نام او کریستالیا بود آشنا شدم او را هر روز که به تحقیق میبردند و موقعیکه دو باره بر میگرددانند ، سروروش پر خون بود و نمیتوانست خودش بیای خود به اتاق بیاید بلکه آنرا به صورت بیپوش بالای تذکره انداخته به اطاق رهامی نمودند چون او را زجر و شکنجه زیاد میدادند او صحت خود را از دست داده بود و هم این عمل هر روز بدون وقفه صورت میگرفت . در ۲۲ اکتوبر ۱۹۴۳ بعد از زجر و شکنجه زیاد در دست های کریستالیا ذولانه انداختند . رفیق بلجیمی او میگوید که این ذولانه هاتمام شب خواب را از چشم های ما ربوده بود و نمیگذارد که يك لحظه هم آرام باشیم .

در ۳۰ جنوری ۱۹۴۴ کریستالیا اطلاع حاصل نمود که لنینگراد که یکی از شهرهای روسیه میباشد آزادی خود را حاصل نموده و در این

۱- کریستالیا ینوه مبارزه ضد فاشیست اهل بلغاریا بغاطر آزادی بلغاریا در جنگ دوم جهانی جان شیرین خود را از دست داد. کریستالیا دختر ایوان انقلابی که در راه حق تیر باران گردیده است و ما درش بعد از اینکه شوهرش تیر باران شد از غم و اندوه فراوان بدرود حیات گفت .

کریستالیا که در آنوقت طفل خورد سال بود تریه وی را خاله اش بدوش گرفت . فامیل خاله کریستالیا يك فامیل غریب و بیچاره بوده مگر همه اعضای فامیل آن ها دارای عزم و اراده قوی بودند .

کریستالیا در سن ۱۶ سالگی شامل سازمان کمونیستی بلغاریا شده و بعد از اینکه تحصیل خود را بسویه بکلوریا تمام نمود در مرستون شهر سوفیه بحیث معلم عزت قرار حاصل نمود او درین وقت شامل حزب کارگران بلغاریا شد و

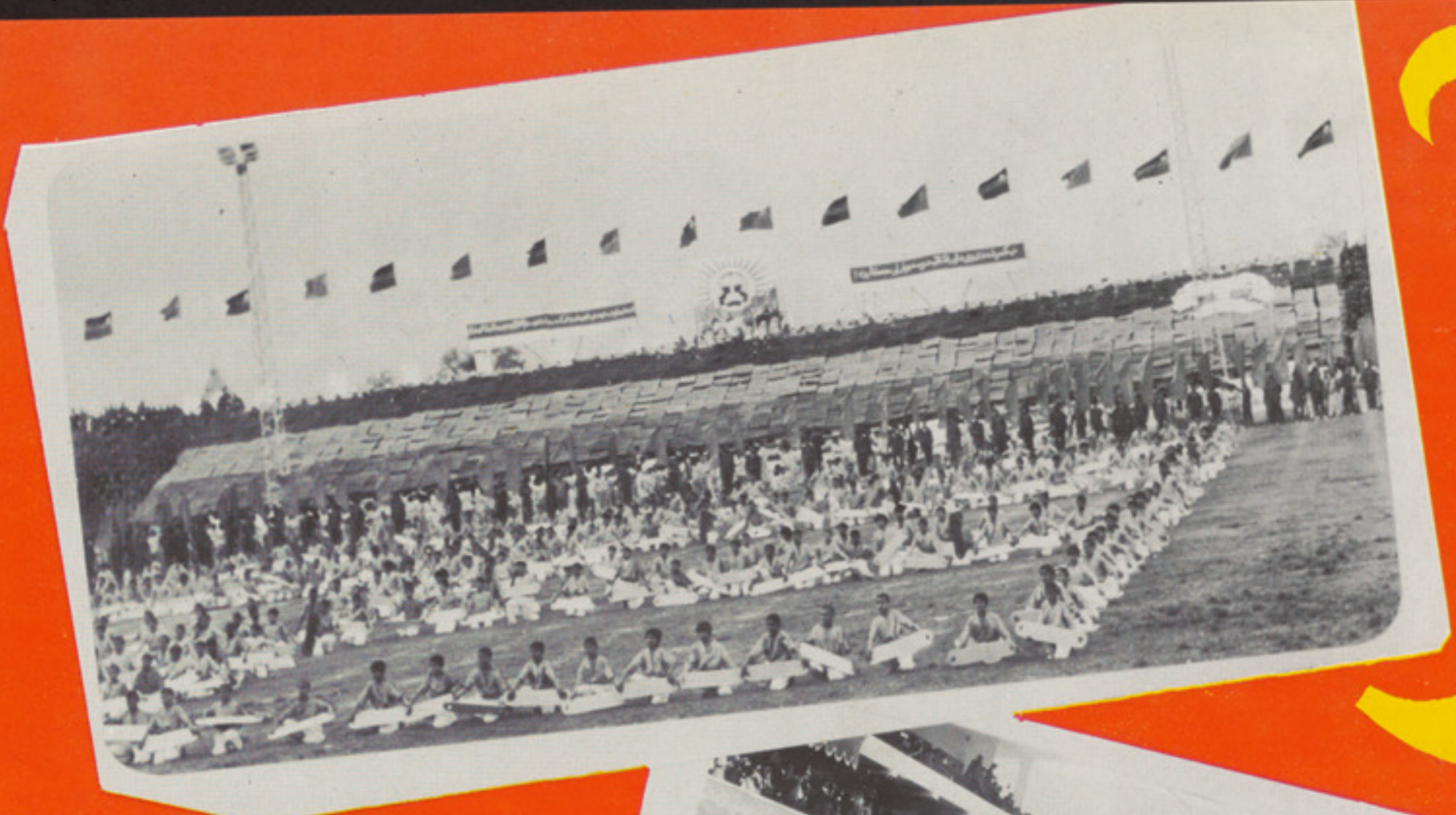
در سال ۱۹۴۲ حمله که از طرف فاشیست ها به خاک بلغاریا صورت گرفت بعضی از مبارزین بغاطر آزادی و دفاع از وطن با قوای فاشیست ها افتخار شهادت را بدست آوردند. و در این وقت نظر به انتخاب رفقای که می خواستند کریستالیا را به حیث منشی یکی از ناحیه های شهر سوفیه انتخاب نمایند چنین در نظر آمد که از مبارزه خسته شده است ولی

او از مبارزه خسته نگردیده بلکه او توانسته بود افتخارات و امتیازات زیاد تری را کهایمی نماید . به این ترتیب اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغاریا او را برای کشف پلان های انسان کش فاشیست ها به آلمان فرستاد کریستالیا که يك مبارزه سابقه دار و باعزم بود بحیث يك نفر محصل در یو نور ستی برلین فرستاده شد کریستالیا در یکی از اپارتمان های برلین برای خود يك اطاق به

کرایه گرفت . کریستالیا در مدت بسیار کمی توانست که اطلاعات زیادی از قوای آلمان

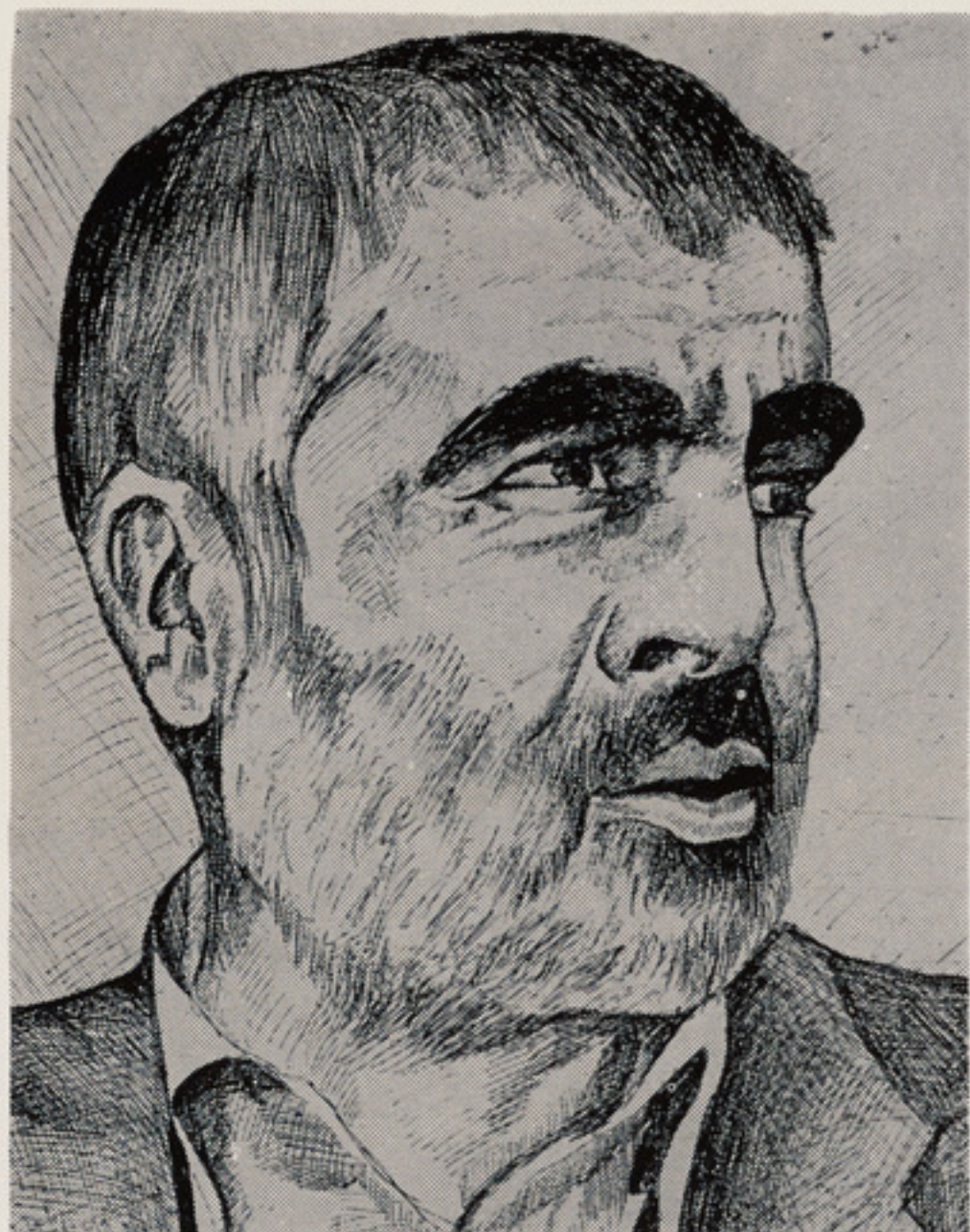


تصویر تخیلی از کریستالیا دوشیزه مبارز و قهرمان بلغاریا .





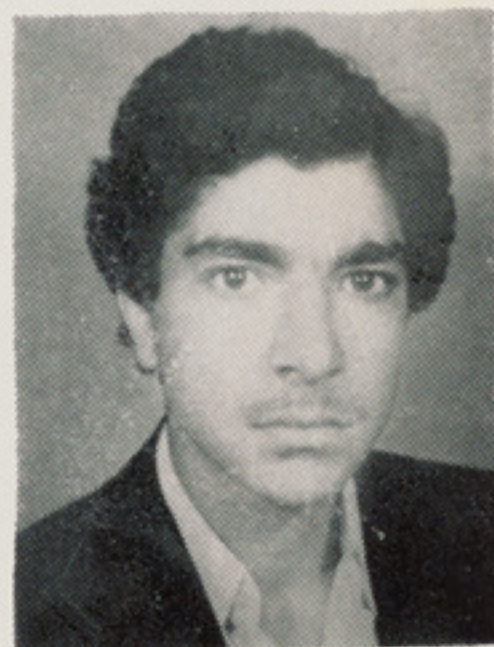
هر دهاره يك گپ است



تصویری از ساربان

ما در این شماره مصاحبه داریم بانو جوان پر شور و با استعداد که تا حال با وجود کوتاهی زمان در بین هم قطارانش خوش درخشیده دوبار مستحق جایزه مطبوعاتی و سه بار تقدیر نامه هایی از هنر نقاشی را صاحب شده و در سال ۱۳۶۰ نیز کاندید جوان یز کلتوری و هنری می باشد.

این جوان ابو بکر (شبنو رد) نام داشته که در صنف دوازدهم لیسه عمرشپید مشغول درس است



ابو بکر شبنورد

لحظه از من پرسید که در کدام صنف هستی و در صنف خود چندم نمره می باشی!

گفتم در صنف پنجم و او ل نمره صنف خود می باشم بعد از لحظه مکث گفت فردا با رسم خود در دفتر مجله بیا، فردای همان روز رسم خود را که مشتمل به ((پورت ریت احمدشاه بابا)) و چند رسم دیگر بود به دفتر مجله بردم و در زمینه کار هایم مصاحبه صورت گرفت. بعد اندک مدتی وقتی عکس را با همان پورت ریت و صحبت هایم در صفحه شاگردان ممتاز مجله دیدم از دیدن آن، انگیزه پشت کار در این زمینه برایم خلق شد که تا حال این راه را تعقیب می کنم.

و در ارتباط با سوال دیگر تان باید بگویم. در رسامی مستقیما کسی مرا یاری نکرده و تنها در مکتب و آنهم در حدود ساعات رسم کمک بعضی از معلمین خود را باید یاد آور شوم. و مشوق اصلی که در این راه گفتارش الهام بخش هنرم بوده است مادرم می باشد.

غیر از هنر رسامی ایا بکدام هنر دیگر از قبیل موسیقی شعر خطاطی مجسمه سازی و غیره دسترس دارید یا خیر؟
نه خیر، غیر از هنر رسامی متاسفانه به هیچ یک از هنر دیگر دسترسی ندارم اما علاقمند همه هنرها خصوصا موسیقی هستم.
- از ابو بکر شبنورد سوال شد که هنر را از دیدگاه خود چگونه بررسی می کنید.

گفت: همانطور یکه گفته اند هنر عبارت از انعکاس واقعیت ها و از دید من هنر عبارت از تبارز حقیقی خواسته های پنهانی و انسانی انسان است که این هنر گاهی از

از او می پرسم که چند سال می شود شما به هنر رسامی مشغول هستید؟

قریب پنج سال می شود که سرو کارم با برس و تابلو است و سرو کارم درین پنج سال باجهان رنگهاست.

- از ابو بکر شبنورد سوال شد چه انگیزه باعث شد که شما ایسن هنرا بر گزیدید؟

وکی شمارا در این راه یاری نموده و مشوق اصلی تان کی بوده است. بعد از لحظه مکث در جواب میگوید:

وقتی متعلم صنف پنجم بودم، معلم رسم هنگا می که رسمی رازوی تخته باتبا شیر رسم می کرد و من آنرا کاپی می کردم آفرینی های معلم اولین انگیزه بود که من متوجه این هنر گردیدم. و خوب بیاد دارم که روزی در يك کتابفروشی نزدیک منزل مان مصروف رسم کشیدن بودم که بر حسب تصادف زنی که بعد ها فهمیدم مدیره مجله کمکیان است بالای سرم ایستاده و بعد از



تصویری از انسان رنجبر و زحمتکش

پیروزی باد کارگران و تمام زحمتکشانشان بر اسیر جهان که در راه صلح - دموکراسی و ترقی اجتماعی بر ضد استثمار و سوراخه می رزمند

مجلات با تبلیغات بلند بالا اعلان کردند که هنر مندان جهت گرفتن جوایز مطبوعاتی آثار خود را آورده و به نمایش بگذارند که در آنجا برای خورد سالان نیز حصه داده بودند من که در آن وقت تازه شاگرد صنف عفتم شده بودم آثارم را زیر بغل گرفته و چیز یکی به چانته داشتم آنجا بردم و کاندید جوایز گردیدم خوب بیاد دارم که یک رسم زنی را در حال چوری فروشی نشان میداد و دیگری تابلوی که میدان بزکشی را نمایش میداد و چند تابلوی خورد و کوچک دیگر وقتی آثارم را به آنجا بردم بایر خورد سرد روبرو شد م غیر از اینکه تشویق نشدم . تابلوی اولی ام بکلی مفقود شد و تابلوی دیگری یعنی میدان بزکشی را پاره پاره بدستم دادند و از تابلو های دیگری اثری نبود. این بود تشویق یک هنر مند تازه کار . وقتی زیاد اصرار کردم که تابلو هایم را دوباره مسترد کنید زیرا من در ترسیم آنها زیاد کار کرده بودم و در تهیه آنها رنج فراوان کشیده ام حرف

البته در ارتباط با هنر نان .
سوقتی انسان به یک راه می رود در مسیرش چیز های را می بیند که به یقین برایش خاطره ساز است اکنون که پرسیدید من نیز ناگزیرم از یک خاطره که هیچوقت فراموشم نخواهد شد برایتان حکا یه کنم:
در سال ۱۳۵۵ در رادیو و

بقیه در صفحه ۵۵

بوس هنر مند، زمی از گلو ی هنر مند گاهی از حرکات هنر مند و یا هم از نوك قلم او تراوش می کند و من هنر را در طول عمرش که مساوی عمر انسان است به سه دسته تقسیم میکنیم . یک هنر را - ستین - دوم هنر کاذب و سوم هنر برای خود هنر است که در هنر راستین هنر مند هنرش را در خدمت انسان ماحولش قرار میدهد و خواست انسان اطرافش را منعکس میسازد که این انعکاس بدون هراس پدیدار می گردد .

دوم هنر کاذب است که این هنر در زمان معین و مکان معین مدت کوتاهی در خدمت اقلیت خاص و یایک فرد قرار میگیرد که هنر مند بدون در نظر داشت خواست انسان ماحولش به خاطر موقف ، ثروت و خواستهای خودی خود هنرش را به کار میاندازد که عمر این هنر حتی از عمر هنر مندش کوتاه تر است ، از آن جایکه هنر مال مردم است . هر هنر مند کاذب مال مردم را به یک قشر ضد مردم تحویل میکند .

سوم هنر برای هنر است که این هنر مربوط به هنر مندانی میگردد که جهان را یک جهان خیال و وهم میدانند . و تنها زیبایی هنر را لمس می کنند نه سمت دهی آنها ، که این دسته هنر مندان تنها یک رخ کار را می بینند . آنها تنها روز را می بینند و از شب با سکوت و ظلمت مش خبری ندارند . تنها بهاران را می دانند اما از غمزدگی خزان آگاهی ندارند .



پورتريت يك دختر روستايي

اثبات حق

کارگره

خدا هر شوق نماز از من از تو

مگذار رسد به هیچ دل غم از تو

ای پر اثبات حق از لایم شده

بگذار بر من سبب دل عالم از تو

ستا به متو کی قوت دی	ستا یسه متو کی همت دی
ستا شکل، شکل، شکل دی	ستا به عزم کی غیرت دی
درواری نمعه کار گره	جوهرنگی د جهان بسی
انسانی زوندون لیساره	ته مغبطن ددی کاروان بی
ستا په زیار او زحمت بانندی	و ر سیری و لسو نسه
ستا په توده همت بانندی	کلا لی شی هیواد و نسه
د تنندی هر ه قطره دی	خپیل ولس ته دوو هر چن دی
ای کار گره ژوندی او سی	نوم دی بنکلی په جهان دی
که خوراک دی نسل لوگی دی	نو لوی شان لری کار گره
اراده کی بوخ انسان بسی	پینگ ایمنان لری کار گره
دیگر گرد سره یسو خای	انهاد ستا ستر مرام دی

دغه اصل فلسفی دی
دلار شود بنکلی کلام دی

رسالت کارگر

جاویدان

چرخ عاقبت را بسگردش آورم
فکر تولید است دایم در سرم
نار اعمار وطن پیش منی برم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
مقصود از کارم و نور نصبت است
سختی بر خلق همین خدمت است
شد انتظار و استعمار گسرم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
مرد درو خیال ز آتش پیشه دو
پای من همیشه همتو او هم نظو
بهر دهقان تا باد ای پرورم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
ای خلق کلومی کلم در خال خرد
باز دست ما رو جلال حضور

سطح ذهن خویش هم بالا برم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
خط مشیم خط مشی کارگری است
چند چند من بسوی بهتری است
کو چه جسطا همگنا و لایم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
انتظار دارم که بعد از انقلاب
سد رجا زحمتکش از من طلب
دوستدار نظم خلق کشورم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
ارجاج رها دل و جان دشمنم
بیخ استعمار انسان من کتم
مرد من مسوونگر مسوونگرم
کارگرم من کارگرم ، من کارگرم

جاوید و پایدار
آیین زندگی
نابود بردگی
در نظم مردمی
بی زنج و بندگی
این است شعار ما
ای کارگر جوان
ای مرد قهرمان
ای نو چشم خلق

روح و روان هاست
این است شعار ما
ماییم در تلاش
بیکار می کنیم
در راه زندگی
ای مرد جاویدان
دندان و کارگر

آزادگی

طلوع مقدس

خوشا آزادگی آزاد بودن
همیشه خرم و دلشاد بودن
نمی شاید بماند دام و افسون
اسیر پنجه بیداد بودن

در دنیا اگر صدایی
بماند
اگر سرودی بماند
اگر کلمه ای بماند
صدای انسان بماند و
سرود انسان
درین کلام است
شما من ای دغایی پرور از نفس
آزادی ای طلوع مقدس

دلیلی

کارگر

الای کارگر فرد توانا
 جهان را از تو سد زبندگی ها
 ز تو کشور شود همچون گلستان
 تمدن از تو یابد رنگ و سامان
 کپی تو قلب خارا را شکافی
 کپی اعماق دریا را شکافی
 به بهندگان و سرمای زمستان
 میان آتش و گسری سوزان
 تو باستی در تلاش و زحمت و کار
 تحمل می‌نمایی رنج بسیار
 جهان را مگر بود نفت فراوان
 همه محصول دست تست یکسان

ز زحمت گریود دست تو سوده
 جهان را مشکلی از هم گشوده
 بگوای فرد افغان وطن دوست
 که رنج کار کردن بر تو نیکوست
 خشا تجلیل این روز جهانی
 بکن بر افتخارت شاد مانی
 شود کشور ز تو آباد و معمور
 همه اهل وطن مسعود و مسرور

شاد بزرگوار

درد هر که زنده نماند ندارد
وزیر شکر استیوار

نه خاکم نه بوم نه می‌دم
و شاد بزرگوار خوش جهانی دارد

اسطوره نسیت

بتاریخ وطن بنگر
 به گنج برز و زیور
 به شان و شوکت و جاهش
 به آن گردان بیباکی
 به تاریخ وطن بنگر
 بیاد آور ملالی را
 ملالی های میهن را
 که رز میدند
 که جان دادند
 که این میهن شود آباد

ز «بو مسلم»
 که در راه وطن جان داد

اگر «نیزک»
 اگر «سنیاده»
 اگر «ایوب»
 اگر آن فاتح میوند
 که سر را در ره مردم
 ز کف دادند
 برای عشق سوزان وطن جانرا فدا کردند
 که ماند نام شان جاوید
 به سان تابش خورشید
 که تا اندم جهان باقیست
 زمین و آسمان باقیست

شود مام وطن دلشاد
 به تاریخ وطن بنگر
 بیاد آور زعیبا را
 زمرغان خراسان

به تاریخ وطن بنگر
 به گنج پر زرد و زیور

صبر سنج

جانم دریا پر موج و فرا شکر است
 کبر دریا پر موج و فرا شکر است

رو پیوسته مقصود شکر
 ز این سر و پای ایل در دانش مهر

ای دل، ای دل

چی آزرده حالی ای دل ای دل
 معلم اندر خیالی ای دل ای دل
 برو کنجی نشین شکر خدا کن
 که شاید کام یابی ای دل ای دل
 با با طاهر
 مگر شیر و پلنگی ای دل ای دل
 بها دایم بجنگی ای دل ای دل
 اگر دستم رسد خونت بریزم
 بیستم تاجه رنگی ای دل ای دل

وطن

وطن ا در راه تو فریاد شود جانی که من دارم
 ازین خوشتر نمی خواهم و وطن دارم . وطن دارم .
 تو بی صبح امید من . تویی روز سپید من
 همیشه بر کیم نامت جو مرغان چمن دارم
 به مرگ من اگر یابی تو جانی زنده می مردم
 درین ره آرزوی خاک و آغوش گلن دارم
 به مدح هیچکس شعر نخواهم گفت ، اما من
 به وصف تو غزل دارم به مدح تو سخن دارم

اگر مردنتواند خوشبختی را در خانه خود دیابد، آن را در جای دیگر جستجو میکند

جستجو میکند

ازدواج که خود یک پدیده سنتی و اجتماعی است، از نظر تو لید مثل و ادا مه نسل بشر در قالب خانواده و جامعه اهمیت بسیار دارد و در بر خورد با حرکات زیر بنایی در هر جامعه دست خوش تغییرات و دگر گونی های میشود. بطور کلی ازدواج در جوامع در حال رشد و توسعه در سنین جوانی صورت می پذیرد و از همان آغاز تا تولید مثل، ابعاد خانواده ها رو به افزایش می گذارد.

اما گاهی دیده شد که در همین کشور ها جوانان از ازدواج و تشکیل خانواده گریزانند و کوشش می نمایند تا حدودی از آن دوری اختیار کنند.

علت این گریز جوانان از ازدواج درجه نهفته است و چه عواملی باعث میشود که جوانان بعضا بدین به ازدواج گردند. به خاطر اینکه خو بترو واضح تر این مساله حیاتی برای خوانندگان ما روشن گردد از زبان دو جوان که فعلا با هم نامزد هستند ولی جرئت این را ندارند که با هم ازدواج کنند بشنوید.

و قتی از دختر در این مورد که چرا از ازدواج فرار میکند پرسیده شد در جواب گفت: ازدواج و پیوند زندگی چیزی نیست که بدون مظلله و ارز یابی دقیق به آن مبادرت ورزید. ازدواج لباس یا کالاییست که از بازار آن را خرید و بعد از پوشیدن بعد از مدتی دورش افکند. در شرا یکتونی که زن و مرد هر دو مسوول نیست مشترک در قبال خانواده دارند نباید بغا طر خوشبختی خانواده رسک کرد و بدون تعمق



روان شناسی جوانان

جوانان و خودارادیت

۶ جوانی در باره تضاد طمأنینه ضمیر خود را چنین گفت: فکر میکنم شما باید در برابر کار نادرست بان سر ز نشوید ورنه چکار نه میتوانید درست را از نادرست، حق را از باطل و راست را از ناراست فرقی وتمیز کنید. بسک تعداد زیاد شما گردان مکتوب در اثر انحرافات جنسی دست بقتل نفس و تجاوزات کونا گونی دیگر زدند که عده بحکم قضا محکوم به قتل شدند و عده هم فسرار کردند تا جان بسلامت ببرند اما از جنکال عذاب و فشار قاضی و جدان کجا میتوانند بگریزند.))

۷ اخذ تصمیم کار سهیل و ساده نیست. ای بسی اوقات مناسب که ضایع شده است و از دست رفته است که افسوس نمیتواند تلافی آن را بکند.

و حتی هنوز هم جوانان مادر اخذ تصمیم روزگار و اوقات گران بهای را برای یگان از دست میدهند - بقول شاعری:

من نمیکویم زیان کن یا بفکر سود باش X ای زفرصت بی خیر در هر چه هستی زود باش. جوانیکه در اخذ تصمیم متردد و دود دل بود می گفت: من نمیتوانم و هرگز نمیتوانم فیصله کنم که آنجا بروم یا نروم. خانواده من بمن اجازه رفتن نمیدهند اما آنها مشکل مرا درک نمیکنند شما چه فکر می

کنید تا من چه باید بکنم؟)) اگر همچو سوا لی بمن را جمع شود مشوره میدهم که شما نخست دلائل و ایل و لیدین تا ن را بکوش هوش بشنوید و اگر دلائل آنها معقول باشد و از رفتن بشما خطر و لطمه وارد گردد بهتر است آنجا نروید و اگر مسا له برعکس نموده جای که می خواهید بروید. هر گاه چنان فرصتی میسر باشد که دلائل هر دو طرف را بتوانیم بشنویم در زمینه قضاوت خو بتر کرده و مشوره بهتر میتوانیم بدیم.

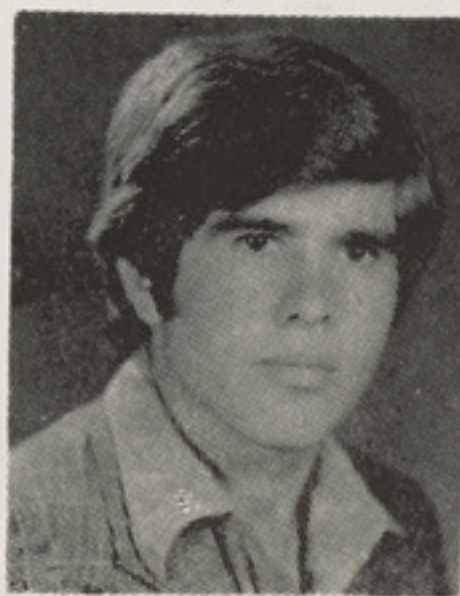
۸ بعد از آنکه دو شیوه و الدین خود را بنا بر عدم اعتماد ایشان بر او در موضوعی فریب داده بود و دلش آرام نمیکرفت تا از آن قضیه آنها را آگاه نسا زد زیرا شکنجه وجدان او را هر آن خود رد می ساخت. بس او بصورت غیر مستقیم چندین علامتی را بتکرار تذکر داد تا بالاخره آنها بحقیقت امر بی بردند و در نتیجه آن دو شیوه ز مزه کتان گفت: ((والدین من بر من اعتماد نداشتند بس آنها را خواهی نخواهی فریب دادم. تصور نمی کردم آنها آنقدر ساده باشند که فریب مرا بخورند. اما فریب دادن آنها کار بس سهیل و ساده بود. باقی دارد

اندیشه های جوانان

چه سعادت بلندتر از این که امروز با چشم سر مشاهده میکنیم که جوانان ما به حقایق زندگی آشنا شده و امروز این قشر دینامیک و فعال جامعه ما برای سربلندی و سعادت افغانستان آزاد، مستقل و آباد تلاش میورزند تا زندگی و جامعه نوی را برای وطن داران ما به ارمغان آورند و دیر نخواهد بود آن روزیکه همه شاهد خوشبختی را در آغوش کشیم و افتخار کنیم و بگوئیم این است معنی کار و تلاش برای بهروزی جامعه.

سعادت و خوشبختی موقتی تکمیل شده میتواند که همه مایک نظر و یکدل باشیم و خوشبختانه امروز جوانان ما هم ازدختر و پسر بایک رنگی و یکدلی بدور حزب پر افتخار، حزب دموکراتیک خلق افغانستان جمع شده اند و برای آینده بهتر و شگوفان تر جد و جهد می نمایند.

به پیش بسوی صلح، خوشبختی و سعادت همگانی.



عبدالحکیم متعلم صنف ۱۲ لیسه محمود طرزی / جمیله متعلم صنف دهم تخنیک ثانوی



کوشش می نمایند که در مورد ازدواج خوب فکر نمایند تا نشود که در آینده پشیمان گردند و زندگی شان تلخ گردد .
- قبلا گفتید عده از جوانان مخصوصا بقیه در صفحه ۶۲

نمودن ها فروکش می نماید و جای آنرا گریز از خانه و دوری از عصر و خانواده میگیرد . از همین رو است که امروز مساله ازدواج برای جوانان مخصوصا دختران يك امر حیاتی و خیلی با اهمیت تلقی میشود . و تا جای امکان

قرار گرفته که ازدواج نمی کنید ؟
میگوید : با اینکه حرف های نامزد راقبول دارم ولی صد در صد آنرا نمی پذیرم ، زیرا هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که بتواند سد راه عشق گردد . اگر بین دو جوان عشق واقعی وجود داشته باشد مسایلی از قبیل تربیت متفاوت و طرز دید مختلف همه و همه اش در مقابل عشق واقعی چیزی نبوده و گاری از پیش برده نمیتواند .
- از شما می پرسم که آیا بین شما این چنین عشق وجود دارد ؟ اگر دارد چرا ازدواج نمیکنید و اگر ندارد پس چرا با هم نامزد شدید ؟

يك موضوع را همه میدانند که عشق و دوست داشتن يك طرفه بوده نمیتواند . همانطوریکه از يك دست صد ابر نمی خیزد عشق يك طرفه نیز مفهومی ندارد . ولی مشکل است که امروز عشق واقعی را از عشق غیر واقعی تفکیک نمود . مخصوصا يك عده جوانان که زیاد احساساتی میباشند همینکه دختر مورد نظر خود را یافتند با هزار حيله و نیرنگ با هزار چرب زبانی ... می خواهند دختر مورد نظر خود را وادار به ازدواج کنند . در ابتدا آنقدر قربان صدقه همدیگر میشوند که انسان فکر میکند اگر در جهان عشق و دوستی واقعی است همین است . اما متأسفانه وقتی این دو جوان باهم ازدواج کردند و مدتی از ازدواج آنها گذشت آن علاقه و اظهار عشق

به آن دست زد .
از پسر در مورد این مساله حیاتی که چرانی خواهد تصمیمش را در مورد ازدواج عملی کند سوال شد که در جواب چنین گفت :
در این جای شکی نیست که ازدواج يك پدیده سنتی و اجتماعی است و به خاطر تو لید مثل باید صورت بگیرد ولی شرایط عصر و زمان ایجابات دارد که باید هر جوان نظر به شرایط زندگی گیش در این مورد خوب فکر کند .

با اینکه آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید ولی تا جا بیکه به انسان ارتباط دارد و میتواند جوانب مختلف زندگی را ارز بایی نماید در مورد ازدواج و تشکیل خانواده باید از دقت کامل کار گرفت مشکل اساسی که در برابر ازدواج جوانان قرار دارد طرز تربیت و دید مختلف پس خود جوانان مخصوصا دختران است شما خود میدانید که جوانان ما در خانواده های مختلفی با طرز تربیت و دید مختلفی تربیه و پرورش یافته اند و کم اتفاق می افتد که دو جوان باعین طرز دید در مورد ازدواج یافت شود . همین دید های متفاوت است که عده از جوانان جرنلسنت نمی کنند دست به ازدواج زنند .
از دختر می پرسم ، حال که شما نامزد شده اید چه بروبلم و مشکلی روبروی تان

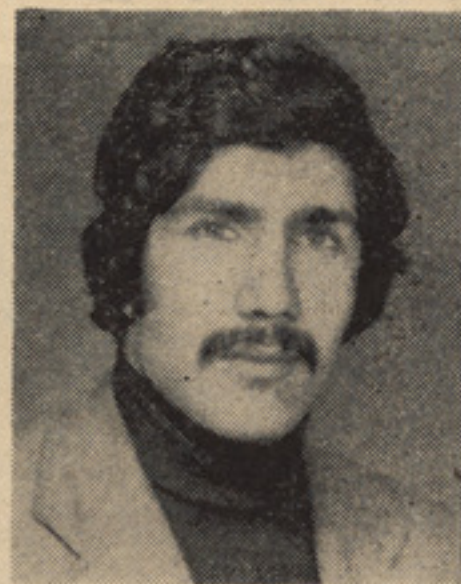
مطالعه را فراموش نکنید

آن راه ناصواب باز میدارد و او را به حقایق زندگی آشنا میسازد . جوانانیکه به مطالعه عادت دارند و يك قسمت از وقت خویش را به مطالعه اختصاص میدهند در زندگی از کار-آموزی بیشتری برخوردار میگردند .
کتاب و مطالعه ذهن را روشن می سازد و میتوان از مفاد کتاب در زندگی خانوادگی استفاده کرد . شاید یکمده این طور تصور کنند که کتاب رابه زندگی خانوادگی چه و شاید هم بگویند که نمیشود زندگی خانوادگی را از لابلای صفحات کتاب درست کرد .
اما عده غیر از این فکر میکنند . و در رد این نظریه چنین میگویند . هیچ چیز در جهان نیست که کتاب به آن ارتباط نداشته باشد ، پس به جوانان ماست تا با کتاب بیشتر از گذشته آشنایی حاصل کنند و وقت خود را به مفت و رایگان از دست ندهند . اگر هر جوان مابتنواند روزانه در وقت فراغت يك یا دو ساعت به مطالعه بپردازند بدون شك این کار آنها يك نوع عادت برای شان میگردد .
مزیتی که این کار دارد خیلی هابا ارزش است یکی هم اینکه وسعت نظر و تجربه آن ها بیشتر میشود و دودیدگر اینکه برداش آ نها افزوده میگردد و در شرایط حاضر که ما به جوانان دانشمند و چیزفهم خیلی ها نیاز داریم این يك امر مهم و حیاتی برای جامعه ما شده میشود .

و شوهر جوان هر دو به مطالعه عادت داشته باشند و مدت زمان معین را برای مطالعه اختصاص بدهند این کار و عمل آنها چندین فایده دارد . یکی از فایده های این کار باز داشتن زن و شوهر از گفتگو های بی جا و بی مورد است که گاهی این بگو مگو هابه جاهای باریک می انجامد و سبب میشود که زندگی خوش خانوادگی دستخوش ناراحتی گردد .
وقتی زن و شوهری يك ساعت یا کمتر و یا بیشتر از وقت خویش را صرف مطالعه میکنند و بعد از اینکه از مطالعه فارغ میشوند ممکن است موضوع صحبت آنها صرف در چهارچوب کتاب و موضوع مطالعه آنها دور بزند . که این کار زن و شوهر باعث میشود که آنها را از گفتگو های غیر مجاز باز دارد .
فایده دیگری که مطالعه برای زن و شوهر جوان در پی دارد یکی هم آشنایی با زندگی بصورت واقعی است چه جوان امروزی بانیا از ها و خواسته ها و توقعات شان ممکن است گاهی از راه راست بدورگشاندند شوند و به بیراهه سوق گردند . که مطالعه کتاب ذهن آنها را روشن ساخته و حقایق زندگی را برایشان روشن میسازد و آنچه که جوان را از راه راست منحرف میسازد ، کتاب و مطالعه آن دورا از

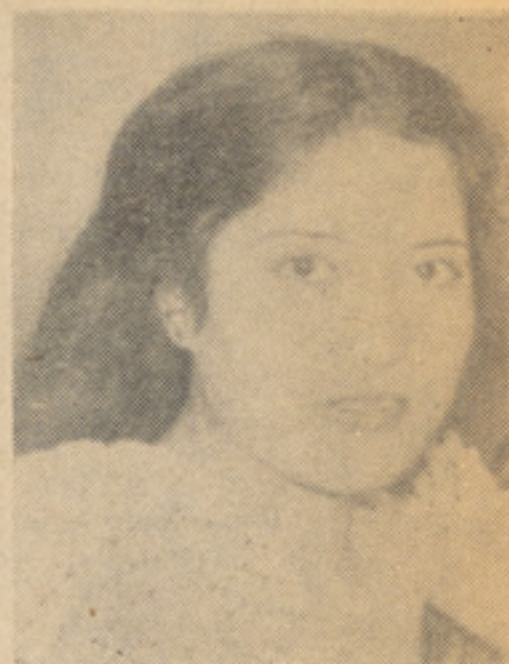
نمیدانم این سخن چقدر بجا و مطابق به خواست شه خواهد بود که گفته اند خوشبختی و بدبختی بدست خود شما است . این شما هستید که با رفتار و کردار تان برای تان خوشبختی و بدبختی می آورید . جوانی که درست فکر میکند و معقول می اندیشد همیشه در زندگی موفق و پیروزمند است . ممکن است گاهی عواملی چند سد راه پیروزی گردد ولی بصورت دایم این امر حقیقت نداشته جنبه موقتی دارد .
گفتیم معقولیت و درست اندیشیدن عامل مهم خوشبختی محسوب میگردد چه ایسن امر مربوط خانواده باشد و یا خارج از خانواده بپردو حال باعث سعادت انسان میگردد .
خوب ، این را گفتیم اما بهتر است راه این خوشبختی رابه جوانان بنمایانیم ، تا باشد که جوانان مادر روشنی آن راه زندگی را دریابند .
یکی از راه هاییکه انسان رابه خوشبختی میرساند مطالعه است ، زیرا در شرایط حاضر ناممکن است جوانی بدون دانش بتواند به زندگی ایده آل دست یابد . مطالعه انسان را به زندگی به حقایق زندگی آشنا میسازد و با این آشنایی است که جوان میتواند خوب و بد زندگی را بشناسد . مخصوصا اگر زن

... فرزند حقیقی ملت کسی است که به دردهای ملت التیام بگذارد ، ای جوانان امروز که وطن از مافقریانی مسی طلبید و فداکاری و ایثار می خواهد بیاید برای آبادی کشور و ترقی روز افزون آن از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نه ورزیم . همانطوریکه همیشه سهم فعالی داشته ایم بازهم در این راه سهم بگیریم و به دردهای ملت التیام بگذاریم و این وقتی میسر است که در راه استقلال کشور از هیچگونه فداکاری دریغ نه ورزیم ...



عتیق الله مامور امریت توزیع روزنامه ها و مجلات :

طوبی ممتله با ذوق



نام اصلی وی خورشید است ده سال از همکاری وی با افغان ننداری میگذرد ممتله با ذوق و با استعداد و خیلی صمیمی است . در اکثر نما یشنا مه عا نقش های اول را داشته و با کمال مقبولی توانسته موقفا نه بدرخشد . طوبی یکبار دیگر در نما یشنا مه مخصوص اطفال «کلا سر خک» با حرکات فریبنده، تبسم میلح و بازیها- هرانه اش تحسین همه را بر انگیخت اما در جریان نمایشنا مه مریض شد و به شفاخانه بستری گردید اطفالیکه نمایشنا مه را دیده بودند سخت علا-

قه مند او شده بود ندو او رادوست داشتند بعد از پرس و پال بخا نه اش آمدند برایش گلها هدیه کردند و بسیار کودگانه خوا هس کردند که دیگر مریض نشود و قسمیکه طوبی یمن گفت: چه خو شبختی میتواند بالا تراز یز باشد که تو بخا طر مرد مست زحمت بکشی و مورد تقد یر آنها واقع شوی. طوبی ازدوا ج نموده و یک دخترک مقبول دارد و شو هر طوبی نبسز هنر مند تیا تراست . طوبی غرض تداوی فعلا به هندو- ستان رفته است .



امل ساین اکثرا به کشورها ی دیگر مسافر ت نموده و کنسرت هایش خیلی مورد توجه واقع شده ناگفته نبا ید گذاشت امل ساین چند آهنک فارسی نیز اجرا کرده که از لطافت خا صی پر خور دار است چند ین بار از وی تقاضا بعمل آمده تا ستاره سینما شود اما تا حال خودش به این موضوع چندان دلچسپی نشا ن نداده است .

امل ساین اصلا آهنکها ی اصیل ترکی را میخواند و در قسمت لباس خیلی سخت گیر است و همیشه لباس های خیلی زیبا و به سبک شرقی در تهیه و آن استفاده مینماید. برای آواز خوان ن پر آوازه انتخاب لباس مشکل ترین کار است .

بندو ستاره جذاب هندوستان



بندو ستاره مقبول ، رقا صه خوب که در مدت کم در خشش خاصی داشت و مخصوصا در نقش های منفی خیلی موفق بازی میکنند این هنر مند سینما هر رو لیکه برایش سپرده میشود به حدی دلچسپ بازی میکنند که در روجه نماشا چی تاثیر عمیق بخشیده اگر آنها باشد حتما آسیبی برایش نمی رسانند .

امل ساین آواز خوان معروف ترکیه

امل ساین آواز خوان را دیو و تلو یزیون ترکیه که هو اخوان بشمار دارد هم از نظر زیبایی وهم ز نظر لطافت صدا نظیرش کمتر دیده شده و به اساسا ت موسیقی وارد است .

ناتالیا ارینبا سادوا

ناتالیا ارینبا سادوا در نقش شفق در فلم ((شبیکه مهتاب گرفته میشد)) ناتالیا ارینبا سادوا ستاره زیبا و با استعداد شوروی که تماشا چیان کابل اورا از فلم های ((نخستین آموزگار))، «جمیله» خوب میشنا سند و دوست دارند .



ستارگان

افسانه

ساز

اکتور جوان و موفق سینما

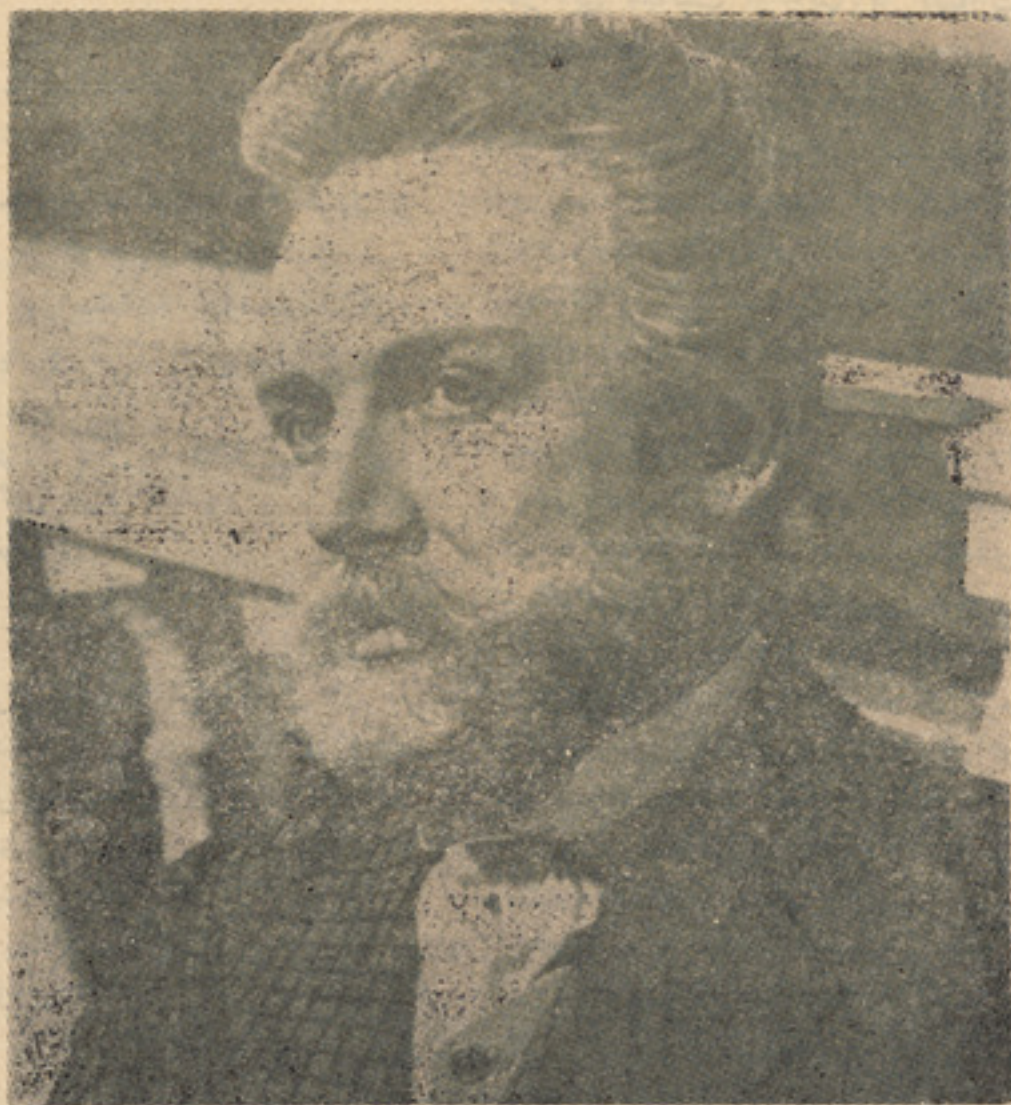


گیورگی تا راتورکین آموزشگاه تیاتر جوانان را تمام کرده است و فعلا در تیاتر جوانان فعالیت دارد. در فلم های « سو فیلا پیرو - فسکایا » ، فراموش نا شد نی « مجازات و مکافات » رمان و ظیفوی « بازی خیلی نموده و استعداد خود را خوب تبارز داده است .

((شبیکه مهتاب گرفته میشد)) فلم جدیدیست که سنا ریو آنسرا ولادیمیر والو تشکی به اساس سس ترا ژیدی شاعر مرد می باشکیر اتحاد شوروی موستا کریم نوشنه وباراسو خال زانو ف رژیسور آن میباشند .
وقایع که از آن حکایت میشود در آخر قرن هژده اتفاق افتاده است . اما مفکوره آن که مبارزه به خاطر آزادی روح انسان کاملاً جدید است . ناتالیا نقش «شفق» را خیلی هنر مندانه بازی می نماید . همچنان درین فلم مو بار یا کوا ، دلارام قمبر و نیز حصه دارند .

سمو کتونوفسکی در فلم

چایکو فسکی



ایتو کنیتی سمو کتونوفسکی اکتور تکرار نا شد نی سینما و تیا تر اتحاد شوروی این اکتور با استعداد را در فلم های ((ها ملت)) ، چایکو فسکی)) ، ((حما-سه یک عشق)) تما شا چیان و هنر دو ستان کابل بخاطر دا رند ودرین اواخر سینمای کابل ننداری فلم خیلی زیبا که بیبا نگر حوادث سال ۱۹۲۸ هسپانیه است بنام ((ساحل آرام)) بمعرضی نمایش قرار داد که سمو کتونوفسکی نقش مامور پولیس را ایفا اوچه در سینما و چه در تیاتر همیشه می در خشد و مخصوصاً میکرد .
چنانچه ((بینوز دو چلند)) در باره وی نوشت : ((تنها اکتور بزرگ می تواند که نقش را چنین بر آژنده ارائه نماید .))
بر اژنده اراانه نماید .))

لیکه کوژارادزی



لیکه کاوژارادزی محصله کنسر و توارتلسی است و از دوازده سالگی به عالم سینما راه پیدا کرد و تاحال که چندین سال مرگذرد نقش زاد رادر فلم ها خیلی ماهرانه بازی کرده است
«درخت آرزو» فلمی است از ساخته های رژیسور موفق گرجستان تیگیز عبدالله دزی که برای لیکه شهرت زیاد به ارمغان آورد .
لیکه در این فلم نقش مارتا را خیلی طبیعی و زیبا بازی نموده است .

صحبت در باره آینده این ستاره زیبا وخیل جوان کمی قبل از وقت است اما باطمینان گفته می توانیم که اوستاره موفق سینما خواهد بود .

مخترعات شبیری

مختصری راجع به نویسنده :

«الكساندر سر جیو بیچ پوشكين» به تاریخ (۶ جون ۱۷۹۹) در مسكوتولد شده و به تاریخ (۱۰ فروری ۱۸۳۷) به عمر سی و هشت سالگی در شهر (پتیر زبورگ) در اتریک دو یل از جهان در گذشت .
«پوشكين» نویسنده ، شاعر و درام نویس توانا ی بود که تاریخ ادبیات اورا پیشقدم (دوستویفسکی) و «لئو تولستوی» می داند . او در عمر کم خود آثار زیادی بوجود آورد که بسیاری از آنها از شهبکار های ادبیات جهان بشمار میروند .
معروفترین آثار او عبارتند از: «اوینگن اونگین» ، «بوریس گودونوف» ، «دختر کاپیتان» ، «دو پروففسکی» ، «مامور پوسته رسانی» و «طوفان برف» که ترجمه آن در اینجا تقدیم خوانندگان عزیز میشود .
(مترجم)

در اواخر سال (۱۸۱۱) که برای مایک دوره عجیبی بود «گاوریلو - گاوریلو ویچ-ر» که شخص پاکدل و خوبی بود در بالای مزارع و املاک شخصی خود موسوم به (نینا رادوفو) زندگی می کرد . او در تمام منطقه نسبت مهمان نوازی و صفای قلب خود شهرت داشت . همسایگان همواره او را ملاقات میکردند ، تاذر آنجا بخورند ، بنوشند و یا با خانمش با پنج «کوبک» قطعه بازی ، «بوستون» نمایند . بعضی ها هم برای آن اورا ملاقات میکردند تا دختر او را که (ماریا وریلو فنا) نام داشت و یک دوشیزه هفده ساله با رنگ پریده و اندام زیبا بود ، تماشا کنند . این دختر به حیث عروس مناسب دیده می شد و اکثر مردان در نظر داشتند تا او را برای خود یا برای پسران خوخواستگاری نمایند .

«ماریا گاوریلو فنا» به نمونه رومان های فرانسوی تربیه شده بود و به همین سبب هم عاشق بود . شخصی را که انتخاب کرده بود یک افسر کوچک رتبه و بی بضاعت اردو بود که روز های رخصتی خود را در بالای املاک خود

سپری می کرد . طبیعی است که مرد جوان نیز باهما ن عشق آتشین او را دوست میداشت و والدین معشوقه او هنگامیکه از علاقه و عشق طرفین باخبر شدند ، دختر خود را منع کردند که حتی به او فکر هم نکند و همچنان با خود او نیز يك وضعیت سرد نموده و با مقایسه يك مامور متقاعد هم بدتر از او پذیرایی می کردند .

عشاق با همدیگر داخل مکاتبه بودند و هر روز با هم ملاقات های محرمانه در جنگل صنوبر و یا در نزدیکی يك کلیسای کوچک کهنه می نمودند . در آنجا به همدیگر از عشق وفاداری ابدی قسم می خوردند ، از سرنوشت خود شکایت می نمودند و با همدیگر پلانی برای آینده طرح می کردند . با این گونه تبادل مکاتیب و مذاکرات (چیزی که طبیعی بود) به این فیصله رسیدند :

اگر ما بدون یکدیگر تنفس کرده نمیتوانیم و خواسته والدین ما در مقابل سعادت ما قرار می گیرد ، در اینجا سوال پیدا می شود که آیا ما نمیتوانیم بدون آنها با خود کمک نماییم ؟ طبیعی است که این

فکر سعادت آمیز او ل در مغز مرد جوان رخته پیدا کرد و این نظر «ماریا گاوریلو فنا» را که يك دختر احساساتی و رو مان نیک بود خوشش آمد .

زمرستان فرا رسید و ملاقات های مخفیانه آنها را قطع کرد . اما تبادل نامه های آنها زیاد تر شد . «ولادیمیر نیکولا یویچ» در هر نامه خود به دختر ك زاری و الحاح می نمود که زن او شود . آنها با هم مخفیانه از دواچ کنند يك مدتی مخفی بمانند و با لایحه به پای والدین بیفتند و طبیعی است که قلب آنها هم با لایحه از این همه مقاومت و قهر مانی و بدبختی عشاق به ترحم می آید و آنوقت می گویند : «اطفال من ، بیایید تا شمارا در آغوش بکشیم» «ماریا گاوریلو فنا» مدت مدیدی متردد بود . پلانیهای زیادی برای فرار طرح گردید و بالاخره رضایت خود را بدین صورت اظهار کرد که در همان روز معین او برای طعام شام حاضر نخواهد شد ، بلکه به بهانه سردردی به اطاق خود خواهد رفت . خدمه وفادار او از این راز آگاهی خواهد داشت .

آنوقت هر دو از راه عقبی به باغ میروند و در عقب باغ يك کالسکه مخصوص روی برف راکه آماده حرکت بود ، می یابند و از «نینارا دوفو» پنج ورست . (تقریباً پنج - نیم کیلو متر) دور تر به دهکده (شا درینو) و از آنجا مستقیمآدر پیش کلیسای میروند که در آنجا «ولادیمیر» انتظار آنها را می کشد . شام قبل از روز موعده «ماریا - گاوریلو فنا» تمام شب را نخوابیده بود . او البسه خود را جمع کرد . يك نامه برای يك زن جوان و بسا احساس که دوستش بود و يك نامه دیگر برای والدین خود نوشت . او در این مکاتیب از آنها با کلمات بسیار احساسانه و ظریف و داع نمود و از این تقصیر خود که ناشی از يك عشق بزرگ بود معذرت خواست و در اخیر یاد آور شد که او آن لحظه را از خوشبخت ترین لحظات زندگی خود میدانند که در آن به او اجازه داده شود تا خود را به پاهای والدین عزیز خود ببیند . بعد از آنکه این هر دو مکتوب را بامهر «تولا» ، که در بالای آن دو قلب شعله ور با کلمات مناسب نقش شده بودند ، بست ، قبل از دمیدن صبح خود را با لای بستر انداخت و در يك خواب نیمه بیداری فرو رفت . اما رویای های وحشتناکی او را همواره بیدار میکردند .

او خواب میدید که پدرش در لحظه ای که میخواست بسا لای کالسکه برقی بنشیند و عازم جدایی شود ، او را مانع می شود و با خشم و زور با لای برف ها می کشد و در يك زیر زمینی تاریک و عمیق می اندازد و او با سر و قلب شکسته در آنجا می افتد و یا «ولادیمیر» رامیدید که با رنگ پریده چهره خون آلود به روی سبزه ها افتاده است و در حال مردن با صدای جانگدازی الحاح می نماید که برای ازدواج با او عجله کند و دیگر تصاویر و چهره های وحشتناک و بی مفهوم یکی بعد دیگری در مقابلش ظاهر می شدند . بالاخره با رنگ پریده و سر درد واقعی از خواب بیدار شد . پدر و مادرش ناراحتی او را احساس کردند و نگرا نی محبت انگیز آنها و سوال های که «ترا چه شده است ، ماشا ؟ آیا مریض هستی . ماشا» قلب او را پاره می کردند . او کوشش می کرد تا والدین خود را آرام نماید و خود را خوشحال نشان دهد اما نمیتوانست .

شام فرا رسید . فکری که اکنون برای آخرین مرتبه روز را در حلقه فامیل خود به پایان میرساند ، قلب او را فشار میداد . او خود رازنده احساس نمیکرد . در خفا از تمام اشخاص و اشیا بی که دور و بر او را فراگرفته بودند ، وداع مینمود . طعام شام حاضر شد و قلب دو بشدت می تپید ، با آواز هر تعش توضیح داد که نمیخواهد چیزی بخورد و به پدر و مادر خود شب بخیر گفت . آنها او را بوسیدند و قرار معمول برایش دعا نمودند . او نزدیک بود به گریستن شروع نماید . در اطاقش خود را بالای یک آرام چوکی انداخت و سیل اشک از چشمانش جاری شد . خدمه او به او توصیه کرد تا آرام کند و جرئت خود را از دست ندهد . تمام چیزها آماده بود . بعد از نیم ساعت دیگر باید « ماشا » برای همیشه خانه والدین ، اطاق خود و زندگی دخترانه خود را در عقب میگذاشت ... در بیرون بسرف شدید به باریدن آغاز کرده بود . باد زوزه می کشید ، شیشه های پنجره می لرزیدند و تکان میخورند . تمام اینها برای او به حیث یک تهدید و یک پیشگویی وحشتناک جلوه می کرد . در منزل بزودی همه آرام شده و به خواب رفتند . « ماشا » یک شال دور گردن خود پیچیده و یک بالا پوش پوشید . آنوقت صندوقچه سامان تزیینی خود را بدست گرفته و به طرف زینة باغ روان شد .

خدمه او دوبسته دیگر را در عقب او می برد . آنها به باغ رفتند . طوفان برف ادامه داشت . باد بشدت از طرف مقابل شان میوزید گویا میخواست این گناکاران جوان را از رفتن مانع شود . او به زحمت خود را به آنطرف باغ رسانید در سرك پهلوی باغ کالسکه بر فی انتظار او را می کشید . اسپهای خنک خورده نمیخواستند آرام بگیرند . گادی ران « ولادیمیر » در مقابل اسپها اینطرف و آنطرف در حرکت بوده و جلو حیوانات نا آرام رامحکم گرفته بود . او به ماد موازل (دوشیزه) و خدمه او در بالا شدن بالای کالسکه کمک کرد و هنگامیکه بسته ها و صندوقچه را در جایش گذاشت ، جلو را گرفت و اسب ها به سرعت حرکت کردند اینک دخترک را در پناه سر نوشتش و هنر « تریشکا » گادی ران

گذاشته و به سراغ عاشق جوان ما میرویم . « ولادیمیر » تمام روز را در گردش و تکاپو بود . صبح نزد کشیش قریه « شادرینو » رفته و به زحمت با او به یک موافقت رسیده بود . بعد از آن به جستجوی شاهدین عقد در بین ملاکان در همسایگی های خود بر آمد . اولین شخصی را که به ملاقاتش رفت « دراوین » افسر متقاعد چهل ساله ای بود که او فوراً رضایت خود را برای این موضوع اظهار کرد . او برایش گفت که این سرگذشت او را بیاد شوخی های دوران افسران (هوسار) قدیم می اندازد . او « ولادیمیر » را برای طعام چاشت نزد خود نگه داشت و به او اطمینان داد که یافتن دوشاهد

دیگر آنقدر مشکل نیست حقیقتاً هم بعد از صرف طعام آقا ی « شمیت » که مساحت مزارع بوده با پروتها و موزه های مهمیز دار خود و پسر رئیس پولیس که یک جوان تقریباً شانزده ساله بود و اخیراً بخد مت سربازان سواره در آمده بود نزد ایشان آمدند . آنها نه تنها پیشنهاد « ولادیمیر » را پذیرفتند ، بلکه قسم خوردند که آنها حتی حاضر اند تا جان خود را برای او نثار کنند . « ولادیمیر » به گرمی آنها را به آغوش کشید و آنوقت به منزل برگشت تا خود را آماده سازد . شام گاهان فرا رسیده بود . گادی مخصوص روی برف سه اسپه خود را با گادی ران وفادار خود « تریشکا » با اطلاعات دستورات به « نینا رادو فو » فرستاد

و هدایت داد تا برای خودش یک کالسکه یک اسپه کوچک را آورده سازند و آنوقت تنها بدون کالسکه چسب سفر را به طرف « شادرینو » پیش گرفت که بعد از دو ساعت (ماریا گاوریلو فنا) هم باید به آنجا میرسید جاده برایش معلوم بود و تمام مسافت تقریباً بیست دقیقه طول می کشید . اما هنوز « ولادیمیر » منطقه دهکده را ترک نکرده و مزارع وسیع را در مقابل خود داشت که یک باد سخت شروع بوزیدن کرد و چنان یک طوفان برف شدید یوقوع پیوست که او هیچطرف خود را دیده نمیتوانست . باقیدازد



به آنرا بمباردمان نمود درین یورش آلمان نازی نیروی بزرگی رابه ضد کشور شوراهای سوق کرد طبق احصائیه ایکه بدست است ، درین حمله ناگهانی ۱۹۰ فرقه که از آن ۳۳ فرقه تانک و قوتهای موتوریزه ، به تعداد هره ملیون سر باز و افسر ، پنج هزار پروند طیاره و بیشتر از ۳۵۰۰ عراده تانک و ۴۷۲۰۰ توپ و هاوان شامل بود که وارد جنگ گردید . حمله ناگهانی فاشیزم به خاک شوروی چون صاعقه در تمام خاک شوروی بخش گردید و اتحاد شوروی را در چنان شرایطی به جنگ کشاند که آلمان نازی قوت نظامی بمسرانب قویتر از شوروی داشت و قوای مسلح نازیها در جنگ ایکه افروخته بود تجربه دو ساله را کسب کرده بود نازیها به این عقیده بودند که میتوانند باحمله برق آسا در کشور شوروی نفوذ کنند ولی بعدا ثابت گردید که تخمین فاشیست ها غلط بود و آنها براه غلط رفته بودند . نظام سوسیالیستی ، تجبیز هرچه زودتر اردو ، کمک همه جانبه مردم ، رهبری خردمندانه حزب کمونسنت اتحاد شوروی برتری خود را نشان داد . که در نتیجه فاشیزم و همکاران آنرا مورد شک و تردید قرار دادند و چنان فکری بمیان آمد که تفوق نظامی و برتری آلمان نازی موقتی است نه دائمی .



صحنه یی از مظلالم غیرانسانانه فاشیزم .

نوشته ی م . م . باز ، غوربنندی

۹می روز غلبه بر فاشیزم

مردم اتحاد شوروی در ماه جولای ۱۹۴۱ تحت رهبری ح . ک . اتحاد شوروی ۳۰ میلیون نفر را که اعضای وفادار حزب و کسمسول بودند به نیروی نظامی اتحاد شوروی اعزام کرد ، و تدابیری برای تربیه نظامی در عقب جبهه گرفته شد اعضای حزب و کسمسول این وظیفه را هم داشتند که هدف جنگ تباهن و خانمانسوز را که از طرف فاشیزم تحمیل شده بود بمردم واردوی شوروی توضیح نماید . قوای فاشیستی در سالهای اول جنگ تلاشهای زیادی بخرج داد که لنینگراد ، ستالینگراد ، ماسکو ، بلوروسیه و اوکراین را تحت تصرف کامل و دوام دار خود بیاورد ولی به اثر مبارزه و مجاهدت شجاعانه اردوی سرخ و مردم شوروی قوای نازی به شکست فاحش مواجه گردید اردوی شوروی مخصوصا قوای سرحدی

چون سال ۱۹۴۱ بطور ناگهانی بالای کشور اتحاد شوروی حمله نمود و معاهده عدم تعرض را که در سال ۱۹۴۰ با اتحاد شوروی امضاء نموده بود نقض کرد سکوت سپیده دم ۲۲ جون در مرز های غربی اتحاد شوروی با فیر توپهای قوای متجاوز هتلری شکستنده شد هزار ها طیاره با پرواز و یورش مرگبار و ویران کننده بسیاری از شهر ها دهات ، قصبیات ، خطوط آهن ، میدانهای طیارات و تاسیسات مربوطه

بیشرمانه محافل ارتجاعی در جریان جنگ دوم جهانی است . فاشیزم و دیگر متحدینش که هدف آقایی و باداری بالای جهان داشت و میخواست آقایی و باداری را بالای جهانیان تحمیل کند از همه مهمتر مبارزه را بمشابه هدف سیاسی خود در قسم اول مبارزه علیه کمونیزم و اولین کشور سو سیالیسی در جهان قرار داد زیرا فاشیست ها میدانستند که کشور کبیر سوسیالیستی تکیه گاه تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک در جهان است که با فاشیزم خصومت و دشمن آشتی ناپذیر دارد . سیاست ضد شوروی فاشیزم از طرف حلقه های ارتجاعی و امپریالیستی مورد تایید قرار گرفت چه بعد از جنگ اول جهانی کشور های امپریالیستی چون امریکا ، انگلستان و فرانسه در صدد بودند که ملتاریزم را در آلمان دو بساره احیا و از آن بر ضد اتحاد شوروی استفاده نمایند . و همین طور هم شد و فاشیزم تمام قوت خود را در راه تصرف اتحاد شوروی بمصرف رساند و حمله ناگهانی فاشیست هادر جنگ دوم جهانی اینطور آغاز گردید .

نیروهای مسلح فاشیستی در صبحگاهان ۲۲

پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در سال ۱۹۱۷ در کشور پهناور اتحاد شوروی چنان چرخش عظیم تاریخی است که تاریخ در طول سده های ایکه پشت سر گذاشته چنین حادثه را ثبت نموده است که با ترتیب تحولات و دیگر گونیهای اساسی ، اقتصادی و اجتماعی ببار بیاورد . با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بود که ضربت محکم بر جهان سرمایه و امپریالیزم فرود آورد و بنیاد آنرا متزلزل ساخت زیرا با پیروزی این انقلاب نه تنها روابط جدید اقتصادی بوجود آمد بلکه تکیه گاه خوب و باطمینانی برای مردم کشورهای تحت تسلط استعمار و استثمار گردید و زمینه آن مساعد شد . تا تمام ملل و کشور های تحت استعمار و استثمار به پا خیزند و بردار جبا و لگران یورش ببرند .

در همان روز های نخستین انقلاب اکتبر بود که تمام قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی مخالفت خود را به رژیم جدید کشور شوراهای آغاز نمودند و دسایسی را علیه انقلاب و کشور جوان شوروی آغاز کردند که درین بحث مختصر گنجایش ندارد ولی نمونه ای از این مداخلات



این صحنه پیروزی بر فاشیزم را نشان میدهد .

بیش از ۶۰ میلیون انسان در کام مرگ فرورفت گرامی میدارند . خلق اتحاد شوروی و تمام که تلفات مادی و معنوی را بر ملل جهان کشور های صلحدوست و ترقی از روز ظفر و تحمیل نمود .

پیروزی قشون سرخ بر فاشیسم را روز مهربان خلاصه اینکه مردم اتحاد شوروی هر سال وبارزش تلقی میکنند چه درین روز بود که ۹۵می یعنی روز فتح و پیروزی بر فاشیسم را جشن میگیرند و یاد آن افسران و سربازان ایکه فرمانانه بخاطر آزادی میهن شان رزمیده اند



Расправа фашистских палачей с Вои́н Ко́смодемьянской.

Отправка в Германию «рабочей силы»



Дети заключенные концлагеря Освенцим.



چند صحنه بی از کشتار های دسته جمعی مردم بی گناه که فجیعانه توسط فاشیست ها نابود گردیدند .

و ۶۳۰۰۰ تانک و توپ موتردار و ۷۵۰۰۰ پرونده طیاره جنگی اشتراک و سه میلیون فعالانه گرفته بود. آلمان نازی با تبلیغ اینکه هیچ قدرتی در جهان یافت نمیشود که آلمان را مغلوب سازد به اطراف برلین قدرتهای بیشماری جابجا کرده بود لیکن این واتی بود که هیچ چیز نه توپ و هاوان، نه طیاره نه مرز های مستحکم نه احضارات محاروبی نه فرقه های متعدد و نه مذاکرات سری با قوماندانی های امریکایی و انگلیسی نمیتوانست که آلمان را از شکست حتمی نجات دهد .

بتاریخ ۳۰ اپریل در حالیکه دفاع اول صبح آغاز شده بود اردوی شوروی ناحیه مرکزی برلین را در تصرف خود در آورد و در لحظات اولی سرچشم سرخ پسر و زی پسر فراز قرار گاه قشون مسلح آلمان فاشیستی برافراشته شد با این شکست ننگین ، عده ای از فاشیست ها فرار عده ای متحار گردند و بعضی از ایشان دستگیر گردیدند که در جمله آنها کنتدگان هتلر نیز شامل بود . بدین ترتیب قوماندانی آلمان نازی به تسلیمی بلا قید و شرط مجبور گردید و بتاریخ ۸ می ۱۹۴۵ در نزدیک برلین نمایندگان قوماندانی عمومی قوا مسلح آلمان سندن تسلیمی بلا قید و شرط را به امضاء رسانیدند استالین در یک بیانیه به نمایندگی از حزب کمونسنت اتحاد شوروی چنین گفته بود: «قربانیهای عظیم ایکه بیاس آزادی و استقلال وطن ماداده شده حریمیت ها و نخبه ای که خلق مادر جریان جنگ تحمل کردند زحمات طاقت فرسای ایکه مردم بخاطر وطن در عقب جبهه و در جبهه بخود متقبل شدند هرگز بیاموده نبوده و با پیروزی کامل بردشمن به انجام رسید» .

حزب کمونسنت اتحاد شوروی و قشون سرخ بعد از آنکه متجاوزین را از خاک خود بیرون راندند رسالت بزرگ انترناسیو نالیستی خود را فراموش نکردند و مکلفیت انترناسیو نالیستی خود دانستند که بکمک زحمتکشسان کشتور های همسایه بپردازند . کشورهای چون پولیند چکوسلواکیا ، رومانیای ، بلغاریا ، یوگوسلاویا ، اتریش و ناروی را که ساحه یک میلیون کیلو متر مربع را احتوا میکرد و ۱۱۳ میلیون نفر در آن زندگی میکرد از سر فاشیسم نجات داد . و همچنان به اثر اعلام جنگ به جاپان کشور های شرقی از ملیتاریزم جاپان نجات یافت . طوری که در فوق تذکر دادیم مردم اتحاد شوروی روز ۹ می ۱۹۴۵ روز فتح و پیروزی خود را جشن گرفتند و میلیونها انسان زحمتکش شوروی در شهر ها ، دهات فابریکات و مکاتب این حادثه رایکی دیگر تهنیت گفتند و مردم آزاد شده جپان از صمیم قلب از اردوی شوروی به مناسبت پیروزی به فاشیسم سپاسگذاری نمودند . آنچه که قابل تذکر است ، اینست که جنگ دوم جهانی نسبت به تمام جنگهای گذشته طولانی بود این جنگ شش سال دوام نمود و مدار آن به ۶۱ کشور کشانده شد و بیش از ۱۱۰ میلیون نفر تحت ضربه سلاح گرفته شد و زندگی آن تا آخرین قطره خون و داشتن آخرین مرمی از وطن آبابی شان دلاغ نمودند مگر یکی از کارکنان سیاسی اردوی شوروی اینطور بیان نموده بود : «امر عقب نشینی را در یافت نموده ایم این بدان معنی است که باید تا پای جان ایستادگی نمائیم کشته شدن بهتر از عقب نشینی است» . قواء هتلری در نظر داشت که مسکو و لنینگراد را با خون و خاک یکسان نماید و زمینه پیشرفت برای شان مساعد گردد اما به اساس مبارزه بی امان قوای شوروی در یک جبهه وسیع از لنینگراد تا بحیره سیاه در حدود ۵۰ فرقه دشمن از بین رفت و تا به فاصله های صد تا سه صد پنجاه کیلومتری عقب نشینی نمود که در نتیجه آن شهرهای مسکو ، توله و ایژان کسا ملا آزاد گردید و قسمت های لنینگراد ، کورسک ، و غیره به آزادی رسیدند و به همین ترتیب با وجود تقوی بیشتر نظامی نازیها ، فاشیستها به باران انفجر کردند و مرمی ها را چون باران فیر میکردند اما نتوانستند که ستالینگراد را به تصرف خویش در آورد و در نوامبر ۱۹۴۲ مرحله دفاع از ستالینگراد خاتمه یافت و در سال ۱۹۴۳ جنگ در حوالی ستالینگراد با پیروزی اردوی شوروی به پایان رسید . شروع سال ۱۹۴۳ را میتوان سال تحول گفت چه درین سال در جبهه و عقب جبهه شوروی موفقیت های چشمگیری را حاصل نموده بود و به تناسب سال گذشته بیش از ۴۲ هزار تانک ، در حدود ۳۵ هزار طیاره و تعداد زیاد وسایط تخنیکی بقوای شوروی علاوه شده بود در آستانه سال ۱۹۴۴ افزایش و برتری از نقطه نظر پرسونل ، توپچی و طیاره قابل ملاحظه بود و بدین ترتیب قوای مسلح شوروی روز بروز موفقیت های بیشتری را کسب می نمود که مردم شوروی به آن افتخار می نمود ، عده از مورخین غربی و بسوزواری علی الرغم این حقایق تاریخی در سالهای بعد از جنگ سعی می نمود تا اهمیت پیروزی شوروی را باین بیارود و بیا به کدام نحوه دیگر جلوه دهد بطور مثال چنین توضیح میداد که این پیروزی در نتیجه سرمای شدید و عدم موجودیت راه ها بود که برای قشون متجاوز غیر عادی بود اما توجه باید کرد که چنین شرایط بهر دو طرف تاثیر میکردند بیک طرف . طوری که قبلا اشاره شد سال ۱۹۴۴ سال پیروزی است در جریان این سال پیروزیهای زیادی نصیب اردوی سرخ گردید و قوای هتلری را شکست های فاحش داد و غلبه بر فاشیسم طور همه جانبه آغاز گردید . در سال ۱۹۴۵ قشون سرخ شوروی در تمام جبهات سر گرم نبرد بود و به تعرض در مقابل قواء فاشیستی ادامه میداد و در ۱۶ اپریل سه جبهه ، جبهه اولی بیلوروسیه ، جبهه اوکراین جبهه دوم بلو روسیه که در ترکیب آن اردوی نمبر اول و اردوی نمبر دوم شامل بود پیشروی قاطعانه را بطرف برلین آغاز نمود که این خود یکی از عظیم ترین و درخشانترین عملیات نظامی بود که قواء شوروی انجام داد درین پیشروی ۲۵ میلیون سرباز و افسر ، در حدود ۴۲ هزار توپ و هاوان

بسیگانه

پیوسته گذشته

ما به دهکده محل تعبید ش رسیدیم ، و به پولیس تسلیمش کردیم . او از کسی به نام ریاز - نسیف پرسید که آیا در آنجا هست یانی . برایش گفتند که این شخص وجود دارد . سپس پولیس محلی فرا رسید . از او پرسید که آیا در نظر دارد جایی اقامت کند . دختر با ((نی)) پاسخ داد . ولی ادامه داد: ((میخواهم ریاز نسیف را ببینم)) . پولیس شانه هایش را بالا انداخت . دختر بچه اش را برداشت و بدون گفتنی حتی خدا حافظی آنجا را ترک گفت .

بخش چهارم

قصه گو خاموش ماند ، تا ببیند که من به داستانش گوش میدهم یانی .
از او پرسیدم :
((دیگر او را هرگز ندیدی؟))
((با آنکه آرزو می کردم نبینمش ولی او را دیدم)) .
... به زودی بار دیگر او را دیدم بار دیگر ما را به همان بخش کشور فرستادند . این بار محصل تبعیدی را که نامش زگر یازسکی بود انتقال می دادیم . او جوان خوش پر خورد و شاد بود . آهنگ می خواند و گاهی یک دو پیاله هم می نوشید . او را باید به تبعید گاه دور تر می بردیم . در یکی از سفرها هنگامیکه از شهر تعبیدی که در آن دختر قرار داشت می گذشتیم حسن گنجهاوی ام تحریک شد تا ببینم که وضع وی چگونه هست . از یکی پرسیدم :
((دختری که ما وی را آوردیم زنده هست!)) جواب داد :
((اوه ، بلی بسیار خوب هست . ولی دختر شکفت انگیزی است . از روزیکه آمد به یکی از تعبید گاه رفت و از آن وقت تا حالا دیگر

خبری از او نیست . ولی زنده هست مردم در باره اش گپ های زیاد و کم می زنند . ولی می توان در واژه شهر را بست و دهان مردم را نی)) . حالا یادم می آید که می گفت :
((میخواهم در بین «از خود» بمیرم)) در آن موقع به شدت عصبی می شد . گپ عجیبی بود در بیسن ((از خود)) . به همین دلیل خواستم بار دیگر او را ببینم . برایش بدی نکرده بودم و او هم مرا به نظر خراب نمی دید .

یک آدم خوب مرا رهنمایی کرد . او در گوشه شهر در یک خانه کوچک که دروازه کوتاه داشت زندگی می کرد . آنچه که بیشتر از همه در این خانه جلب توجه می کرد ، آن بود که اتاق روشن ، پاک و ستره بود . در یک کنج آن تخت خواب گذاشته شده بود . آنچه بیشتر از همه به نظر می خورد کتاب بود که بر روی میز و رف ها کوت شده بود . گوشه یی از خانه که پاک و نظیف بود به کار خانه ، جا ییکه یک چوکی باغی نقش بستره دوم را با زی می کرد ، اختصاص یافته بود . و قتیکه درون اتاق شدم دختر روی تخت خوابش نشست . بود . خود را در شال پیچا نیده و پا هایش را جمع نموده بود چیزی می دوخت . تعبیدی دیگر که زیار نسیف نامیده شد ، روی چوکی در کنارش نشسته بود و برایش بلند بلند کتاب می خواند . از چهره اش معلوم می شد که آدم جدی است . دخترک در حالیکه گوش می داد ، چیزی را می دوخت . زمانیکه دروازه را باز کردم دختر مرا دید کمی از جایش بلند شد . دست مرد را گرفت و آنرا فشرد . چشم هایش بزرگ ، تاریک و پر از اندوه و ترس بود . رنگش پریده تر از گذشته

مینمود . مرد پرسید .

((چه شده هست ؟ آرام بگیر))
مرد هنوز مرا ندیده بود . بعد دست مرا رها کرد و خود را جمع تر نمود . برای مرد گفت : ((فکر می کنم که آنان مرا مرده پنداشته اند)) .
در این لحظه مرد رویش را بطرفم گشتاند و چشم هایش به من افتاد . روی پا هایش جهید و چنین بنظر می آمد که قصد کشتن مرا دارد . مرد بلند بالا و زور مند بود ...

آنان فکر کردند که من برای بردن دختر آمده ام . ولی وقتی که دید ابری از ترس مرا هم فرا گرفته است ، خود را نگه داشت . دست دختر را گرفت و گفت :
((آرام باشید)) .

رویش را بطرف من دور داد و این کلمات از لبانش بیرون شد :
((و تو جوان بیچاره برای چه آمده یی ؟))

برایش شرح دادم که خودم آمده ام و کدام مقصد خاصی ندارم . و من کسی هستم که دختر را به این جا آورده ام . دختر در راه بسیار مریض بود و به همین خاطر می خواستم بدانم که حالا چطور هست . مرد کمی نرم شد . ولی دختر همچنان گرفته باقی ماند .

مرد که این مطالب را فهمید با خنده رویش را بسوی دختر گشتاند و گفت :

((بین همان چیزی که من می گفتم)) . این کلمات نما یا نگران بود که بیشتر در باره من بحثی شده است . دختر ممکن از سفرش چیز هایی گفته باشد .
معذرت خواستم :
((ببخشید اگر مزاحم تان شدم . من لحظه بدی را برای دیدن تان

انتخاب کردم . حالا می روم و در باره من فکر بد نکنید)) .
مرد به پا خاست و بعد از انداختن نگاه جستجوگر به من ، دستش را دراز نمود و گفت :
((اگر بار دیگر گذرت به این سو افتاد ، از ما خبر بگیر .))
دختر با تبسم مسخره آلود گفت :
((فکرش نمی کنم بار دیگر باین سو گذرش بیفتد .))
مرد اضافه کرد :

(این مطالب درست است و لی اگر دلش می خواهد بگذار بیاید .))
رویش را به طرفم گشتانده و اضافه کرد :

((بین همه چیز درست هست)) .
از آن پس ، دیگر چیزی از کلماتش نفهمیدم . عیب شما این است که در بین خویش با زبان ظریف و با نظم گپ می زنید . در حالیکه دلم می خواست بیشتر بدانم و مطالب تازه را بفهمم . ولی این حرکت مرا ممکن بانظر بد گمانی می دیدند . لذا آنجا را ترک گفتم .

ما بار دیگر آقای زگریاز سکی را در راه رفتن به تبعید گاهش دیدیم و لی پیش از اینکه در موردش مطالب بیشتری به دست آوریم به اینجا باز گشته بود . در آنجا ماور پولیس یکی از پاسبانان ما را خواست و برایش هدایت داد :

((تو تا امر بعدی همینجا می مانی . من در مورد تلگرامی رادر یافت کرده ام . باید تا آمدن پیوسته صبر کرد)) . به این ترتیب ما ماندیم .

باز به فکر آمد که سری به آندو بزنم و یا کم از کم از صاحب خانه پرسان کنم که وضع دختر چگونه است . صاحب خانه در جواب سوالم گفت :

((بیچاره روز های دشواری را می گذراند و فکر می کنم به زود دنیا جهان را بدرود خواهد گفت: و اگر آنان کشیش را بر بالینش نیاورد . می ترسم که گردنم در آخرت بسته خواهد ماند .))

دربین گفتگوی ما ریازنتسیف از اتاقش بر آمد . او مرا خوش آمدید گفت و اضافه کرد:

((شما پس آمدید ؟ چرا باز آمدید ؟))

((من باگام کوتاهی وارد خانه شدم و او بدنالم آمد .))

دختر با دیدنم گفت:

((اوه باز همان مرد عجیب آمده است . تو او را خواسته بودی ؟))

مرد جواب داد:

((نی او خودش آمده است .))

قلبم از این تو همین به شدت درد گرفت . عصبی شدم .

((دوشیزه من برایت چه کرده ام که اینقدر بالایم قهر هستی ؟ فسکر می کنی من دشمنت هستم ؟))

((فقط همین ، و خودت وضع را درک می کنی ! البته تو یک دشمن هستی !))

صدایش لرزش داشت و از آن ضعیف و ناتوانی می بارید . کومه

هایش به شدت سرخ شده بود ولی چنان قیافه شیرین داشت که من حاضر بودم به آنسوی دنیا بسه

دنبالش بروم . فکری در ذهنم آمد:

او عمر زیادی نخواهد نمود . از او باید می خواستم که مرا ببخشد .

چطور می شود که اگر بمیرد و مرا ببخشد ؟ برایش گفتم :

((مرا ببخش . اگر رویه بد با تو کرده باشم مرا عفو کن .))

من مانند یک مسیحی خوب با او گپ زدم ... بار دیگر او عصبی شد ...

((عفو؟ حالا هر گزنی ! تو نباید توقع داشته باشی ! ممکن من بمیرم و لی ذره ای از عفو و بخشش در قلبم برای تو وجود ندارد !))

راوی خاموش شد و پس از لحظه تفکر بالحن آرام و نرم ادامه داد:

داد .

وبار دیگر آنان در عالم خویش غرق شدند . فقط آدم تحصیلی کرده

می توانست از کلمات شان چیزی درک کند . از همین سبب من فقط

کلماتی که در ذهنم برای ابد نقش یافته است ، برایت باز می گویم تا اگر

بتوانی از آنها چیزی دستگیرت شود . من خود معنی این کلمات را

نمی دانم . ریازنتسیف گفته بود:

((او حالا به دیدارت بحیث یک ژاندارم نمی آید . او ترا مانند دیگران به تبعید گاهت رساند . او فقط اوامر را اطاعت نمود . و لی حالا بدون اوامر آمده است . نامت چیست ؟))

((نامم استیپان است))

((و نام خانوادگی))

((پترویچ .))

((خیر . استیپان پترویچ تو اینجا که آمدی کسی ترا دنبال نمی کرد . نظرم درست است ؟))

بلی درست حدس زدید . اوامر ، خلاف این گونه دیدار هاست . اگر

آمرانم از این حرکت بوی ببرند ، روزم سیاه خواهد شد .))

او رویش را به سوی دختر که از چشمانش نگاه نا باورانه می بارید نموده گفت :

((می بینی که حدس درست بود ؟))

دختر دستهایش را به شدت از میان دست های مرد دبیرون کرد و گفت :

((من چیز نوی نمی بینم . این تو هستی که همه چیز را تصور می کنی

به نظر من یک گزدم گزدم است . بلی ما دشمنان همدیگر هستیم ! کار این

گونه آدم هاین است که ما را زیر نظر بگیرند و وظیفه ما این هست که

طرح های شان را خنثی کنیم . بین او ایستاده است و به همه چیز

گوش می دهد . من یقین دارم اگر می دانست که ما را جمع به چی گپ

می زدیم ، فوراً می رفت و آن را طی راپوری به مقام های بالایی می رساند))

ریازنتسیف رویش را به طرف من گشتاند و برق عینک های ذره بینش چشمم را خیره کرد .

نگاه های تند و لی پر از محبت بود پرسید :

((تو چه می گویی ؟ و لی لازم نیست که ابراز نظر کنی . بعقیده

من تو کمی تو همین شده یی .))

براستی اگر اوامر و سوگندی را که یاد کرده بودم ، در نظر می

گرفتم هر گاه از کسی و لو پدر می بود خلافتی سر می زد آن را باید

به مقام های بلند راپور می دادم . به خاطر این کار نبود که به آنجا

رفته بودم . از این حرکت به شدت متأثر شدم . خواستم بروم و لی

مرد جلوم را گرفت .

« استیپان پترویچ ، نرویک لحظه صبر کن .)) رویش را بطرف دختر گشتاند و گفت :

((خوب نیست . این البته چندان مهم نیست که او را نمی بخشیم یا با او آشتی نمی کنی . ممکن است از این حرکت تو قلبش جریحه دار شود و از تو رنجی به دل بگیرد .

اگر او دشمن هم هست یک انسان می باشد . اگر تو اینگونه رفتار کنی از همه کس تجرید میشوی !))

دختر گفت:

((اگر من چنین هستم تو هم یک آدم خود نما هستی . آنچه برایت

اهمیت دارد کتاب هایت هست و بس .))

این کلمات او را عصبی ساخت و ناگهان از جایش جمید . مثل اینکه

او را ضربه کاری تکان داده باشد . دخترک از این کار هراسان شد و

کمی خود را جمع نمود .

((تو مرا خود خواه می گویی !

ولی خودت میدانی که من چنین آدمی نیستم .))

((من فکر می کنم چنین هست . ولی))

((تو)) براستی حقیقت می گویی ؟))

((می گویم ولی تو بیشتر به آدم سر بهوا می مانی ...))

دختر لحظه ای مکث کرد تا فکرش را متمرکز بسازد . سپس دستش

را به طرف وی دراز کرد . مرد آن را گرفت . دختر به چهره اش

موشکافه دید و گفت :

((متیقنم که تو راست می گویی ! من احساس کردم که بیسکار و

احمقانه ایستاده ام و آندو را می بینم . گلویم را بغض می فشرد .

سپس او رویش را به طرفم گشتاند و این بار بدون آنکه از نگاهش

بیزاری و تنفر بیارد دستش را به سویم دراز کرد و گفت :

((بالیدارد))



جواب نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان و همکاران بزرگوار!

به آرزوی سلامتی و موفقیت شما مس برداریم به پاسخ نامه های رسیده بی این هفته :

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی متعلم صنف دهم لیسه عمر شهید !
سبزینه سلام ما را هم بید پرید و بهار بهرام و شاد برایتان خواهانیم . همکار عزیز ما چنین مینگارد : « روز های شگفتن گلهای رنگین را ، باز رسیدن فریاد بلبلان دلداه راو بهار پربرکت و بر سعادت رابه کارکنان ارجمند مجله ژوندون مبارک باد میگویم سال تان خوش باد ، روز تان و هفته تان همچنان ... سلامت باشید همکار میر بان . از لطف و عنایت بی شمار تان ممنو نیسم . دو پیکارت قشنگ ارسالی شما را جهت کلیشه به رنگو گرافی فرستادیم که تا در یکی از شماره های آینده به چاپ زنیسم . فکاهی بی خنده وبا مزه (!) تانرا به متصدی صفحه خنده حوالت کردیم که بنام خود شما به نشر سپارد . خدا حافظ تان همکار خوب .

دوست عزیز حمید پروانه محصل دارالمعلمین سید جمال الدین !

بعد از سلام ، خدمت همکار عزیز عرض شود که چنین نیست و چنان نخواهد شد . از لطف و محبت شما و قدر شناسی شما در باب مجله و گرداندگان آن سپاسگزاریم ، مجله ژوندون به ویژه صفحات مجله ژوندون پذیرای تراوش فکری خوب هر نویسنده موفقی است و به سخن دیگر هر که متاعی نیکو آورد ، آن صفحات خریدارش است . متصدیان صفحه های مجله ، آن صفحات را اجاره و سر ففلی نگرفته اند . بلکه با مطالب دیگران صفحه های خویش را آذین می بندند . و برای مضمون ناب و نفیز حنق اولیت در چاپ قایل اند و هیچ نظر ندارند که این نوشته از کی است : تا نویسنده اش را ببینند و مطلبش رابه چاپ زنند . تقسیم صفحات به بخش های جدا گانه جز این نیست که کارها به وفق مراد بیانجا مد ، منظور دیگری در نظر نیست ، یعنی کارها انجام بیشتری بگیرد ، مطالب برای چاپ آماده گردد و بالاخره به نشر برسد . بیش از هشتاد و پنج درصد نوشته های صفحات اختصاصی مجله به یمن قلم همکاران مجله تهیه میگردد که از اینرو اعتراضی باقی نمی ماند ... اگر باور نمی کنید و نمی پسندید ، باری ، امتحان شرط است مشروط بر اینکه آن نوشته به مفهومی واقعی کلمه نوشته باشد .

متصدیان صفحات در گزینش مطالب ارزنده از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند و حتی الامکان سعی به خرج میدهند که تا خوبترین نوشته ها را برای صفحه های خود برگزینند و از سوی بیشترین بخش مواد آن صفحه ها بعد از ارز یا بسی هیات تحریر به ایشان سپرده میشود که در این صورت باز هم جای شکایت باقی نمی ماند مطالب رسیده به اداره یک مجله و روز نامه بسیار است ، از این جهت مطالب رسیده بعد از بررسی و بازنگری به نوبت آسیای پایه به نشر میرسد که همانا چند روزی را در بر خواهد گرفت و دیگر هیچ ... به خدا میسپاریمتان .

دوست عزیز ناصر آرین !

سلام ما را بپذیرید . کجا بید ای دوست که خبر و احوالی از شما نداریم ، هر جا که هستید خوب باشید ، پارچه شعر شما به اداره رسید ، خواندیم و لذت بردیم . برای چاپ شعر دیگری بفرستید . همکاری تانرا خواهانیم .

دوست عزیز محمد مسعود اعظمی از خوشحال خان مینه !

بپذیرید سلام های صمیمانه ما را نیز . هر دو نامه تانرا یکجا گرفتیم و چکیده احساس تانرا بر خواندیم ... بخوانید :

امشب بیاد کی دیگر ناله سرگم
امشب بیاد که دیگر چشم تر گم
او رفت و غم هجران بهمن گذاشت
امشب بیاد کی دیگر غصه گنم

خدا غصه و غم را دور نگه دارد و روزگار تان خوش بگذرد . تنها در زلف یار ، فکری قرار رانیبچانید که شما را از کارهای مثبت دیگر بر کنار میدارد و تنها الف قامت یار در ذهن تان نقش میگیرد که جز یار چیز دیگری نخواهد گفت . به اطراف تان نظر اندازید . با مردم بیامیزید به گفتگو و صحبت ایشان بنشینید و برای شان شعر بگویید ... و بخوانید شعر دیگر تانرا :

بی تو در لفظه های تنهایی خسته ام میکند غم جدایی
زندگی آن بود که باتو گذشت بی تو مرگ است هر لحظه جدایی
بی تو ای یار همدمدم کلبه ام از بهار و گل خالیست
بی تو ای روز روشن من روز من سخت تاریک و طولانیست

...

دست دعا بلند میکنیم که خدایا همکار عزیز ما را از درد هجران برهان ... به همکار ارجمند ما مشوره دو ستانه ایست که اشعار بزرگان ادب را بسیار بخوانید انشالله شاعر خوبی خواهید شد .

دوست عزیز عبدالواحد «توبه» محصل یو هنخی زبان و ادبیات !

سلام همکار عزیز . خوشو تقسیم که باز همکاری خویش رابا مجله خواستی و دوست داشتنی خود می آغازید . چکیده احساس شما را بنام (شاکب کیهان) مطالعه کردیم وکی راستش از شما چه پنهان که چیزی نفهمیدیم و القای معنی نشد . کلماتی در این پارچه ادبی به چشم میخورد که نمیدانیم چه معنی میدهد ؟ از آن جمله اینهاست : کشیانه ، ابرج ، ملحون ، لهجت ، درواج زمین ، لحن بزاران ، صاعق

میگویند شعر از بهر مردمان گویند نه از بهر خویش ، شما هم همینگونه کنید و شعر از بهر مردمان گویند .

هر گاه فرصتی میسر تان شد ، سری به مجله ژوندون بزنید تا با هم در این زمینه به گفتگو بنشینیم ، انتظار همکاری های بهتر تانرا داریم . خدا حافظ .

دوست عزیز اسد الله مفتون محصل یو هنخی فارسی !

سلام علیکم برادر عزیز . چکیده احساس شما را بر خواندیم ، بخوانید :
باز پشت پا زدی به عهد و وفا ی خویش و نجیسه نمودی دل بیتاب مرا
باز گردی سفر به دیار نازوسون افسرده نمودی روح شاداب مرا

...

ای عشق پر شکوه من خدا را دیگر مکن تمکین و ناشاد مرا
مسوزان مراد مجر سوزان هجر بهر خدا باری بنما تو هم یاد مرا

انتظار همکاری پرثمر شما را میبریم . موفق باشید .

دوست عزیز سید حسن خدیو از ولایت فاریاب !

بپذیرید سلام صمیمانه پاسخگو را . افتخار (!) بخشیدید که این کمترین را از راست گو بی منع میکنید . بخوانید نامه ارسالی خویش را که آماج تیر سلامت جواب نویس است .

سلام آقای پاسخگوی صفحه (جواب به نامه های شما) در صفحه بیست و هفتم شماره ۲۳-۲۴ تاریخی ۲۵ سنبله مجله ژوندون جواب نویس (جواب به نامه های شما) بیك تعداد نامه های وارده جوابی نوشته اند در جمله این پاسخ ها به سطر چند برخوردیم که در آن به قطعه شعر شاعره جوان محترمه اصفه (شاداب) انگشت انتقاد گذاشته . آقای جواب نویس در قضاوت غیر عادلانه شاداب را که تازه به دنیای شعر وارد نام نهاده و هر لحظه به تشویق بنیادی و رهنمایی مفید نیاز مند است . بدون استناد

سارق ادب وانمود کرده اند تا سلف درین جا است که آقای جواب نویس بیرون
مطلب مند رجه دقیق نشده به سخن بردازی همت گماشته اند . اگر (شاداب) برو سق
عقیده شان کلمات را سرقت کرده باشد لطفاً ماخذ و مدارک کلمات مضمون مسروقه را که
شامل مصرع و یا بیتی باشد با تشخیص منبع آن توضیح فرمایند در غیر آن نظر شان
دور از انصاف خواهد بود . همه میداند که هر نویسنده و شاعر بویژه صاحبان
استعداد نو به جلب وجدب و رهنمایی های مفید بسسی نیازمند میباشند بنا وظیفه
انسانی هر نویسنده مجرب و وطن پرست و نافع آثار این است که با درک واقعیت های
عینی و ذهنی جامعه در جهت احیا و شکوفایی استعداد های پراکنده کشور از آراء نظریات
و مشوره های مفید دریغ نوزد . امروز درین عصر درخشان مردمی هر انسان
وطن پرست و با شعور در حالی که از مزایای نگارندگی بر خوردار گردیده باشد به حقیقت
امر پی برده سخن گویند که تجربه را از مشوره های خود بهره مند می گرداند . مگر
آقای پاسخگو همان طوریکه از سیاق کلام شان پیدا است ضمن تو صریحاً به مطالع
بدون ارائه دلیل و باری اعتنایی به قانون ادب (شاداب) راجع خود محکوم به سرقت
ادبی نموده اند . از این ادعای دور از مفهوم شان استنباط میگردد که مو صوف بفرستکها
راه از کاروان شعر و ادب بدور مانده اند اگر نویسنده محترم شمه ای از مزایای
ادب برخوردار می بودند تحت تاثیر عوامل خود خواهی فرو رفته به ابراز چنین جواب
های درست متوصل نمیشدند . اگر مرام شان ازین درست نویسی استعداد کشی باشد
باطرح تازه ای در روش نقادی و نویسنده می فکر میکنم جواب نویس محترم در مورد
سخت در جنگل اشتباه گیر آمده اند .

پاسخگوی محترم و همه ما میدانیم که با پیروزی مر حله نوین انقلاب شکو همنده
نور روزنه درخشش ساحات حیاتی و ادبی باز شده چنانچه محترمه شاداب ازین
پیروزی بزرگ ملی الهام گرفته اجمالاً در قطعه شعری برداشت خود را بازبایی اظهار
کرده است . شاداب که درین مسواری استعدادهای مطالعات عمیق کرده
نتیجه تحقیقات خود را به صورت نظم تقدیم خوانندگان محترم نموده است استعداد او
در نزد اهل ادب در خور تحسین است .

مگر آقای جواب نویس این طرز سخن نویسی را محکوم به سرقت نموده
عمداً گمان حقیقت کرده اند زیرا این یک امر مسلم است که سخنوران هیچگاه از تسواری
مضمون مضمون نبوده و این چنین تسواری در کلام قلم و گاه صریح احساس شده
مگر ناقدین این گونه تسواری ها را در کلام سخن سازان تاحدی مجاز دانسته اند هرگاه
مصرع و بیتی از کلام دیگران اقتباس شود ناگزیر به سرقت محکوم می کنند .

اما این سروده های شاداب کاملاً زاده طبع خودش بوده و از دیوان کدام سخنوری
گرفته نشده اگر به گفته آقای جواب نویس محصور مطالعه و تتبع در رشته نظم
کشیده شود و این گرد آوری ها چیت سرقت را به خود بگیرد بین تمام سخن سازان و چیز
نو یسان محققین ، تاریخ نگاران حتی جناب خود شان هم در قبایل سارقین قرار میگیرند
بنابراین جنس آقای جواب نویس را از ریشه خشک و دور از مفهوم می خوانیم .

آئینه مگر عیب تو بنمود راست خود شکن ، آئینه شکستن خطاست
در شماره ۴۳-۴۴) مورخه چار دلو ۱۳۵۹ مجله ژوندون آقای پاسخگوی با تایید انتقاد
(سعیده جان) محترم (فروتن) شاعر با احساس ولایت فاریاب را محکوم به سرقت
ادبی نموده با نوشتن کلمات درست به آئینه ادبی این شاعر جوان خاک بزرده بسوی
خواهند استعداد های تو شکفته را پژمرده سازند .

من بعیت یک خواننده مجله ژوندون درباره بار چه شعر عبدالرحمن فروتن و سعید
نور (فرخ) تحقیق نموده بالاخره بر اینم اینقدر معلوم گردید که پارچه شعری که مسواری
انتقاد شما قرار گرفته به ماه جوزای سال ۱۳۵۲ به روز نامه فاریاب بنام عبدالرحمن
(فروتن) به نشر رسیده اما پارچه شعر سعید نور (فرخ) به ماه جنی سال ۱۳۵۲ به
مجله ژوندون نشر گردیده است بار چه شعر (فروتن) نسبت به شعر (فرخ) شش ماه
قدامت دارد و هم تصدیق که (فرخ) کسب و دارنده کدام دیوان است یا خیر است .

من بعیت قضاوت کننده نقد (سعیده جان) و آقای پاسخگوی مجله ژوندون را عاری از
حقیقت دانسته از جناب شان سوال میکنم که (فروتن) سارق ادبی میباشد یا (فرخ) وهم
باید تذکر دهم که در یک پارچه شعر چند مصرع تسواری مجاز است بپر حال آرزو میکنم
هر چیز که دل شما بخواهد به صفحه مجله ژوندون تعریض نکنید . در
مجله ژوندون پارچه شعری بنام سر سکه که از اثر (کارو) در کتاب بنام شکستن
سکوت دیده شد بنام آقای قصاب به نشر رسیده است جناب قصاب که واقعا قصاب

آثار دیگرانند او با متوجه عمل شان بسازید که در آئینه این کار را نکنند .

پاسخگو

آیا صلاح میدهد که به دروغ بگویم لان کس بهترین شعر زمانه را سروده است؟
و همبگو نه به دروغ تسویقش کنم که درین بهتر از مولانا و حافظ است. آیا این
دروغها بر زمینش میزند یا بر آسمان نشی میزند؟ آیا وقت آن نرسیده است که با
خواننده جز راست هیچ نگفت؟ و آیا این درست نیست که بی برده با حقایق رو برو
شویم؟ و آیا لازمست که به ناحق کسی را امید وار بسازیم و به دروغ غش بفرماییم.....
مگر راست سخن گوئی و در بندمانی به زانکه دروغت دهد از بند رهایی
باری گفتیم و اجبارا بار دیگر نیز میگویم که تسواری غیر از اقتباس است . تسواری را
چنین معنی کرده اند «بجایی وارد شدن . با هم در یکجا فرود آمدن و در اصطلاح ادب آنست که
دو نفر شاعر بی خبر از یکدیگر هر کدام شعری بگویند که از حیث لفظ و معنی با هم
مانند هم باشد بطوریکه گمان برود یکی از آن دو نفر این شعر را از دیگری تقس
کرده است.» باری در آن زمینه پاسخ گفته ام رجوع کنید به شماره هجده پیشین مجله..
و به پاسخ بخش های دیگر نامه تان از زبان حافظ میگویم و میگردد :

دوست عزیز همایون از کارته پروان

سلام همکار عزیز و ارجمند . سال نورا به شما هم مبارک میگویم .
همکار ما به مبارکی سال نو شعر فشنکی از حافظ جهت نشر به
این صفحه فرستاده اند که با سپاس فراوان نشر میکنیم .

به عزم تو به سحر گفتم استخاره کنم
بهار تو به شکن میرسد چه چاره کنم
سخن در ست بگویم نمی توانم دید
که می خوردند حرفان و من نظاره کنم
بدور لاله دماغ مرا علاج کنید
گراز میانه بزم طرب کساره کنم
رزوی دست مرا چون گل مراد شکفت

حواله سردشمن بستگ خار ه کنم
گدای میکه ام لیک و قتمستی بین
ناز بر فلک حکم بر ستاره کنم

بتخت گل بنشانی بی جو سلطانی
ز سنبل و سمنش ساز طوق ویا ره کنم
جو غنچه با لب خندان بیاد مجلس شاه
بیا له گیرم واز شوق جا مه پاره کنم

مرا که نیست ره و رسم لقمه پر هیزی
چرا هلاست رند شرابخواره کنم

زباده خوردن پنهان ملول شد حافظ
بیانگ بر بطونی را زش آشکاره کنم



منظره زیبای از نورستان که به مبارکی سال نو، همکار عزیز ما محمد ظاهر ایوبی فرستاده اند

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

محمد عمر ((قریشی))

عواقب ناگوار ازدواج‌های اجباری

جهان امروز، جهان دیروز نیست، عصر اتموم، جای خود را برای عصر مهابت و سفاقت و سست و سست و علم دوستی و طبیعت چیره‌آمدند و زندگی خوشتر و هم‌وعان خود را، علمی، تخنیک و اقتصادی نمودند، از وقت کم، استفاده اعظمی اخذ و از مصارف بیجا و اسراف، جلوگیری کردند و بدین نظر یق در عصر حاضر، زندگی بشر، اقتصادی گردید.

اگر به دیده دقت نگریده شود، هویدا می‌گردد که دوام و بقای بشر، در این همه مقتضیات عصر و ضرورت‌های مبرم و وقت و زمان بوده است.

بنابراین کشورهای عقب مانده و کشورهای رو به انکشاف نیز از این قاعده کلی با مقتضیات عصر و ضرورت‌های مبرم و وقت و زمان، برکنار مانده نمی‌توانند و می‌بایست زندگی ساده، بی‌تکلف و عاری از مصارف کمر شکن و بی‌لزوم را، بر زندگی تجملی و اسراف، مرجع پنداشته و در عروسیها و مرده‌داریها از رسوم کمر شکن و مصارف بیمورد که علی‌رغم مقتضیات عصر حاضر و مغایر بر نسبیها علمی و اقتصادی است، جدا حذر و از آنها جلوگیری نمایند تا خانواده‌های کوچک و خانه بزرگ (جامعه) در منجلا بفساد، ناداری و هلاکت، دست و پا نزنند.

یکی از رسوم‌های کمر شکن، تنگین و مضحک که در کشورهای عقب مانده و نیز در کشورهای رو به انکشاف، تاکنون متداول و ریشه آن، عمیق بوده است و با اینکه علوم، گسترش یافته هنوز هم بکلی، ریشه کن نگردیده، عمل شوم و دستور ناگوار ازدواج‌های اجباری است.

بدین معنی که بعضی از پدران و مادرانیکه یا بکلی از نعمت گرانمایه سواد محروم و یا کمتر از دانش بهره دارند، جگر گوشه‌های (فرزندان) خود را، جبراً و قهراً (بد و نرضایت آنان) در بدل مبلغ هنگفت و مصارف کمر شکن و بی‌لزوم عروسی، در عقد نکاح اشخاصی در می‌آرند که آنان از یکطرف از نعمت سواد بکلی محروم و از سوی دیگر به سبب جا و یا شخصیت رسیده میباشند. اینچنین پدران و مادران، غافلند از اینکه انسان کرامت بشری و مقام معنوی دارد، معاوضه معنی با ماده، آنهم به نحو اجباری، در قلموس انسانیت، مجاز نبوده دور از انصاف و عدالت اجتماعی است.

پدران و مادرانیکه از دانش کمتر بهره دارند و یا بکلی از نعمت سواد محروم اند، فرزندان جوان خود را با یک عالم آرزوهای عالی

و پاک آنان، دیده و آگاهانه نبایست در تنور سوزان، افکنند و حیات آینده آنها نرا به آتش سوزان مبدل کنند، چه عمل شوم از دواجهای اجباری، نه تنها عواقب ناگوار، پیشرو دارد، بلکه چنین از دواجهای اجباری، فجایع شوم نیز در قبال دارد که منتج به انتحار، طلاق و جدائی همیشه بین زوج و زوجه و فسادهای گوناگون اجتماعی میگردد.

توقع ما از همچو پدران و مادران محترم این است تا در جهاد ملی علیه (فروشدختران) و (معاوضه دو شیرگان بالغ، به پول نقد و جنس زیاد) با دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، همبستگی کامل و سهم با رزی داشته باشند و در مبارزه علیه امحای کامل فسادهای اجتماعی با قدمهای متین انقلابی و فکر سالم ازدواج‌های اجباری، نه تنها حذر کنند بلکه داخل کار و بیکار انقلابی گردند و بگذارند تهداب کاخ زندگی مسعود و آرام آینده فرزندان شان، استوار وزیر بنای حیات نسل آینده جامعه افغانستان انقلابی، سالم، متین، درخشان و شکوهمند باشد.

شعر از: کمال نصر الله شاعر تاجیکی
گزارش از: غلام حیدر یگانه

به من گفتند ...

به من گفتند گنجشکان،

به من باد بهاران گفت

تو بامن بودی همدل،

تمام روز باران گفت

.....

نهان از تو به من گلبها

دلت را صاف بکشادند،

تبسمهای گرومت را

نهان از تو نشان دادند

.....

تو تنها نیستی، اما

دلت تنهاست میدانم

من از نقش قدمها یت

ترا چون شعر میخوانم

.....

من و تو کودکان داریم

یکی ارمان، یکی اسوس ..

بیا، نام دیگر مانیم

به آنها: شادی و بهروز

.....

به من گفتند گنجشکان

به من باد بهاران گفت

تو بامن بودی همدل،

تمام روز باران گفت

* این پارچه شعر از صفحه (۴۴) شماره (۷)

سال ۱۹۷۹ مجله ادبی و صدای شرق (که به

رسم الخط روسی چاپ میشود) منتشره شهر

(دوشنبه) به رسم الخط دری گزارش شد.

راز نهران ماهمه در پرده دل است

گرد آورنده : جلیل احمد نهبیک

آرام دل

صورت نبند دای صنم ، بی زلف تو آرام دل
 دل فتنه شد بر زلف تو ، ای فتنه ایام دل
 ای جان من موی لای تو ، من غرقه دریای تو
 دیر یست تا سو دای تو ، بگر فتنه هفت اندام دل
 تا جان بشو قوت بنده شد ، زین بندگی تا بنده شد
 تادل ز نامت زنده شد ، پر شد دو عالم نام دل
 جانان دلم از چشم بد ، نی هوش دار دنی خرد
 تا از شراب عشق خود ، پر باده کردی جام دل
 پیغام آمد از دلم ای ماه حل کن مشکلم
 کی خواهد آمد حاصل صلم ؟ ای فارغ از پیغام دل
 از رخ مه گردون تو یی و زلبامی گلگون تو یی
 کام دل من چون تو یی ، هرگز نیابم کام دل
 ای همگنان راهمدمی ، شادی من از تو غمی
 ((عطار)) را در هر دمی ، جانان تو یی آرام دل

زهی دل

نشد یک لحظه از یادت جدادل
 زهی دل آفرین دل مر جدادل
 ز دستش یکدم آسایش ندارم
 نمیدانم چه باید کرد جدادل
 هزاران بار منعش کردم از عشق
 ولی بر گشت از راه خطادل
 به چشمانت مرا دل مبتلا کرد
 فلاکت دل مصیبت دل بلاد دل
 ازین دل داد من بستان خدایا
 زد سنتش تا به کی گویم خدا دل
 درون سینه هم آهی ندا رد
 فقیر و عاجز و بی دست و پا دل
 بشد خاک و زکویت بر نخیزد
 زهی تا بت قدم دل با وفادل
 ز عقل و دل دگر از من میر سید
 چو عشق آمد کجا عقل و کجادل
 تو ((لاهوتی)) زدل نامی دل از تو
 حیا کن یا تو ساکت باش یادل

غلام دل

حلقه زدم بدر شبی در هو سس سلام دل
 بانگ رسید ، کیست آن ، گفتم . من غلام ، دل
 شعله نور آن قمر ، میزد از شکاف در
 بر دل و چشم رهگذر از بر سقف و بام دل
 از تفت نور زوی دل پر شده بود کوی دل
 کوره آفتاب و مه گشته کمینه جام دل
 نور گرفته از برش ، کرسی و عرش اکبرش
 روح نشسته بر درش مینگر دیبام دل
 نیست قلندر آن پسر کو بتو گفت مختصر
 جمله نظر بود نظر در خمشی کلام دل
 جمله کون مست دل گشته زبون دست دل
 مرحله های نه فلک ، هست یقین بکام دل
 از ((تبریز شمس دین)) چون بر عارفان رسد
 جان ترا بپرورد ، از بی اهتمام دل

پروانه دل

صفا کردم برایت خانم دل
 قدم کن رنجه در کاشا نمدل
 بدور شمع رخسار تو گر دو
 سمندر منزلت پر وانه دل
 شهید غمزه مستانه ات شد
 قضا کرده است پریمانه دل
 بصحرای جنونم میرساند
 دوید نهایی بیباکانه دل
 ز راه چشم در کوی بتان رفت
 بدر شد طفل اشک از خانه دل
 بجان آمد دل از رنج فرافت
 قدم کن رنجه در کاشا نمدل
 گدای کوی جانان گشت ((قاری)) دل
 بنازم عمت شانه ها نمدل

جدادل

زمن عمر یست میگرد جدادل
 ندانم با که گر دید آشنادل
 ز حرف عشق خارا میگذارد
 من و رازی که نتوان گفت بادل
 بفکر نا و ک ابرو کمانی
 چو پیکانم گره از سینه تادل
 بر نگ لاله نقد دیگر نیست
 جگر از داغ خود خورده نهدادل

تذکر: همکار عزیز ماجلیل احمد نهبیک پارچه شعر خود را در شماره آینده بخوانید



بدون شرح

يك اشتباه

مادری از پرسش پرسید :
 - خوب امتحان چطور بود ؟
 پرسش گفت :
 - من آنرا بسیار خوب گذراندم فقط يك اشتباه کردم .
 مادریا خوشحالی پرسید :
 - خوب این يك اشتباه چه بود ؟
 پرسش گفت : تنها اشتبا من این بود که ورق را سفید به معلم دادم .



دستگیری

در پاریس يك دزد خطرناك هنگام سرقت در یکی از خانه‌ها مرتکب قتل شد و فرار کرد ...
 پولیس پس از تحقیقات هویت او را کشف کرد و شش قطعه عکسش را در حالت مختلف برای ادارات پلیس اطراف شهر ارسال داشت تا هر کجا او را دیدند دستگیرش کنند .
 پس از چند روز گزارشی بدین مضمون از طرف پلیس یکی از ولایات کوچک رسید :
 ((پس از جستجو بسیار پنج نفر از دزدا نرا دستگیر کردیم اما از نفر ششم هنوز اطلاعی در دست نیست .))

دعوی زن و شوهر

زن و شوهری باهم در حال دعوا بودند هر چه از دهانشان بیرون می‌آمد به همدیگر میگفتند ...
 مرد روبه زن کرد و گفت :
 - مرا بگو که با زنی مثل تو زندگی میکنم ... تو فیل و گاو را نمیتوانی از هم دیگر فرق کنی
 زن فریاد کشید : نادان خودت که مرا احق میدانی من بسیار هم خوب فرق بین فیل و گاو را میدانم ، آیا تا بحال به تو گفته‌ام فیل ؟!



بدون شرح

دو دیوانه

پرسید :
 دیوانه گفت : دیشب در خواب دیدم که صد افغانی در اینجا گم کرده‌ام و حالا میخواهم آنها پیدا کنم .
 دیوانه دومی خندید و گفت : پس حق داشته‌اند که ترا به این شفاخانه آورده‌اند .
 دوست عزیز مگر دیوانه‌ای امروز صبح صد هانفر از این جا آمد و رفت کرده‌اند حتما کسی اورادیده و برداشته است !

یکروز صبح وقت فورا دیوانه‌ای از خواب بر خاست و با شتاب به طرف گوشه‌ی دیوار رفت و خاک‌های کنار دیوار را پس زد . در همان حال دیوانه دیگری به طرف او رفت



بدون شرح

کدام حسن

دو دیوانه باهم صحبت میکردند
 اولی : درده مایک دره ای است که وقتی میگوی حسن بعد از ۱۰ دقیقه صدایی می‌آید و میگوید حسن ، حسن .
 دومی : اینکه چیزی نیست بابا، درده مایک دره است که وقتی میگوی حسن بعد از ۱۰ دقیقه صدایی بر میگردد و می‌گوید کدام حسن ؟!
 * * *
 دیوانه اولی : چرا می‌خندی ؟
 دیوانه دومی : برای اینکه داستان خنده داری برای خودم گفتم که تا حالا آنها نشنیده بودم .

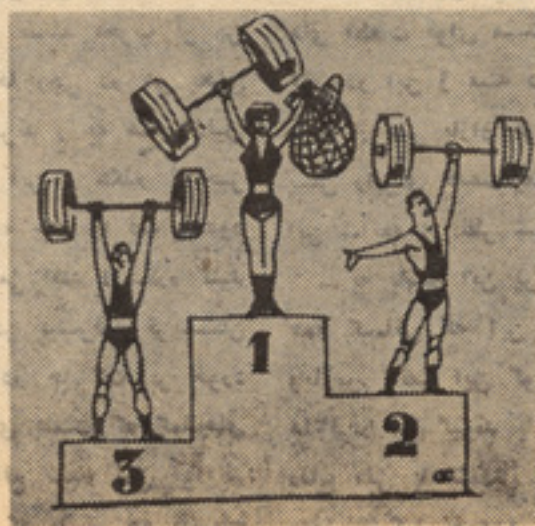
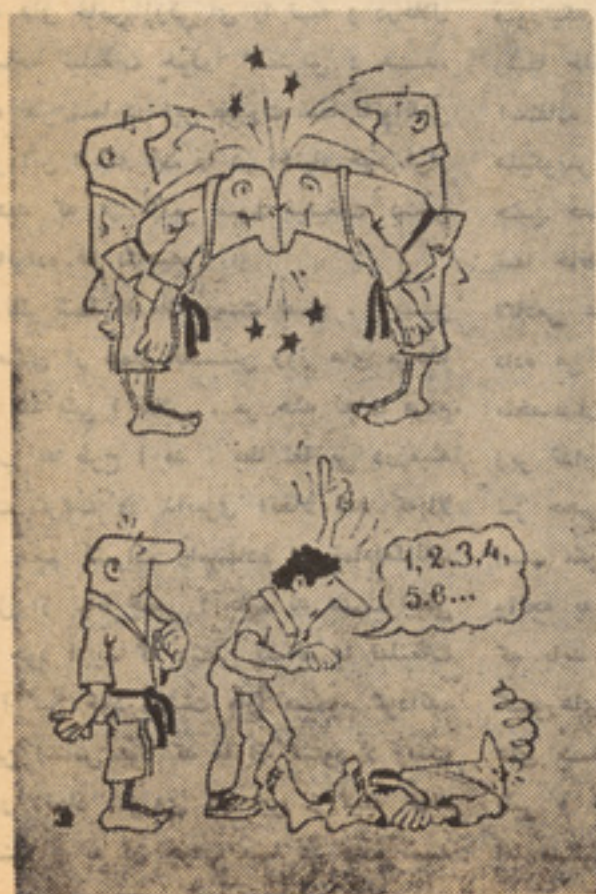
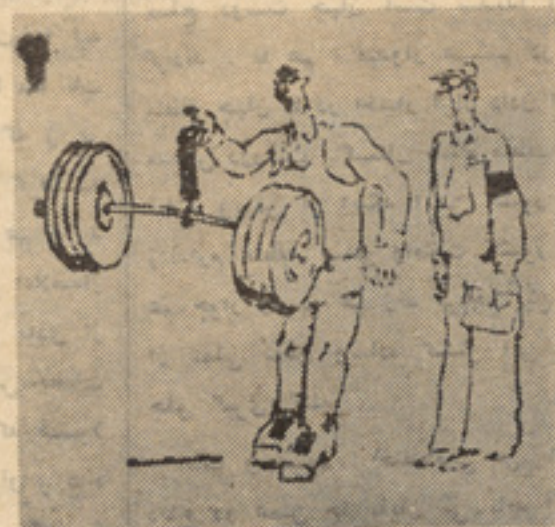
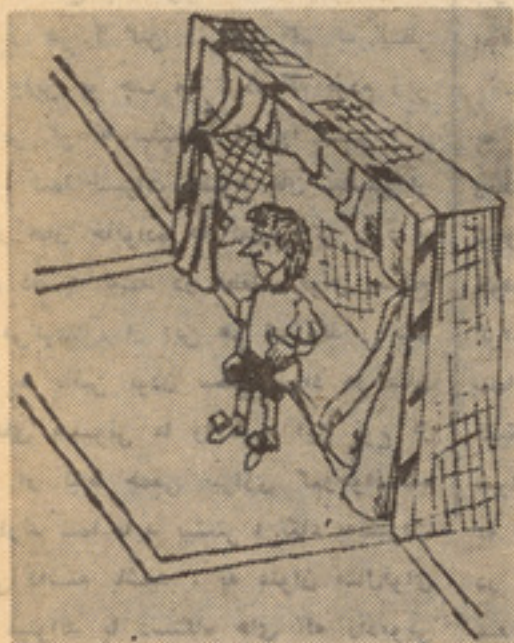
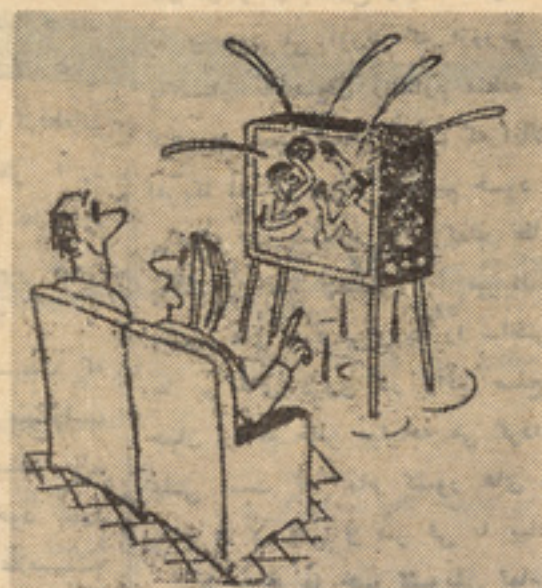
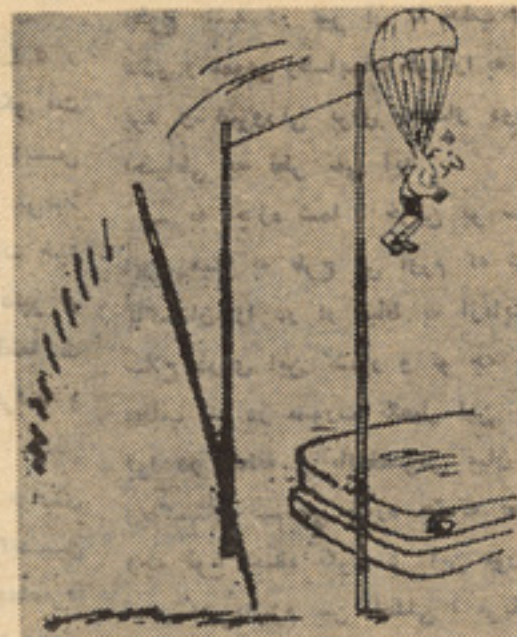
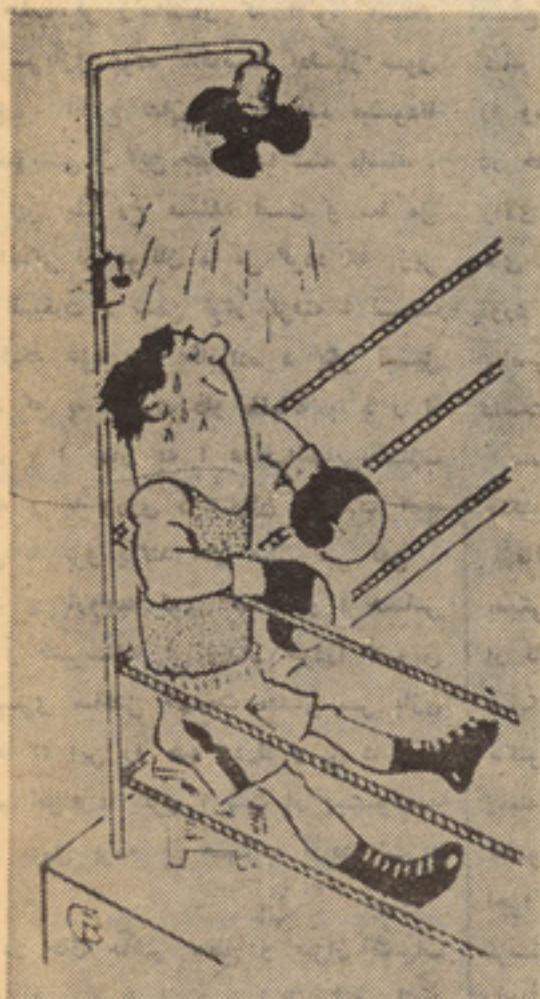
ژوندون

آخرین وصیت

خانمی در بستر مرگ افتاده و آخرین دقایق زندگی را میگذراند . شوهرش در کنارش نشسته بود که ناگهان خانم دست همسرش را گرفت و گفت : عزیزم من بزودی خواهم مرد .
 - عزیزم خواهش میکنم ساکت باش بعد از چند روز حالت خوب میشود .
 - نی من میمیرم ولی يك خواهش دارم بمن قول بده
 - نی نی خواهش میکنم ..
 - به من قول بده اگر ازدواج کردی همسرتازه ات لباس های مرا بپوشد
 آقا در حالیکه قیافه تاترانگیزی بخود گرفته بود گفت :
 - عزیزم قول میدهم ، آخر لباسهای تو اندازه‌اونیست .

ورزش

در لابلای کارتونهای جالب



آنان که هر گشای آفرینند...

بقیه صفحه ۷

و در مورد آنما هم خانواده ها نیز در زمینه جلب فرزندانشان که قانونا مستعد خدمت سربازی بوده بلافاصله بعد از سوق موضوع به اطلاع شان رسانیده میشود تا هیچ تشویشی از این جهت نداشته باشند. اما این یک رخ مسئله است و شامل تعداد اندکی از جوانان ما می گردد که زیر تاثیر تبلیغات دشمن قرار گرفته اند. در حالیکه عزا ران خانواده دیگر نسوز هستند که به صورت داوطلبانه با درک واقعیت، ایمان به اهداف انسانی انقلاب با همه ریا و رزی دشمنان انقلاب هیچ اهمیتی به پرو پاکند های میان تپه نمی دهند و باروچه قوی افغانی و احساس عمیق و وطنپرستانه فرزندانشان خود را تشویق به سپری ساختن خدمت مقدس سربازی میکنند که این روحیه و درک و برداشت باز هم نمونه دیگری است از پیوند بسیار عمیق مردم با حزب، دولت و انقلاب.

در حال حاضر سطح و میزان نشرات وزارت دفاع با توجه به تبلیغات فراوان زهر آگین دشمن کم به نظر می رسد و این موجب می گردد که مردم زیر تاثیر این گونه تبلیغات ناروا قرار گیرند، شما نشرات مطبوعه تان بیشتر از آنکه در میان خانواده ها توزیع گردد و خواننده داشته باشد در قطعات قوای مسلح توزیع می گردد، از این هم که بگذریم باتوجه به پائین بودن سطح سواد در میان توده های میلیونی ما و اینکه این نوع از وسایل ارتباط جمعی تیرازی کم و خواننده کمتر دارند شما باید بیشتر آتکاء به نشرات رادیویی داشته باشید، به عنوان مثال قوای مسلح میتواند با دستگاه های آله رادیویی برنامه های خاص ذوقی ای را تهیه و در خلال آن ساحه تبلیغات خود را گسترش دهد، آیا به نظر شما در این صورت شما باتوانایی بیشتر این امکانات را در اختیار خود قرار نمی دهید که از تاثیر سوء تبلیغات دشمن در خانواده ها بکاهید؟

نظر شما کاملاً درست است، این نیاز مندی از همان نخستین روزهای مرحله توبین تکاملی انقلاب، مرحله نجات مردم و انقلاب به طرح آمد، مطالبات در زمینه صورت گرفت و تدابیری اتخاذ شد که بالا بردن حجم نشرات و استفاده از تمام امکانات و وسایل ارتباط جمعی اجازه ندهیم شرایطی به وجود آید که دشمن بتواند با تبلیغات زهر آگین خود ذهنیت ما را مسموم گرداند، بر همین اساس بود که ما از کشور دست بردار اتحاد شوروی در این زمینه کمک خواستیم و به آن جواب مساعد داده شد

و در زمانی نخواهد گذشت که قوای مسلح با استفاده از دستگاه رلشن راد یویی کمک کشور کبیر شو را ساحه نشرات خود را وسیعاً گسترش داده و به صورت مداوم در خلال پروگرام های متنوع روی اهداف والای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، زمینه های تحقیقی هدف های انقلاب، حفظ دست آورد های آن وافشای ما هیت ضد مردمی عناصر ضد انقلاب تبلیغات سود مند خواهیم داشت.

نقش یوننت های سیار صحنی در جبهات جنگ برای رساندن کمک های اولیه عاجل تازمانی انتقال مریض معذور و یا مجروح به یکی از شفاخانه های قوای مسلح در جلوگیری از تلفات جانی بسیار ارزنده است. در حالیکه چنین گمان میشود که این مشکلات تاکنون حل نگردیده و کمبود هایی در این زمینه ها چشمگیر است، با توجه به این خصوصیات آیا بر نامه هایی در دست اجرا ندارید که با تکمیل کد رهای طبی و نرسنگ عاجل در یوننت های سیار صحنی بتوانید جلوگیری واقعاتی گردید که در مجموع حجم تلفات را می تواند بلند ببرد؟ شما به خوبی میدانید که بر سونل طبی به تناسب جمعیت در کشور ما بسیار کم و محدود است که خود علل وانگیزه های فراوانی دارد که آنرا هم باید در خصلت و خواست نظام های ضد ملی گذشته به کاوش گرفت، به همین اساس با آنکه من نظر شمارا به صورت یک کل و در مجموع رد نمیکم این را هم اضافه می نمایم که در شرایط کنونی از تمام امکانات استفاده به عمل می آید تا سر بازان معذور و مجروح در کمترین فرصت ممکن به نزد یکترین شفاخانه قوای مسلح انتقال یابد و در صورتیکه امکان تداوی وی در مرکز اولی و شفاخانه های ولایتی میسر نباشد با استفاده از وسایل ترانسپورت خاص و هلیکوپتر هایی که به همین منظور انجام چنین خدماتی می باشند به مدرن ترین شفاخانه های کشور یعنی شفاخانه اکادمی علوم قوای مسلح در کابل انتقال داده می شوند و به وسیله مجرب ترین متخصصان داخلی و خارجی در هر بخش زیر تداوی قرار می گیرند و به همین دلیل نیز حجم تلفات ما از این رهگذر نا چیز است مگر آنکه شما به چند واقعه محدود و آنچه به ندرت اتفاق می افتد اشاره کنید که باید بگویم حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهانی نیز در حالات بر خورد های مسلحانه مواردی هست که کمک های طبی و صحنی موثر واقع شده نمی تواند اما مسئولانه می گویم که با توجه به سطح

یکی از شایعات گرم روز این است که وزارت دفاع ملی به خاطر تکمیل بست های قطعات قوای مسلح و جبران کمبود های کمی در این زمینه در آینده نزدیک چند دوره از سر بازان ترخیص شده سال های پیش را برای خدمت میعاد عسکری فرامی خواند، این شایعه از نظر شما چقدر حقیقت دارد؟ به پاسخ این پرسش شما و به جواب همه کسانی که این شایعات را می پراکنند و یا زیر تاثیر این گونه شایعات سازی ها قرار می گیرند باید بگویم فعلاً وزارت دفاع ملی با تشکیل موجود خود و پرسونل داخل تشکیل خود می تواند از عهده وظایف

و میزان امکانات عمومی طبی در کشور ما تلفات ما در جبهات جنگ تا آنجا که مربوط به وسایل رساندن کمک های طبی میگردد بسیار اندک و در نازلترین سطح خود قرار دارد.

عده بی چنین ادعا دارند که بدون در نظر داشت روحیه اعلامیه قبلی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این زمینه که در صورتیکه سر بازان قبلاً بنا به عللی و فریب دشمنان از قطعات خود فرار کرده باشند و دوباره برای سپری نمودن بقیه مدت دوره عسکری به قطعات خود حاضر گردند مورد عفو قرار گرفته و مدت خدمت قبلی شان نیز در مدت اصلی عسکری مورد محاسبه قرار می گیرد، مواردی وجود دارد که سر بازان مشمول این اعلامیه به قطعات خود باز آمده و ماصرفاً آنها به خاطر فرار از قطعه مورد مجازات قرار گرفته اما دوره سپری شده خدمت شان نیز برای شان مجزا داده نشده که همین سبب شده و این عده دوباره از قطعات خود فراری گردند، آیا شما این نظر را رد میکنید یا تائید و در صورتیکه ادعا وارد باشد چه دلائلی برای این گونه سرپیچی ها از متن اعلامیه وجود دارد؟

این یکی از صد ها موردی است که بیشترانه افتراء می گردد و من با مسئولیت به شما میگویم و به هموطنان اطمینان می دهم که هرگز حتی یک مورد هم وجود ندارد که چنین تخطی از اصل مسوده اعلامیه صورت گرفته باشد، اصولاً این اعلامیه به همین جهت مورد تصویب مقامات عالیه حزب و دولت قرار گرفت که تمام امکانات مساعد برای آن عده از سر بازان که زیر تاثیر دروغ بردازی های دشمن قرار گرفته واز کرده خود نادم می باشد فراموش آید و بر مبنای همین اصل بعد از نشر اعلامیه از طریق وسایل ارتباط جمعی عده زیادی از سر بازان مشمول این اعلامیه واپس به قطعات خود حاضر گردیدند و تمام دوره که قبلاً در قطعه خود خدمت شان را بسر آورده بودند برای شان مجزا گردید و هر گفته دیگر در این زمینه همه تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب است.

لطفاً از قول من به همه مردم افغانستان به تمام ملیت های برادر ساکن در افغانستان به تمام توده های عذاب دیده و بلاکشیده این کشور اطمینان بدهید که به زودی و در فرصت اندک کارساز کوبی عمال ضد انقلاب به پایان خود می رسد و دیگر برادر ها و خواهر های ما، مادران و پدران ما و خانواده های ما هیچ واهمه و تشویشی نخواهند داشت و آرامش و آسایش شانرا خطری تهدید نخواهد کرد.

انقلابی بدر آید. احضار چند دوره به شکل احتیاط و قسسی مورد سوال قرار می گیرد که مسئله تجاوز عساکر اجنبی به پیمانها وسیع مطرح باشد در غیر آن با جلب و احضار عادی و عمومی وظایف خود را به پیش می برد و ضرورتی برای احضار دوره های احتیاطی به نظر نمی آید.

به اجازه شما آخرین پرسش را در این زمینه به طرح می آورم که شما مسئله پاکستان را در ارتباط به آزمایش های سلاح ذروی این کشور و توجه به این مطلب که در صورت تکمیل این پروژه توازن قوا در منطقه و بالخصوص میان افغانستان و پاکستان بهم می خورد چگونه تعبیر میکنید و چه نوع آینده نگری در این مورد دارید؟ امپریالیزم بین المللی امریکا وابسته مان آن و ارتجاع زمینه ها و شرایطی را به وجود می آورند که از رژیم نظامی پاکستان به عنوان زاندارم منطقه استفاده کرد به همین اساس است که ایالات متحده امریکا در این اواخر تصمیم خود را مبنی بر کمک یک میلیارد دالر کمک نظامی به پاکستان اعلام داشت، امپریالیست ها با کمک های خود برای دا را ساختن پاکستان به هم های ذروی در واقع صلح منطقه و جهان را به خطر مواجه می گردانند و یگانه علتی است که تمام کشور های دارای نظام های ملی و مترقی با پیاده شدن طرح که موجب تشویش تمام کشورهای صلح دوست جهان است شدیداً احتجاج کردند، ما هم امیدوار هستیم در این منطقه جهان با در اختیار قرار دادن این سلاح مدتها در دست پاکستان صلح منطقه به خطر نیفتد و پیش از اینکه این کشور در نقش زاندارم منطقه صلح و امنیت کشور های هم جوار را بر هم زند مراجع بین المللی از عملی شدن و پیاده گشتن این طرح بعمل جلوگیری کنند.

گفت و شنود اختصاصی من با وزیر دفاع در همین جا پایان می یابد از جای میخزم و خدا حافظ میگویم که برید جنرال میگوید:

لطفاً از قول من به همه مردم افغانستان به تمام ملیت های برادر ساکن در افغانستان به تمام توده های عذاب دیده و بلاکشیده این کشور اطمینان بدهید که به زودی و در فرصت اندک کارساز کوبی عمال ضد انقلاب به پایان خود می رسد و دیگر برادر ها و خواهر های ما، مادران و پدران ما و خانواده های ما هیچ واهمه و تشویشی نخواهند داشت و آرامش و آسایش شانرا خطری تهدید نخواهد کرد.

اتحاد وهمبستگی شما پا سخ دندان شکنست بر توطئه های ضد انقلاب و متحدین جنایتکار امپریالیستی آن!

پیروز باد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان سراسر جهان که در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی برضد استثمار جسورانه می رزمند!

زنده باد جبهه ملی پدر وطن، این تشکل پرتوان کلیه نیرو های وطنپرست و دموکراتیک کشور انقلابی مان افغانستان آزاد و سربلند!

که در آن کارگر احساس میکند جامعه و انما بر او و کار او ارزش قایل است و قدر او را میداند ساز این ها که بگذریم روز جهانی کارگر در واقع هو شداری است به دوست ها در سراسر جهان که کار نامه ها و پروژه

های بیشتری را برای آسوده حالی کارگران و زحمت کشان طرح کنند و به عمل پیاده سازند از نظر این دو نفر بعد از پیروزی انقلاب

نور در کشور ما واقعا گام های موثری در جهت تامین زندگی کارگران برداشته شده و اکنون این طبقه در شرایطی کاملا متفاوت از گذشته قرار دارند، متلاحقشان تلف نمیگردد

مزد شان زیاد شده است، تامین صحتی و اجتماعی دارند رابطه کارفرما نیز با آنان کاملا انسانی

میشود چه در غیر آن اتحادیه داخل عمل شده و خطا کار به مجازات می رساند آنان در اخیر

صحبت خود از مجله ژوندون خواهش میکنند باری نیز بای درد دل چند کارگر خباز بنشینید و گفتنی های آنان را درج صفحات خود سازد .

این بود صحبت کوتاه و فشرده ما با چند

تن از روسای اتحادیه های صنفی شهر کابل

که امیدواریم شما را خوش آمده باشد .

بقیه صفحه ۳۵

مردهارا يك

گپ است

ها و خواست های مرا بایک خند ه تمسخر آمیز که این تمسخر در آن زمان غرور م راسخت جریحه دار ساخته بود جواب داده گفتند اولتر به سرو وضعت رسید گی کن به بوت ها یت وصله بز و بعد به رسامی دست بپر داز این خاطر هر گز فراموشم نمیشود و همیشه در گوشم طنین این صدا می پیچد . در اخیر از شبنور دمی پرسم که آیا در آینده بکدام رشته علاقه تحصیل داری .

میگوید : در آینده قراریکه دریک مصاحبه چند سال قبل نیز گفته بودم به رشته هنر و ادبیات علاقه مفرد دارم ((مرد ها را يك گپ است)) اگر زندگی مجالم دهد این رشته را تعقیب خواهم کرد .



گل محمد معاون اتحادیه های صنفی خبازان شهر کابل

که به قول شان تمام آنها به عضویت اتحادیه در آمده و از این جهت بسیار مسرور و راضی نیز میباشند .

این دو نفر در مورد چگونگی کار خبازی میگویند که کارگران خبازی ها کار بسیار مشکل و طاقت فرسای رابه انجام میاورند . آنان رامثلا در نظر بگیرد که در گرمهای بالاتر از چهل درجه روز های گرم تابستان کنار آتش سوزان تنورها قرار دارند عرق میریزند و کار میکنند در حالیکه مزد چندانی نیز ندارند و اکثرا غریب میباشند .

رئیس و معاون اتحادیه خبازان در مورد چگونگی تجلیل از روز جهانی کارگر عقیده دارند که این روز روزی است مبارک و خجسته

میگردد بی آنکه خود د شان سبمی در استفاده از تولیدات داشته باشند ، امداد کشور های متری و پیشرو جهان وضع کاملا عکس این کشور هاست به این ترتیب که کارگر مورد استثمار قرار نمیگردد . زندگی او تامین شده است تامینات صحتی و اجتماعی فراوان دارد که از آن استفاده میکند و از همه اینها بالا تر او عملا در سر نوشت جامعه خود نقش عمده دارد و در واقع زیر نظامی کار میکند که در خدمت زحمت کشان قرار دارد و نه در خدمت سرمایه ویا سرمایه سالاری - کارگر در کشور های متری صاحب زندگی آسوده بوده لباس نان و خانه او و خانواده اش را دولت تامین میکند و او هم نیک میداند که آنچه به انجام میاورد در خدمت مردم اوست و نه برای اقلیت استثمار گرو- به همین جهت با علاقمندی تمام و تلاش فراوان در پی آن است که کمیت و کیفیت کار خود را مطلوب تر سازد .

در این گفت و شنود قربان علی و گل محمد رئیس و معاون اتحادیه خبازان شهر کابل نیز شرکت دارند آنان تعداد خبازی های شهر کابل را سیصد و شصت و چهار باب معرفی میکنند

بقیه صفحه ۹

تحقق کامل زحمت های ...

او در پاسخ به یک پرسش خبرنگار ژوندون در این زمینه که اودر این سفر ها متوجه چگونه اختلافاتی در رابطه کار - کارگر و کار فرما میان کشور های سرمایه داری و متری شده است میگوید :



غلام ربانی فورمولی معاون اتحادیه پرزه فروشان شهر کابل

سدر هر کشور سرمایه داری در واقع سرمایه حکومت میکند و تمام هدف و اندیشه این است که منافع بیشتر صاحبان موسسات تولیدی تامین گردد و پول زیاد تری به جیب شان سراز یر شود و به همین دلیل از همه توانایی های جسمی و فکری کارگران استفاده



اطفال امروز

دولت‌های کارگری وره‌هایی کودکان از رنج و محنت

دیگر زنجیر های استثمار و استعمار از هم گسیخت و راهی رهایی توده ها روشن گردید. به همین اساس برای نجات بشریت سال ها و دهه ها را نام گذاری نمودند چنانچه سال بین المللی زنان سال بین المللی طفل که از طرف ملل متحد به سویه جهانی تجلیل گردید رسیده ایم و ندای کودکان جهان را هر چه

در جهان بوجود آمد و خانواده های زحمتکشان از استثمار و بدبختی نجات یافتند و کودکان بعد از آن در جهانی چشم کشودند که باید این عصر و زمان را عصر رهایی کودکان زحمتکشان نامید . مبارزه زحمتکشان بعد از انقلاب اکتوبر در سراسر جهان رونق انقلابی یافت و یکی پی

سرمایه داری این مبارزه روشنتر شده و بشکل متحد و متشکل تبارز یافت . مبارزه کارگران قبرمان در جامعه سرمایه داری فروغ تابان و روشنی رابه ارمغان آورد که نجات بشریت از استثمار و ایجاد جامعه سوسیالیستی است . به همین ارتباط اولین کشور سوسیالیستی

در طول تاریخ جوامع بشری به خصوص بعد از ایجاد اولین جامعه مبتنی بر استثمار فرد از فرد که آنرا به نام فورماسیون اجتماعی بردگی می نامند کودکان زحمت کشان همراه با خانواده های شان مواجه به رنج و محنت تاریخی میشوند و از همان آوان جامعه بردگی استثمار و ظلم طبقات مستمر به اکثریت مردم آغاز می یابد که نمره و توشه تاریخی آن تا ایجاد جامعه داری از تناقضات طبقاتی بدبختی اکثریت بوده و سراسر جامعه طبقاتی ازین محرومیت آهسته آهسته نکتته هادارند .

طبقات مستمر در طول تاریخ تا قدرت داشتند خون زحمتکشان را چو باده نوشیدند کاخ ها و قصرها آباد کردند و هزار هاومیلیون ها انسان رابه خاک و خون کشیدند تا خودشان آرام و سعادت مند باشند .

اگر مختصر نظری به تاریخ جوامع طبقاتی با نداشتیم بر و شمنی معلوم میشود که در اطراف قصر های پرزرق و برق استثمارگران تاریخ انسان های نیازمند و محتاج به نان و خانه زیاد بوده و اکثریت مردم را تشکیل می دادند . حال هم در جوامع طبقاتی و آنجائیکه ظلم و استبداد و استثمار و جسرود دارد چنین است اما باید آگاه بود که طبقات ستمدیده در طول تاریخ علیه طبقات ظالم و ستمگر جنگیده و پیکار نموده اند و در راه آزادی خود و خانواده ها و بنده بوس کودکان خویش محنت و رنج فراوان را متحمل شده اند .

مبارزه زحمت کشان در طول تاریخ باعث ترقی و پیشرفت شده و در جامعه بورژوازی یعنی



رسان می‌شویم که یکجا با هم شعار میدهند.
مرگ بر جنگ و جنگ افروزان زنده و
جاودان باد صلح .

خواست مبرم کودکان جهان را صلح جهانی
تشکیل می‌دهد تادر بتواند رشد طبیعی و
اجتماعی کودکان به صورت درست تامین گردد.
در وطن ما کودکان بسیار رنج برده‌اند و
همین اکنون نیز مبارزه انقلابی جمهوری‌دمو-
کراتیک افغانستان در راه دهن کردن جسد
نتگین عقب ماندگی ای است، که تمام خانواده
ها و کودکان وطن از آن رنج می‌برند .

خوشبختانه کودکان ما در شرایطی قرار
دارند که بیری افغانستان انقلابی بلند
گردیده و در پر تو رنگین آن نجات همه را به
چشم سرمی بینیم مخصوصا از کودکان راکه
آینده ساز این کشور اند .

حالا دیگر در زیر این بیرق مجلسی به
ستمگران و استثمارگران نیست که مانع رشد
طبیعی و اجتماعی کودکان شوند و نگذارند که کودکان
ما خود سر نوشت ساز خود باشند اکنون همه
شرایط و آسایش برای کودکان مهیاست در
شرایط کنونی کودکان ما مکاتب و تعلیم
و تربیه علمی برای کودکان میسر میگردد و
جمهوری دموکراتیک افغانستان بر رهبری حزب
دموکراتیک خلق افغانستان با مانتات و استواری
به پیش می‌رود .

حالا امید همه مردم ماشگوفان شده و امید
نجات زحمت کشان به واقعیت تبدیل شده
دولت انقلابی مادرین راه پیکار نموده و تا جهان
و جامعه وجود دارد به پیش می‌رود .

اما باید تذکار داد که درین روند انقلابی
باید خلق را و خانواده ها را بسیج نمود و به
مردم آگاهی انقلابی داد چه در پر تو آگاهی
انقلابی است که امید نجات جامعه و رفاه و
آرامی همگان را می‌توان جستجو کرد .

پس بر خانواده ها و به خصوص روشنفکران
انقلابی است تا اول از خود و خانواده های
خود شروع کنند وطن خود و وطن داران را
دوست بدارند و عشق بوطن داشته باشند تادر
پر تو عشق بوطن و وطنداران آگاهی انقلابی
را بیا موزند و یکجا با کاروان ترقی و پیشرفت
افتخار کار و پیکار را گمایی نمایند .

همه مردم آگاه و با دورد ما و تبلیغ و رسالت
دارند که کودکان وطن را از منجلاب بدبختی
نجات دهند و در راه با سواد ساختن کود کان
مبارزه نمایند و هر آنچه بدست دارند درین
طریق بکار اندازند . زیرا جامعه که از نعمت
سواد دانش بر خوردار باشد به یقین قلل
شامخ پیروزی را تسخیر می کند .

کار و پیکار درین روند افتخار آمیز بوده
و میباشد درین راه جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان را یاری نموده و فردا را دوست بداریم
که به عمت حزب طبقه کارگر کشور حسب زب
دموکراتیک خلق افغانستان سعادت و آبادی
را همراه می‌آورد و همه مردم به ویژه آینده

داران و کودکان ما مسعود خواهد شد .
بنابر آن باید شعار داد که همه خانواده
هادرین راه بسیج شوند و در تربیت نسل آینده
توجه جدی می‌نول دارند
تا عملا به نفع کودکان کار های مفید و مثبتی
صورت گیرد و درین راه باید مادران راکمک
نمود . چه مادران با محبت و دوستی و صمیمیت
لایتنهای فرزند شان رادراغوش گرفته تربیت
می‌نمایند . وزیر چتر تربیت همین مادران
است که نسل های بعدی تربیت می‌شوند .
در فرجام آرزو مندی انقلابی همکاری و

همدستی در راه نجات کشور بوده تا همه و همه
درین راه در راه رعایی فرزندان رنج و محنت
پیکار نمایند .

زیرا همین فرزندان زحمتکشان و فرزندان
فقر بودند که سالهای سال رنج های بی‌کران
را باگوش و پوست لمس نموده و همان گونه
که باغم اندوه بوجود آمده بودند همان طور
تربیت می‌شدند به همان شکل سر در زانوغم
بایک دنیا آرزو نیست و نابود میشدند و مادران و
پدران خویش رادر ماتم خویش سیاه پوش می
نمودند از شروع زندگی تا ختم آن نه نان

غفاریانی

حماسه برادری

به شرف پیروزیهای انقلاب شرافتمند ثور و دوستی و همکاری سابقه دار و خلل ناپذیر
میان مردم همدل و همبیار اتحاد شوروی و افغانستان .

اسرار رحمان

«حماسه برادری» نام مجموعه شعر محقق
جوان و شاعر جمهوری سوسیالیستی تاجکستان
اتحاد شوروی، اسرار رحمانو است .

اسرار رحمانوف ۲۹ سال دارد و در قریه
«ارتوج» مربوط وادی «زرافشان» تاجکستان زاده
شده است . آموزش مکتب ده ساله (میانه)
رادر مکتب مولدش ختم نموده است . بعد از
اتمام مکتب میانه محصل فاکولته ادبیات پوهنتون
شهر دوشنبه مرکز تاجکستان اتحاد شوروی
شده است . دوره پنجساله تحصیلی پوهنتون
از پر ثمر ترین دوران حیات علمی اسرار-
رحمانوف محسوب میگردد. وی نظریه استعداد
و علاقه، راه پژوهندگان دانش را پیشه کرده
پایان نامه تحصیلی اش رادر نقد حال و آثار ناصر
خسرو قبادیانی بلخی دفاع نموده و بحیث
عضو علمی انستیتوت شرفشناسی تاجکستان
مصروف کار است .

پژوهش و مطالعه آثار متقدمان شعر ، وی
را به شاعری کشاند . شعر گفتن رادر آوان
تحصیل در مکتب میانه آغاز کرد . نوشته
ها و اشعار رحمانوف در روزنامه ها و جراید و
مجلات تاجکستان نشر شده است . رساله
پایان نامه تحصیلی اش نیز چاپ شده است
مجموعه شعری «حماسه برادری» اسرار رحمانوف
محصول سالهای موظفیتش به سمت ترجمان زبان
روسی در افغانستان میباشد . مجموعه شامل
سیزده پارچه شعر بوده و اسامی شان اینهاست
چکامه دوستی، دست دوستی، انقلاب ثور ،
درفش آرمان ، قدر سخن، آواز خلق، شبنم،
دختر افغان ، هنگامه ، سرباز دلاور افغان
مراجعت، درختان یادگاری و امید باختر .

مجموعه دستنویس شاعر که محتوای متشکله
آنها پدیده های مربوط به خلق افغانستان و

داشتند نه لباس ونه هم زندگی انسانی نه از
تولد ایشان کسی شاد می شد ونه از نابودی
ایشان دلی پرالم. مگر اکنون همانطوریکه در
همه ساحات زندگی روشنی و پیروزی رونما
گردیده است در ساحه تعلیم و تربیت سالم
کودکان نیز صفحه جدیدی باز شده که امید
واریم این صفحه تضمین کننده آینده کودکان
رنج کشیده و محنت دیده ما باشد .

به امید پیروزی های کودکان کار گران و
رنجبران و همه کودکان جامعه ما و جهان .

نستان اهدا شده چنین تذکر نامه دارد :
« برای هنرور جوان و خوش الحان افغان
هنگامه »

شعر «سرباز دلاور افغان» چنین آغاز دارد .
شهر خواب وده خواب و طفل در گمبواره خواب
گوییا مردم همه مستند از کیف شراب
لیک سر باز دلاور

خواب رادر سر ندارد تاسحر .
«مراجعت» نام شعریست در ۱۴۸ مصرع-
که با المینان ناکامی کامل ضد انقلاب در افغانستان
ایجاد شده است . اسرار رحمانوف دارای
خانم ویک پسر بوده و خانمش معلم مکتب
است .

دختر افغان

دختر افغان حالا چادر از سر برگرفت ،
شه ره عشق و امیدوزندگی را سرگرفت .
تا نویسد نامه آمل بغت خویش را ،
سوی مکتب خانه رفت و خامه و دفتر گرفت .

مثل شمع تیره سوز، عمری زغم میسوختی،
شعله های بغت او حالدم اختر گرفت .
کلین گلپای زرد یاس و ناکامی شکست،
از بهار انقلابی ، لاله احمر گرفت .

کاسه صبر و قرارش از ستم لبریز شد ،
جام شادی بر لب آورد و جواش در گرفت .
دست اعجاز آفرینش تیره دوران بسته بود،
حاضر از معجزه کاری شهره در خاور گرفت .
شد قطار همدیاران آنچنان محنت قرین،
گو مقام اندر صف سازنده کشور گرفت .

او نمیجوید کنار از حرب ضد دشمنان ،
بنگرش، بر کف سلاح و جای در سنگر گرفت .
پیش راه او نه بتواند گرفتن هیچ سد،
همچو لاجین سوی فتح قلله نو، برگرفت!
کابل - ۲۵۰۶۸۰

کشف شده (۱۱۵ سانتی متر طول) ، (۱۰۴ سانتی متر بلندی و ۵۷ سانتی متر خرطوم) و دارای پوست سرخ میباشد که کار تحقیق در مورد آن در انستیتوت شرق سا بیر یا جریان دارد . این چوچه ماموت در یک مرداب سقوط کرده بود که در همانجا از بین رفت . البته سطح یخبندان عفونت ، پو سید گسی و کندیدن رامانع ساخته است . از معلیکه این چوچه فیل ماموت یافت گردیده . شاخه های کوچک ، چراگاه ها و پوست های

درختان غوش ، سبزه ها و گیاه های «موز» نیز همز مان از معلیکه لاشه موفعت داشت پیدا شده است .

قبل از آنکه مطالعات بیولوژیکی در زمینه لاشه متذکره صورت بگیرد ، فقط این موفوع کاملاً تثبیت گردیده که حیوان مذکور در حوالی اخیر عصریخ میز بسته است و به عبارتهای تقریباً دوازده هزار سال قبل تعلق میگیرد .

دهمین فستیوال بین المللی

موسیقی در ج.د. آلمان

از سال ۱۹۷۱ بدینسو همه ساله موسیک نوازان کار آزموده با مدرترین و همچنان کلاسیک ترین آلات موسیقی چون کلارنت ، پوزاون ، بانو و ترومپت ، سمفون و توله در شهر «درسدن» گرد می آیند و بر نامه های هنری شانرا به منصفه اجراء در می آورند ، بدون آنکه هیات ژوری ای وجود داشته باشد و ارزش یابی کار موسیک نوازان را به سر برساند . چیره دستی هنر پیشگان و موسیسین ها که در یک فضای بدون سقف و آزاد هنر نمایی می کنند همگان را بوجد و شغف وامیدارد و این خود ثمره کار هنر مندان را تثبیت میدارد .

فستیوال سال جاری مدت یکماه به درازا انجامید و سه میگردگان در یسن فستیوال با شور و اشتیاق سرشار در یسن جشن و بزم موسیقی سپهر بارز گرفتند موسیک جاز نیز درین فستیوال راه داشت

دو صد نفر از موسیسین ها از سیزده کشور مختلف جهان درین فستیوال حضور بهم رسانیده بودند و از برلین ، آلمان غرب نیز اشتراک ورزیده بودند که مجموعاً شمار تمام هنر مندان شانله فستیوال به (۲۵۰) نفر میرسید . (۲۵) نوع آلات مدرن جاز در سالون بزرگ کنسرت در «درسدن» که در هوای آزاد اجراء گردید با در نظر داشت این مطلب که سالون متذکره را بنام «سالون فعالیت های کلتوری و کلوب محصلین» نیز می نامند در اطراف آن ساکسون ها و کشتی های سفری نیز به چشم میرسید . جریان این گزارش از طریق رادیو و تلویزون ج.د. آلمان مستقیماً بخش گردید . گروه های مشهور هنر مندان چون «هارلم بولویز» و «باند جاز-ازنیویارک» که همکار کهنه کار «تومی بگورد» نیز در



صحنه ای از کنسرت فستیوال بین المللی درسدن .

نانشناسی

از هفت اقلیم

تنظیم و ترجمه: میر حسام الدین برومند

باستانشناسان لاشه یک چوچه فیل

ماموت را پیدا کردند



چوچه فیل ماموت که تازه یافت شده .

خود و کاملاً سالم مانده باشد . بعضی از محققین باستان شناسی نظریه شواهد و قراین مدعی اند که این لاشه فیل بین (۱۶۸۶ - ۱۷۵۰) باید جسم جاندار بوده باشد که بعد آن ازین رفته . همین دانشمندان فیل های مذکور را متعلق به سایر یا میداند چو تکه هوا آنجا سرد و امکان پوسیده شدن یک جسم نسبت به معلات گرم به مراتب کمتر میباشد . بعضاً از محققین میگویند که ماموت ها از پوست ضخیم خود زیاد مشکور باید باشند و همچنان از اقلیم محیط زیست خود ، چه همین پوست ضخیم شان آن ها را درین منطقه جهان یعنی سایبریا محفوظ نگه داشت چه به تدریج این نقطه سرد جهان سردی قبلی خود را نسبت به زمانیکه این لاشه پیدا ن دوره متعلق میگردد ، کاهش داده . تحقیقات چنان وانمود ساخته که این لاشه مربوط میشود به یک چوچه فیل ماموت که شش ماه بیشتر عمر نکرده است . چوچه ماموت

در متعلقه ای موسوم به «مادگان» معلیکه از آنجا زغال سنگ بخصوص نوع تور فان زیاد پیدا میشود حین بیرون آوردن ذغال سنگ طبیعی اخیراً یک کشف جالب ، توجه باستانشناسان را به خود سخت معطوف داشت . محل متذکره که در حصه شمالی شرق دور موفعت دارد و در نزد یک دره «گیر گلیاش» واقع شده است . اینک برای باستانشناسان این یک حادثه واقعاً عجیب است چه او شان یک لاشه ماموت را که قدمت آن بعد زیاد بوده و به عصریخ مربوط میشود ، یافته اند این فیل ماموت واقعاً عجیب است با این توضیح که لاشه حیوان بدون پوسیدگی ، خراب شدن و یا تغییر دادن شکل آن کاملاً بشکل اصلی آن به حالت خود باقی مانده است . تاکنون بشر قادر به کشف آثار و بقایای فیل ماموت و همچنان اسکلت هایی ازین حیوان گردیده بود اما نه به لاشه آن . و این یقیناً زیاد شگفت انگیز است و از تصور هم بدور ، چو تکه ماموت ها بیش از ده هزار سال قبل مرده اند . فیل های ماموت یا حیواناتیکه به قدیمی ترین انسان ها زیاد نزدیک بوده اند و انسان در روزگارنیکه تازه به زندگی آغاز کرده بود ، همزمان با آن به روایتی فیل های ماموت پیدا شده بودند که انسان های اولی در موارد مختلف از آن ها کار میگرفتند پس از معونسول ماموت بطور جسته و گریخته بشر به کشف اسکلت و بقایای آن از اینجا و آنجا دست یافتند . این دیگر یک معمای سرگیج کننده خواهد بود که چنین یک هیولایسی پس از گذشت این همه مدت طویل به حال



عده از دانشمندان مدعی اند که زمین شکل سیب را داراست .

مختلف ساخته شده که مثلا حصه دیگری فاقد آن مواد میباشد . بهر حال کاوش های بشر در زمینه جریان دارد و سفر های فضایی مدد خوبی برای حل مسائلی همچون و بفرنج واقع شده است . تصاویر و عکس های بر داشته شده از کره مهتاب نشاندهنده این مطلب است که سطح کره ماه نیز دارای نابرابری ها بوده و سطح کره مذکور یکسان و مساوی نیست و پستی ها و فرو رفتگی ها را دارا میباشد . در عطار دنیاز عین چیز تطبیق شده است ، بطور مثال در عطار دیک فرو رفتگی زیاد عمیق . بنام «گالادیز» که در یک سوم حصه نیمه دوم شمالی سیاره مذکور فرو رفتگی های وافر دیده میشود .

منظم در شکل زمین سهیم گرفته اند . یک نظریه دیگر چنین است که جوف زمین از یک تعداد ارقام و شمار های ثابت مواد متعدد متشکل و پلات های بزرگ قاره را به اطراف خود حمل میکند و همچنان پلات ها ، کره زمین را به اطراف خود می چرخانند . یکمده از دانشمندان بدین تازه می هاسخت مصروف تحقیق این موضوع اند و در صدد شده اند تا سوالات و پروبلم های چگونگی پیدایش اقیانوس آرام را تشریح و توضیح بدارند . از طرف دیگر چون زمین در بسیاری از نقاط مسطح خود در اقیانوس ها بخصوص بحیره پسیفیک فاقد طبقه گرانیت میباشد . معنای این سخن اینست که جوف زمین در قسمت های مختلف از مواد

وسایل درمانی از قعر ابحار

موجودات بحری میباشد . مسئله درخود توجه اینست که دانشمندان از همین ماهیان بحری دارو های راکشف و در اختیار مبتلایان بعضی از امراض قرار داده اند که حتی در ابحار بعضا بر تراز سایر وسایل درمانی با ارزش میباشد . ((یلیا آشگیخین)) متصدی لابراتوار بر رسی ارگانیزم موجودات ابحار ارائه داشت که ما دارو های زیاد عجیب و شفا بخش را که بدین تازگی ها استحصال داشته و در دست داریم از خرچنگ بدست آورده ایم این داروی جدید زخم ، ریم و چرک ولو هر قدر پیشرفته هم با شد پاک میسازد و در پروسه درمانی کمک شایان و سریعانه ای را برسر میرساند و علاوه بر این فعالیت جگر بقیه در صفحه ۶۰

این دگر شکفت آور نیست که دانشمندان پیوسته در صدد رهیابی بسوی طرق و راه های برای دستیابی به وسایل درمانی جدید میباشند . بدین ابحار اسرار بشمار ی در خود نهفته دارند . گرچه این حجاب های مرموز پیوسته بوسیله دانشمندان بر داشته شده و اسرار طبیعت یکی پیهم فاشس میگردد . با این وصف تعداد زیادی از دانشمندان در اتحاد شوروی به ابحار بیشتر عطف توجه نموده و به خصوص انستیتوت بر رسی ابحار شوروی در صدد بر آمده تاز ماهیان گوناگون ابحار نیز حد اعظمی استفاده درمانی را بنمایند . در انستیتوت مذکور یک لابراتوار مخصوص وجود دارد که کار عمده آن بررسی و تحقیق از گانیزم های

زمره آنان قرار داشت تا توانستند نیک در خشیدن . در روز های اخیر فستیوال موسیقی هنر مندان سوار پروا گون هائیکه اسپان آن تزیین یافته بودند همچنان اتوموبیل های تزیین یافته در میان سرك های پرانیوه یکی دنبال دیگر راه پیدا کرده و در حرکت بودند . ایشان سوار پروا گون ها و اتوموبیل بشکل سیار بخش های عمده فستیوال را دنبال کردند و تا توانستند سرودند که در

برای همبستگی بیشتر بالوس و ویتنام

کمپوچیا ، ویتنام و لاوس پرداخته میشود . در عرضه کتب آنهم در فرصت زمانی کوتاه ، نقش بیسود کارگرمزبور البته شایان تقدیر و قابل یاد آوری میباشد .



«هیلدی ماسوتیا» در حال عرضه کتب

در تحت عنوان ((همبستگی)) جمهوری دموکراتیک آلمان یک بار دیگر پشتیبانی خود را از خلق های لاوس ، ویتنام و کمپوچیا از طریق کتب جدیداً طبع شده به اثبات رسانید . محتوای کتب مطبوع سر تا پا مترقی بوده و در راه بیداری ملل که در بند استثمار و استعمار میزبستند اند ، زیاده موثر ثابت گردیده است . ((هیلدی ماسوتیا)) بیوه کارگر که در عین حال شاعر توانا نیز میباشد ، اولین کسی بود که کتب متذکره را پس از تنظیم به اسرع وقت از چاپخانه خارج وز مینه فروش آنرا در بازار و بازار یابی کتب مخصوصا در پوتسدام تدارک دید گفته شده که پول فروش کتب به حساب مرکز همبستگی جمهوری دموکراتیک آلمان با مردمان

نظریات جدید در باره شکل زمین

بشر بخصوص دانشمندان بیشتر به یک نقطه متمرکز میگردد و آن اینکه این جسم کروی که ما بر بالای آن زندگی داریم و خشک و آب هر دو در آن وجود دارد آیا اگر ابحار از خشک جدا گردد زمین چه شکلی را به خود خواهد گرفت؟ بدینسان این جسم منجمد سیاره ما قویا به یک خلیج مبدل خواهد گردید . در آن صورت عقاید قبلی باز هم صدق خواهد کرد که میگفتند زمین شکل یک ناله را دارد و البته دانشمندان مذکور شکل زمین را بدون ابحار آن در نظر شان مجسم داشته بودند . گونیکه زمین بیشتر شکل یک سیب را دارد تا هر شکل دیگر ، آیا زمین همیشه این شکل سا ختمانی خود را حفظ خواهد داشت یا چطور؟ دانشمندان درین مورد فعلا مطالعات و تحقیقاتی روی دست دارند چه اقیانوس ها و قاره ها بطور نا برابر و غیر

در قرن هفده عده از دانشمندان چنین نظریه ای را در مورد زمین می تراشیدند که زمین در یک قطب خود کمی فرورفتگی دارد و یک قسمت سطح آن نسبت به سایر حصص آن دارای چتری هاست . لکن بعد ها این نظریه نیز عوض شد و چنین بیان داشتند که سیاره ما شکل یک ناله را داراست بدین مفهوم که نه تنها در یک قسمت خود فرو رفتگی ندارد بلکه دارای شکل برآمدگی نیز میباشد . تقریبا یکصد سال قبل نیز عده ای از محققین مدعی بودند که زمین شکل کاملاً خاصی را داراست یعنی که به یک مغروط زیاد شبیه میباشد و این جسم مغروطی گون بدور محور خویش در حال تغییر و حرکت میباشد لکن پرواز های فضایی قرن بیست تمامی نظریات را رد نموده و این مشکل بشر را در مورد شناخت و بررسی شکل اصلی زمین حل ساخت . اکنون کاوش های

قوی جاودان...

زندگی پاولو هنر قهرمانه او بود. او وظیفه مشکل پرو پا گند هنر روس را بدوش گرفته ما نند شخصیت هنری فشار زیادی را متقبل شد. در شرایط مسافرت های طولانی امکانات برایش تنگتر بوده برای او گروه درجه اول موزیسین های باتجربه کور گرافیکه متناسب به دیکور ————— باشند وجود نداشتند. تمام زندگی خود را وقف هنرش نموده بخود اجازه خوشی های حیاتی نداده بعضا در اطراف لندن به کلبه ویت پلوش در مرغزار و دریاچه قوا قامت گزیده همواره با لیرین رو سیه

وسایل درمانی...

رأحفاظت و کنترل مینماید. بسا سنگ ماهی ها که خود ازمو جودات بحری اند، میشود زخمها را تداوی کرد. خاصیت های تعجب آوری که ارگانیزم وجود سنگ ماهی ها دارد و ارتباطات مختلفی که از نگاه کیمیاوی و بیولوژیکی حین تماس مواد مزبور بازخم هابر قرار میگردد بگونه ایست که به صورت معجزه آسا، زخم ها را برطرف میدارد. مخصوصا و مخصوصا از جگر سنگ ماهی هاییکه از بحیره سیاه بدست می آید و از نوع سنگ ماهی های خالدار میباشد. دارو های تهیه گردیده به محض گذاشتن مرهم مستحصله به اسرع وقت مریض معالجه میگردد. دانشمندان بحری زیاد بدین باورند که بسان سنگ ماهی ها هیچ دشمنی مکارتری در زمره موجودات بحری وجود ندارد اما بخاطر اینکه ازمو موجود مذکور، روی منظور ما فوق الذکر به طور دلخواه و مطلوب استغاده شده میتواند. بيمورد نخواهد بود تا هر چه بیشتر در پرورش و حفاظت سنگ ماهی ها توجه مبذول گردد. از ماهی ((هیرو گلسد)) مخصوصا نسج ماده آن که البته نسج متذکره بنام (تتر و دو کسین) مشهور است، زهری کشف گردیده که به مراتب قویتر از زهر های معمولی است اما باز هم نکته جالب درینجاست که ازین زهر قوی امروز در کلینیک های درمانی برای تسکین کار گرفته میشود، بدین

پهناور و زاد گاه دوره طفلی خود لیکوا را بخاطر می آورد. وقتیکه بعد از ده ها سال اولین بار نمایش بالشوی تیاتر در لندن برگزار شد بار دیگر جهان محو کمال بالت روس شده دین هموطن بزرگ خود را مهمانان اشتراک کننده فرا موش نکرده با شتاب تمام در آیواها س در برابر ساختمان کوچکی که مانند سابق در مرغزار گلهای لاله شکوفان بودند و در دریاچه پرندگان سفید محبوب شنا می کردند صف کشیدند، آرتیستان شوروی محو زیبایی پاولو بودند در حالیکه هیچگاه او را روی سن ندیده بودند اما آوازه هنر او را شنیده بودند. زیبایی بالیرین بزرگ قو در برابر آنها مانند زیبایی ابدی و فنا ناپذیر نمودار می گشت.

مفهوم که از اختلاط زهر مذکور با سایر مواد لازمه طبی ترکیب جدیدی که خاصیت تسکین دهی دارد، به وجود می آید. در لابراتوارهایکنوع مواد دیگر که ابتداء توسط (پیرزیا تیتوف) همکار اکادمی نو تولد ها در بیمارستان های زنانه کشف گردیده، قیمت آن سرسام آور میباشد بحدیکه فی کیلو سه ملیون دالر ارزش دارد. توسط داروسازان داروی دیگری از موجودات بحیره بسفیک بدست آمده که ماده مذکور بنام (بونیکوز) یاد میگردد و برای برطرفی فشار خون و خستگی های مستدام و تقویة عضله قلب و تنظیم تبادلۀ مواد کمک سرشارمینماید. توسط همین دانشمندان از سماری های بحری انٹی بیو تیک هایی نیز کشف گردیده که حتی به مراتب برتر از پنسلین ها می باشد و هزار چند قویتر از (نایترو گلسرین) اثر مینماید. از نسج یکنوع ماهی دیگر بحری که بنام (ماهی کراکن) معروفست. دارو های تهیه گردیده که وجود شخص به محض دریافت آن حتی پرهیاهو ترین سرو صدا هارا به هیچ میگیرد و آرامش اعصابش را از دست نمی دهد. متصدی انستیتوت مزبور گفت: لایرا توار ما از سه سال است که مجدانه به فعالیتشادامه میدهد که ما در طی این مدت دارو های زیادی از موجودات بحری چون ماهیان، الچی ها، کورال و سایر موجودات کشف و تدارک دیده ایم، که این خود به منزله خدمات بزرگ نبوغ بشریت و صحت انسان های کره ارض است. ما از ماهیان زهر دار موارد استفاده یافته ایم.

دمجارستان...

بشریت هیچکله د لیننگراد دخلکو قتل عام، دستا لیننگراد خونری جگره، د پراگ ور شو، بودا پست او بر لین جنک خپلی کنهوا لی او پدغو کنه واولو کسی دزرگونو تنو بی گنا هو انسانانو پراته جسدونه، له کنهوالو خخه پورته کیدونکی لو گی اودوینوسو پ بوی، برهیرو شیما او نا کازا کی بانندی دامریکا یی ائومی لمبونو دمرگ دپیتو غور خول، نه شسی هیرو لی، دو یمه جهانی جگره چی دپانگوا لو دمخافلو دبدو سو لو اوله حرص نه دکو تمو به نتیجه کی او به خپلو کی دنری دبیا ویشلو او به خپل تا تو بی کی دنری دلومرئی سو سیا لیستی دولت، شوروی اتحاد د خپلو او خپه کولو به نیت دبشریت د دیر غدار د بنمن، یعنی هیتلری فاشیزم له خوا پیل شوه، نو ددغی جگری به اورکی دمجارستان ورور هیواد هم وسو زید او وکړید. دفاشیزم پر ضد مقاومت به لپ کی چی له اسپانیا نه نیو لی بیا تر ولادی واستوک پوری پیل شوی و، دمجارستان و لس په میړانه ودرید او دفاشیزم دخونری شونډک په خاوره دمومو بنلو په عظیم کارزار کی یی خپل قهرمانانه نقش ولوبا وه ترهغو چی دهغه شونډک به خپل تا تو بی بر لین کی به خاورو کی ومو بنودل شو د فاشیزم پر ضد داعتراض په لومړیو لیکو کی دمجارستان ستر موسیقی پوه بار توك بلاهم و لارو. هغه دمجا رستان دخلاصون لپاره په مبارزو کی ار زبنتنا ک سهم در لود. هغه په کنسر تونو کی، او له هغی جملی نه دستنا تاپرو فانا په پارچه کی خلک د فاشیزم پر ضد سیاسی وحدت عمل ته درو بلل. د بارتوك مفکوره دنری په سویه د فاشیزم دیوه دبنمن په خیر و پیژند له شوه خو بالاخره یی د دویمی جهانی جگری په سر کی یعنی په ۱۹۴۰ کال کی له خپل تا تو بی، دمجارستان خخه د فاشیزم پر ضد داعتراض په دود ووت او امریکی ته ولاړ او هلته وچی خپل بی ساری هنری آثاری منخ ته راوستل. بار توك بلا له نریو شو نپو او هغو سترگو سره چی صفا او صمیمیت، پاکی او نجابت خپی پکی

وهلی تل یو داسی شخصیت پاتی شو چی دنری دو لسو نو او خلکو ترمنخ یی د وروری، پیوستون او مینی تبلیغ کاوه او ددغو هد فو نو تطبیق یی غوښت بخیله یی په ۱۹۳۱ کال کی لیکلی دی: دتو لو مو جودو تو پیرونو او اختلا فو نو سره سره زه دخلکو ترمنخ دوروری غوښتونکی یم او تر هغو چی ممکنه وه، ما دموسیقی له لاری دغه هدف ته درسیدو لپاره کار او خدمت کړیدی. اودا خبره بیخی ر بنسیتا ده. دادی اوس چی بشریت او به خپله دهغه دوطن، دمجارستان خلک دهغه سلمه کالیزه نماخی، دبارتوك اغیزه ترهر بله وخته لا ډیره او په زغرده احساس سیری. بار توك یواخی به دمجارستان پوری اړه نلری. هغه دنری به ټولو خلکو او گرد بشریت پوری اړه لری او یو نریوال ویا په دی. دهغه دموسیقی آثار او هنری میراث له بودا پست نه نیو لی تر پراگه پوری او له پراگه تر پاریس، وینا و نیو یارک او لنین گراده پوری انگاز ه کوی. په نری کی داسی یوه انسا مبل نشته چی دبار توك د موسیقی آثار دی پکی نه وی او به دمجارستان کی هیخ یو داسی ښار نشته چی یو واپ، یو ښوونخی، او یا یو میدان دهغه په نوم نومول شوی نه وی دمجارستان دغه سترهنرمند او موسیقی پوه یعنی بار توك بلا، چی په ۱۸۸۱ کال کی زیږید لی دی. په ۱۹۴۵ کال کی یی دنیو یارک په ښار کی سترگی له دنیا نه پتهی کړیدی بار توك چی دادی په روان کال کی یعنی د ۱۹۸۱ کال له جنوری نه یی سلمه کالیزه پیل شویده او ددغی کالیزی نماخنه دهمدی کال ددسا مبر تر ۳۱ می نیته دوام کوی تصمیم در لود چی وروسته تر جگری خپل هیواد دمجارستان ته ستونشی، خو دمرگی تور، وچ او هډو کیز لاس هغه ته دا مجال ورنکړ. دبار توك انسانی روش او نمونوی کار هغه په جا ودانی توگه دمجارستان په کلتور کی خای په خای کړی او ثبت کړی دی. دادی اوس چی دغه ستر موسیقی پوه او هنرمند اود آزادی او عدالت د لاری سر بنسندو نکی اوا نسان پالونکی شخصیت نماخل کپری، دهغه د سلمی کالیزی دنما نخلو مؤظفه کمیته هیله لری چی، دهغه د جسد پاتی شونی یی دامریکی له متحدو ایالاتو خخه خپل هیواد دمجارستان ته ولیر دو یی.



صحنه یی از بخش «طلبگار» فلم روزگاران اولین محصول مستقل هنری افغان فلم.



صحنه یی از فلم غلام عشق محصول آریانا فلم که همه امور فنی و تخنیکي آن در افغان فلم صورت گرفته است .

سینمای پر محتوی

مشترک در هر دو کشور تو لید کنند بنا م فلم ملی آن قبول شده میتواند . این نوع طرز تو لید بر علاوه اینکه تجربه و تمرین خوب برای پرسونل هر دو مملکت میباشد پیشرفت روابط کلتوری دو مملکت را نیز توسعه می بخشد . در تولید این نوع فلم ها مملکت دوست و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی سوسیا - لیستی در قدم اول قرار دارد . زیرا این مملکت نه تنها با دول سو سیا لیستی بلکه با بعضی از ممالک کپینا لیستی نیز فلم های مشترک تو لید می نماید مفید بت عمده تو لید فلم های مشترک این است که برای تربیه پرسونل فنی و مسلکی و هنر پیشه ها کمک بزرگ میکند .

۴- طرز تو لید در ممالک سو سیا لیستی به صورت پلان گذاری مثبت صورت میگردد ، استدیوها تماماً روی پلان های پیش بینی شده و منظم فعالیت می کنند و در تو لید فلم ها شرایط اقتصادی همه جانبه مورد توجه خاص کارکنان فنی قرار دارد . تمام استدیو ها غیر از پلان های عمومی خود دارای پلان های سالانه ، ماهانه و حتی روزانه میباشد پلان عمومی يك فلم قیمت تخمینی و مدت تهیه آنرا تعیین مینماید .

سیستم جدید تو لید فلم که در کشور های سو سیا لیستی مروج است تهیه فلم را به پنج دوره عمده تقسیم مینماید .
۱- تهیه و آماده ساختن سناریو .
۲- تهیه سناریو دایرکتر (شوتنگ اسکریپت) .
۳- دوره آمادگی .
۴- دوره فلم برداری .
۵- دوره مناز و ثبت آواز .

مسئول تهیه فلم (پرودکشن منیجر) تمام پلان های خود را با همکاری همه جانبه دایرکتر فلم تکمیل می نماید و تمام فشار کار را بالای دوره آمادگی میندازد تا در جریان فلم برداری سکتگی و پرابلم در کارشان رونما نگردد . پرودکشن منیجر فلم هر قدر در دوره آمادگی مو فقیبت بدست آورد فلم اقتصادی تر میباشد . زیرا اگر در دوره آمادگی به طور مثال روز هزار افغانی مصرف مینماید در دوره فلمبرداری روز بیست هزار افغانی مصرف خواهد داشت .

به دلیل اهمیت فراوانی که دوره آمادگی در کار تولید فلم دارد و قتی این دوره تکمیل میگردد دایرکتران مشهور و بزرگ میگویند که : (حالا فلم ما ساخته شد و صرف فلم برداری آن باقیمانده است) و به همین اساس است که اگر دوره آمادگی را در سه ماه پیش بینی کنیم دوره فلمبرداری نباید از چهل روز تجاوز کند .

در این دوره باید پلان کار به این ترتیب طرح گردد :
۱- ادامه پلان عمومی و قیمت تخمینی فلم .

های شخصی در کشور ما از نظر اقتصادی توانایی تهیه این همه وسایل را ندارند نه افغان فلم جز در موارد ضروری میتوانند این همه مشکلات را حل سازد .

البته ما امید کامل داریم که با تا سیس استودیوی مکمل و مجهز تولید فلم که به کمک کشور دوست و برادر ما اتحاد شوروی در آینده نزدیک اعمار خواهد گردید به این همه پرابلم های پرودکشن های شخصی و مؤسسه افغان فلم خاتمه دهد .

اکنون کار چند فلم را در دست تهیه داریم و امور آن چگو نه پیشروی میکند ؟
.. از شمار فلم های اخباری ، اخبار شماره سی و دو وسی و سه از فلم های داکو منتری «جبهه وسیع پدروپشن» ، «سالگرد هشت مارچ روز بین المللی زن» ، «اتحادیه های صنفی» فلم نیمه هنری «بشر دوستی» زیر کار است و همچنان کار فلم برداری «اختر مسخره» که محصول مشترک تلویزیون و افغان فلم میباشد روبه اگمال است .

میتوانید توضیح دهید که به صورت يك كل و به شکل مقایسوی از نظر شما چه تفاوت هایی در پرودکشن های سینمایی میان کشور های سرمایه داری و سو سیا لیستی از نظر فورم و محتوی وجود دارد ؟
.. به اجازه شما برای روشنی موضوع طرق تهیه فلم های هنری را که فعلا در جهان رایج است بطور خلاصه به میان میآورم :

۱- یکی از طریقه های فلم سازی همان است که در یکی از سوالات شما قبلا جواب گفتم و باید این را هم اضافه کنم که بعضی از پرودکشن ها هنر و تخنیک را از هم جدا مینمایند ، بدین ترتیب که فلم برداری خویش را خارج از استدیو تکمیل نموده و بعداً فلم خویش را جهت پراسس و چاپ مناز و آواز تخمین نور تکتیف فلم و غیره مسایل تخنیکي به استدیو فلم های هنری راجع میسازند .

۲- در سال های اخیر در برخی از کشورهای های متمدن شکل جدید تولید فلم به میان آمده که به نام (اتحادیه تهیه کنندگان آزاد) یاد میشود . در این نوع طرز تولید ، اکثر فلم برداران ، دایرکتران و پردیسور های معروف گردهم میشوند و به تهیه فلم میپردازند تا خود را از قید مؤسسات انحصاری به دور دارند .

این نوع طرز تو لید در امریکا ، جاپان انگلستان و فرانسه جریان دارد اما کمتر مورد توجه تماشاگران قرار گرفته است :
۳- طریقه دیگر فلم سازی را فلم های مشترک تشکیل میدهد . تولید فلم به صورت مشترک از روز تو لید هنر سینما تا امروز میان کشور ها رواج داشته و دارد . فلم های

۲- ترتیب پلان های هفته وار برای دوره فلم برداری .

سینمای پر محتوی ...

- ۳- تهیه لباس مورد ضرورت .
- ۴ ساختن دیکور های مورد نیاز .
- ۵- تعیین جاهای فلم برداری خارج استدیو .
- ۶- انتخاب بازیگران فلم .
- ۷- تهیه افکت های مورد نیاز .
- ۸- ترتیب وامضاء قرار داد ها .
- ۹- تهیه لوازم مربوط دیکور ها (اشیای نمایشی از موزیم ها وغیره) .
- ۱۰- تهیه وسایل ترانسپورت .
- ۱۱- تهیه لوازم آرایش گریم وغیره .
- ۱۲- مشق و تمرین جدی با هنرمندان .
- ۱۳- آماده ساختن شعب مختلف استدیو ودیگر مسایل مربوط به فلم .

اتحادیه هنر مندان وبا الخوصو ... بخش سینما تو گرافی آن از زمان تا سپس تاکنون عملا در کار رشد و باروری هنر سینما در کشور ما چه نقشی داشته است ، لطفاً مواردی از اقدامات این اتحادیه رابه صورت نمونه توضیح دهید ؟

.. اتحادیه تو بنیاد هنر مندان که هدف از تاسیس آن باورو ساختن هنر واقعی و اصیل و بالا بردن سطح تولید هنری میباشد در کو تاه مدت فعالیت خودنخست ساز ما ن های او لیه را که مردم آبی هنر مندان را تا مین میدارد ایجاد کرده پلان کار شان را به طرح آورده و زمینه بسیج سینما گران جوان را فراهم آورده است ، همچنان این اتحادیه تلاش دارد تا تو چه دو ملت مردمی را در اعمار استودیوی بزرگ فلم سازی که به کمک کشور دوست اتحاد شوروی تحقق مییابد مبذول دارد ، همچنان برای بالا روی سطح معلومات ، آگاهی ودانش و تجارب هنری اعضاء ، کورس ها ، سیمینار ها و کمسیون های فراوان دایر کرده و باز هم میکند ، اکنون این اتحادیه دارای یک عمارت آبرو مند نیز میباشد که زمینه ملاقات ها ، تبادل نظر و دایر شدن کنفرانس ها و گرد هم آبی ها در آن امکان پذیر شده است . با تو چه به ضوابط ، معیار ها و کار برد هنری ایکه اکنون در کشور و جود دارد ، شما سینمای آینده ما را چگونه می بینید ، فعلا چه امکاناتی برای رشد و توسعه هنر سینما تو گرافی به وجود آمده است و چه دلایلی و جود دارد که ما بتوانیم نه به حکم جبر زمان بلکه با یک جهش سریع ودر مدت کم کمیت و کیفیت تولید سینمایی رادر افغانستان بلند ببریم و بیبود بخشیم .

** به همانگونه که همه امور بعد از انقلاب وبخصوص مرحله نوین تکاملی آن بر

اگر مردنتواند...

پسران برای بدام انداختن دختران وودار - کردن آنها به ازدواج به صداها حيله ونیرنگ متوسل میگردند، نه گفتید که این حيله و نیرنگ هاچه نوع میباشد . شما فکر بدی نکنید منظورم از حيله ونیرنگ اینست که این عده جوانان می خواهند برای اینکه دل دختر مورد نظر خودرا هر چه زودتر بدست آورند کار های میکند که برای دختر یقین حاصل میشود که واقعا او را دوست دارد . و شاید هم در اول دوست داشته باشد ولی بعضا دیده شده که این دوستی و عشق آرام آرام فروکش میکند . از پسر نظر خواستم وگفت : من منکر این

جانشین عقلامندی و خوشبختی خانوادگی میگردد. وقتی مردتواند در زندگی خانوادگی احساس خوشی وسعادت نماید، حتما از زندگی خسته شده واین خوشی رادر جای دیگر سراغ می نماید میداند که بسیاری از مردان چرا از خانه و خانواده اش گریزان میشوند ؟ برای اینکه در خانه اش در میان خانواده اش احساس آرامش نمیکنند و علت آن هم اینست که زن رویه لازم را در مقابل شوهرش نمیکند . وقتی مرد یا بهتر بگویم شوهر نتواند خوشی رادر میان خانواده اش بیابد ، طبعاً او رادر جای دیگر جستجو میکند . پس یگانه علت دوری جوانان از ازدواج ترس از آینده است. زیرا بسیار دیده شده که در ابتدا ازدواج روی یک علاقمندی واقعی صورت پذیرفته ولی بعد هانظر به بی علاقگی یکی از طرفین زندگی خوش خانوادگی که در شروع خیلی دلچسب آغاز شده بود پایان نسبتاً نام انگیزی داشته است .

این مسایل باعث میشود که یک عده جوانان از ازدواج فرار کنند و کمتر به ازدواج علاقه گیرند .

خوب، این گفته شما بجا که اگر زن و یا شوهر نتواند خوشبختی رادر خانواده خود بیابد، شاید این امر سبب شود که او آن رادر جای دیگر جستجو کند. ولی چه باید کرد که روابط خانواده هر چه بیشتر از پیش شریک تر و دلچسبتر گردد .

سوالی مشکلی است که بتوان به زودی برای آن جوابی یافت اما من عقیده دارم که راه یافتن خوشبختی ودست یافتن به آن تنها و تنها تقاض مشترک واعتماد بین زن وشوهر میباشد . و این در زندگی امروزی خیلی ها باارزش است .

سربازی و جان بازی ...

اما نا گهان فیر چند مرمی که بی هم شلیک گردید ، در دشت طنین انداخت ، صدای ناله بی شنیده شد ، یک لفظه گو تاه مثل آنکه هیچ حادثه بی به وقوع نیوسته باشد دو باره آرامش بر قرار گردید و باز رگباری از گلوله به سوی ما سرا زیر سر گردید ، فوراً به حال دفاع در آمدیم ، صدای فیر حتی یک ثانیه هم قطع نمیشد و ما میگو شنیدیم بی آنکه خو نسرودی خود را بیازیم آنها را سر کوب کنیم سا عتیباً جنگ طول کشید ، آنها اسلحه های مدرن در اختیار داشتند ، راکت های ۳۰۳ بورد داشتند و تعداد شان نیز بسیار زیاد بود در حالیکه ما فقط بیست نفر بودیم که دستگاه های هوا شناسی را حفظ میکردیم ، با آنها خوشبختانه مو فق شدیم آنان را تار و مار سازیم ، در جریان همین حادثه بود که خودم زخم برداشتم و برادرم نیز که با من یکجا خدمت مقدس عسکری اش را سپری میکرد در آغو شمم جان داد و شهید شد

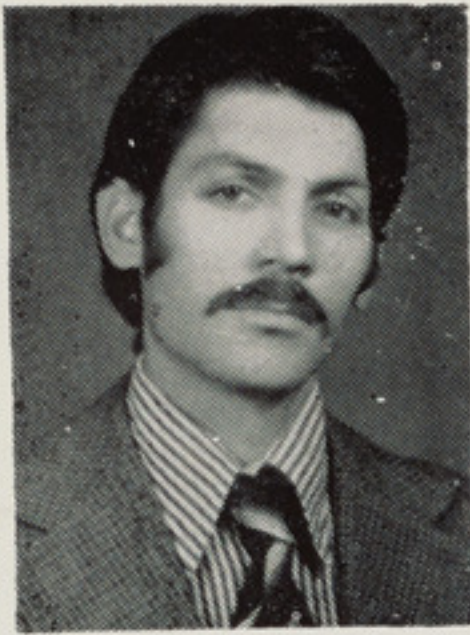
آنچه خوا ندید بخشی از گفته های عبدالعلیم سر باز بود که باشنده میمنه است ، بیست و دو سال عمر دارد و بیست و دو ماه نیز از مدت عسکری وی گذرشته است . به قول او حادثه بی که شرح آن گذشت در شهر مزار شریف اتفاق افتاد و اشرا ر موفق شدند در این حمله نا جوانمردا نه علاوه از شهید ساختن سه سر باز جا نیاز چند تن از جانبازان ما را هم زخمی سازند محمد سیون میگو ید این ها که دم از

مسلمانی میزند خود قتل نفس می کنند این میرساند که آنها جز دروغ پردازانی ریا و زر نمیبانند ودر گفته های خود هیچ مایه ورگه بی از صداقت ندارند .

محر م خارتدوی جانباز جوانی است که به گو نه داو طلب در صف سر بازان جا ن بر کف قرار گرفته و با اعمال ضد انقلاب فراوان جنگیده و تعداد فراوان از آنان راسر کوب ساخته است این جوان «وطن پرست» جریان زخمی شدن خود را اینگونه شرح میدهد که یکی از سواالی های مربوط ننگر عار در معا صره ضد انقلابیون قرار داشته و او به همراهی هشتاد نفر دیگر مجبزی به وسایل نظامی موظف شده است تا آنان را تار و مار سازد ، به محل مورد نظر میرو ند و با آنکه تعداد اشرا ر بسیار زیاد بوده و خلاف انتظار شان با انواع اسلحه مدرن نیز مجبزی بوده اند بعد از چند ساعت جنگیدن همه یا کشته میشوند و یا فرار را بر قرار تر جیح مید هند در حالیکه تعداد زیادی اسلحه نیز از خود باقی گذاشته اند .

محر م که تاکنون در فراوان جبهه های جنگ باعمال ضد انقلاب شر کت داشت و توانسته است از خود شجاعت فراوانی نشان دهد اعتقاد دارد که مبارزه آنان مبارزه بر حق است و به همین دلیل هم دشمنان انقلاب بالاخره شکست میخور ند و دیگر به هیچ عنوان نمیتوانند آرامش مردم ما را برهم زنند ، لطفاً دنباله این گفت و شنود ها را در شماره های آینده بخوانید .

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت...



محمد یعقوب «میرزاده»

محمد یعقوب «میرزاده» یکی از کارگران شعبه طبع حروفی که در کار خود هشت سال سابقه دارد و اکنون بهیچ کارگر درجه ۴ ایفای وظیفه نهمیده بادر نظر داشت افزودی اخیر مبلغ دو هزار و شش صد افغانی معاش اخذ می دارد بیاسخ سوالی چنین می گوید :

ما کارگران کشور در سابق یعنی پیش از پیروزی انقلاب از نا حده کوپون بسیار مشکلات داشتیم یعنی با وجود آنکه اکثریت ما فامیل داریم بودیم و زن و فرزند داشتیم برای ما ما نند ماموران متاهل کوپون هشت سیره داده نمی شد این عمل دولت های فاسد گذشته گویای این واقعیت بود که آن ها می گویند کارگران کشور آرام نباشد و همیشه در چار و پنجال بی نانی و بی لباسی غرق باشند و لی بعد از پیروزی انقلاب زحمتکشان افغانی دولت بسیاری از نابرابری های ناشی از فکارد و اعمال ظالمانه دولت های مستبد گذشته را از میان برداشت و بدین سلسله برای کارگران متاهل مانند ما مو ران دولت کوپون هشت سیره توزیع گردید که این عمل دولت انقلابی ما همیشه مورد تقدیر و تحسین کارگران کشور قرار دارد و از آن به نیکویی

یاد آور می شوند .
وی بر خورد و رویه آمرین خویش را بعد از پیروزی انقلاب شور بسیار صمیمی و دو ستانه می داند و می گوید امروز آمرین و ما مور و کارگر همه در یک فضای دوستانه و برادرانه کار می کنیم و کشور خود را آباد می سازیم .

بقیه صفحه ۲۶

با اتحادیه...

لوتس به زبان های انگلیسی ، فرانسه ، و عربی در المان دموکراتیک به نشر میرسد و دفتر آن در لبنان است .

مدیر مسئول این مجله فیض احمد هاس مکر جی هو یسن بیسز رد فیض و معاو نین آن دیوب ، سب انا تولی سوف ر و نو ف میباشند مجله لوتس به بهترین نو یسنند - گان عضو اتحادیه هر سال یکبار به پاس قدر دانی از آنها برای به خاطر حفظ صلح و بار در سازی ادبیات و فرهنگ آسیا و افریقا جایزه می گذارد این جایزه با از زشس بنام (جایزه لوتس) یاد می شود .

پایان

مدیر مسئول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکرای
آمر چاپ: علی محمد عثمان زاده
آدرس: انصاری و ات - جوار ریاست مطابع دولتی - کابل

تلفون مدیر مسئول: ۲۶۸۴۹

سوپر بورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱

تلفون ارتباطی مدیریت ژوندون

۲۱

تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹

مطبعه دولتی

دهم زنگ...

دشرف که بند خفه دوه کاله وروسته په ۱۳۵۷ کال کی کله چی دکوتی مخته په جرت کی دوپ ناست وواو په دی خیال کی غرق ووچی گواکی خیل دوه کلنی زوی یی په غیریکی نیولی دی اودخپلی خوانیهرگی ماندینی پر قبر باندی دبری سموی چی نابره په مجلس کی چوک چوکه سوه ، بندیان له خپلو کوتو خغه راووتل ، یوی اوبلی خواته یی په خوشحالی سره خفستل او دمبارک ! مبارک ! ناری یی وهلی .

شریف لادخپل یوازی زوی په تصوری ورک وواو هغه ته یی دخیال په دنیاکی پسرکی مینه او نازونه ورکول چی په دغه وخت کی رحیم په خفاسته را ورسید او پسله دی چی شریف یی په غیریکی ونیوی هغه ته یی زیری ورکړ .

شریفه مبارک ! دهمزنگ ماتیری نسوی حکومت اول بندیان آزادی خواری کشولسونه چی دظالمو سرداری نظامونو دلایسه بندیان

شویدی خلاصی دی دادی ستا مرام او ستا دپولو

هواد والو ستر هدف .

شکوهمند شور در برابر کارگران چطور است با چنین کشاده جواب د همد :

« میگویند کارگر تشنه محبت است » امروز در میان ، کارگران و آمرین مربوط صمیمیت روز افزونی وجود دارد و همه کارها در یک فضای کاملاً آزاد و دو ستانه انجام می پذیرد . وی میگوید : در گذشته ها آمرین و کارگر -

فرمایان می گویدند تا همه کارها را مطابق به ذوق خود و از طریق اعمال زور و فشار بر کارگران انجام دهند ، میان کارگر و کارفرما یک فضای دشمنانه و عدم تفاهم وجود داشت ، کارفرمایان از اعتماد کارگرها برخوردار نبودند و همین امر باعث آن می گردید تا کارها بطور لازم پیش نروند و در همه امور مربوط به کار و کارگر نا بسامانی بمیان آید . و لی با پیروزی انقلاب شکوهمند

شور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی این همه دورنگی ها بکلی از دستگاه های کارگری کشور رخت بر بسته است و امروزه ما ماموران ، آمرین و کارگران کشور در یک فضای دوستانه و رفیقانه کارهای خویش را به پیش میبرند . از وی می خواهم تا بگوید که قبل پیروزی انقلاب شکوهمند شور در کشور نیز از روز همبستگی بین المللی کارگران جهان تجلیل بعمل می آمد و یاخیر ، اگر می آمد به چه نحوه یی بود ؟

میگوید : قبل از رستاخیز عظیم زحمتکشان افغانستان و پیروزی انقلاب رژیم های مستبد گذشته بر مفهوم کار و کارگر چندان اهمیتی قایل نبودند و از این روز تاریخی به شکل و مفهوم واقعی آن تجلیل بعمل نمی آوردند ، طوریکه از نام آن پیداست این روز همبستگی کارگران و زحمتکشان است و می با یست توسط خود کارگران تجلیل می شد و دولت در این روز مسعود کارگران شایسته و ممتاز را با اعطای جوایز و تقدیر نامه ها تشویق می نمود و لی وضع بدین سان نبود چندان آمر و مامور در این روز دور هم جمع می شدند و با تئویر محافل تشریفاتی و عوام

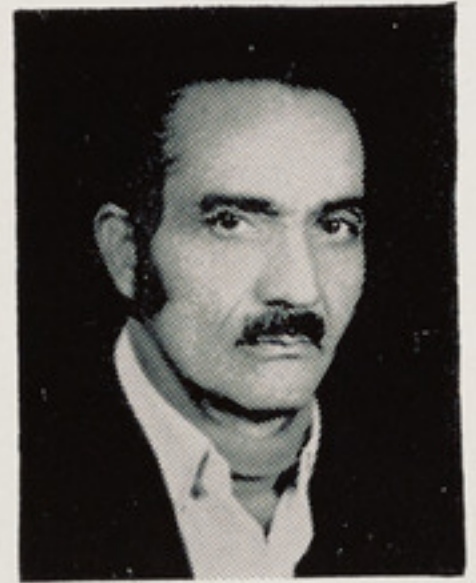
فریبانه به اصطلاح از روز کارگر در حالیکه بخود کارگرها اجازه بیان و گفتار داده نمی شد تجلیل بعمل می آوردند ، و لی امروز از برکت انقلاب شور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن می بینیم که از این روز تاریخی همه کارگران زحمتکش کشور در تحت رهبری حزب پیش آهنگ خود یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تجلیل بعمل می آورند و این

روز عظیم و تاریخی را گرامی داشته همبستگی بین المللی خود را با سایر کارگران جهان ابراز می دارند .

اهداف و اعمال دولت انقلابی خویش پیش از پیش یی ببریم و در صف مدافعین راستین آن قرار بگیریم و نگذاریم دشمنان سوگند خورده میهن و انقلاب ما در راه تحقق آرمان های حزب و دولت و رشد و تکامل انقلاب شکوهمند شور سنگ اندازی نمایند و ممانع پیروزی ما مزید ما گردند .

محمد مهدی «حیدر زاده» معاون فنی شعبه طبع حروفی کارگری است که از سال ۱۳۲۴ در شعبه مذکور بکار آغاز نموده یکی از فارغ التحصیلان سال ۱۳۲۳ مکتب میخا نیکی کابل می باشد .

این کارگر دو ران ساز که ۳۶ سال تجربه کار دارد خیلی آهسته حرف می زند اما صمیمانه راجع به تحولات اخیریکه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور در زندگی وی بسیار آمده است میگوید :



محمد مهدی معاون شعبه طبع حروفی ۳۶ سال تجربه کار دارد .

قبل از انقلاب مردمی مردم افغانستان نه تنها معاشات ما کم و ماکولات ما کمتر از ماکولات ما موران دولت بود بلکه دستمزد ما نیز مورد استعمار بیرحمانه قرار میگرفت بدین معنی که ساعات کارگران زیاد بود و مزد ها کم ، هر چند برای اجرای مسئول اضافه کاری خود به مقامات مربوط عرایضی تقدیم می داشتیم نتیجه شبیتی از آن حاصل نمی شد و لی امروز وضع به شکل قابل ملاحظه یی به نفع ما کارگران تغییر کرده است ، دولت انقلابی ما در پهلوی آنکه معاشات کارگران و اجیران دولت را افزایش بخشیده است ، ماکولات آنها نیز با ماکولات ماموران مساوی ساخته است برای کارگرانیکه خارج از وقت رسدی کار می کنند حق اضافه کاری قایل گردیده پول اضافه کاری ما را مطابق به ساعات کار انجام شده به شکل بسیار عادلانه می پردازد .

می پرسیم : می توانید بگویند رویه آمرین و کارفرمایان شما پس از پیروزی انقلاب



شماره ۶-۷
سال ۳۳
قیمت یک شماره (۱۳) افغانی

شنبه ۱۹ ثور ۱۳۶۰
۹-۱-۱۹۸۱

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**